

✱ تلمود در کلام رهبر دینی کلیمیان ایران

✱ کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها»

✱ عرفان یهود و اشعار فارسی

✱ محله اودلاجان و کنیسای عزرا یعقوب

✱ روایت یهودیان مشهدی

✱ بررسی فیلم موسی کلیم الله

✱ فارسی‌سپه‌دخوانی

✱ تقویم عبری - فارسی «امید»

✱ #یهودی‌عاشق‌ایران

اینجانب به نمایندگی از جامعه کلیمیان ایران، با قلبی آکنده از اندوه و خشم، شهادت ملکوتی رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (ره) را خدمت تمام هموطنان عزیز و مسلمین جهان تبریک و تسلیت عرض می‌نمایم.

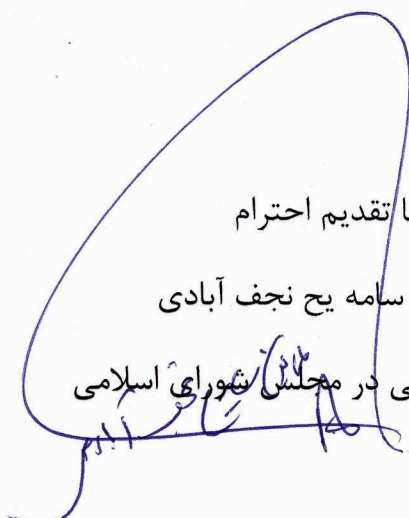
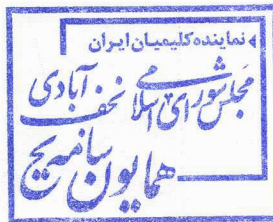
رهبری بی‌مانند که تا آخرین قطره خون، مشغول اجرای امور کشور بودند و مظلومانه همراه با جمعی از سران لشکری و کشوری جان خویش را فدای ملت ایران نمودند.

خشم غلیان یافته از این اقدام ددمنشانه دشمن آمریکایی - صهیونیستی که بار دیگر خوی توحش خود را عریان تر از همیشه و بیش از پیش نمایان ساخت، بی تردید طوفانی خواهد شد که بر سر عاملان و مجریان آن خواهد تاخت و مستکبران را از این عملکرد خود به سختی پشیمان خواهد ساخت.

با تقدیم احترام

همایون سامریج نجف آبادی

نماینده ایرانیان کلمبی در مجلس شورای اسلامی

فرهنگی، اجتماعی، خبری  
ارگان انجمن کلیمیان تهران

شماره ۶۱ - سال بیست و ششم

زمستان ۱۴۰۴ خورشیدی

ادار ۵۷۸۶ عبری

مارس ۲۰۲۶ میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران  
مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یخ نجف‌آبادی  
سر‌دبیر: آر‌ش آبائی

اجراء، صفحه‌آرایی و طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان  
مدیر داخلی - تایپ: بهاره برخوردار

### هیئت تحریریه:

آتوسا آرمین - شرگان انورزاده - لئا دانیالی - رحمن دلرحیم  
المیرا سعید - لیورا سعید - امید محبتی مقدم - مهران ملک  
دوریتا معلمی - الهام مؤدب - امیر فراز نعیموت - مرجان یشایایی  
مژده یمینیان.

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی: ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نامبر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: [bina126@iranjewish.com](mailto:bina126@iranjewish.com)

پایگاه اینترنتی: [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)

کانال نشریه: @ofog\_bina

- ◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
- ◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نام نویسنده بلامانع است.
- ◆ طرح داخل پشت جلد: اینفوگرافیک علمی ریاضیاتی تقویم عبری، مردخای امین شموئلیان (مقاله‌ی صفحه‌ی ۱۹)
- ◆ طرح پشت جلد: رقص سیمرغ، فرزاد فروزانفر (مقاله‌ی صفحه‌ی ۲۶)

افق بی‌نا - אפק בינה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است.

## فهرست

- پیام‌های تسلیت ۲/
- سرمقاله: کلیمیان ایران و پایداری ملی / همایون سامه‌یخ / ۴/
- تاریخ و فرهنگ
- تلمود در کلام رهبر دینی کلیمیان ایران / آر‌ش آبائی / ۵
- واژگان ایرانی میانه در تلمود بابلی (بخش یکم) / آزاده احسانی / ۹
- پنجره‌ای نو در مجموعه‌ی تلمود پژوهی / آر‌ش آبائی / ۱۰
- معرفی کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها» / امید محبتی مقدم / ۱۱
- کتاب‌ها و یهودیان ایران / لئا دانیالی / ۱۳
- معرفی کتاب تاریخ قوم یهود در اصفهان / یاسمن غنی / ۱۵
- بهترین اوقات من؛ تازه‌های کتاب‌های صوتی / شرگان انورزاده / ۱۷
- تقویم عبری «امید»؛ مصاحبه با مردخای امین شموئلیان / آر‌ش آبائی / ۱۹
- کتابت عبری؛ مصاحبه با یورام عزیز / آر‌ش آبائی / ۲۴
- عرفان یهود و اشعار فارسی / فرزاد فروزانفر / ۲۶
- درآمدی بر جنبش حسیدیسیم / ساسان پیرفلک / ۳۱
- احترام و قداست کنیسا / داریوش پاچالی / ۳۲
- کنیسای ربیع‌زاده‌ی شیراز / الناز حق‌شناس / ۳۳
- محله‌ی اودلاجان و کنیسای عزرا یعقوب / مهران ملک / ۳۹
- آنچه در کنیسای قاجاری عزرا یعقوب اتفاق افتاده / مرجان یشایایی / ۴۱
- حمام کشوریه / المیرا سعید / ۴۵
- شمع‌های خاموش؛ روایت یهودیان مشهدی / یاسمن غنی / ۴۷
- نقد و بررسی فیلم موسی کلیم‌الله / آر‌ش آبائی / ۵۷
- بخشی از فیلم‌نامه‌ی موسی کلیم‌الله / فرج‌الله سلحشور / ۶۰
- تقدیر نماینده‌ی کلیمیان از کارگردان فیلم موسی کلیم‌الله / ۶۷

## اندیشه و اجتماع

- دختران ایران / الهام مؤدب / ۷۴
- # یهودی\_عاشق\_ایران / انیما حاسید / ۷۶
- یادى از دکتر منوچهر صیونیت / مژده یمینیان / ۷۸
- عمران فروغی‌مهر، جلوه‌ی زیست شرافتمندانه / امیر فراز نعیموت / ۸۰
- طرد اجتماعی؛ زخمی پنهان، دردی ماندگار / رابرت فرنام / ۸۱
- از نظر روانی اجتماعی چقدر رشد کرده‌اید؟ / لیورا سعید / ۸۳
- بازی یا زخم زدن؟ / دوریتا معلمی / ۸۶
- نقش قانون در پیشرفت جوامع مدرن / امیر فراز نعیموت / ۹۹

## ادبیات و هنر؛ گوناگون

- اشعار شاهین تورا (قسمت سوم) / ۶۹
- فارسی‌هود خوانی / الناز حق‌شناس / ۷۰
- موسیقی میزراحی / سعید دهقانی / ۷۳
- اتاق درمان / طنز شیپورچی / ۸۸
- تغذیه‌ی سالم در شب‌ات / مژده یمینیان / ۹۰
- زن «اُشت حَئیل» / لئا دانیالی / ۹۴
- نامه‌ی بی‌نقطه / رحمن دلرحیم / ۹۶
- خنده کن / رحمن دلرحیم / ۹۷
- امید / شرگان انورزاده / ۹۸
- محبت / مژده یمینیان / ۹۸
- نقاشی از هنر تا درمان / الهام مؤدب / ۱۰۱

## گزارش و اخبار

- گزارش کارگاه‌های آموزشی / لیورا سعید / ۱۰۶
- غرفه‌ی کلیمیان در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ / ایلین میشاعلیان / ۱۰۸
- گزارش بزرگداشت فرهنگ انگلیسی-فارسی سلیمان حییم / ۱۱۰
- جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز یهودی شیراز / ۱۱۱
- همایش جوانان کلیمی در اصفهان / ۱۱۲
- تقدیر از مهندس فرهیخته‌ی کلیمی: کامیار یادگاران / ۱۱۳
- گزارش ۶۰ شماره نشریه افق بی‌نا / آر‌ش آبائی / ۱۱۴
- گزیده‌ی اخبار روابط عمومی انجمن / ۱۲۰

جامعه‌ی کلیمیان ایران، با تأثر فراوان شهادت مقام معظم رهبری،

حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را تسلیت گفته و بر روح والای ایشان درود می‌فرستد.

همچنین کلیمیان ایران با آرزوی ایرانی سربلند و پر افتخار،

انتخاب شایسته‌ی حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای را

به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران گرامی می‌دارند.

בעזרת ה' יתברך - ב'תאם ח'דא

Hakham Dr. Y. Hamami Lalezar  
Nasi of the Central Bet-Din of Tehran, Iran  
The Chief Rabbi of Iran  
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰  
شماره: ۷۵۵

חכם ד"ר יונה חמאמי לאלהזאר  
נשיא לבית דין צדק מרכזי ליהודי איראן - טהראן  
חאחאם דקטר יונס חמאמי לאלהזאר  
رهبر دینی کلیمیان ایران  
בס"ד

לא ידעו ולא יבינו בחשכה יתהלכו תהלים פב:ה

افراد شریر نمی‌دانند و درک نمی‌کنند در تاریکی گام برمی‌دارند. مزامیر ۸۲:۵

شهادت پر افتخار زعیم عالیقدر، رهبر فرزله، امام خامنه‌ای (ره) را به بیت عظیم الشان ایشان، ملت شریف ایران و همه آزادگان جهان تسلیت عرض می‌نمایم. هرچند فقدان ایشان ضایعه بزرگ و جبران ناپذیری برای ملت ایران می‌باشد، ولی مسلماً مردم حق شناس ایران، پاسدار خون، رهنمودها و راه ایشان خواهند بود و با استقامت و دفاع جانانه خود، پوزه‌ی همه دشمنان را به خاک خواهند مالید.

این بار نیز آمریکای جنایتکار با همکاری رژیم صهیونیستی، با حمله‌ی ناجوانمردانه و نابخردانه، خود را بیش از پیش در منجلاب سقوط فرو برد و بر خلاف همه‌ی قوانین بین‌المللی، حین مذاکره دست به جنایتی فجیع زد که این رفتار از طرف همه‌ی ملت‌های آزاده محکوم می‌گردد و مطمئناً پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ی از طرف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دریافت خواهد کرد.

با آرزوی پیروزی ملت ایران و برقراری صلح و آرامش در جهان

با تقدیم احترام

حאחאם דקטר יונס חמאמי לאלה זאר  
رهبر دینی کلیمیان ایران



Email: hah@hah.com.il  
Tel: +98 09123722649

## بیانیه نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس پس از شهادت رهبر انقلاب: بر اساس سنت‌های الهی و تعالیم ادیان توحیدی، حق بر باطل پیروز خواهد شد

نمایندگان اقلیت‌های دینی مجلس با صدور بیانیه‌ای ضمن تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب، بر ضرورت حفظ وحدت، همدلی و ایستادگی یکپارچه تمامی آحاد ملت ایران تأکید کردند. متن بیانیه نمایندگان اقلیت‌های دینی در پی شهادت رهبر انقلاب به شرح زیر است:

به نام خدا

شهادت مظلومانه رهبر فرزانه و فرماندهی کل قوا، حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (قدس سره)، و نیز شهادت جمعی از فرماندهان، هم‌وطنان و دانش‌آموزان بی‌گناه میناب که در نتیجه تجاوز آشکار و اقدام جنایتکارانه دولت ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست، موجی از اندوه و تأثر عمیق در میان ملت شریف ایران و تمامی آزادگان جهان برانگیخت.

این شهیدان سرافراز، با ایمان راسخ و روحیه‌ای سرشار از ایثار، جان خویش را در راه صیانت از عزت، استقلال و سربلندی ایران نثار کردند و نام خویش را در زمره مدافعان راستین کرامت انسانی و ارزش‌های الهی جاودانه ساختند. بی‌تردید، خون پاک آنان نه تنها موجب تضعیف اراده ملت ایران نخواهد شد بلکه بر انسجام ملی، همبستگی عمومی و عزم راسخ ملت در پاسداری از آرمان‌های والای الهی و ملی خواهد افزود.

ما، نمایندگان ادیان توحیدی در مجلس شورای اسلامی، ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های معظم شهدا و ملت بزرگ ایران، این اقدام جنایتکارانه و نقض فاحش اصول مسلم حقوق بین‌الملل را قویاً محکوم می‌کنیم و آن را مصداق بارز تجاوز و نقض حاکمیت ملی یک کشور مستقل می‌دانیم.

در این مقطع حساس، با ادای احترام به رشادت‌ها و جانفشانی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دفاع از کیان کشور و حفظ امنیت و آرامش ملی، بر ضرورت حفظ وحدت، همدلی و ایستادگی یکپارچه تمامی آحاد ملت ایران تأکید می‌ورزیم. ما بر این باور راسخ تأکید می‌کنیم که بر اساس سنت‌های الهی و تعالیم ادیان توحیدی، حق بر باطل پیروز خواهد شد و عزت و سربلندی، سرانجام از آن ملت‌های مقاوم، مؤمن و حق‌طلب خواهد بود.

این بیانیه به امضای همایون سامه‌یح نجف آبادی نماینده کلیمیان کشور، گقارد منصوریان نماینده ارامنه اصفهان و جنوب ایران، آرا شاوردیان نماینده ارامنه تهران و شمال کشور، شارلی انویه تکیه، نماینده مسیحیان آشوری و کلدانی کشور و بهشید برخوردار نماینده زرتشتیان کشور رسیده است.



## کلیمیان ایران و پایداری ملی

دکتر همایون سامه‌یح نجف‌آبادی

مدیر مسئول مجله، رئیس انجمن کلیمیان تهران و نماینده‌ی ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی

در روزهایی که منطقه با تنش‌ها و نااطمینانی‌های تازه‌ای روبه‌روست، بیش از هر زمان دیگری نیاز به نگاهی عمیق‌تر و چندلایه به مفهوم «پایداری ملی» احساس می‌شود. تحولات نظامی، هرچند در ظاهر با محاسباتی کوتاه‌مدت و اهدافی مشخص آغاز می‌شوند، اما در عمل تابع مجموعه‌ای از عوامل پیچیده‌اند که فراتر از برآوردهای اولیه عمل می‌کنند. تجربه‌ی درگیری‌های گذشته نشان داده است که تصور دستیابی سریع به اهداف، اغلب با واقعیت‌های میدانی و ظرفیت‌های متقابل سازگار نیست و معادلات، در بستر زمان و در تعامل با متغیرهای گوناگون شکل می‌گیرند.

در چنین شرایطی، جایگاه کشورهایی که از پشتوانه‌های راهبردی و موقعیت ژئوپلیتیک ویژه برخوردارند، اهمیت مضاعفی می‌یابد. ایران، به‌واسطه‌ی موقعیت جغرافیایی خود و اشراف بر گذرگاه‌های حیاتی همچون تنگه هرمز، همواره در کانون توجه تحولات منطقه‌ای قرار داشته است. این موقعیت، در کنار توانمندی‌های دفاعی و زیرساختی، موجب شده که هرگونه تحلیل درباره آینده‌ی این تحولات، نیازمند نگاهی واقع‌بینانه و به‌دور از ساده‌سازی باشد.

با این حال، آنچه در بسیاری از تحلیل‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش سرمایه‌ی اجتماعی و انسجام درونی جامعه است. تاریخ ایران گواه آن است که در بزنگاه‌های حساس، همبستگی میان اقشار گوناگون مردم، به عاملی تعیین کننده در عبور از بحران‌ها تبدیل شده است. این همبستگی، صرفاً به یک گروه یا یک طیف محدود نمی‌شود، بلکه حاصل مشارکت همه اقوام، فرهنگ‌ها و ادیان گوناگونی است که در طول قرن‌ها، در کنار یکدیگر زیسته و هویت مشترکی را شکل داده‌اند.

در این میان، جامعه‌ی کلیمیان ایران جایگاهی قابل تأمل دارد. این جامعه که ریشه‌های حضورش در این سرزمین به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد، همواره بخشی از بافت فرهنگی و اجتماعی ایران بوده است. در دوره‌های مختلف، از عرصه‌های علمی و فرهنگی گرفته تا مقاطع حساس تاریخی، کلیمیان ایران در کنار دیگر هم‌میهنان خود حضور داشته و سهم خود را در حفظ و تداوم این همزیستی ایفا کرده‌اند. این حضور، بیش از آنکه در قالب شعار تعریف شود، در بستر زندگی روزمره و تجربه مشترک تاریخی معنا پیدا کرده است.

تأکید بر نقش اقلیت‌ها، در واقع تأکید بر یک واقعیت بنیادین است: پایداری یک جامعه، زمانی تضمین می‌شود که همه‌ی اجزای آن، خود را در سرنوشت مشترک سهیم بدانند. در شرایطی که فضای منطقه‌ای با عدم قطعیت همراه است، این حس تعلق و مسئولیت جمعی، می‌تواند به عاملی آرام‌بخش و در عین حال تقویت‌کننده تبدیل شود.

در نهایت، آنچه از دل این تحولات باقی می‌ماند، نه صرفاً نتایج کوتاه‌مدت سیاسی، بلکه کیفیت پیوندهایی است که میان مردم شکل گرفته است. انسجام اجتماعی، همدلی میان اقوام و ادیان، و مشارکت فعال همه گروه‌ها - از جمله کلیمیان ایران - سرمایه‌ای است که در گذر زمان، ارزش و اهمیت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تداوم و پایداری جامعه، باقی خواهد ماند.



## تلمود در کلام

### رهبر دینی کلیمیان ایران

گفتگو با حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار  
به مناسبت سه دهه تدریس تلمود

آرش آباتی

۱۳۵۹ با خانواده به تهران مهاجرت کردیم. از سال ۱۳۶۱ به-  
طور جدی پیگیر تحصیلات دینی شدم و در آن سال‌ها چندین  
سفر به شیراز جهت حضور در جلسات درسی علمای یهود  
داشتیم. با فراگیری دروس دینی از جمله تورات و تفاسیر آن،  
تلمود (میشنا و گمارا) و مجموعه احکام شرعی، سرانجام موفق  
به دریافت مقام حاخامی گشتم.

در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ در محافل درس در کنیسه ابریشمی  
که تحت عنوان گروه «تلمود تورا» از چند دهه قبل با مدیریت  
حاخام‌ها و استادان دیگر فعال بود، حضور و تدریس داشتم اما  
به‌خاطر شرکت در دوره‌ی سربازی و طرح پزشکی، حضورم  
مستمر نبود. از مهرماه ۱۳۷۴ کلاس‌های مباحث یهودیت را  
به‌طور مستمر در کنیسه‌ی ابریشمی تهران تشکیل دادم و به  
تدریس منظم و روشمند پرداختم.

• چند سال است که تدریس می‌کنید و درس‌های شما چه

موادی را شامل می‌شود؟

اکنون ۳۰ سال است که این کلاس‌های درس بدون وقفه



حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار، مرجع و رهبر دینی  
جامعه یهودیان ایران است. وی که متولد ۱۳۴۶ است، در سال  
۱۳۷۱ مدرک دکترای عمومی و در سال ۱۳۸۰ مدرک تخصص  
داخلی را از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی اخذ نمود. او  
بخصوص از سال ۱۳۶۱ همزمان با تحصیلات عمومی،  
تحصیلات مذهبی خود را آغاز نمود و نزد چندین حاخام معروف  
به‌ویژه حاخام اوریتل داویدی و هاراو اسحاق بعلنث به مطالعه  
تورات و تلمود پرداخت. دکتر حمای در سال ۱۳۸۶ به درجه‌ی  
حاخامی رسید و توسط حاخام یوسف همدانی کهن (رهبر دینی  
پیشین یهودیان ایران) مورد تأیید قرار گرفت و از سال ۱۳۹۵  
به عنوان رئیس بت دین (دارالشرع) و رهبر دینی کلیمیان ایران  
برگزیده و به مراجع قانونی معرفی گردید.

تدریس یهودیت و راهنمایی پایان‌نامه‌ها در دانشگاه‌ها،  
ویرایش و تالیف کتب و مقالات متعدد در حوزه یهود، ترجمه‌ی  
«سیدور» (کتاب نماز یهود)، تالیف کتب درسی مدارس  
کلیمیان و سرویراستاری فرهنگ لغات فارسی-عبری سلیمان  
حییم از جمله فعالیت‌های علمی اوست. حاخام حمای از سال  
۱۳۷۴ به‌طور مستمر به تدریس علوم دینی یهود و تلمود در  
کنیسه‌ی ابریشمی تهران مشغول شد.

به مناسبت سی‌امین سال تدریس تلمود، گفتگویی با  
ایشان داشتیم.

\*\*\*

• به عنوان مقدمه، از آموختنه‌های خود بفرمایید و از چه

زمانی تدریس علوم دینی را آغاز نمودید.

از آنجاکه متولد یزد هستم و یزد شهری مذهبی است،  
آموزش‌های اولیه‌ی دینی را در آن شهر فرا گرفتم و در سال

تلمودی با تلاش بسیار همراه بود، اما امروزه با در اختیار داشتن لغتنامه‌ها و ترجمه‌های عبری و انگلیسی از متن آرامی تلمود همانند کتب «شوت‌اشتاین<sup>۱۰</sup>» و «متیوتا<sup>۱۱</sup>» و نرم‌افزارهای اینترنتی، فراگیری تلمود بسیار آسان‌تر از گذشته شده است.

• **برای فراگیری تلمود چه پیشنهادی لازم است؟**

گمارا (تلمود)، توضیح دهنده‌ی میشنا (به زبان آرامی شرقی) است، و میشنا، تفسیر و شرح ۶۱۳ احکام شرعی تورات (به زبان عبری) است. علاوه بر این، تلمود به شرح احکام وضع شده توسط حاخام‌ها (علاوه بر احکام مصرح در متن تورات) و مباحثات فقهی علما می‌پردازد که نسخه‌ی بابلی آن در حدود سال ۵۰۰ میلادی تدوین شده است. لذا یک طلبه‌ی تلمودی لازم است از دانش اولیه‌ی فهم تورات و تنخ، احکام شرع و اصول اعتقادی یهود، در کنار تسلط بر زبان‌های عبری و آرامی برخوردار باشد. همچنین آگاهی از اصول (۳۲ گانه یا ۱۳ گانه) فقهی استخراج حکم شرعی از متن تورات نیز جزو ضروریات فهم تلمود است.

• **آیا فراگیری ۳۷ رساله تلمود، ترتیب و اولویت خاصی دارد؟**

برای آموزش ۳۷ رساله تلمود ترتیب خاصی وجود ندارد. اما معمولاً از رساله‌ی «پراخوت<sup>۱۲</sup>» (برکت‌ها) شروع می‌شود که مباحثات و اختلاف نظرهای فقهی مطرح شده در آن کمتر است و بیشتر به احکام عبادی معطوف است. در پیشواها (دارالعلم‌های دینی) معمولاً دو سدر (جلد) از تلمود در اولویت آموزش قرار دارد: ۱- «ناشیم<sup>۱۳</sup>» (زنان) درباره‌ی احکام ازدواج و طلاق و روابط زوجین، و ۲- «نزیقین<sup>۱۴</sup>» (خسارات) درباره‌ی قوانین قضایی و جنایی و نحوه‌ی داوری که مورد استفاده‌ی دادگاه‌های شرعی یهود است. لذا در پیشواهای خارج از ایران آموزش تلمود معمولاً با سدر نزیقین و رساله‌ی «باوا مِصیعا<sup>۱۵</sup>» آغاز می‌گردد.

و مستمر ادامه دارد. غیر از روزهای جمعه و شنبه و مناسبت‌های شرعی، هر روز و تمام سال این دوره‌ها برقرار بوده است. مواد درسی عبارت است از: خوانش تورات و بخش‌هایی از کتب تنخ (عهدعتیق) همراه با تفاسیر آن؛ کتاب‌هایی در حوزه‌ی اخلاق (موسار) و ایمان یهودی (امونا)؛ احکام و شریعت یهود (هالاخا) از کتب مرجع مانند «شولحان عاروخ<sup>۱</sup>»، «میشنا پرورا<sup>۲</sup>» و «یلقوت یوسف<sup>۳</sup>»؛ و بخش اساسی آموزش شامل میشنا<sup>۴</sup> و گمارا<sup>۵</sup> (تلمود).

در این سال‌ها رسالات میشنا به‌طور کامل خوانده شد (۶۳ رساله در ۶ جلد) و در مواردی یک رساله چند بار مورد خوانش مکرر قرار داشته است. این دروس با تفاسیر «هاراو برطنوراء<sup>۶</sup>» و «توسفوت یوم طوو<sup>۷</sup>» همراه بوده است. حین خوانش میشنا، احکام مربوط به آن نیز (عمدتاً از مجموعه‌ی «شولحان عاروخ») مورد بحث قرار گرفت.

همچنین خوانش گمارا (تلمود) جزو مباحث درسی بوده است که تاکنون از ۳۷ رساله‌ی تلمود بابلی، ۲۳ رساله (مسیخت) آن مورد مطالعه و آموزش قرار گرفته است و در این حوزه نیز برخی از رسالات چند بار به‌طور کامل یا به‌صورت گزیده مورد آموزش مکرر (و در محافل در سایر کنیسه‌ها) قرار داشته است.

• **روش تدریس تلمود چگونه است؟ آیا تفاسیر و حواشی آن را نیز شامل می‌شود؟**

روش تدریس تلمود بر اساس الگوی تدریس استادام «هاراو بعلنث» است که متن اصلی به همراه توضیحات و تفاسیر «راشی<sup>۸</sup>» و «توسافوت<sup>۹</sup>» خوانده می‌شود و ضمن آن در هر بند از متن، حکم شرعی منتج از آن نیز از کتب «هارامبام (موسی ابن میمون)» و «شولحان عاروخ» بررسی می‌گردد. خوشبختانه در دوران اخیر امکانات تدریس و متون مطالعاتی پیشرفت کرده است. در سال‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ حتی از داشتن لغتنامه‌ی آرامی محروم بودیم و خوانش متون

۱ شولحان عاروخ : مرجع احکام شرع یهود در ۴ جلد  
۲ مشנה برורה  
۳ یلکوت یوسف  
۴ مشנה  
۵ گمارا  
۶ برتینورا  
۷ تוספות یوم טוב  
۸ رشی

۹ תוספות

۱۰ Schottenstein  
۱۱ Talmud Bavli Metivta

۱۲ ברכות  
۱۳ סדר נשים (דיני משפחה)  
۱۴ סדר נזיקין  
۱۵ בבא מציעא

و برای تکمیل مباحثات تلمود بابلی گاه به آن مراجعه می‌شود.

• با گذشت سی سال از شروع تدریس تلمود، برنامه شما

برای سال‌های پیش رو چیست؟

برنامه‌ی آینده‌ی دوره‌های مورد تدریس من، ادامه‌ی همین مباحث با تعداد بیشتری از علاقمندان در همه‌ی رده‌های سنی است. این دوره‌ها لزوماً با هدف رسیدن به سطح حاخامی برگزار نمی‌شود، بلکه هدف اصلی، آگاهی بخشیدن به اقشار مختلف جامعه‌ی کلیمی در حوزه‌ی شریعت یهودی و بهبود وضعیت زندگی هر فرد طبق اصول دین یهود است.

• در پایان گفتگو، لطفاً نمونه‌ای از محتوای مباحث رساله‌ی

بِراخوت از تلمود بابلی را تشریح بفرمایید.

میشنای براخوت (برکت‌ها) اولین رساله از بخش زراعی<sup>۱۶</sup> (بذرها؛ نخستین جلد میشنا) و تنها رساله از این بخش است که در تلمود بابلی گنجانده شده و در حدود سال‌های ۱۹۰ تا ۲۳۰ میلادی تدوین شده است. این رساله شامل ۹ فصل است که عمدتاً به بحث در مورد قوانین نماز و دعاها می‌پردازد و به‌خصوص بر احکام قرائت متن عبادی «شَمَع بייسرائل<sup>۱۷</sup>» (تورات، تثنیه، فصل ۶)، «عَمידا<sup>۱۸</sup>» («أَحْش<sup>۱۹</sup>»): بخش اصلی نمازهای سه‌گانه یهودیان) و «براخا<sup>۲۰</sup>»ها (ادعیه‌ی مختلف با موضوع شکر نعمات، از جمله دعاها‌ی شکرانه‌ی خوراکی‌ها، و اهمیت «کوانا<sup>۲۱</sup>» (نیت) در هنگام ادای دعاها تمرکز دارد.

در ادامه نمونه‌ای از ترتیب بحث تلمودی می‌آید؛ بدین صورت که ابتدا بر مبنای آیه‌ای از تورات، یکی از احکام مربوط به آن در میشنا بیان می‌شود و متعاقب آن در گمارا (تلمود)، فلسفه و جزئیات صدور آن حکم در میشنا مورد بحث علما قرار می‌گیرد:

بخش اول) در تورات (تثنیه، فصل ۶ آیات ۴ تا ۷) فرمان قرائت متن ایمانی «شَمَع<sup>۲۲</sup>» در صبح و عصر بیان شده است:

שְׁמַע יִשְׂרָאֵל ה' אֱלֹהֵינוּ ה' אֶחָד: וְאֶהְיֶה אִתְּךָ ה' אֱלֹהֶיךָ בְּכָל־לְבָבְךָ וּבְכָל־נַפְשְׁךָ וּבְכָל־מְאֹדְךָ: וְהָיוּ הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה אֲשֶׁר אָנֹכִי מְצַוְךָ הַיּוֹם עַל־לְבָבְךָ: וְשָׁנַתָּם לְבָנֶיךָ וּדְבַרְתָּ בָם בְּשַׁבְתְּךָ בְּבֵיתְךָ וּבְלִקְתְּךָ בְּדַרְךָ וּבְשַׁכְבְּךָ וּבְקוּמְךָ:

ای بنی اسرائیل بشنو: خداوند خالق ما، خداوند یکتاست. پس

رساله‌ی براخوت هم در ترتیب میشنا و گمارا اولین است و هم مفاهیم آن کاربردی‌تر و در عین حال ساده‌تر است. در ایران آموزش تلمود را با این رساله شروع کردیم. پس از آن رساله، ما در کلاس‌های خود بیشتر طبق علایق و آمادگی ذهنی شرکت‌کنندگان به خوانش سایر رسالات پرداختیم.

• طی سی سال تدریس، حدوداً چند نفر در دوره‌های شما

به‌طور جدی و هدفمند حضور یافتند؟ چند نفر تحت

نظر شما به مقام حاخامی دست یافتند؟

طی این سی سال، افراد بسیار زیادی در کلاس‌ها شرکت کردند. اما این حضور کاملاً داوطلبانه بوده و الزامی بر ثبت‌نام یا حضور و غیاب و اتمام دوره‌ها نبوده است. البته در این میان عده‌ای کاملاً منظم و پیگیرانه در کلاس‌ها شرکت کردند، که تعدادی از آنها مدرس و دبیر در حوزه‌ی یهودیت شدند، برخی به خارج از کشور مهاجرت کردند و در امریکا درجه‌ی حاخامی کسب نمودند و ۹ نفر نیز چند سال پیش در ایران با گذراندن آزمون‌های متعدد، حایز مقام حاخامی شدند. هم‌اکنون نیز جمعی دیگر از دانش‌آموختگان این دوره‌ها در تهران، اصفهان و شیراز در حال گذراندن آزمون‌های خاص هستند تا پس از آن عنوان حاخامی را کسب نمایند.

• ارزش فراگیری تلمود از چه جهت است؟

ارزش فراگیری تلمود، آگاهی بر فقه یهود و جزئیات آن است و فردی که تلمود می‌آموزد، نگاهی دقیق‌تر و جامع‌تر درباره‌ی احکام شرع و ریشه‌ها و ساختار آن پیدا می‌کند و قدرت تحلیل و استدلال در مسائل دینی را نیز کسب می‌کند. تسلط بر تلمود، در تصمیم‌گیری امور شرعی و حتی صدور فتوا در مسائل جدید بسیار موثر است. تلمود، «تورات شفاهی» تلقی شده و پس از متن تورات و سایر کتب تنخ (که تورات کتبی نامیده شده)، مرجعی مهم برای فهم شریعت و روش مواجهه با شرایط جدید فقهی است.

• آیا تابحال به مطالعه یا تدریس رسالاتی از تلمود

اورشلمیمی نیز پرداخته‌اید؟

تلمود اورشلمیمی تاکنون تدریس نشده اما به‌صورت موردی

<sup>۲۱</sup> کوانا

<sup>۲۲</sup> «شَمَع» به معنای «بشنو» کلمه‌ی آغازین این متن معروف از تورات است و با آن واژه شناخته می‌شود.

۱۶ ددر זרעים  
۱۷ שְׁמַע יִשְׂרָאֵל  
۱۸ עֲמִידָה  
۱۹ אֶחָשׁ  
۲۰ בְּרַכָּה

خداوند خدای خود را به تمامی جان و تمامی قلب و قوت خود محبت نما. و این سخنانی که من امروز تو را امر می‌فرمایم بر دل تو باشد. و آنها را به پسرانت به دقت تعلیم نما و حین نشستنت در خانه و رفتنت به راه و در وقت خوابیدنت و برخاستنت از آنها گفتگو نما.

بخش دوم) میشنا ۳:

مَایمِتی کورین اَت شَمع بَعَرَبِیت. مَشْعَه شَهَدَهِنِیم بکنسِیم لِأَکُل بَهَرِومِکَمَن، عَد سِوَف هَآشَمِوَرَه هَرَاشِوَنَه، دَجَرِی رِبِی اَلیَعِوَر. وَهَکَمِیم اَوَمِرمِیم، عَد حِضَوت. رِجَن وَگَمَلِیَا ل اَوَمِرو، عَد شِیَعَلَه عَمود هَشَحَر.

سوال: از چه زمانی {متن} «شَمع» را در نماز شامگاه (عرویت) می‌خوانند؟

پاسخ: از زمانی که کاهنان برای تناول «تروما»<sup>۲۴</sup> هایشان ورود می‌کردند. و (پایانش) تا پاس اول شب است (ثلث اول شب)، این نظر ربی الیغیر است. و حاخام‌ها می‌گویند (پایانش) تا نیمه‌ی شب است. رِبَان گَمَلِیل می‌گوید، تا طلوع سپیده‌ی صبح (مجاز است به خواندن آن متن).

بخش سوم) گمارا ۲۵:

گَمَر تَنَاه هِیکَا کَآی دَقَهَنِی «مَایمِتی»؟ وَتَه: مَای شَناه دَقَهَنِی بَعَرَبِیت جَرِیشَا؟ لَهَنِی دَشَحْرِیت جَرِیشَا!

تَنَاه اَقَرَا کَآی، دَقَتِیب: «بَشَکَبَد وَبِکِوَمَد». وَهَکِی کَقَهَنِی: زَمَن کَرِیَاَت شَمع دَشِکِیَه اِیمَت؟ — مَشْعَه شَهَدَهِنِیم بکنسِیم لِأَکُل بَهَرِومِکَمَن. وَآی بَعِیت اِیمَا: یَلِیَف مَجَرِیتِو شَل عِوَلَم، دَقَتِیب: «وِیَهی یَرَب وَیَهی بَقَر یِوَم اَقَد».

گمارا: سوال: تَنَّا (معلم میشنا) در چه موضعی قرار دارد که چنین میشنایی را ذکر می‌کند با مضمون «از چه زمانی»؟ (که فرض را بر پذیرفته بودن لزوم قرائت شمع و نماز شامگاه می‌داند و پرسش را از زمان خواندن آن شروع کرده است). و علاوه بر این: چرا بحث را با ذکر میشنای خواندن عرویت (نماز شامگاه) شروع کرده است؟ به‌جای آن که از شَحْرِیت (نماز صبح) شروع کند؟

مَایمِتی فرخ راهشَن بَرَبِیت

مَایمِتی فرخ راهشَن بَرَبِیت: مَشْعَه شَهَدَهِنِیم بکنسِیم لِأَکُل بَهَرِومِکَمَن، عَد سِوَف هَآشَمِوَرَه هَرَاشِوَنَه، دَجَرِی رِبِی اَلیَعِوَر. وَهَکَمِیم اَوَمِرمِیم، عَد حِضَوت. رِجَن وَگَمَلِیَا ل اَوَمِرو، عَد شِیَعَلَه عَمود هَشَحَر.



مَایمِتی فرخ راهشَن بَرَبِیت: مَشْعَه شَهَدَهِنِیم بکنسِیم لِأَکُل بَهَرِومِکَمَن، عَد سِوَف هَآشَمِوَرَه هَرَاشِوَنَه، دَجَرِی رِبِی اَلیَعِوَر. وَهَکَمِیم اَوَمِرمِیم، عَد حِضَوت. رِجَن وَگَمَلِیَا ل اَوَمِرو، عَد شِیَعَلَه عَمود هَشَحَر. ... (The text continues with a detailed explanation of the prayer's structure and meaning, including references to the Targum and other sources.)

مَایمِتی فرخ راهشَن بَرَبِیت: مَشْعَه شَهَدَهِنِیم بکنسِیم لِأَکُل بَهَرِومِکَمَن، عَد سِوَف هَآشَمِوَرَه هَرَاشِوَنَه، دَجَرِی رِبِی اَلیَعِوَر. وَهَکَمِیم اَوَمِرمِیم، عَد حِضَوت. رِجَن وَگَمَلِیَا ل اَوَمِرو، عَد شِیَعَلَه عَمود هَشَحَر.

صفحه‌ی آغازین رساله‌ی براخوت (برکات)

پاسخ: تنا (معلم میشنا) طبق ترتیب متن آیه تورات، گفته‌ی خود را بیان می‌کند: «در وقت خوابیدنت و برخاستنت». (آیه ابتدا خوابیدن را ذکر کرده و سپس برخاستن از خواب را). و چنین تعلیم می‌دهد: زمان خواندن شَمع در نماز شامگاه چه وقت است؟ (و در جواب می‌گوید: از زمانی که کاهنان برای تناول «تروما» هایشان ورود می‌کردند. و اگر بخواهی، از ترتیب ذکر آفرینش جهان (در تورات) برایت (سند) می‌آورم: که چنین مرقوم است: شب بود و صبح شد، روز اول (آفرینش). (که در این آیه نیز شب بر صبح مقدم شده است).

۲۳ رساله براخوت از سدر زراعیم، فصل اول، میشنای اول  
۲۴ در زمان آبادی معبد بیت المقدس، ساکنان سرزمین مقدس از محصولات کشاورزی و باغ خود، ۲ درصه به کاهنان می‌دادند (که «تروما» نام داشت) که می‌بایست با طهارت شرعی آن را می‌خوردند. بنابراین

واژگان ایرانی میانه در تلمود بابلی (بخش یکم)

رساله‌ی برکات / براخوت (برכות)

دکتر آزاده احسانی<sup>۱</sup>

**مقدمه:** پژوهش در مورد واژگان دخیل از فارسی میانه به تلمود بابلی می‌تواند به مطالعات تاریخ و ساختار زبان فارسی یاری رساند و از دیگر سو دریچه‌ای به تاریخ و چگونگی روابط میان دو جامعه‌ی مذهبی زرتشتی و یهودی بابل ساسانی بگشاید. این که کدام دسته از واژگان از زبان فارسی به تلمود راه یافته‌اند حوزه‌ی پژوهشی جالب توجهی است که می‌توان به یاری آن به بخشی از روابط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی این دو گروه دینی پی برد.

رساله‌ی براخوت (برکات) نخستین رساله از بخش اول تلمود، یعنی بخش زراعی است. در این مجموعه مقالات، حدود ۲۰ واژه‌ی فارسی به کار رفته در این رساله معرفی می‌گردد. در این پژوهش شکل فارسی میانه‌ی واژگان -در صورت کاربرد آنها در متون فارسی میانه‌ی موجود- نشان داده شده است و همچنین چگونگی کاربرد واژگان در جمله، و این که هر واژه به چه حوزه‌ای از تاریخ و فرهنگ اشاره دارد بررسی می‌گردد.

\*\*\*

וְלִשְׁדֵּינָהּ בְּגוֹבְתָא דְפְרוּזְלָא וְלְחַתְמִיהּ בְּגוֹשְׁפַנְקָא  
דְּפְרוּזְלָא. (Ber. 6a)

[خاکستر را] در لوله‌ای آهنین -مهر و موم کرده با انگشتبانک (مهر) آهنین- بریزد. (براخوت، ۶الف)

**گوشپانکا:** انگشت پانگ (gushpanqā)، صورت جمع آن **گوشپانکی** (gushpanqei) می‌باشد. این واژه احتمالاً فارسی میانه یا پارتی است. حرف *q* در پایان بسیاری از واژگان فارسی میانه‌ی دخیل در تلمود به جای پسوند "گ" پهلوی می‌آید و در تلفظ آرامی شرقی "ق" خوانده می‌شود. اصل واژه احتمالاً انگشت پانک *anguštpānak* به معنای انگشت خاتم بوده است. این واژه در زمره‌ی واژگانی با بار رسمی، دولتی و حقوقی است. هجای "ان" از اول و همخوان ت از آخر واژه‌ی انگشت افتاده‌اند. در زبان آرامی قرار گرفتن سه همخوان ساکن در کنار هم بسیار کم سابقه است، به همین علت همخوان "ت" حذف شده است. این واژه در بخش‌های دیگری از تلمود بابلی مانند رساله‌ی گیتین (Gittin 57a 58a) و شبات

(Shabb. 66b) نیز به کار رفته است.

\*\*\*

אָמַר רַבִּין גַּמְלִיאֵל: בְּשִׁלְשָׁה דְבָרִים אוֹהֵב אֲנִי אֶת  
הַפְּרָסִיִּים: (Ber. 8b)

ربی گملیئل گفت: «من پارسیان را در سه چیز دوست دارم» (براخوت، ۸ب)

**پراسییم:** پارسیان (Parsiim)، شکل جمع واژه‌ی پارسی با نشانه‌ی جمع آرامی *im*. در فارسی میانه (Pārsīg).

این واژه در ترکیب با واژگان دیگر مانند «خرمای پارسی»، «زبان پارسی» و ... در تلمود بسیار به کار رفته است. در رساله‌ی براخوت نیز چندین بار واژه‌ی پارسیان به کار رفته است، از جمله بخش ۴۶ب، ۵۶ الف و ۵۹ ب. مثلاً در همین رساله بخش ۲۶ الف اصطلاح «دستشویی‌های پارسی» (בְּרִי כְסָאֵי דְפְרָסָאֵי) نیز به کار رفته است. این واژه نام خاص بوده و به تنهایی اهمیت زبانشناسانه‌ی چشمگیری ندارد، اما هر جا که این واژه به کار رفته است می‌توان مطالب در خور توجهی درباره‌ی تاریخ و فرهنگ ایرانیان آن روزگار را دریافت. برای نمونه در همین جمله اشاره‌ی ربی گملیئل به شیوه‌ی میانه روانه‌ی ایرانیان در امور مطروحه جالب توجه است. نام قوم ماد نیز به صورت (מדי) با تلفظ *mādaï* در تلمود دیده می‌شود. در رساله‌ی پدران از ربی ناتان (Avot d-Rabbi Natan) دو واژه‌ی پارس و ماد همراه یکدیگر آمده‌اند. در این رساله چنین می‌خوانیم: **ואין לך עושר של מדי. ואין לך גבורה כגבורה של פרס.** «و [هیچ] ثروتی همچون ثروت ماد نیست. و [هیچ] قدرتی همچون قدرت پارس نیست».

\*\*\*

אָבֵל לְחַפְלָה -מְהֵרָה. וְעַד כְּמָה? עַד פְּרָסָה.  
(Ber. 10a)

اما برای نماز باید [آب] جست. و تا چقدر [برای جستجو باید رفت]? تا فرسنگی (یک فرسنگ). (براخوت، ۱۵ الف)

**پراسا:** فرسنگ؛ واحد اندازه‌گیری طول (parsa)، در فارسی میانه: *frasang*. این واژه از واژگان مربوط به واحدهای اندازه‌گیری است. معمولاً در هر جغرافیایی استانداردهای ویژه‌ای در حوزه‌ی اندازه‌گیری وجود دارد و طبیعی است که در میان همه‌ی اقوام ساکن در ایران آن روزگار، میزان‌ها و اصطلاحات مشترکی به کار رود.

<sup>۱</sup> دکترای دین، دپارتمان ادیان و فرهنگ‌ها، دانشگاه کنکورדיا، کانادا -

مدرس و محقق تلمود و زبان‌های سامی کهن (آرامی و عبری کتاب مقدس)

باقر طالبی دارابی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴  
نویسنده‌ی کتاب، عالمی یهودی و از تلمودشناسان مشهور  
است و مترجم آن نیز با دقت و امانت‌داری تمام، آن را به فارسی  
برگردانده است. با انتشار این کتاب مهم، بسیاری از دیدگاه‌های  
نادرست درباره‌ی تلمود اصلاح شد.

۳- «اندرز پدران» (پیرقه آووت)، انتشار ترجمه‌های مختلف  
توسط ناشران داخلی جامعه کلیمی و انجمن کلیمیان تهران  
این کتاب، رساله‌ای کم حجم از میشنا است که به گفتارها  
و اندیشه‌های اخلاقی تلمود می‌پردازد. ترجمه‌ی این کتاب اخیراً  
توسط انتشارات حکمت و عرفان و با مشارکت انجمن کلیمیان  
منتشر شده است.

کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها» اثر مهندس امید محبتی  
مقدم (نشر زحل، ۱۴۰۳) را می‌توان جدیدترین متن معتبر در  
این زمینه در ایران به شمار آورد. این کتاب همان‌گونه از نامش  
پیداست، به بررسی شرح حال ۲۲ تن از علمای شاخص پدید  
آورنده‌ی میشنا (لایه‌ی اول یا هسته‌ی تلمود) می‌پردازد و  
بخش‌هایی از گفتارهای ایشان را نیز منعکس می‌نماید. این  
کتاب که جلد نخست آن به تنها (پدیدآوردگان میشنا)  
اختصاص دارد و جلد دوم که در دست تهیه است به امورها  
(پدیدآوردگان گمارا) خواهد پرداخت، هم کتابی است که می-  
توان آن را از ابتدا خواند و به نگاهی جامع نسبت به مولفان  
تلمود دست یافت؛ و هم کتابی است مرجع، که هنگام مطالعات  
تلمودی، برای شناخت عالمی خاص، می‌توان به آن مراجعه  
نمود. نویسنده، در فصل ۲۳ این کتاب نیز به شرح چگونگی  
تدوین میشنا پرداخته است.

بدین ترتیب با انتشار کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها»،  
مجموعه‌ی تلمود پژوهی به زبان فارسی یک قدم دیگر به کامل  
شدن نزدیک‌تر شد.

مهندس امید محبتی مقدم در مقاله‌ای که در ادامه خواهد  
آمد، به شرح محتوای این کتاب و انگیزه و دلایل تالیف آن  
می‌پردازد.

## پنجره‌های نو در مجموعه‌ی تلمود پژوهی

معرفی کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها»  
اثر امید محبتی مقدم

آرش آبائی

تلمود به عنوان تفسیر فقهی تورات و شرح مفصل شریعت  
یهودی، در کنار روایات تاریخی، پس از تورات (تنخ / عهد  
عتیق)، مهم‌ترین متن دینی یهودی است، تا حدی که آن را  
تورات شفاهی نامیده‌اند، در برابر تنخ / عهدعتیق که آن را تورات  
کتبی می‌دانند.

در ایران، از یک سو به دلیل حجم عظیم مجموعه‌ی تلمود  
(۳۷ رساله نسخه‌ی بابلی) و از سوی دیگر به دلیل نوعی کم-  
کاری یا عدم احساس نیاز (و شاید محافظه کاری)، از سوی  
جامعه‌ی کلیمیان ترجمه‌ای از تلمود تهیه نشد، همانطور که  
سایر متون کتاب مقدس مانند تورات نیز به فارسی ترجمه نشد،  
مگر پس از انقلاب و در تیراژ محدود.

همین عدم ترجمه به فارسی و در دسترس نبودن یا قابل  
فهم نبودن آن (که متنی تخصصی به زبان آرامی است)، موجب  
انتساب انواع شایعات و تهمت‌ها علیه یهودیت با استناد به  
تلمودی بود که در دسترس همگان نبود. خوشبختانه با انتشار  
برخی کتب ارزشمند در دهه‌های اخیر، دیدگاه‌ها و قضاوت‌های  
نادرست نسبت به این مجموعه‌ی معظم فقهی، تا حدی ترمیم  
گشت.

در حال حاضر معدود کتب فارسی موثق و معتبر در حوزه‌ی  
شناخت تلمود عبارتند از:

۱- «گنجینه‌ای از تلمود»، ابراهام کهن، مترجم:  
امیرفریدون گرگانی، ۱۳۵۰ (افست جدید توسط  
انتشارات اساطیر)

این کتاب در ۱۲ فصل، گزیده‌هایی از آموزه‌های عمومی  
تلمود را به انتخاب نویسنده‌ی کتاب با مخاطب به اشتراک می-  
گذارد که بسیاری از خوانندگان به اشتباه، آن را به مثابه کل  
متن تلمود پنداشته‌اند.

۲- «سیری در تلمود»، تألیف آدین اشتاین سالتز، ترجمه

معرفی کتاب

تلمود، چهره‌ها و اندیشه‌ها

امید محبتی مقدم

تلمود، شامل دو مجموعه مجزای میشنا و گمارا است که با یکدیگر، تورات شفاهی را تشکیل داده‌اند. هر چند تاکنون کتب مختلفی به زبان فارسی در رابطه با تلمود نوشته شده است؛ اما آنچه که کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها» را از سایر نمونه‌های مشابه متمایز می‌سازد، رویکرد ویژه‌ی آن می‌باشد. بررسی و تحلیل زندگی شخصی و اجتماعی دانشمندان و چهره‌هایی که در تدوین تلمود نقش داشته‌اند، بر حسب ترتیب زمانی و تاریخی را می‌توان ویژگی منحصر به فرد این کتاب دانست. به عبارت دیگر، بازار کتاب ایران، تاکنون چنین اثری به خود ندیده که به طور کاملاً تخصصی، داستان زندگی چهره‌های برجسته‌ی تلمودی و طرز اندیشه‌های ایشان را زیر ذره‌بین ببرد.

از جمله دانشمندان یهود که زندگانی و اندیشه‌های آنها در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است می‌توان به چهره‌های زیر اشاره کرد: عزرا هسوفر، هیلل، شمای، ربان گملیل، ربان یوحنا بن زکای، ربی الیعزر بن هورقانس، ربی پهوشووع بن حننیا، ربی شیمعون بر یوحای، ربی عقبوا، ربی مئیر بعل هنس، ربی پهودا هناسی، ربی حیا و ... لازم به ذکر است که در این کتاب، داستان زندگی برخی از چهره‌ها چندین صفحه را شامل شده، در حالی که برای برخی دیگر، تنها به ذکر چند جمله بسنده شده است. باید دقت کرد که این تمایز را لزوماً نباید به عنوان اهمیت و درجه بیشتر فردی قلمداد کرد که صفحات بیشتری به آن اختصاص یافته است، بلکه دلیل اصلی این امر، میزان حجم منابع موجود در صفحات میشنا و تلمود برای آن شخصیت می‌باشد. بسیاری از چهره‌های برجسته‌ی تلمودی، ترجیح می‌دادند خود را از تاریخ آن زمان (و همین‌طور، زمان-های بعد) پنهان سازند و گویا تلمود نیز خواسته‌ی آنها را به-خوبی رعایت کرده است. مسلماً نه این کتاب و نه هیچ کتاب دیگری، توان بیان جزئیات زندگی صدها و چه بسا هزاران دانشمندی که درگیر تولید این اثر مقدس، برجسته و ماندگار بودند را ندارد. در حقیقت می‌توان این‌گونه اندیشید که تعداد بسیاری از این عالمان، «موفق» شدند در طول تاریخ گمنام باقی بمانند.



تلمود

چهره‌ها و اندیشه‌ها

امید محبتی مقدم

(جلد اول)

یکی از محققین به نام ربای پرل وین<sup>۱</sup> در کتاب خود «تورات شفاهی سینا»<sup>۲</sup> این‌گونه می‌نویسد:  
«توسعه، تحقیق و رواج تورات شفاهی مدیون افراد خاصی بوده است. همین افراد بودند که در قلب تلمود قرار گرفتند. اما این اشخاص برجسته چه کسانی بودند؟ ما از زندگی و سرنوشت آنها چه می‌دانیم؟ آنها چگونه توفان‌های مهیبی که کل زندگی آنها را فرا گرفته بود نادیده گرفتند و بر توسعه‌ی تورات شفاهی متمرکز شدند؟»

\*\*\*

را پیدا کنیم. سوالاتی که شاید تاکنون برای ما لاینحل باقی مانده باشد. جای بسی شگفتی است که در وقایع این دوران که مربوط به حدود ۲۴۰۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش است، مواردی دیده می‌شود که با دنیای کنونی ما شباهت دارد. تطبیق این وقایع تاریخی با وقایعی که امروزه می‌بینیم و یا می‌شنویم، هر خواننده‌ی آگاهی را به تعمق و تفکر واخواهد داشت.

در ادامه برخی ویژگی‌های خاص کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها»، به طور اختصار، مورد اشاره قرار می‌گیرد:

- ✓ تایید محتویات کتاب توسط رهبر دینی کلیمیان ایران، حاخام دکتر حمای لاله‌زار (شایان ذکر است بخش قابل توجهی از منابع متنی یا الکترونیکی موجود درباره‌ی تلمود به زبان فارسی، با آموزه‌های یهودیت مطابقت نداشته و مورد تایید جامعه کلیمیان نمی‌باشد).
- ✓ بررسی دقیق زندگانی و طرز اندیشه‌ی عالمان تلمودی.
- ✓ منبعی مناسب برای تمامی اساتید، دانشجویان و محققین.
- ✓ درج معادل عبری برای واژگان خاص.
- ✓ مناسب برای مطالعه‌ی عموم خوانندگان، از مبتدی تا پیشرفته.
- ✓ ارائه چکیده‌ی اطلاعات هر چهره در ابتدای هر فصل تحت عنوان «در یک نگاه».
- ✓ چیدمان محتویات کتاب بر اساس ترتیب زمانی.
- ✓ امکان پیگیری صحت مطالب درج شده و همچنین تحقیق و پژوهش پیشرفته‌تر برای علاقمندان، با توجه به حجم غنی منابع متعدد ذکر شده در پاورقی‌های کتاب.
- نگارنده وظیفه خود می‌داند در اینجا از این عزیزان تشکر نماید: «جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار»؛ رهبر محترم دینی کلیمیان ایران، «مهدی محمدی شجاعی»؛ دبیر مجمع کتابخانه‌های تخصصی استان قم و مدیر انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ادیان و زحل؛ «مهندس یونا نوول» بابت در اختیار قرار دادن منبع اصلی.
- علاقمندان جهت تهیه کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها»، می‌توانند به سایت انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب قم، انتشارات زحل و یا کتاب‌فروشی انجمن کلیمیان تهران مراجعه نمایند.

هدف اصلی کتاب «تلمود؛ چهره‌ها و اندیشه‌ها» بررسی تاریخچه‌ی زندگانی تنائیم (گویندگان میشنا) و همچنین نحوه‌ی شکل‌گیری میشنا (بخشی از تورات شفاهی) می‌باشد. رویکرد این کتاب، بر پایه مطالعه تاریخی زندگی تنائیم قرار دارد که دیانت یهود، تا به ابد مدیون خدمات بی‌شائبه آنها خواهد بود. این بررسی که از دوره‌ی عزرا هسوفر آغاز شده و به دوره کوتاهی پس از ربی یهودا هناسی ختم می‌شود، در حقیقت یک بخش حدوداً ۵۵۰ ساله از تاریخ یهود را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در جلد اول که به میشنا مربوط می‌شود، دو دوره‌ی اصلی تاریخ یهود پوشش داده شده است. اولین دوره، به افراد اعضای مجمع کبیر (کنسِت هگدولاً) و زوگوت (زوج‌ها) مربوط می‌شود که انتقال دهنده‌ی تورات شفاهی از عصر عزرا به دوره‌ی هیلل و شمای بودند. طول این دوره، حدوداً ۳۰۰ سال بود. هیلل از سال ۳۰ قبل از میلاد شهرت یافت. هیلل به همراه همکارش شمای، دو دانش‌سرای بزرگ را تاسیس کردند که بر توسعه‌ی تورات شفاهی تمرکز داشت. این دو دانش‌سرا به «بیت هیلل» و «بیت شمای» مشهور شدند.

پس از این، به دومین دوره زمانی می‌رسیم که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است: عصر تنائیم. دانشمندانی که میشنا را خلق، توسعه و در نهایت ویرایش و منتشر کردند. این دوره، بالغ بر ۲۵۰ سال بود و تا اوایل قرن سوم میلادی، ادامه پیدا کرد.

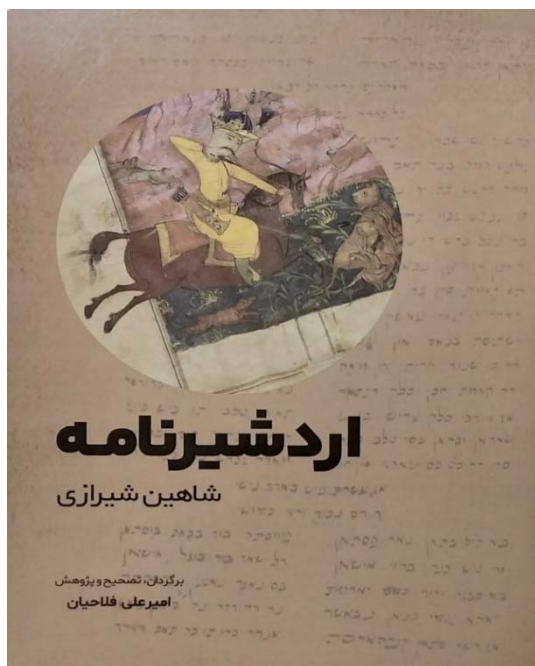
بررسی دوره امورائیم به لطف قادر مطلق در جلد دوم این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت. امورائیم دانشمندانی بودند که میشنا را مورد مطالعه، تحلیل و بررسی قرار دادند و گماراهای اورشلیمی و بابلی را خلق کردند. دوره‌ی امورائیم در حدود ۲۵۰ سال طول کشید و در دهه‌های میانی قرن پنجم میلادی خاتمه یافت. ویرایش نهایی تلمود که امروزه در دست ما است، توسط سوورائیم (استدلال‌کنندگان) کامل شد. سوورائیم ویرایش نهایی تلمود را همزمان با قرن هفتم میلادی به اتمام رساندند.

با مطالعه‌ی این کتاب، ابعاد گوناگون و جالبی از تاریخ یهود و زندگی بزرگان و همچنین ویژگی‌های شخصیتی آنان برای ما روشن می‌شود که پیرو آن می‌توانیم پاسخ سوالات مختلفی

## کتاب‌ها و یهودیان ایران

لنا دانیالی

عضو انجمن کلیمیان اصفهان



اسناد و بازخوانی آنها، و پژوهش و تحقیق در این حوزه بالا گرفته است. هریک از این کتب با زاویه‌ی دید متفاوتی راهی بازار نشر می‌شوند. یک دسته از مولفین خود از یهودیان ایرانی در داخل و خارج از ایران‌اند؛ و برخی از غیر یهودیان‌اند که در داخل و خارج از ایران راجع به یهودیان می‌نویسند. این موقعیت مغتنمی است زیرا مجموع این نظرگاه‌ها می‌تواند ما را در کامل‌تر و بهتر یافتن گفتمان موجود راجع به یهود و یهودیان ایران یاری رسانند و از زوایای مختلفی ما را به خودمان بشناساند. در همین رابطه به معرفی اجمالی سه کتاب می‌پردازم:

از کارآمدترین و مهم‌ترین آثاری که به تازگی روانه بازار نشر شده کتاب **اردشیرنامه** از شاهین است که به تصحیح و پژوهش امیرعلی فلاحیان از فارسی‌پهلو به فارسی برگردانده شده است. این کتاب در سال ۱۴۰۳ در انتشارات شرکت کتاب (امریکا) به بازار عرضه شده است.

**اردشیرنامه** یکی از آثار شاهین است که در آن داستان پوریم با داستان زندگی اردشیر (بهمن) پسر اسفندیار ادغام شده و در ادامه به روایاتی از زندگی پسر اردشیر و کوروش ناجی یهودیان هم پرداخته شده است. این اثر کوششی است برای ایجاد پیوند هویت یهودی و ایرانی.

فلاحیان تمامی ده نسخه‌ی خطی موجود از **اردشیرنامه** را

پیش از سال ۱۳۵۷ انتشار پژوهش‌هایی پیرامون یهودیان ایران همچون نهال جوانی پاگرفته بود، مانند کتاب «منتخب اشعار فارسی یهودیان ایران» از پرفسور امنون نتصر که در ۱۳۵۴ در ایران به فارسی منتشر شد. در آن دوران معدود کتاب‌های دیگری هم بودند که به شریعت یهود و یهودیان ایران می‌پرداختند. پس از انقلاب این فعالیت‌ها محدود شد و هسته‌ی زبانی آن به خارج از ایران منتقل شد. تا حدود دهه هفتاد اگر به دنبال ترجمه فارسی کتاب مقدس هم می‌گشتید به سختی آن‌را می‌یافتید، آن هم شاید نمونه‌ای افست از نشر اساطیر. مراجع دست اول ارائه دهنده‌ی این کتب یا بسته شده بودند یا محدودیت داشتند. همچنین بود پژوهش و پرداختن به موضوعاتی که با فرهنگ‌های غیراسلامی مخصوصاً یهودیت در ارتباط بود، این حوزه با محدودیت‌هایی مواجه بود و شاید چندان هم هواخواه نداشت.

حدود یک دهه است که شرایط تغییر کرده است. فقط با قدم زدن در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ می‌شد هم در نشرهای شناخته شده و هم در انتشارات گم‌نام، کتاب‌های پژوهشی، مجموعه اسناد، رمان، داستان و ... با محوریت یهودیت و یهودیان ایران یافت. شمار این کتب چندان افزایش یافته که موضوع یهود و یهودیان ایران را به یک ترند یا به قولی موضوع داغ و باب روز بدل کرده که البته مزایا و معایب خود را دارد. برخی از این کتب صرفاً کتاب‌پردازی‌هایی است که با هدف ارایه دیدگاه خاص و از پیش تعیین شده‌ی مولف یا ناشران آن منتشر می‌شود. برخی پژوهش‌های مستقل هم وابسته به جستجوگری یا اعطای شهرت و انجام وظیفه مولف انجام شده، و یا این که ترجمه‌هایی فست‌فودی از آثاری نه‌چندان درخوراند؛ و البته برخی هم آثاری پژوهشی و روشمند یا ترجمه‌هایی وزین از کتب مرجع یا ادبیات فاخراند. به‌طور کلی تب نوشتن درباره‌ی یهودیت و یهودیان ایرانی در هر سبک و شیوه‌ای از انواع ادبیات خلاقه گرفته تا مجموعه‌ی تاریخ شفاهی، جمع‌آوری

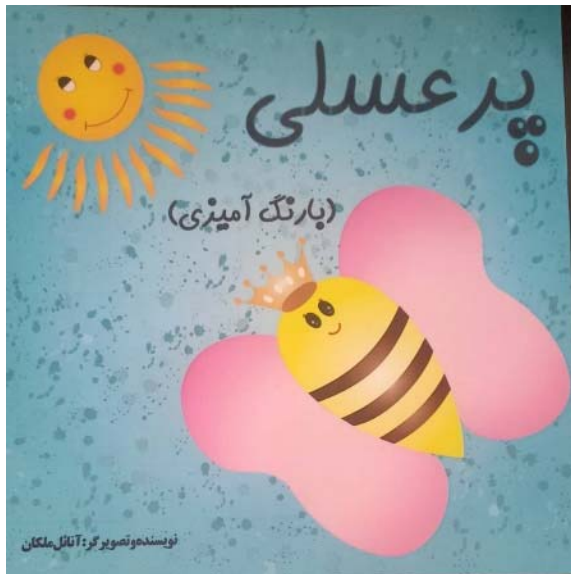
که جا نیافتاده و لویبایش هنوز نپخته باشد این اصطلاحات و نام‌های عبری در متن جا نیافتاده‌اند و انگار برشی از کتاب‌های دیگر است که به رمانی اضافه شده باشد و برای مخاطب یهودی باورپذیری رمان را دشوار می‌کند. با این حال نقطه نظر خود نویسنده در این باب بسیار قابل تامل است: «این رمان که نویسنده‌ای غیر کلیمی از زبان کلیمیان روایتش می‌کند راهی است برای اینکه دیگران چگونه کلیمیان را روایت می‌کنند و نه اینکه کلیمیان چگونه خودشان را روایت می‌کنند.»

کتاب سوم به نام **پرعسلی** مخاطب کودک دارد. آناتل



ملکان از اصفهان داستان آن را نوشته و برایش تصویرسازی کرده است. کتاب با قابلیت رنگ‌آمیزی برای کودکان در ۱۴۰۳ از نشر آرون روانه بازار نشر شده است. این کتاب اولین تجربه‌ی

نویسنده‌ی نوجوان کلیمی است. هم برای کودکان داستان جذابی دارد و هم می‌تواند ما را با دنیای ذهنی و ذهن خلاق یک نوجوان کلیمی آشنا کند. امیدواریم شاهد انتشار آثار بعدی آناتل ملکان هم باشیم.

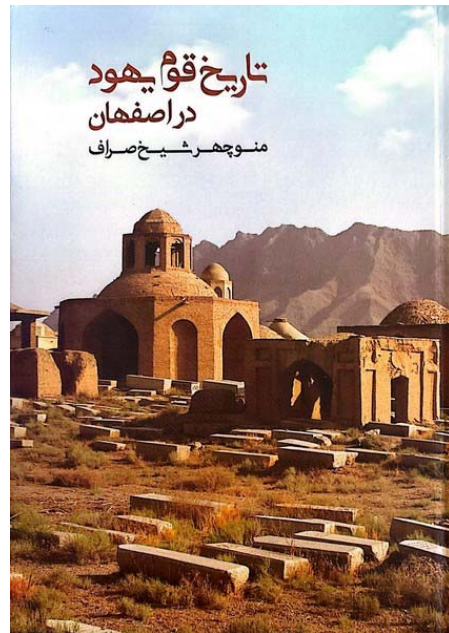


خواننده و این کتاب، نسخه‌ی منقح و پاکیزه و کاملی است که هم مخاطب علاقه‌مند به ادبیات و هم مخاطب پژوهشگر را یاری می‌رساند. هر جا لازم بوده واژگان دشوار و توضیحاتی در پانویس درج شده، تفاوت نسخه بدل‌ها در پی‌نویس آمده و نقاشی‌های نسخ هم به خوبی در جای خود گذارده شده‌اند. جز اینها کتاب با مقاله‌ای محققانه راجع به یهودیان ایران، شاهین و *اردشیرنامه* آغاز شده است. فلاحیان پژوهشگری بسیار کاوشگر است و تقریباً تمامی منابع مرتبط داخلی و خارجی را از نظر گذرانده است. به گفته‌ی خودش برای انتساب صفت شیرازی به شاهین، بیش از صد نسخه‌ی خطی از آثار شاهین را واری کرده است. پیش از این کتاب *آنوسی* از بابائی بن لطف و بابائی بن فرهاد نیز به پژوهش و برگردان وی منتشر شده بود. امیدواریم به زودی شاهد انتشار باقی آثار فارسیهود به کوشش او باشیم.

اثر دوم رمان **بی‌سردار** نوشته محمد اسماعیل حاجی‌علیان است که در ۱۴۰۳ در انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. این رمان به وقایع انقلاب مشروطه در اصفهان می‌پردازد، که از زاویه‌ی دید سه زن مشروطه‌خواه: ماما، مها و مونس روایت می‌شود. روایت با ماما که یهودی است آغاز می‌شود و تا پایان رمان، سرنوشت، این زن یهودی خواننده را به زندگی کلیمیان اصفهان عصر قاجار متصل می‌کند. گرچه راجع به مها و مونس هم نویسنده از اصطلاحات و ادبیات مخصوص به خودشان بهره برده اما وجه یهودی و توراتی رمان غالب است. از عناوین هر بخش گرفته تا جای‌جای متن و نام شخصیت‌ها، متن مشحون از اصطلاحات یهودی و آیات توراتی است. حاجی‌علیان برای پرورش فضای رمانش، منابع تاریخی مشروطه، تورات و منابع یهودی را مطالعه کرده و با برخی کلیمیان نیز مراوده داشته و آن را با تخیل خود درآمیخته و رنگ ادبیات بر آن ریخته است. چنان که خود نیز تصریح داشته هدفش این بوده که گوناگونی اجتماع ایرانی را که شامل ادیان و اقوام مختلف است و نقششان در پیشبرد تاریخ ایران به نمایش بگذارد. اما ایراد کار اینجاست که مثل قورمه سبزی‌ای

## تاریخ قوم یهود در اصفهان معرفی و نقد کتاب

یاسمن غنی  
کارشناس ارشد ایران‌شناسی



کتاب تاریخ قوم یهود در اصفهان، تالیف منوچهر شیخ صراف، در سال ۱۴۰۰ و در ۹۶ صفحه توسط نشر نهفت (اصفهان) منتشر شده است. موضوع اصلی کتاب که با رویکردی توصیفی نگاشته شده، تاریخ حضور قوم یهود در اصفهان و شرح زندگانی اجتماعی‌شان از بدو ورود تا دوران معاصر است.

کتاب با حجمی کم، خواننده را به ترغیب مطالعه وا می‌دارد و از بررسی محتوای آن چنین بر می‌آید که مخاطبش قشر غیردانشگاهی را در بر می‌گیرد؛ کتاب فصل بندی شده نیست، متن آن چند سیاقی است و مطالب از تسلسل مشخصی پیروی نمی‌کند. در مواردی نیز تکرار مکررات و محتوای غیر واقع بدون ذکر منبع، به‌ویژه در ۲۰ صفحه اول که به توصیف اقوام سامی، داستان حضرت ابراهیم، یعقوب و موسی و بررسی واژه‌ی یهودی‌گری می‌پردازد، ذهن خواننده را مشوش می‌کند. اما در کنار موارد ذکر شده، نباید از کوشش و علاقه‌ی نویسنده به تاریخ اصفهان و همشهریان کلیمی‌اش غافل شد. این تعلق خاطر به ساکنان اولیه‌ی خطه‌ی اصفهان در محتوای پنجاه صفحه‌ای پیرامون تاریخ ورود یهودیان به ایران و اصفهان به

خوبی نمودار است و از این منظر که به بررسی نظرات نویسندگان و مورخان ادوار مختلف پرداخته شده، ارزشمند است. همچنین بخش مهمی از مطالب مربوط به یهودیان معاصر برگرفته از مشاهدات نویسنده و مصاحبه‌ی او با کلیمیان است. در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالب کتاب می‌آید:

«در بحث تاریخ ورود یهودیان به اصفهان، روایت غالب این است که به دوران هخامنشی باز می‌گردد. زمانی که یهودیان از اسارت بابل آزاد شدند و عده‌ی زیادی از آنها به ایران منتقل شدند و در محلی به نام اشکهان (اصفهان امروزی) مستقر شدند. معنی نام اشکهان، اردو زدن است و علت انتخاب این محل برای سکونت شباهت آب و هوای آن به اورشلیم بوده است. این محل که در دو مایلی ناحیه‌ای به نام «جی» بود کم کم به یهودیه معروف شد و وسعت آن به واسطه ساکنانش دو برابر جی شد. جی بعدها شهرستان شد و رشدی نیافت اما یهودیه که بزرگتر بود اصفهان امروزی را تشکیل داد و آنچنان رونق یافت که در قرن پنجم قمری به آن «دارالیهود» می‌گفتند. عده‌ای نیز ورود یهودیان به اصفهان را به شاپور ساسانی در جریان فتح ارمنستان در قرن چهارم نسبت می‌دهند و معتقدند یهودیان اصفهان از ارمنستان به این منطقه کوچ کرده‌اند. عده کمی هم تاسیس اصفهان را به شوشن‌دخت، همسر یزدگرد ساسانی نسبت می‌دهند.»

در ادامه، اوضاع یهودیان در دوره‌های سلوکی و اشکانی و به‌ویژه ساسانی بیان شده که در مواردی همدلی حاکمان با یهودیان و حمایت از آنها و حتی ازدواج با یهودیان را نشان می‌دهد و این‌که یهودیان قدرتمندترین طبقه‌ی اجتماعی آن زمان بودند و در مواردی دیگر خشم پادشاهان ساسانی، درگیری‌ها، فشارهای اجتماعی و حتی قتل‌عام یهودیان را نشان می‌دهد که باعث مهاجرت عده‌ی زیادی از آنها به شبه جزیره عربستان و هندوستان شد.

«از وضعیت اجتماعی یهودیان پس از استیلای اعراب بر ایران اطلاعات دقیقی در دسترس نیست و تنها می‌دانیم آن دسته از یهودیان که تغییر کیش ندادند، با پرداخت جزیه به زندگی عادی خود ادامه دادند. در دوره‌ی امویان فردی یهودی به نام ابو عیسی اسحاق اصفهانی، بنیانگذار فرقه‌ی جدید عیسویه در اصفهان، همزمان با قیام ابومسلم خراسانی در خراسان علیه حکومت امویان قیام کرد و موجب سرنگونی آن و روی کار آمدن عباسیان شد. در ابتدای قرن ۵ هـ.ق برای اولین بار حافظ ابو نعیم اصفهانی از محله‌ی چوباره به عنوان کانون یهود نشین اصفهان نام می‌برد و یهودیه را شامل ۱۵ دیه می‌داند که نشان از توسعه یافته بودن آن دارد. محله‌ای

یافت. تعداد کنیسه‌های یهودیان در اصفهان مجموعاً ۲۱ باب بود.»

نویسنده پس از بررسی وضعیت یهودیان اصفهان در ادوار مختلف تاریخی، به توصیف زندگی فرهنگی و مذهبی یهودیان پرداخته و از شرح معماری خانه‌های یهودیان اصفهان شروع کرده و در ادامه، آثار تاریخی محله‌ی جوباره را مختصراً معرفی می‌کند. بخش‌های انتهایی کتاب که ارتباط مستقیمی به موضوع اصلی آن دارد، مختصراً عبارتند از:

- معرفی شخصیت‌های برجسته‌ی یهودیان اصفهان در تاریخ (مانند ابوعیسی اسحق، عمرانی و بنیامین بن میثائیل)،  
- معرفی عیدهای یهودیان و نام ماه‌های عبری  
- شرح آداب و رسوم یهودیان در تعینت (روزه گرفتن) و مراسم سوگواری

- شرح میقوه (حوضچه‌ی غسل شرعی) و کارکردهای آن  
- معرفی مقبره سرح بت آشر و قبرستان یهودیان اصفهان  
- بررسی جمعیت یهودیان اصفهان (از ۱۵ هزار نفر در قرن ۵ ه.ق تا ۷ هزار نفر در سال ۱۳۲۰ش و ۲۳۰۰ نفر در سال ۱۳۵۰)

- معرفی موسیقی‌دانان و هنرمندان یهودی که از حافظان موسیقی ایران بودند (مانند یحیی یوسیان، داود متحده، موسی - خان نی‌داوود، رحیم قانونی، یونس دردشتی و ...)

- بررسی شغل یهودیان (شامل صرافی، پارچه فروشی، عتیقه فروشی، قلاب دوزی، ابریشم بافی، فیروزه کوبی و ...)  
- کنیسه‌های اصفهان (مانند کنیسه عمو شعیبا، ملا نیسان، موشه خیا، کنجی، ملا داود، ملا یعقوب، خورشیدی، کتر داوید و ...)

آخرین مطلب کتاب شامل شرحی کوتاه بر گویش یهودیان اصفهان است که در قسمت‌های قبل به‌طور مفصل‌تر به آن پرداخته شده بود. ۲۲ صفحه‌ی انتهایی کتاب نیز شامل تصاویری قدیمی از یهودیان اصفهان و محله جوباره و تصاویری جدیدتر از زیارتگاه‌های موجود در اصفهان، قدمگاه سرح بت آشر در پیربکران، سنگ قبرهای آرامگاه‌های پیرامون آن و چند کنیسه در محله جوباره است.

در بخش سخن آخر، نویسنده دلایل مصیبت‌های وارده بر قوم یهود در طول تاریخ را از دیدگاه خود بیان می‌کند و در پاراگراف آخر به زیبایی به این نکته‌ی مهم اشاره می‌کند که «یهودیان اصفهان به زادگاه تاریخی و قدیمی خود جوباره، تعلق خاطر دارند و آنها هم که از اصفهان رفته‌اند، آرزو می‌کنند شرایطی پیش بیاید و دوباره به اصفهان برگردند.»

که در آن مسلمانان نیز در کنار یهودیان می‌زیستند. در انتهای این قرن و در دوره‌ی سلجوقیان، یهودستیزی گسترده‌ای توسط پیروان فرقه‌ی اسماعیلیه صورت گرفت که آزادی آنان را کاملاً محدود کرد. دوره‌ی مغولان و بعدها تیموریان برای یهودیان اصفهان مانند کل ایران دوران فاجعه باری بود. با روی کار آمدن صفویان تغییرات اساسی در سیاست و مذهب به‌وجود آمد و عده‌ی زیادی از یهودیان ایران در این دوره به اجبار تغییر کیش دادند. به گفته‌ی بابایی بن لطف، شاعر یهودی دوره‌ی صفوی: «در دوره‌های مختلف یهودیان همواره از طریقی مورد آزار و فشار قرار می‌گرفتند اما در عصر صفوی هم جان، هم مذهب و هم مال را یکجا از دست دادند». در این دوره شرایط برای یهودیان همواره ثابت و یکنواخت نبود و بسته به سیاست‌های هر حاکم دستخوش تغییر می‌شد. با این وجود یهودیان تلاش می‌کردند زندگی دینی و فرهنگی‌شان را حفظ کنند و همچنین تجارت داخلی ایران به‌طور عمده در دست بازرگانان یهودی بود. دوران افشار با وجود مدت زمان کوتاهش بهترین و اثرگذارترین دوران برای یهودیان ایران به‌ویژه اصفهان بود. یک فرد ساکن اصفهان به نام بابایی بن نوریئل به دستور نادرشاه، تورات و مزامیر داوود را به فارسی ترجمه کرد. دوران قاجار مانند دوره‌ی صفوی با سختی‌ها و آزار و اذیت یهودیان همراه بود. در دوره‌ی پادشاهی محمدشاه شورش‌هایی در اصفهان در گرفت که باعث کشته شدن عده‌ی زیادی از یهودیان این شهر از جمله ملاآقا بابا خاخام بزرگ اصفهان شد. ارنست هولستر جمعیت یهودیان اصفهان در دوره‌ی قاجار را حدود سی هزار نفر تخمین می‌زند که در محله‌های گلپهار، جوباره و دردشت سکونت دارند. یهودیان موظف بودند بر روی لباسشان علامتی متفاوت از بقیه داشته باشند تا قابل تشخیص باشند و گرنه سخت مجازات می‌شدند. همچنین قوانین سخت‌گیرانه‌ای در زمینه‌ی تملک ملک و معامله و معاشرت یهودیان با غیر یهودیان وضع شده بود که باید از آن تبعیت می‌کردند. در اواخر دوره‌ی قاجار در اثر فشارهای نهادهای بین‌المللی شرایط بهتری برای یهودیان فراهم شد و مدارس آلیانس (اتحاد) در ایران و به تبع آن در اصفهان دایر شد. در دوره‌ی پهلوی و با گسترش شهرها یهودیان می‌توانستند بر خلاف گذشته در هر نقطه‌ای از شهر اصفهان سکونت کنند و مغازه بخرند. یهودیان بیشتر به مشاغل آزاد همچون کارهای تجاری، صرافی و پارچه فروشی مشغول بودند و پزشکان کلیمی در بیمارستان‌های اصفهان طبابت می‌کردند. در این دوره عده‌ی زیادی از یهودیان اصفهان مانند سایر شهرها به تهران یا سایر کشورها مهاجرت کردند و جمعیت آنان کاهش

## انتشار کتاب‌های صوتی تولید شده‌ی اخیر

### بهترین اوقات من

شرگان انورزاده

گوینده‌ی تخصصی کتاب‌های صوتی



#### «دختر خوب بد»

نویسنده: آلیس فیینی / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: گویا  
/مدت زمان: ۱۱ ساعت و ۱۸ دقیقه /تهیه شده در ماه آوا

\*\*\*

#### «سال‌های بی‌خبری»

نویسنده: ماری هیگینز کلارک / گوینده: شرگان انورزاده /  
نشر: لیوسا /مدت زمان: ۱۰ ساعت و ۴۴ دقیقه /تهیه شده در  
ماه آوا

\*\*\*

#### «خون مردگی»

داستان کوتاه، از مجموعه داستان‌های قرن پانزده.  
نویسنده: مژگان شعبانی / گوینده: شرگان انورزاده /تهیه  
شده در ماه آوا /

\*\*\*

#### «در خلوت خواب»

نویسنده: فتانه حاج سیدجوادی / گوینده: شرگان انورزاده و  
حمید یزدانی /نشر: البرز /مدت زمان: ۱۳ ساعت و ۱ دقیقه  
/تهیه شده در ماه آوا

\*\*\*

#### «مرگ یاری»

نویسنده: تکتیم توسلی / کار گروهی با حضور: گلاب آدینه،  
نورا هاشمی، راضیه هاشمی، رضا عمرانی، محسن بهرامی،  
شرگان انورزاده و جمعی از گویندگان. / نشر: ققنوس /مدت  
زمان: ۷ ساعت و ۲۹ دقیقه /تهیه شده در ماه آوا

\*\*\*

در تمام زندگی‌ام، به دنبال اوقات ناب و دوست‌داشتنی گشته‌ام. اوقاتی که در زندگی شخصی‌ام، به من آرامش ببخشد، مفید باشد، خوشحالم کند و احساس خوبی در من برانگیزد. نقاشی کردن، به‌خصوص رنگ کردن، انجام کاردستی و نوشتن، حالم را خوب می‌کند، خیلی خوب.

اما در استودیو، کنار میکروفون اسرار آمیز، که برای خودش دنیای منحصر به‌فردی دارد، میکروفونی که هر نفس ما را در خودش ثبت می‌کند و غیر از حس حقیقت و راستی را نمی‌پذیرد، بسیار خوشحالم می‌کند و اوقات دلپذیر و چالش برانگیزی را نصیب می‌کند. آنگاه، من و میکروفون، در تنهایی استودیو، ما می‌شویم و با نهایت شادی، ثابت می‌کنیم، «تنها صداست که می‌ماند». حاصل اوقات خوش من، در ماه‌های گذشته، یادآور اضطراب‌های شیرین و هر طپش قلبم، هر کلامی که بر زبانم جاری شد، با عشق و امید است. تقدیمتان.

\*\*\*



#### «یک دنیا حال خوب، کنار فنجان قهوه برای دختران نوجوان»

نویسنده: کرسیتین هلمستتر / گوینده: شرگان انورزاده /  
نشر: لیوسا /مدت زمان: ۹ ساعت و ۱۴ دقیقه / تهیه شده در  
ماه آوا

«جری جوان»

نویسنده: جین وبستر / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: ابر سفید / مدت زمان: ۶ ساعت و ۳۸ دقیقه / تهیه شده در واو خوان

\*\*\*

سایر کتاب‌ها: «زن خوب ایالت سچوان»، «زوربای یونانی» و «سرخ و سیاه».

این کتاب‌های صوتی در پلتفرم‌های فروش: فیدیبو، کتابراه، طاقچه و بیپ تونز قابل دسترسی است.



نمایش صوتی «کشتن مرغ مینا»

نویسنده: هارپر لی / کارگردان: رضا عمرانی / کار گروهی / نشر: علمی فرهنگی / مدت زمان: ۱۲ ساعت و ۳۴ دقیقه / تهیه شده در ماه آوا

\*\*\*

«ترانه‌ی ایزا»

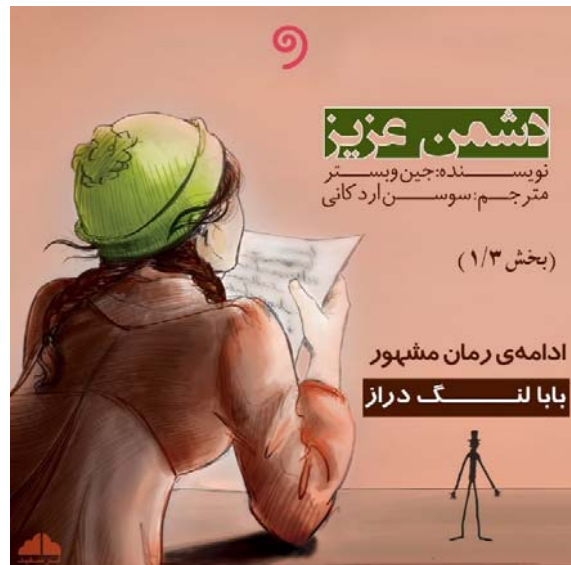
نویسنده: ماگدا سابو / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: بیدگل / مدت زمان: ۱۴ ساعت و ۱۱ دقیقه / تهیه شده در ماه آوا

\*\*\*

«وقتی پتی به دانشکده می‌رفت»

نویسنده: جین وبستر / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: ابر سفید / مدت زمان: ۶ ساعت و ۱۲ دقیقه / تهیه شده در واو خوان

\*\*\*



«دشمن عزیز» (ادامه‌ی رمان بابا لنگ دراز)، جلد ۱  
نویسنده: جین وبستر / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: واو خوان / مدت زمان: ۳ ساعت و ۲۵ دقیقه / تهیه شده در واو خوان

\*\*\*

«دشمن عزیز» (ادامه‌ی رمان بابا لنگ دراز)، جلد ۲  
نویسنده: جین وبستر / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: ابر سفید / مدت زمان: ۳ ساعت و ۲۶ دقیقه / تهیه شده در واو خوان

\*\*\*

«دشمن عزیز» (ادامه‌ی رمان بابا لنگ دراز)، جلد ۳  
نویسنده: جین وبستر / گوینده: شرگان انورزاده / نشر: ابر سفید / مدت زمان: ۳ ساعت و ۲۵ دقیقه / تهیه شده در واو خوان



## تقویم فارسی - عبری «امید»

مصاحبه با مردخای امین شموئلیان

آرش آبائی

تقویم عبری در زندگی دینی و اجتماعی یهودیان نقش بسیار مهمی دارد. در ایران بیش از ۸ دهه است که خاندان کهن - صدق مستخرج و ناشر تقویم عبری (دیواری) در ایران هستند. اما در ۲۴ سال اخیر، تقویم عبری دیگری نیز به صورت دیجیتال و چاپی در قطع جیبی به نام تقویم «امید» توسط مهندس مردخای امین شموئلیان منتشر می‌شود.

• چه شد که به فکر تدوین و انتشار تقویم عبری افتادید و اولین نسخه‌ی آن چه سالی منتشر شد؟

من با برنامه نویسی و دیتا بیس (بانک داده‌ها) آشنایی داشتم و به فکر افتادم که دنیای دیجیتال چه کمکی می‌تواند به محاسبه تقویم عبری کند و همین باعث شد تا برای مطالعه‌ی قوانین تقویم عبری انگیزه پیدا کنم. اولین نسخه‌ی تقویم عبری من مربوط به سال ۱۳۷۷ خورشیدی بود که به صورت DVD و نرم‌افزار منتشر شد و در اختیار مردم قرار گرفت. اولین نسخه‌ی چاپی ده سال بعد در سال ۱۳۸۷ منتشر شد.

• چرا بین تاریخ انتشار نسخه دیجیتال و نسخه چاپی این - قدر فاصله زمانی هست؟

چاپ دیجیتال امکان اصلاح و ویرایش را در هر زمان می‌دهد و تنظیم آن در هر زمان راحت‌تر است. از سوی دیگر انتشار نسخه‌ی کاغذی تقویم نسبت به شکل دیجیتال آن مسئولیت بیشتری را متوجه مستخرج می‌کند. مخصوصاً در آن زمان مردم برنامه‌ی هفتگی، ماهانه و سالانه زندگی خود را بر اساس تقویم چاپی برنامه‌ریزی می‌کردند و این مسئولیت بسیار جدی را برای مستخرج ایجاد می‌کند. لذا صبر کردم تا تجربه و اعتماد بیشتری کسب کنم و بعد با حمایت اساتید و دوستان، نسخه‌ی چاپی را هم منتشر کردم.

• اصول کلی تقویم عبری چیست؟

به‌طور خلاصه از زمان نزول تورات تا دوران شکل‌گیری فقه یهود، بنی‌اسرائیل حدود ۱۷۰۰ سال، تقویم قمری مبتنی بر رویت هلال ماه با تلفیق با تقویم شمسی داشتند، به این ترتیب که افراد به حومه شهر اورشلیم می‌رفتند و در بلندی، حلول ماه قمری را مشاهده کرده و با تایید رئیس سنهدرین<sup>۱</sup> و اعلام آن، مردم سرتاسر سرزمین مقدس برای برگزاری مناسبت‌های دینی طبق مشخص شدن روز اول ماه عبری آماده می‌شدند. پس از ویرانی دومین معبد بیت‌المقدس و وقوع حوادث قرن اول میلادی، یهودیان پراکنده شده و حکومت سرزمین مقدس به دست رومیان بت پرست افتاد و اعضای سنهدرین پراکنده شدند. سپس به‌خاطر این که همه‌ی یهودیان بتوانند بدون رویت ماه در همه سرزمین‌ها مناسبت‌های دینی را به موقع برگزار کنند، دانشمندانی مانند هیلل دوم شروع به تالیف و استخراج تقویم عبری و جداول آن نمودند. البته حدود ۱۵۰ سال طول کشید تا بقیه حکیمان یهودی نیز به مرور استفاده از این جداول را

<sup>۱</sup> بالاترین مرجع قضایی و قانون‌گذاری یهود متشکل از ۷۱ نفر از علما

باعث شده که دقت بالای جداول تقویم عبری به حدود یک روز در ۱۴ هزار سال برسد در حالی که مثلاً تقویم میلادی حدوداً در هر ۳ هزار سال یک روز خطا دارد.

دانشمندان یهودی براساس قرارداد این محاسبات دقیق را در ماه‌های عبری «حشوان» و «کیسلو» هر سال اعمال کردند و بر این اساس جداول فعلی تقویم عبری تا هزاران سال مبتنی بر نجوم دقیق خواهد بود.

همچنین یهودیان یک تقویم خورشیدی هم در کنار تقویم قمری در اختیار دارند که برخی از احکام نادر تورات مبتنی بر اصول آن می باشد. ولی همانطور که در بالا نیز اشاره کردم تقویم اصلی یهودیان بر اساس ماه های قمری است.

#### • تقویم عبری یهودی، خورشیدی است یا قمری؟

تقویم یهودی بر هر دو ساختار استوار هست، یعنی هم قمری است و هم خورشیدی. از آنجایی که در تورات تاکید شده که عید پسخ باید در بهار برگزار شود، علمای یهودی در یک دوره‌ی ۱۹ ساله، سال‌های ۳، ۶، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، و ۱۹ را کیبسه و ۱۳ ماهه تنظیم کردند. بدین ترتیب سال قمری با نوسانی حدوداً ۲۰ روزه، همیشه با سال خورشیدی همخوانی تقریبی دارد و هر عید یهودی در همان فصل خودش برگزار می‌شود.

#### • مشخصات متمایز تقویم «امید» چیست؟

این تقویم چند مشخصه مهم دارد:

اول اینکه تاکید زیاد بر «روز هفتم» شده است، زیرا تعطیلی روز آخر هفته شبات (شنبه) از مهم‌ترین قوانین یهود است. دوم، مطالب این تقویم اختصاصی برای کلیمیان بوده و سایر ادیان را شامل نمی‌شود تا متن تقویم خلوت و خوانا باشد. سوم، به خاطر اندازه‌اش سبک و قابل حمل در کیف و جیب می باشد (علاوه بر امکان قرار گرفتن روی دیوار یا میز).

#### • درباره‌ی نرم افزار موبایلی این تقویم نیز توضیح بفرمایید.

امروزه اندیشه‌ی بشری بر روی سیستم‌های الکترونیک قرار دارد. به دو دلیل ما تقویم را هنوز به شکل کاغذی تولید می‌کنیم. اول، بخشی از مردم هنوز ممکن است صمیمیت خاصی با کاغذ داشته باشند و کاغذ باعث آرامش و اطمینان

جایگزین روش رویت هلال ماه کنند. الان حدود ۱۶۵۰ سال است که تقویم یهودیان مبتنی بر جدول بوده و مستقل از رویت ماه است. البته ماه قمری عبری یهودی با تقویم قمری اسلامی که هنوز مبتنی بر رویت مستقیم (یا شهادت شاهدان) است، معمولاً تطابق دارد یا گاهی یک روز اختلاف دارد.

در واقع تدوین جداول این تقویم عبری باعث هماهنگی در زمان برگزاری اعیاد یهودی در سراسر جهان شد.

#### • ساختار محاسباتی و دقت محاسباتی تقویم عبری به

#### چه میزان هست؟

بطور کلی یک تقویم در قیاس با ریاضیات نجومی دو نوع خطا دارد یکی خطای لحظه‌ای و یکی خطای قهقراپی (در طولانی مدت) که میزان خطای قهقراپی در محاسبات قمری تقویم یهودیان بطور شگفت انگیزی ناچیز است. بگذارید یک مثال بزنم در حالی که تقویم خورشیدی میلادی حدوداً در هر ۳ هزار سال یک روز خطا دارد، بخش قمری تقویم یهودی تنها در هر ۱۴ هزار سال یک روز با نجوم اختلاف پیدا می‌کند.

برای طراحی و استخراج تقویم قمری نیاز به یک عدد «میانگین دقیق» است، یعنی باید سال‌ها چرخش کره‌ی ماه را دقیق رصد کرد تا «میانگین دقیق طول ماه قمری» را حاصل نمود و بعد بر اساس آن جداول و قواعد، تقویم قمری را تالیف کرد. باید در نظر داشت که گرانش خورشید و سیارات دیگر نیز در سرعت حرکت ماه تاثیر قابل توجهی دارد و آن‌را خیلی نامنظم و شبه تصادفی می‌کند، و بعضی مواقع از سال، سرعت قمر دور زمین کم می‌شود. وقتی ماه‌های قمری را با هم مقایسه می‌کنیم گاهی حتی ۱۳.۵ ساعت اختلاف دارد (گاهی اوقات، طول مدت آن‌ها ۱۳.۵ ساعت کوتاه‌تر یا بلندتر از برخی ماه‌های دیگر می‌شود). این موضوع کار «محاسبه‌ی میانگین دقیق طول ماه قمری» را بسیار سخت می‌کند. ۱۶۵۰ سال پیش هیلل دوم این عدد را ۲۹/۵۳۰۵۹۴۱ روز محاسبه کرده است.<sup>۲</sup> عجیب است که دقت علمی قابل توجهی دارد و امروزه با محاسبات ناسا و سازمان فضایی اروپا کمتر از ۲ ثانیه اختلاف دارد. همین امر

سالها قبل در تلمود در رساله روش هشانا ذکر شده است.

۲ - البته این عدد محاسبه هیلل دوم نبوده بلکه بر اساس تورات شفاهی

که این‌ها با زبان برنامه‌نویسی با هم ترکیب می‌شود و در قسمت «نمایش» با فرمی زیبا به نظر مخاطب تقویم می‌رسد. بطور کلی بخش نمایش می‌تواند به صورت دفترچه باشد، پُستر باشد یا موبایل یا هر «مدیا» و رسانه‌ی دیگر.

• **میزان استقبال از این تقویم چطور بوده است؟**

استقبال از این تقویم به نسبت خوب بوده است زیرا افراد با این تقویم راحت هستند و نوآوری، خلاصه و مفید بودن آن را دوست دارند. در واقع این فقط یک تقویم نیست بلکه یک سبک زندگیست. مثل گوشی «آپل» که فقط یک گوشی نیست بلکه یک «سبک زندگی» (life Style) است و مردم از داشتن آن، احساس خوبی نسبت به شخصیت خود و آینده پیدا می‌کنند. این تقویم هم دقیقاً بر اساس همین اصول طراحی و تولید می‌شود.

• **نظر مخاطبان درباره‌ی آن چه بوده است و چه تغییراتی طی**

**سال‌های انتشار در آن ایجاد شده است؟**

این تقویم طی این سال‌ها مرتب در حال تغییر بوده و سعی کردم نظر مخاطبان و احتیاجات آنها را داخل تقویم بگنجانم. از جمله این موارد می‌توانم به اضافه کردن احکام «هفتارا» و «میشمارا» اشاره کنم، علاوه بر این ابعاد آن کمی بزرگتر شده تا نوشته‌ها خواناتر باشد، بخش داستانک‌ها هم هر سال نو می‌شود و مطلب تکراری ندارد. همچنین بخش دیتا بیس تقویم هم هر سال غنی‌تر می‌شود و بخش دیجیتال آن که سال‌ها پیش بصورت سی‌دی بود، امروز به صورت آنلاین در اختیار همه‌ی علاقمندان قرار دارد.

• **هر سال در چندین صفحه‌ی پایانی تقویم، داستان‌ها و**

**مطالب طنز درج می‌کنید. ضمن این‌که در جاهای مختلف**

**تقویم، نام دانشمندان یهودی یا گاهی غیر یهودی را**

**ذکر کردید. مقصود چیست؟**

من سعی کردم که به این وسیله اقشار بیشتری از جامعه‌ی کلیمی را مخاطب قرار دهم. واقعیت این است که مذهب‌یون به خاطر اصول و احکام دینی تقویم، آن‌را خریداری می‌کنند و صاحبان اندیشه‌های کمتر مذهبی هم از قسمت داستانک‌های آن لذت می‌برند و گاهی نگاهی هم به جداول احکام و مناسبت‌های مذهبی دارند.

ذهنشان می‌شود. دلیل دوم این است که استفاده ابزار الکترونیکی جهت خواندن و مرور متن در شنبه (شب‌ات) در دین یهود به دلایل شرعی حرام است. با این حال، در کنار نسخه‌ی کاغذی، تقویم مبتنی بر موبایل را باید نسخه‌ی اصلی تقویم دانست که فعلاً جهت تشویق مردم به استفاده از ابزار الکترونیکی، رایگان خدمات می‌دهد.

این برنامه‌ی آنلاین در واقع غیر از تقویم حدود ۱۲-۱۰ ابزار دیگر هم دارد که بعضی از آنها عبارتند از: نرم افزار تقسیم و ختم دستجمعی خواندن تهیلیم (مزامیر داوود). همچنین متن کل تهیلیم، متن کل تورات به عبری به تفکیک پاراشا (بخش - بندی هفتگی)، متن سیدور و نمازهای روزانه یهود، داستانک‌ها و چندین ابزار فرهنگی دیگر چند سال است که همگی در آدرس [www.OmidTime.com](http://www.OmidTime.com) در برنامه موبایل گردآمده است.

• **آیا برای استخراج تاریخ‌ها و تهیه تقویم امید، بانک**

**اطلاعاتی (دیتا بیس) تهیه کردید؟**

بله، همانطور که یک مغازه شامل دو بخش ویتین و انبار هست. این تقویم هم به لحاظ فنی و رایانه‌ای دارای دو قسمت است. یک بخش آن نحوه‌ی نمایش داده‌هاست. مثلاً می‌توان تقویم را بر روی دفترچه، پُستر بزرگ یا گوشی همراه نمایش داد که رنگ، نوع فونت، چیدمان نوشته‌ها و زیبایی و خوانایی کار در این بخش تنظیم می‌شود. بخش دوم آن «انبار ذخیره اطلاعات» نام دارد که دیتا (داده) به صورت خام در آن ذخیره می‌شود. به آن قسمت «دیتا بیس» یا «بانک اطلاعاتی» گفته می‌شود. به عنوان مثال در دیتا بیس مرکزی این تقویم چند جدول هست که به وسیله‌ی برنامه نویسی به هم مرتبطند، جداولی مانند:

- مناسبت‌های فارسی
- مناسبت‌های عبری
- جدول شمارش ایام عومر
- جداول ساعات شرعی
- جدول پاراشاها
- جدول مناسبت‌های مخصوص
- جدول مناسبت‌های جهانی
- جدول سال‌های کبیسه
- جدول میشماراها
- جداول هفتاراها
- و بسیاری از جداول دیگر

تاریخ برخی مناسبت‌های اسلامی تغییر کند. اما مناسبت‌های عبری در هر دو سال کامل و ثابت است.

• **از کدام منابع، اساتید یا مشاوران در این زمینه بهره گرفتید؟**

در نظر داشته باشید برای مطالعه اصول اولیه تقویم یهود منابع زیاد است، از جمله کتاب «انطباق لحظه‌ها» نوشته مهندس یوسف ستاره‌شناس یا کتاب «گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله» نوشته‌ی استاد احمد بیرشک. و این اواخر «ویکی‌پدیا» هم بعضی مطالب را بطور ساده‌تر بیان کرده است.

برای یادگیری اصول فقهی تقویم و مقدمات نجوم با حاخام دکتر حمای لاله‌زار، مرحوم استاد یوسف محبتی، دکتر ایرج ملکپور، مهندس یوسف ستاره‌شناس، مرحوم اسحاق کهن صدق و استاد رحمان دلرحیم جلسات حضوری متعدد داشته‌ام و مطالب بسیار آموخته‌ام؛ مخصوصاً جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله زار که از یک سو به احکام فقهی تقویم یهود تسلط دارند و از سوی دیگر به اصول اولیه نجوم و ریاضیات. حمایت علمی ایشان در انتشار معتبر این تقویم بسیار موثر بوده است و طی ویرایش فقهی، علمی و ریاضیاتی این مقاله نیز، از نظر کارشناسی جناب حاخام دکتر حمای لاله زار به کرات استفاده شده است. همچنین با کارشناسان موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران چند بار برای بررسی اصول تقویم فارسی و عبری و اسلامی جلسات حضوری و تلفنی داشتیم.

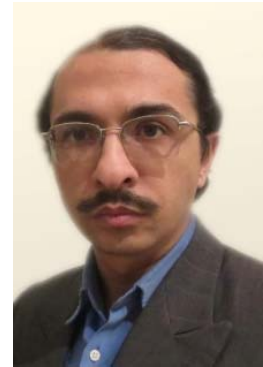
همچنین مرحوم حاخام یوسف همدانی کهن، دکتر سیامک مره صدق، دکتر همایون سامه‌یخ، هاراو گرامی، یوسف شیبانی، مهندس روبرت خالدار، رابرت حمای لاله‌زار و مخصوصاً پدر و مادرم در این راه همواره مشوق من بودند و از من حمایت‌های بسیار کردند.

#### • **و سخن پایانی؟**

امیدوارم همانطور که من از اندیشه‌ی اساتید پیشکسوت تقویم استفاده کردم، نوجوانان، و جوانان هم بتوانند از ایده‌های این تقویم استفاده کرده، کارهای ارزشمندتر و دل‌نشین‌تری را به جامعه‌ی خودشان و آیندگان تحویل بدهند.

همچنین از جناب حاخام دکتر حمای لاله زار بابت اختصاص وقت، جهت راهنمایی علمی اینجانب، تشکر می‌کنم.

بخش داستان‌های این تقویم  
اولاً با وسواس گلچین شده و تقریباً از هر ۲۰ مطلب موجود، تنها یکی دو مطلب انتخاب شده است. بعضاً این مطالب چنان شیرین هستند که حتی تکراری خواندن آنها، همچنان طبع



خواننده را تلطیف می‌کند.

ثانیاً سعی کردم تا آنجا که امکان دارد از هرگونه نصیحت و تبلیغ اخلاقیات در قسمت داستان‌ها پرهیز کنم و از ذکر داستان‌های پندآموز دوری بجویم. به همین دلایل بخش داستان‌ها نیز علاقمندان خودش را دارد.

ضمن اینکه بخش داستان در این تقویم باعث می‌شود که این دفترچه تاریخ انقضاء نداشته باشد و تا سال‌ها در خانه‌های مردم باقی بماند و مردم از خواندن آن لذت ببرند.

درباره‌ی ذکر نام دانشمندان کلیمی، معمولاً از منابع مختلف خبر می‌رسد که یک دانشمند «هموگلوبین» را کشف کرده، دیگری «گروه خونی چهارگانه انسان» را، دیگری «تولید انبوه پنی‌سیلین» را، یکی دیگر «قانون نسبیت عام» و دیگری موفق به کشف «ماده تاریک» شده است و شخصی دیگر از جامعه‌ی ما «آسپرین» را اختراع کرده و غیره.

این که از این دانشمندان به بهانه تاریخ تولدشان نام ببریم کوچک‌ترین کاری است که می‌توان در حق فرهنگ نوجوانان جامعه‌ی خود انجام دهیم.

• **اخیراً تقویم را به صورت ۲۴ ماهه منتشر نمودید، دلیل آن چیست؟**

بسیاری از افراد در نیمه دوم سال احتیاج دارند برای تابستان سال بعد تصمیم‌گیری کنند. مهم است که تصمیمات‌شان با مناسبت‌های یهودی هماهنگ باشد. از طرف دیگر نیز تقویم دوساله برای خریدار صرفه اقتصادی دارد.

البته باید در نظر داشت که چون تایید حلول ماه قمری تقویم اسلامی موکول به رویت هلال ماه و اعلام آن از سوی مراجع است، گاهی ممکن است (مخصوصاً در سال دوم این تقویم)

### سیر تکوینی و نقاط عطف در تقویم عبری از نظر باورهای دینی و تاریخی

تاریخ میلادی	تاریخ عبری	توضیحات
۳۷۶۰ قبل از میلاد	سال ۱ عبری	مبنای شروع تقویم عبری، خلقت حضرت آدم
۱۳۱۲ ق.م	۲۴۴۸	بعثت حضرت موسی و شروع محاسبه بر اساس سال خورشیدی و ماه قمری
۱۲۷۲ ق.م	۲۴۸۸	وفات حضرت موسی و ورود به سرزمین مقدس
۸۳۲ ق.م	۲۹۲۸	افتتاح معبد اول بیت المقدس و محاسبه ماه قمری به مرکزیت جغرافیایی اورشلیم
۴۲۲ ق.م	۳۳۳۸	ویرانی معبد اول بیت المقدس <sup>۱</sup>
۳۵۲ ق.م	۳۴۰۸	افتتاح معبد دوم بیت المقدس
۶۸ میلادی	۳۸۲۸	ویرانی معبد دوم بیت المقدس
۳۵۸ م.	۴۱۱۸	تنظیم و استخراج جداول تقویم قمری توسط هیلل دوم تا پایان سال ۶۰۰۰ عبری
۱۱۶۰ م.	۴۹۲۰	تدوین احکام و روش محاسبه ریاضیاتی جداول «هیلل دوم» توسط موسی ابن میمون
۲۰۲۶ م.	۵۷۸۶	سال جاری عبری (نیمه اول سال ۱۴۰۵ خورشیدی)
۲۲۴۰ م.	۶۰۰۰ عبری	پایان جداول آماده شده توسط هیلل دوم



برای اطلاعات علمی بیشتر درمورد تقویم عبری به تصویر اینفوگرافیک رنگی که در داخل پشت جلد چاپ شده مراجعه فرمایید  
(طراحی: مردخای امین شموئیلان)

۱- تاریخ گذاری دینی برای سال ساخت و سال تخریب معبد اول، حدود ۱۶۵ سال با گاه شماری آکادمیک (مبنتی بر شواهد تاریخی و رصد های نجومی باستان)

تفاوت دارد.



حضرت موسی، به صورت صفحات دوخته شده کنار هم و در یک تومار واحد تهیه شده و مورد قرائت قرار می‌گیرد.

• چه کسی می‌تواند سُوْفِر (کاتب) باشد و شرایط آن چیست؟

برای کسب گواهی سفروت، باید احکام کتابت، بخصوص بخشی از کتاب احکام شرعی «شولحان عاروخ» (جلد دوم، یوره دعا) فراگرفته شود و بطور نظری و نیز عملی، ارزشیابی گردد و در صورت دانستن احکام و مهارت در نوشتن صحیح حروف، فرد مجوز کتابت متون شرعی (تورات، تَفیلین، مزوزا و مگیلا) را دریافت می‌کند.

• بستر متن و خصوصیات آن چیست؟

از سه نوع پوست دباغی شده‌ی حیوان حلال برای نوشتن تومار استفاده می‌شود. همچنین سطرها و حاشیه عمودی چپ و راست با ابزاری مخصوص به حالت بی‌رنگ خطکشی می‌گردد (شیار انداخته می‌شود). هر ستون نوشتار (به عبری: عمود) به‌طور معمول شامل ۴۲ سطر است، بدین ترتیب کل متن تورات شامل ۲۴۸ ستون خواهد بود. البته گاهی برای تومارهای

## سَفروت: کتابت عبری

### مصاحبه با یورام عزیزی

آرش آبیانی

یکی از ارکان هر کنیسه، تومار دستنویس تورات روی پوست است که تلاوت شرعی در مراسم عبادی توسط آن انجام می‌شود.<sup>۱</sup> کتابت و ترمیم این متون از مهم‌ترین نیازهای جاری شرع یهود است. در دهه‌های اخیر جمعی از جوانان کلیمی به شکل حرفه‌ای به این امر مشغول شده‌اند. یورام عزیزی یکی از کاتبان حرفه‌ای است که جزئیات این امر شرعی را بازگو می‌کند.

• آیا نوشتن تورات یک دستور دینی است؟

در تورات (تثنیه، فصل ۳۱، آیه ۱۹) چنین آمده است:

יְעִמָּה כְּחֶבְרוֹ לֶפְנֵי אֶתְהַשִּׁירָה הַזֹּאת ... « اکنون این

سرود را برای خودتان کتابت کنید...»

این آیه، به عنوان حکم کتابت تومار تورات (توسط هر فرد یهودی) تفسیر شده است.

• کلا چه نیازی به سَفروت (کتابت) است؟ چرا از کاغذ و

متن چاپی و ماشینی برای تورات و متون مشابه جهت

تلاوت شرعی استفاده نمی‌شود؟

تومار تورات همانند مزوزا<sup>۲</sup>، تَفیلین<sup>۳</sup> و مگیلا (تومار استر)

باید روی پوست حیوان چهارپای حلال گوشت (قلاف קָלָף) و با دست کتابت شود و این سنتی است که از حضرت موسی به ما رسیده است. ضمن آن که ضروری است آن پوست توسط فرد یهودی دباغی و با نیت کتابت تورات آماده شده باشد. همچنین متن تورات لزوماً باید به شکل تومار (صفحات دوخته شده پشت سر هم) باشد و شکل دفترچه یا هر صورت دیگری قابل قبول نیست. به عبارت دیگر تمام متن پنج کتاب تورات

<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که مطالعه‌ی تورات یا خوانش آن توسط نمازگزاران توسط متون چاپی تورات به شکل کتاب‌های معمولی صورت می‌گیرد و فقط تلاوت شرعی آن در مراسم عبادی توسط قاری در کنیسه از روی تومار دستنویس انجام می‌شود.

<sup>۲</sup> مزوزا: متنی از تورات که بر چهارچوب ورودی اتاق نصب می‌شود.

<sup>۳</sup> تَفیلین: دو جعبه‌ی چرمی که حاوی متونی از تورات بوده و هنگام نماز صبح روزهای عادی بر پیشانی و بازوی مردان مکلف قرار می‌گیرد.

کتابت شده باشد، قابل استفاده برای تمام یهودیان است.

• **ترمیم تورات و مگیلا نیز نیازمند صلاحیت شرعی است؟**

بله. برای ترمیم این متون نیز فرد باید دوره آموزشی بگذراند و سمیخای بودق (گواهی ترمیم متن) را دریافت کند.

• **چه زمان تورات و مگیلا قابلیت ترمیم ندارد و غیرقابل**

**استفاده می‌شود؟ با چنین متونی که غیر قابل استفاده**

**است چه می‌کنند؟**

هر متن بسته به نظر کارشناس دینی، تا حدی قابل ترمیم است و چنانچه میزان ریختگی حروف بیش از حد باشد و یا مرکب متن با مرور زمان، کمرنگ (متمایل به قهوه‌ای) شده باشد، تورات (یا سایر متون) قابل استفاده نبوده و باید طبق ضوابط شرعی، دفن شده یا در انبار ویژه قرار گیرد (در عبری: گنیزا).

• **چه مدت است که به این امر مشغول هستید و در روز یا**

**هفته چقدر برای آن زمان صرف می‌کنید؟**

به علت نیاز به آمادگی و تمرکز فکری و مهارت دست، کار برای مدت طولانی سخت است، اما معمولاً هر روز ۳ تا ۴ ساعت مشغول کتابت هستیم.

• **تاکنون چه آثاری را کتابت کرده‌اید و در حال حاضر روی**

**چه متنی کار می‌کنید؟**

من تاکنون تعداد زیادی مزوزا و تفیلین و ۳ تومار مگیلای استر را کتابت کرده‌ام و در حال حاضر در حال کتابت یک تومار تورات هستیم که در مراحل پایانی قرار دارد.

• **در حال حاضر حدوداً چند نفر مانند شما به کتابت تورات و**

**مگیلا و مزوزا مشغولند؟ آیا امکان سفروت تفیلین نیز**

**در ایران هست؟**

در مورد کتابت تورات، در حال حاضر فقط من مشغول به آن هستیم. اما چندین نفر گواهی سفروت دریافت کرده و چندین مورد مزوزا و مگیلا را کتابت کرده‌اند. امکان کتابت تفیلین نیز در ایران هست، البته شرایط سخت‌تری نسبت به موارد دیگر دارد.

• **و سخن آخر؟**

امیدوارم با تربیت تعداد بیشتر سوفرها در ایران، وابستگی جامعه‌ی ما به متون شرعی که در خارج از کشور کتابت و وارد می‌شود، کاهش یابد.

بزرگ ۵۱ سطر نیز نوشته می‌شود و گاه ابعاد کوچکتر هم موجود است. هر صفحه‌ی تومار در ۴ ستون نوشته شده و توسط نخ‌ی با منشاء حیوانی (عبری: گید) به صفحه‌ی بعدی دوخته می‌شود.

مرکب مورد استفاده باید سیاه رنگ و کاشر (تهیه شده توسط یهودی) باشد. بهترین ابزار کتابت قلم نی یا پر است.

• **نحوه‌ی نوشتار متن چگونه است؟**

هر حرف باید بطور کامل (بدون انقطاع یا بریدگی) نگاشته شود. همچنین حروفی که شکل آن‌ها به هم نزدیک و شبیه است باید با دقت بیشتر نوشته شود به طوری که امکان تشخیص کامل و تمایز آن‌ها ممکن باشد، مثلاً **ב** (حرف بت) از **ב** (حرف خاف) قابل تفکیک باشد و یا حرف **נ** (نون) از حرف **ו** (واو) قابل تشخیص باشد و مانند آن.

روی حروف خاصی خط‌های ظریفی به نام تاج قرار می‌گیرد که برخی حروف سه تاج دارند (مانند **ש - ל - ת - ד -** **צ**) و برخی یک تاج دارند (**ב - ג - פ**). البته این امر جزو رسوم کتابت محسوب می‌شود و اگر متنی بدون این تاج‌ها نگاشته شود، شرعاً قابل استفاده است.

متن نوشتار فقط از حروف (کلمات) تشکیل شده است، بدون درج اعراب و صداگذاری یا هرگونه علامت دیگر (مانند پایان آیه).

• **نوشتن یک تومار تورات چقدر زمان می‌برد؟**

چنانچه فردی تمام وقت به این کار مشغول گردد (با توجه به ممنوعیت کتابت در ایام شنبه و اعیاد)، نوشتن یک تومار تورات تقریباً دو سال به طول می‌انجامد که تسلط و سرعت کتابت فرد می‌تواند این زمان را کاهش یا افزایش دهد.

• **آیا برای گط (طلاقنامه‌ی شرعی) هم همین شرایط**

**سفروت لازم است؟**

بله، طلاقنامه‌ی شرعی نیز همانند موارد گفته شده باید روی پوست و مانند مزوزا کتابت شود که فرد سوفر آن را انجام می‌دهد.

• **آیا تفاوتی میان یهودیان اشکنازی و سفاردی در سفروت**

**وجود دارد؟ و آیا کتابت اشکنازی برای سفاردی‌ها مورد**

**قبول است؟**

سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها در نگارش برخی حروف ضوابط و احکام متفاوتی دارند، اما تومار تورات توسط هر گروهی که

## نگاهی تطبیقی به عرفان یهود و اشعار فارسی (عرفان ایرانی - اسلامی)

فرزاد فروزان فر

عرفان به عنوان تجربه‌ای درونی و سلوکی معنوی، در اغلب تمدن‌ها و سنت‌های دینی جایگاهی ویژه دارد. در یهودیت، عرفان با جریان «قبالا» شناخته می‌شود که بر رمزگشایی از معانی باطنی تورات، تأمل در اسرار آفرینش، و پیوند انسان با الوهیت تمرکز دارد. در ایران اسلامی نیز سنت عرفانی در اشعار بزرگانی چون مولانا، عطار و حافظ جلوه‌گر شده است؛ اشعاری که به جایگاه انسان در هستی، عشق الهی، و سفر روحانی او می‌پردازد.

هرچند این دو سنت از نظر تاریخی و فرهنگی در بسترهای متفاوتی شکل گرفته‌اند، اما در بنیان‌های خود، شباهت‌هایی شگفت‌انگیز دارند: هر دو بر سیر و سلوک درونی تأکید می‌کنند، به نمادها و استعاره‌ها برای بیان حقیقت متعالی متوسل می‌شوند، و انسان را جوینده‌ای می‌دانند که از جهان ظاهر به سوی رازهای پنهان و نور مطلق رهسپار است.

بررسی تطبیقی عرفان یهود و عرفان شعر فارسی می‌تواند نشان دهد که چگونه تجربه‌های مشترک انسانی در قالب زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بیان شده‌اند. این تطبیق نه تنها افق‌های تازه‌ای برای فهم متون دینی و ادبی می‌گشاید، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی میان فرهنگی و میان‌دینی نیز فراهم آورد که در ادامه در قالب دو رساله به شرح آن خواهیم پرداخت.

\*\*\*

### رساله‌ی اول: عرفان یهود و عطار نیشابوری

مفاهیم عرفانی همواره جست‌وجوی انسانی برای رسیدن به حقیقت مطلق و پیوند با نور الهی است. در یهودیت، جریان قبالا این مسیر را با تحلیل باطنی تورات، تفاسیر رمزی و تجربه‌های روحانی دنبال می‌کند. در سنت عرفانی ایرانی-



اسلامی، اشعار بزرگان مانند عطار نیشابوری مسیر سلوکی انسان را در قالب هفت شهر عشق تصویر کرده‌اند؛ سفری که از طلب آغاز و به مستی عشق و اتحاد با حقیقت مطلق ختم می‌شود.

هم آوایی مفاهیم این دو سنت نشان می‌دهد که به چه شکل تجربه‌های معنوی در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، شباهت‌ها و نقاط تقاطع شگفت‌انگیزی دارند. این مقاله سعی دارد هر یک از هفت شهر عشق را با ارجاع به داستان‌های توراتی و عرفان یهود تطبیق دهد، همراه با ترکیبی از نثر و نظم کوتاه.

### مسیر هفت شهر عشق (کتاب منطق الطیر)

عطار نیشابوری در اشعارش، سفری روحانی را از طلب تا اتحاد با نور مطلق نشان می‌دهد. این مسیر شباهت عجیبی با تفسیر «رمبان»<sup>۴</sup> از نردبان در رویای حضرت یعقوب<sup>۵</sup> دارد، که نمادی از اتصال زمین و آسمان و حرکت روح انسان به سوی

<sup>۵</sup> تورات، کتاب پیدایش، فصل ۲۸ آیه ۱۲

<sup>۴</sup> رمبان: ربی مشه بن نحمان (نحمانید)، مفسر برجسته‌ی تورات و عارف

می‌شود.»

طلب رهایی از اسارت مصر:

خداوند گفت: «دیدم رنج قوم خود را که در مصر است و شنیدم فریاد آن‌ها را به خاطر ستمکارانشان؛ و دانستم رنج آن‌ها را.» - «نزول اجلال فرمودم تا آن‌ها را از دست مصریان رهایی دهم.» (تورات، خروج، فصل ۳، آیات ۷ و ۸)

طلب فرزند:

«ابراهیم گفت: پروردگارا، چه چیزی به من عطا می‌کنی؟ من زندگی را بی فرزند می‌گذرانم، و وارث خانه‌ام الیعزر دمشقی است.» - «ابراهیم گفت: اینک تو به من فرزند نداده‌ای، پس وارث من، خانه‌زادم می‌شود.» (تورات، پیدایش، فصل ۱۵، آیات ۲ و ۳)

### دوم: وادی عشق

بعد ازین وادی عشق آید پدید / غرق آتش شد کسی کانجا

رسید

«عشق است که دل را به معشوق متصل می‌کند و زندگی

را روشن می‌سازد.»

از خود گذشتگی بنی‌اسرائیل در قربانی کردن معبودان مصریان در نظر مصریان با وجود خطر حمله و درگیری با آنها: «از آن خون (بره قربانی) برداشته بر دو باهو و بر سردر بالای خانه‌هایی که در آن می‌خورند بمالند.» (تورات، خروج، فصل ۱۲، آیه ۷)

«و خداوند به ابراهیم گفت: تو عهد مرا نگاه دار. تو و بعد از تو نسلت، نسل اندر نسلشان.» - «این است عهدم بین من و شما و بین نسلت بعد از تو که عهد مرا نگاه خواهید داشت. هر مذکری از شما ختنه گردد»

(تورات، پیدایش، فصل ۱۷، آیات ۹ و ۱۰)

### سوم: وادی معرفت

بعد از آن بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی‌ای بی‌پا و

سر

«شناخت خود و درک حقیقت، مرحله‌ای ضروری برای رشد

روح است.»

ضریت مرگ اولزادان مصری: «... برای اینکه بدانید که

خداوند بین مصری‌ها و بنی‌اسرائیل فرق خواهد گذاشت»



حقیقت است.

این نردبان که نماد مسیر روحانی انسان است، زمین را به آسمان وصل می‌کند؛ فرشتگان بالا و پایین می‌روند، مانند مراحل صعود و سقوط انسان در طی طریق. رمبان می‌گوید این خواب تجربه‌ای فردی و راهنمایی برای نزدیک شدن به خداست، دقیقاً همانند مسیر طی طریق که با مراحل پاک‌سازی و رشد روحانی، انسان را به وحدت با الهی می‌رساند.

همانند مراحل خروج بنی‌اسرائیل از مصر، که سفر از اسارت به آزادی و پیمودن راه دشوار روحانی را نشان می‌دهد، هر شهر عشق مرحله‌ای از رهایی، صبر و شناخت است. زندگی حضرت ابراهیم نیز نمونه‌ای از ایمان و صبر در مسیر الهی است که با طی طریق عطار و نردبان یعقوب همخوانی دارد. در نهایت، این الگوی یکپارچه، راهنمایی روشن برای طی مسیر معنوی و رسیدن به عشق و نور مطلق ارائه می‌دهد.

### یکم: وادی طلب

چون فرو آیی به وادی طلب / پیشت آید هر زمانی صد

تعب

«آغاز راه با جستجوی حقیقت و دل‌سوختگی شروع

(تورات، خروج، فصل ۱۱، آیه ۷)

«گفت سال دیگر همین موقع حتما پیش تو برخواهم گشت و اینک سارا زنت پسری خواهد داشت و سارا از درگاه چادر که پشت سر او (فرشته) بود می شنید.»  
(تورات، پیدایش، فصل ۱۸، آیه ۱۰)

### چهارم: وادی استغنا

بعد ازین وادی استغنا بود / نه درو دعوی و نه معنی بود  
«رهایی از وابستگی ها و دل بستن به دنیا، انسان را سبکبار می کند.»

«بنی اسرائیل مصر را (از وجود خود) خالی نمودند.»

(تورات، خروج، فصل ۱۲، آیه ۳۶)

«ابراهیم پسر متولد شده را که سارا برایش زایید، اسحاق نام نهاد.» (تورات، پیدایش، فصل ۲۱، آیه ۳)

### پنجم: وادی توحید

بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت  
«دیدن همه چیز در نور یگانگی خدا، چشم دل را باز می کند.»

«و در خود همین روز بود که خداوند بنی اسرائیل را از مرد و زن، از کوچک و بزرگ، از سرزمین مصر بیرون آورد.»

(تورات، خروج، فصل ۱۲، آیه ۵۱)

درمان ناباروری سارا در نود سالگی؛ نشان از این که قدرتی بالاتر از قدرت خداوند نیست:

«و سارا باردار شد و در همان موعدی که خداوند به ابراهیم گفته بود، در پیری ابراهیم، برای وی پسری زایید.»

(تورات، پیدایش، فصل ۲۱، آیه ۲)

### ششم: وادی حیرت

بعد ازین وادی حیرت آیدت / کار دایم درد و حسرت آیدت  
مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

«حیرت و شگفتی در برابر عظمت هستی، نشانه‌ی واقعی درک روحانی است.»

«فرعون نزدیک می شد و بنی اسرائیل دیدند که اینک مصری‌ها دنبال آنها حرکت می کنند، ترس بر آنها چیره شد و فریاد زدند به درگاه خداوند.»

(تورات، خروج، فصل ۱۴، آیه ۱۰)

«و خداوند ابراهیم را آزمود و گفت: ابراهیم! و او پاسخ داد: بله حاضرم.» - «خداوند گفت: پسر خود، اسحاق را که دوست داری، به کوه موریا ببر و آنجا روی یکی از کوه‌ها که به تو خواهم گفت او را قربانی (تمام سوختنی) کن»

(تورات، پیدایش، فصل ۲۲، آیات ۱ و ۲)

### هفتم: وادی فقر و فنا

بعد ازین وادی فقرست و فنا / کی بود اینجا سخن گفتن روا  
عین وادی فراموشی بود / لنگی و کری و بیهوشی بود  
صد هزاران سایه‌ی جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو  
لیک اگر پاکی درین دریا بود / او چون نبود در میان زیبا بود  
نبود او و او بود، چون باشد این / از خیال عقل بیرون باشد این  
«تنها با فنا در خود و تسلیم کامل، انسان به وحدت با معشوق می رسد.»

«خداوند به موسی گفت: «چرا به من فریاد می زنی؟ به بنی اسرائیل بگو حرکت کنند.»... «و تو عصایت را کنار بگذار و دستت را بر دریا بلند کن و آن را بشکاف تا بنی اسرائیل از میان دریا روی زمین خشک وارد شوند.»

(تورات، خروج، فصل ۱۴، آیات ۱۵ و ۱۶)

«ابراهیم دست خود را دراز کرد و چاقو را گرفت تا پسر خود را قربانی کند.» - «و فرشته خداوند از آسمان ندا داد: ابراهیم! دست خود را به سوی آن نوجوان دراز نکن و با او کاری نداشته باش؛ زیرا اکنون دانستم که از خدا ترس داری چون پسرت، یگانه‌ات، را از من دریغ نکردی.»

(تورات، پیدایش، فصل ۲۲، آیات ۱۰ و ۱۲)

عرفان یهود و عطار هر دو مسیر سلوک روحانی انسان به سوی خدا و نور الهی را نشان می دهند. در هر دو، رنج، سفر و امتحان، ابزارهای تکامل و نزدیک شدن به حقیقت است. عشق الهی و پیروی از حکمت الهی، اساس رشد روح و راهنمای عمل انسان در جهان است.

\*\*\*

## رساله‌ی دوم: عرفان یهود و مولانا<sup>۱</sup>

### یکم

«لذت هستی نمودی نیست را  
عاشق خود کرده بودی نیست را  
گر نبودی بحر عشق پاک را  
کی وجودی دادمی افلاک را»

مولانا ریشه‌ی آفرینش را عشق الهی می‌بیند؛ عشقی که عدم را عاشق کرد و جهان را به هستی آورد. همین اندیشه در عرفان یهودی و قبلا با مفهوم *לונג* (عُونگ: لذت الهی) بازتاب یافته است؛ جایی که گفته می‌شود بنیان خلقت از اشتیاق و لذت خداوند به تجلی ناشی شد. در کتاب «تَنیا»<sup>۲</sup> توضیح داده می‌شود که سرچشمه‌ی همه‌ی رفتارهای انسان نیز همین لذت است: یا لذت قدسی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند یا لذت نفسانی که او را دور می‌سازد. همچنین در مزامیر داوود نبی آمده است: «*נכספה וגם כלתה נפשי לחצרות ה'*» «جان من اشتیاق پیدا کرد و فنا شد در حضرت خدا» (مزامیر فصل ۸۴ آیه ۳) که بیانگر همان سوز و شوقی است که مولانا از آن سخن می‌گوید. در همین راستا در آیه‌ی «*וַיִּדְבֹּר הַשְּׁמַיִם וְהָאָרֶץ*» («آفرینش) آسمان و زمین پایان یافت» (پیدایش ۲:۱) منظور تنها «پایان یافتن» آفرینش نیست، بلکه در معنای قبلائی آن لحظه‌ای است که آسمان و زمین از شدت اشتیاق و عشق به خالق به کمال می‌رسند. واژه‌ی «*וַיִּדְבֹּר*» (پایان یافتند) از ریشه‌ی «*דָּבַר*» (فنا از عشق) آمده و نشان می‌دهد که پایان خلقت با آغوش عشق الهی همراه بود. بدین‌سان، هم در نگاه مولوی و هم در عرفان یهود، هستی نه بر پایه‌ی ضرورت، بلکه بر بنیاد لذت و عشق الهی بنا شده است؛ عشقی که در شبات (شنبه) و در کلام انبیا به اوج خود می‌رسد و انسان را نیز به سوی فنا و وصال می‌کشاند.

در آثار مولانا، به ویژه در مثنوی معنوی، می‌بینیم که عشق به خدا، سرچشمه‌ی تمام زندگی‌ها و حرکات روح است و انسان با طی مسیر درونی، از خودبی‌خود شدن، رهایی از تعلقات دنیوی و اتصال به نور مطلق، به کمال می‌رسد. این نوع عبادت، نزدیک‌ترین حالت به آن چیزی است که در عرفان یهود به آن *حسیدوت* گفته می‌شود: محبت خالص و بی‌قید و شرط، و بخشش نور الهی به عالم و انسان‌ها. همان‌طور که *حسیدوت* در قبلا، پایه‌ی خلقت و جریان زندگی در جهان است، در اشعار مولانا نیز عشق، اساس آفرینش و عبادت است.

در واقع، می‌توان گفت که عبادت حقیقی از نظر مولانا و *حسیدوت* در قبلا، همان عشق فعال و جاری است: عشق به خدا، عشق به انسان‌ها، و عشق به جهان. این عبادت بر پایه‌ی محبت و اتحاد با نور الهی، سرچشمه‌ی تمامی فضیلت‌ها و حرکات‌های روحانی است. مولانا از طریق داستان‌ها و تمثیل‌ها، این عشق را نشان می‌دهد؛ عشقی که انسان را از خودخواهی و تعلقات مادی رها می‌کند و به وحدت با کل عالم و نور مطلق می‌رساند.

به این ترتیب، مولانا و قبلا هر دو مسیرهای عمیقی برای درک رازهای هستی و پیوند انسان با خالق ارائه می‌دهند، با این تفاوت که مولانا این مسیر را با زبان عاشقانه، شعر و داستان بیان می‌کند، در حالی که قبلا آن را با تحلیل ساختاری نور، «سفیرا»<sup>۳</sup>ها و *حسیدوت* توضیح می‌دهد. اما در هر دو، محور اصلی عشق و عبادت خالصانه است؛ نیرویی که هم عالم را آفریده و هم راهنمای انسان برای رسیدن به کمال حقیقی است.

در ادامه به بررسی تعدادی از مفاهیمی مشترک از این دریای بیکران فهم عاشقانه و معرفت عارفانه خواهیم پرداخت.

<sup>۱</sup> Tanya : کتاب آموزه‌های عرفانی و الاهیاتی حسیدی، تالیف ربی شنور زلمان لیادی، نخستین رهبر گروه خباد، ۱۷۹۶ (س.).

<sup>۲</sup> اقتباسی از سخنرانی هاراو اریه ریحنیان -۱۳۹۵- شرح و برداشتی کوتاه از گفت و گوی وی با استاد الهی قمشه‌ای

<sup>۳</sup> سفیروت: (جمع سفیرا) مراتبی میان ذات خداوند و جهان مادی (س.).

## دوم

«گر نبودی عشق، هستی کی بدی

کی زدی نان بر تو و کی تو شدی»

مولانا در این دو مصرع نشان می‌دهد که حتی نیازهای مادی انسان همچون خوردن نان، ریشه در عشق و اشتیاق به بقا دارند و همین عشق است که ماده‌ی بی‌جان را جان‌دار می‌کند و فنا را به جاودانی بدل می‌سازد. در عرفان یهودی نیز همین معنا با واژه‌ی *דבקות* (دوقوت: پیوند عاشقانه با خدا) بیان می‌شود؛ واژه‌ای که هم در شادی و لذت ازدواج و هم در وصال به خدا در تورات به کار رفته است. بدین‌سان لذت‌های جسمانی نه مانع، بلکه ابزاری برای تعالی‌اند: نانی که از خاک و رنج برمی‌آید، با اشتیاق انسان به حیات، به ابزاری برای عبادت و دوقوت بدل می‌شود. در این دیدگاه، همان‌گونه که مولانا می‌گوید عشق نان مرده را جان می‌دهد، قبلاً نیز می‌آموزد که عالم مادی از رهگذر عشق و اشتیاق انسانی به قداست ارتقا می‌یابد و در نهایت ماده‌ی فانی در پیوند با عشق الهی جاودانه می‌گردد.

## سوم

«عاشق عشق خدا وانگاه مزد

جبرئیل مؤتمن وانگاه دزد»

مولانا در این بیت هشدار می‌دهد که عبادت اگر برای پاداش باشد، از خلوص و نور تهی می‌گردد؛ حتی فرشته‌ی امین نیز اگر در پی مزد باشد، چون دزد می‌شود. در کتاب *تنیا* نیز آمده است که عبادت حقیقی تنها زمانی معنا دارد که از سر عشق خالص و دوقوت (الحاق به خدا) انجام شود، نه برای منفعت یا ترس؛ زیرا تنها چنین عشقی است که نفس را فانی و روح را با سرچشمه‌ی الوهیت یگانه می‌سازد.

## چهارم

«کل عالم را سبو دان ای پسر

که بود از علم و خوبی تا به سر»

مولانا در این شعر خود جهان را جامی می‌بیند آکنده از حکمت و نیکی. در قبلاً نیز آفرینش بر دو اصل بنا شده است: «*עולם חסד יבנה* – جهان بر پایه‌ی محبت بنا می‌شود»

(مزامیر ۸۹:۳) و «*כלם בכדמה לפית* – همه (ی جهان) را با حکمت ساختی» (مزامیر ۱۰۴:۲۴). یعنی آفرینش هم جلوه‌ی *חסد* (حسید: محبت و بخشش) است و هم تجلی *חכמה* (حُخما: حکمت). کتاب وظایف قلبها (*חובות הלבבות*) نیز می‌آموزد که انسان باید در برابر این ترکیب عشق و حکمت الهی، قلب خود را به سپاس و خدمت معطوف کند. بدین‌گونه، همان‌گونه که مولانا عالم را سرشار از «علم و خوبی» می‌بیند، عرفان یهود نیز هستی را بر ستون‌های حکمت و محبت الهی استوار می‌داند؛ و انسان با درک و عمل بر پایه‌ی آن‌ها، به پیوند قدسی با خالق می‌رسد.

## پنجم

«این جهان دریاست و تن ماهی و روح

یونس محبوب از نور صبح»

مولانا در این نظم تمثیلی نشان می‌دهد که روح انسان اگر در دریای دنیا غرق بماند، محبوب می‌شود و تنها با تسبیح و راز و نیاز می‌تواند رهایی یابد. در قبلاً و به‌ویژه در بخش «تیقونه زوهر» نیز عبادت چنین نقشی دارد: میسواها (احکام دین) همچون جسم پرنده‌اند و تفیلا (نماز) بال‌های آن، که انسان را به پرواز و اتصال با خدا می‌رساند. در حسیدوت آمده است که همه‌ی اعمال روزانه انسان در لحظه‌ی تفیلا به نقطه‌ی رضایت و اتصال می‌رسند، و در کتاب «تنیا»، تفیلا به نخاع بدن تشبیه شده؛ یعنی مجرای اصلی که همه‌ی اندام‌ها را به حیات پیوند می‌دهد. بدین‌سان، همان‌گونه که مولانا نجات روح را در تسبیح می‌بیند، قبلاً نیز نماز عاشقانه و صمیمی را کانال اصلی وصال با خدا می‌داند؛ به‌ویژه هنگامی که به زبان دل و با خلوص ساده، همچون موسی و شبان، بر زبان جاری شود.

سخن پایانی: در نگاهی عرفانی، جهان نما (نمای انسانی – مادی) جلوه‌ای از عشق و حقیقت جهان معنا بوده و وصال انسان از این عالم مادی به معنا را با عبادت عاشقانه و خالصانه میسر می‌داند که همانا غایت سیر روح، یگانگی با سرچشمه‌ی الهی خواهد بود.

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی‌ست.

## در آمدی بر جنبش حسیدیسیم

ساسان پیرفلک

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عرفان تطبیقی دانشگاه شهید

بهشتی تهران

یکی از مهم‌ترین مفاهیم ادبیات عرفانی در دین یهود، جنبش حسیدیسیم<sup>۱</sup> (به معنای پارسایی) می باشد. بسیاری از یهودیان لهستان به دنبال فجایع و مصیبت‌های قرن هفدهم از طریق حسیدیسیم و با توسل به زهد دینی در پی رستگاری فردی بودند. بنیانگذار این جنبش اسرائیل بن الیعزر (۱۷۰۰-۱۷۶۰) معروف به بعل شیم<sup>۲</sup> طوو بود. معنی لغوی حاسید در کتاب مزامیر به معنای پارسا، روحانی و عابد به کار رفته است. حسیدیسیم با تاکید بر این اصل تلمودی که «ذات اقدس الهی، ستوده باد نام او، به قلب پاک اهمیت می‌دهد»، توجه خود را بجای ذهن و عقل، بیشتر به احساسات و عواطف معطوف ساختند.

در جنبش حسیدی هدف بعل شیم و پیروانش این بود که عارفان بتوانند با مردم در ارتباط باشند. آنها ارزش مثبتی برای لذات و شادی‌های زندگی قائل بودند و تاکید می‌کردند که انسان باید در همه اوقات خرسند، سرحال، سرزنده و شاد باشد و از غم و اندوه به هر صورت باید خودداری کرد.

در آغاز ربی‌های این جنبش از سبک نگارش نسبتاً جدیدی برای عامه مردم استفاده کردند که همین سبب جذب افراد غیر متخصص و عامه مردم به حسیدیسیم شد. به طور کلی سبک نگارش کتاب‌های حسیدی نسبت به آثار قبالیایی قدیم، ساده‌تر و قابل فهم‌تر بود و به همین خاطر در عرفان قبالیایی هم تاثیر شگرفی برجا گذاشت و افراد علاقه‌مند به عرفان قبالیایی می‌توانستند نسبتاً راحت‌تر به آن بپیوندند. مارتین بوهر در این باره می‌گوید: حسیدیسیم نشانگر آموزه‌های قبالا است که به عادات و رسوم تبدیل شده است. در جنبش حسیدی انسان مومن مانند گذشته نیاز به تبحر در علوم قبالیایی نداشت و می‌توانست از صدیق<sup>۳</sup> پیروی کند. صدیق یک حاخام عارف مانند گورو در عرفان هندو و شیخ در عرفان اسلامی است که واسطه‌ی میان انسان و خدا به‌شمار می‌رود. ربی نحمان معتقد

بود که انسان از طریق فرد صدیق می‌تواند به فهم درست خدا نائل آید و این صدیق است که می‌تواند کراماتی را نیز انجام دهد. صدیق در حسیدیسیم به عنوان پلی بین جهان مادی و جهان روحانی شناخته می‌شد.

یکی از مهم‌ترین تمایزات جنبش حسیدیسیم با دوره‌های عرفانی ماقبل خود، ارائه‌ی تفسیرهای قابل فهم از مفاهیم پیچیده‌ی قبالیایی بود و توسط آموزه‌های آن، عرفانی را که در دوره‌های قبل در اختیار افراد خاص عارف بود به عرصه‌ی عمومی وارد نمود.

برای حسیدی‌ها که معتقد به تجربه درونی بودند، احکام تورات و قوانین شرع یهود از تکلیف به نوعی امر وجد آمیز و مشتاقانه تبدیل شد. امور عادی زندگی در این دیدگاه، به شرط نیت الهی، به امری مقدس و عبادی مبدل می‌گشت. حسیدیسیم هرگونه ریاضت و حزن را نفی می‌کرد و آن را مانع عبادت می‌دانست. اسرائیل بعل شیم بر لذت بردن از عبادت تاکید داشت و می‌گفت: پدر ما در آسمان از حزن و اندوه بیزار است. بنابراین آموزه‌های حسیدی، انسان می‌تواند در جایگاهی بالاتر از فرشتگان قرار بگیرد و به مفهوم دوقوت<sup>۴</sup> (الحاق به خداوند) که بالاترین ارزش دینی به شمار می‌رود دست پیدا کند.

یکی از چهره‌های سرشناس در مطالعات یهود، گرشوم شولم است که آثار او در شناخت یهود و عرفان بسیار مهم است. شولم در کتاب گرایش‌ها و مکاتب اصلی عرفان یهود، تفکرات حسیدی‌ها را کاملاً جدید نمی‌داند بلکه آن را برگرفته از جنبش‌های گذشته (قبالیایی قدیم) می‌داند که به شکل تغییر یافته ارائه شده است و این که حسیدیسیم همان تفکر قبالیایی قدیم را به صورت دیگری که عامه پسند باشد بیان می‌کند. از نظر شولم حسیدیسیم، جنبشی دینی و اخلاقی است که به طور کلی اصلاح یافته‌ی مکاتب عرفانی پیشین در یهودیت است.

منابع:

- اپستاین، ایزیدور، ۱۳۹۹، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کوهن شریاک، دن، ۱۴۰۳، یهودیت مدرن، ترجمه علی شهبازی، قم: انتشارات ادیان
- گرهارد شولم، گرشوم، ۱۴۰۱، گرایش‌ها و مکاتب اصلی عرفان یهود، ترجمه علیرضا فهیم، قم: انتشارات ادیان.



## احترام و قداست کنیسا

داریوش پاچالی

خوشنویس عبری و پیش‌نماز کنیسا

راز و نیاز با خداوند و طلب خواسته‌ها و توبه و بازگشت به سوی معبود و ارتباط با خداوند، در ذات وجودی هر انسانی نهفته است. همچنین به استناد آیاتی در تورات مقدس و دیگر کتب مقدس، دستوراتی راجع به تشکیل مکان مقدسی جهت انجام مراسم عبادی و تجلی نور الهی (شخینا) می‌توان یافت، همانطور که طبق اصل اول از اصول ۱۳ گانه ایمان یهود که توسط هارامبام فقیه یهودی تنظیم شده است گفته شده: **שהקדוש ברוך הוא מצוי ומשגיח** که خداوند مقدس متبارک در هر مکانی وجود دارد و بر همه نظارت می‌کند. با این حال طبق آیه (پاسوق) **ועשו לי מקדש ושכנתי בתוכם** (خروج ۲۵-۸) «و برای من مکان مقدس بسازند تا در میان آنها ساکن شوم» و آیه **ושמחתים בבית תפלתי** **עולותיהם** **וזבחייהם לרצון** **לל מזבחי** «و در خانه‌ی عبادتم ایشان (اقوام) را شاد خواهم کرد و قربانی‌ها و هدایا (نمازهای) آنها را قبول خواهم کرد» (یشعیا ۵۶).

و در همه این آیات و آیات مربوطه دیگر دستور ساخت خانه خدا و محل عبادت او اشاراتی شده است. بر این اساس شرایط و قوانینی تعیین گردید که مکانی برای حضور افراد جهت انجام آیین و نیایشی باشد که در دوران حضرت موسی (ع) و پس از آن حضرت سلیمان (ع) ترکیبی از تقدیم قربانی و عبادت کلامی بود، ولی امروز به صورت مجموعه‌ای از دعاها به صورت نمازهای سه‌گانه تنظیم شده و مقرر گردید که ترجیحاً به صورت جماعتی در کنیسا (کنیسه)ها برگزار شود.

ساختار کنیساها به طور خلاصه عبارت است از:

۱. تعیین جهتی خاص برای انجام فرایض

۲. مکانی برای قرار گرفتن تورات مقدس به نام **החל**

۳. جایگاهی برای پیش‌نماز (شالیح صیبور)

۴. محیطی مناسب برای حضور جماعت نمازگزار
  ۵. تفکیک جایگاه مردان و زنان از یکدیگر به حرمت این مکان مقدس
- طبق آیه **כי ביתי בית תפילה יקרא מכל העמים** «خانه‌ی من، خانه‌ی تفیلا (نماز) و عبادت همه قوم‌ها هم نامیده خواهد شد» (یشعیا ۵۶)، حضور همه‌ی انسان‌ها در کنیسا برای دعا و نیایش بلامانع است، البته با رعایت:
۱. پاکی و طهارت جسمی و ذهنی
  ۲. حفظ حرمت این مکان شامل رعایت سکوت در زمان قرائت تفیلاها و مراسم
  ۳. حفظ حجاب و پوشش کامل مردان و زنان
  ۴. پرهیز از هرگونه خطایی در این مکان از جمله غیبت و بدگویی و هر سخن بیهوده دیگری
  ۵. بیان دعا و طلب سلامتی و رفع مشکلات برای همه انسان‌ها و خود شخص و خانواده او
- همچنین کنیسا خاستگاه و مکانی جهت آموزش عبادی کودکان و نوجوانان و رسیدن به مقام افرادی مسئولیت‌پذیر و خدمتگزارانی خالص در هر لباس و سمتی به جامعه و انسان‌هاست. نهایتاً تشکیل این مکان مقدس (کنیسا) جهت باخبر بودن از احوالات یکدیگر و مطلع شدن از مشکلات دیگران و کمک به نیازمندان و طبق آیه **ואהבת לרעך כמוך** (لاویان ۱۹-۱۸) «همنواعت را مانند خودت دوست بدار» که پیش‌نیاز ارتباط با خداوند، ارتباط بین انسان‌ها و یگانگی و اتحاد بین آنهاست.

میشی<sup>۴</sup> می‌رفتم، مردم روی زمین که با نمذ فرش شده بود می‌نشستند؛ متوجه شدم که این در شأن مردم نیست. پس از مدتی کوتاه در پی اعتراض به متصدیان با اقدام به نظافت محل کنیسا، فعالیت خود را شروع کردم که حدود ۱۶ ساله بودم و این موضوع حدود ۶۵ سال قبل بود، پس از مدتی چون جماعت فعالیت مرا دیدند به من اختیارات بیشتری دادند و کم کم مسئول کنیسا شدم و با جمع‌آوری اعانه، تمام نمدها را جمع‌آوری نموده و کف زمین را سیمان کردم و مقداری نیمکت چوبی ساخته و آن‌جا را به شکل کنیسای آبروداری درآوردم که در آن زمان نمونه بود و به همین ترتیب فعالیت‌های خود را تا چهل سالگی در همین کنیسا ادامه دادم و مورد تأیید مردم بودم که در این موقع کنیسای آبرومندی شده بود. تا این‌که به همت والای خانی ربیع‌زاده کنیسای بزرگی که به یاد همسر متوفی خود در یکی از خیابان‌های خوب شیراز برپا کرده بود، به من پیشنهاد مدیریت آن را واگذار کردند. با علاقه‌ی زیاد پیشنهاد آن را قبول کردم. چون دامنه‌ی فعالیت بیشتری داشتم، مسئول امور مالی و جمع‌آوری اعانه شدم و در مدت کمی کنیسا وضع مالی خوبی پیدا کرد که فرش‌های بسیار زیبا برای کنیسا خریداری شد و این کنیسا یکی از آبرومندترین کنیساهای شیراز شد و هر سال بیلان وضع مالی را در روز کیپور (روز توبه) به کنیسا می‌دادم».

بدون تردید، یکی از گنجینه‌های تصویری کم‌نظیر از تاریخ این کنیسا، عکس‌هایی است که «لنی زوننفلد»<sup>۵</sup>، عکاس خبری نامدار در تاریخ یهودیان جهان، از مراسم روش ه‌شانا در

## کنیسای ربیع‌زاده‌ی شیراز در روش ه‌شانا‌ی سال ۵۷۳۴ عبری به روایت تصاویر لنی زوننفلد روش ه‌شانایی با قدمت ۵۲ سال

الناز حق‌شناس

پژوهشگر تاریخ هنر و معماری کلیمیان ایران

در روزهایی که کنیسای ربیع‌زاده‌ی شیراز در حال بازسازی است، بهترین زمان است که با مرور گذشته، از خاطرات این کنیسا<sup>۲</sup> که نیم‌قرن مأمّن دعا و اجتماع کلیمیان شیراز بوده، سخن بگوییم. این کنیسا در دوره‌ی پهلوی دوم توسط خانی ربیع‌زاده<sup>۳</sup> (از تاجران خوش‌نام و نیکوکار کلیمی شیراز)، به یاد همسر مرحومش، وقف جامعه‌ی یهودیان شد و از آن زمان تاکنون به عنوان کنیسای جامع کلیمیان شیراز شناخته می‌شود که قرار گرفتن موقعیت آن در کوچه‌ی ادیان (نوبهار) در خیابان زند، نمادی زیبا از همزیستی دیرینه میان کلیمیان، مسیحیان، زرتشتیان و مسلمانان این شهر است.

در شماره‌ی ۶ نشریه‌ی چشم‌انداز (یکی از نشریات کلیمیان ایران در کالیفرنیا) در سال ۱۹۹۱ میلادی، در مصاحبه با لاله‌زار کهن درویش (یکی از خدمتگزاران جامعه‌ی کلیمیان شیراز و مسئول کنیساهای ملامیشی و ربیع‌زاده‌ی شیراز در دوره‌ی پهلوی) درباره‌ی کنیسای ملامیشی و کنیسای ربیع‌زاده شیراز چنین بیان شده است «از سن ۱۴ سالگی که به کنیسای ملا

<sup>۴</sup> به نقل از یکی از بزرگان جامعه‌ی کلیمیان شیراز، کنیسای ملامیشی شیراز در دهه‌ی ۸۰ به دلیل طرح توسعه‌ی خیابان، با موافقت انجمن کلیمیان شیراز تخریب شد و در عوض، زمینی در مجاورت کنیسای ربیع‌زاده برای ساخت بنای جدید به جامعه‌ی یهودیان واگذار گردید. به همین دلیل است که در کنار تابلوی سردر ورودی انجمن خبریه‌ی کلیمیان شیراز، عبارت "ساختمان مرحوم ملامیشی ملامید" نوشته شده است.

<sup>۵</sup> לני זוננפלד / Leni Sonnenfeld

<sup>۱</sup> روش ه‌شانا: شروع سال تقویمی عبری که شامل مراسم دینی در کنیسا است  
<sup>۲</sup> کلیمیان ایران کاربرد واژه کنیسا را درست‌تر از کنیسه می‌دانند. لذا در این مقاله از واژه کنیسا استفاده شده است. کنیسا/کنیسه در زبان عبری با نام پت کینست و به شکل "בית קניסה" نوشته می‌شود. نام کینست از ریشه "קניסה" گرفته شده است و از تجمع مردم در آن نامگذاری شده است.

<sup>۳</sup> خانی ربیع‌زاده، علاوه بر معروف بودن در امر تجارت، در چندین دوره از جمله سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰، ریاست انجمن نظارت فرعی انتخابات کلیمیان شیراز را بر عهده داشته و از خیرین جامعه‌ی کلیمیان شیراز و همچنین از فعالین فرهنگی این جامعه نیز به شمار می‌رفته است.

ربیع‌زاده دوباره جان می‌گیرند، خاطرات روش‌هشنانای سال ۵۷۳۴ در قاب‌های سیاه و سفید زوننفلد، همچنان بوی ایمان و امید جماعت کلیمیان شیراز در این کنیسا را تداعی می‌کند. در زمان نگارش این مقاله، سالن اصلی کنیسای ربیع‌زاده در حال بازسازی بود تا کنیسایی در شأن جامعهٔ یهود شیراز و درخور نام کنیسای جامع کلیمیان ساخته شود. امید که جامعه‌ی کلیمیان شیراز به زودی شاهد بهره‌برداری و بازگشایی مجدد این کنیسا باشند و مانند تصاویر روش‌هشنانای نیم قرن گذشته، این کنیسا و جماعتش، همچنان نقش مهمی را در تاریخ عبادی کلیمیان ایران و ثبت لحظات ماندگار تاریخی ایفا کنند.

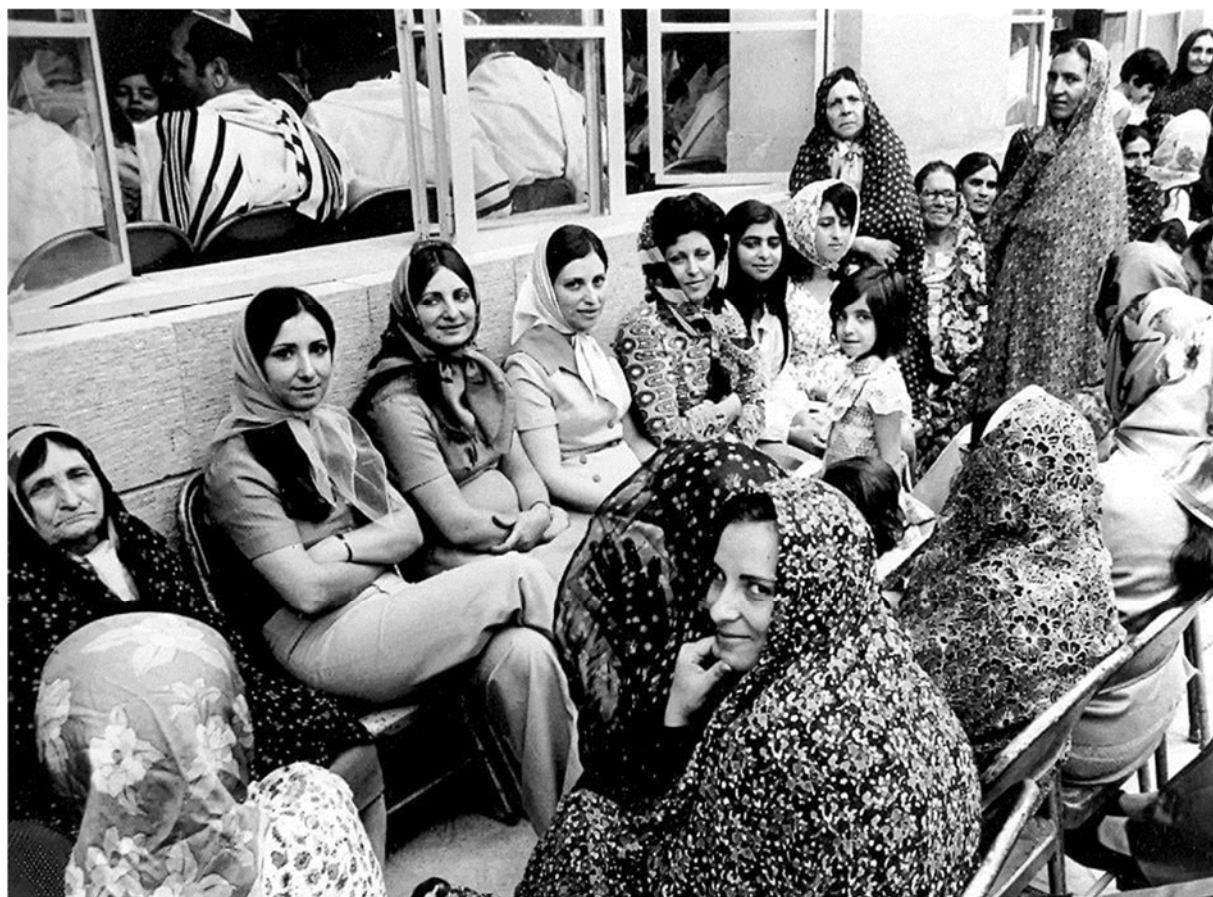
#### منابع:

آرشبو تصاویر لنی زوننفلد (عکاس خبری یهودیان جهان) و هربرت (همسر لنی) با تشکر از همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند: دکتر همایون سامه‌یح نجف‌آبادی (نمایندهٔ کلیمیان در مجلس و رئیس انجمن کلیمیان تهران)، مهندس رهام فرزاندیا (یکی از سردبیران نشریهٔ آهوا (אהבה): نشریهٔ سازمان دانشجویان یهود شیراز و عضو سابق هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود شیراز)، دکتر هومان بهبودی‌خواه (دکتر داروساز و عضو سابق هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود شیراز)، یوشا باشی (نایب رئیس انجمن کلیمیان شیراز)، مهندس یورام هارونیان (مدیر داخلی انجمن کلیمیان تهران)

سال ۵۷۳۴ عبری (۱۳۵۲ شمسی / ۱۹۷۳ میلادی) ثبت کرده است. زوننفلد، که عکس‌هایش در نشریاتی چون نیویورک تایمز چاپ می‌شد، یکی از یهودیان آلمان بود که از ابتدا یک عکاس نبود و بعد از آغاز جنگ جهانی دوم و در پی از دست دادن شغلش در آلمان، از روزنامه‌نگاری به عکاسی خبری روی آورد و به شایستگی این کار را انجام داد و میراثی پر بار و غنی از تصاویر تاریخ یهودیان جهان را از خود به‌جا گذاشت. حال آن‌که چگونه گذر این عکاس مهم جهان یهود، به کنیسای ربیع‌زاده شیراز افتاده، مشخص نیست؛ اما آن‌چه امروزه اهمیت دارد، ثبت تصاویر ماندگار از روش‌هشنانای خاطره‌انگیز این کنیسا است که به تنهایی گویای زیباترین خاطرات از کلیمیان شیراز است. در باور یهودیان، عکاسی در اعیاد مقدس مجاز نیست، اما در آن سال، به او اجازه داده شد تا این لحظات را ثبت کند.

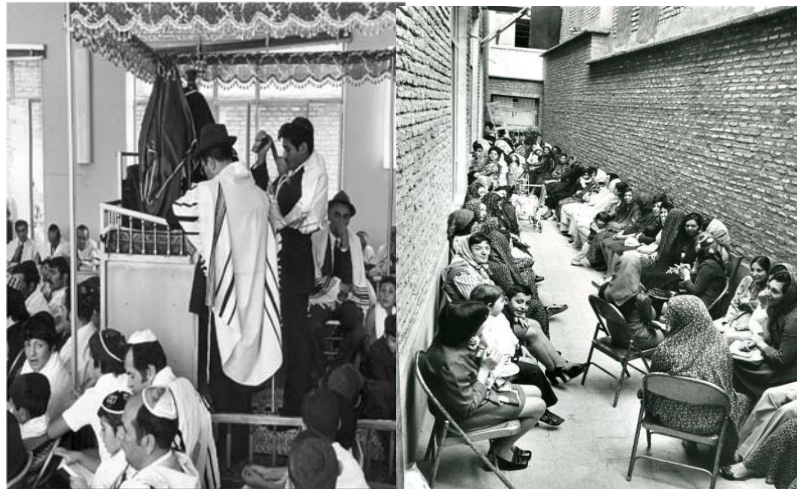
خوشبختانه ثبت همین تصاویر در نیم قرن گذشته‌ی کنیسای ربیع‌زاده، باعث شده که گوشه‌ای از تاریخ یهودیت شیراز تاکنون زنده بماند. در روزهایی که دیوارهای کنیسای

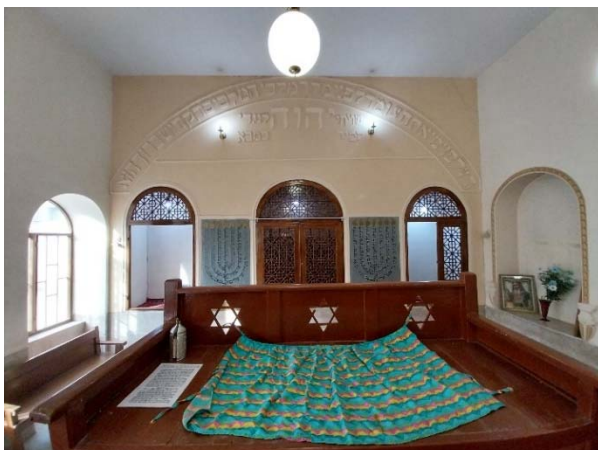












گذری بر تاریخچه‌ی کنیسه‌های تهران:

## محله‌ی اودلاجان و

### کنیسه عزرا یعقوب

مهران ملک  
کارشناس معماری

#### تاریخ محله اودلاجان و ارگ قدیم تهران

محله اودلاجان (عودلاجان) یکی از قدیمی‌ترین محلات تهران است که در منطقه‌ی بازار بزرگ و ارگ قدیم تهران واقع شده است. این محل در دوران قاجار، به‌خصوص پس از سلطنت آغامحمدخان قاجار، در حدود سال‌های ۱۲۱۵ خورشیدی و بعد از آن یکی از محلات اعیان‌نشین و مهم تهران به‌شمار می‌رفت و محل سکونت بسیاری از تجار، خانواده‌های متمول و سرشناس، و همچنین روحانیون برجسته آن دوران بود.

اودلاجان به دلیل نزدیکی به ارگ سلطنتی و بازار بزرگ تهران، همواره محل تجمع افراد صاحب‌نظر، صاحب‌نفوذ و بازاریان خوش‌نام زمان خود بوده است.

گفته شده است که در زمان‌های قدیم (بیشتر از دهه ۱۲۴۰ خورشیدی به بعد)، اغلب ساکنان محله اودلاجان را یهودیان تشکیل می‌دادند، البته به‌جز یهودیان، گروهی از زرتشتیان، تعداد بسیار کم و محدودی از مسیحیان آشوری و کلدانی و همچنین خانواده‌های متعددی از بازاریان مسلمان نیز در این محله سکونت داشتند.

#### حدود جغرافیایی و مشخصات تاریخی محله

محدوده محله اودلاجان از شمال به خیابان امیرکبیر، از جنوب به خیابان ۱۵ خرداد، از غرب به خیابان ناصرخسرو، و از شرق به خیابان سیروس (مصطفی خمینی فعلی) محدود می‌شود. لازم به ذکر است که اودلاجان سه محله کوچک‌تر به نام‌های امامزاده یحیی، پامنار و ناصرخسرو را شامل می‌شود که از نظر تاریخی، به دلیل وجود بناهای بسیار قدیمی متعدد، بسیار غنی است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های محله اودلاجان، بازارچه سنتی آن است که گفته می‌شود به دستور مستقیم آغا محمدخان قاجار، در سال‌های ۱۲۰۸ تا ۱۲۱۱ خورشیدی بنا گردید و از

آن زمان تاکنون چندین بار در معرض تخریب و آسیب جدی قرار گرفته و مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته است که آخرین بار، در اواسط دهه ۱۳۹۰ خورشیدی، به همت شهرداری منطقه ۱۲ تهران به‌صورت اساسی بازسازی شد که طرح سنتی نیز در بازسازی کاملاً رعایت شده است. بازارچه تاریخی اودلاجان در خیابان ۱۵ خرداد، روبه‌روی بازار آهنگران تهران واقع شده است.

محله‌ی اودلاجان از چهار دوره قابل بررسی است که شامل دوران صفویه، دوران قاجار، دوران پهلوی اول و نهایتاً دوران پهلوی دوم می‌شود.

با گسترش شهر و تغییر بافت شهری، اودلاجان نیز دستخوش تغییرات بسیاری شد و بسیاری از خانه‌ها و املاک قدیمی موجود در آن تخریب، بازسازی یا تغییر کاربری داده شدند.

در سال ۱۳۵۶ خورشیدی، مهندس کیوان خسروانی، معمار برجسته و مشهور ایرانی، به‌جهت اعتراض به تخریب بافت شهری اودلاجان و به بهانه نوسازی آن، نمایشگاهی از طرح‌هایش از محلات و بناهای قدیمی ویران‌شده ایرانی را در محله قدیمی اودلاجان برگزار کرد که مورد استقبال شدید و توجه متخصصین و صاحب‌نظران قرار گرفت.

قابل‌ذکر است اماکن مشهور و مهمی چون خانه شخصی سید حسن مدرس، باغ معروف ملک‌الشعرای بهار، کاخ گلستان و عمارت معروف مسعودیه در این منطقه جای گرفته‌اند که از نظر اجتماعی و تاریخی بسیار مهم و قابل بررسی و تعمق می‌باشند.

\*\*\*



در سال ۱۳۸۳ خورشیدی، این کنیسا به جهت داشتن ویژگی‌های خاص معماری قاجاری، توسط انجمن کلیمیان تهران و همچنین با حمایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، در ردیف آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

#### بازسازی کنیسای عزرا یعقوب در حال حاضر

اخیراً به اهتمام و مساعدت و همراهی انجمن کلیمیان تهران و همچنین زحمات خانواده یشایایی، نظر بر این است که بازسازی و تعمیرات اساسی به صورت سنتی که بافت اصلی کنیسا را از نظر تاریخی حفظ و احیا نماید انجام گیرد، البته در نظر است که از کمک‌های خیرین نیز جهت انجام امور بازسازی کنیسا استفاده گردد.

امید که مجدداً با احیای بافت سنتی و طرح معماری سالن‌های کنیسا که یک سالن کوچک، یک سالن بزرگ‌تر، و همچنین حیاط اصلی را شامل می‌شود، ارزش‌های تاریخی و مذهبی کلیمیان تهران قدیم تا حدود زیادی حفظ گردد.

#### منابع:

۱. تاریخ یهودیان ایران (جلد اول، دوم، سوم) - حبیب لوی
۲. یادداشت‌ها و خاطرات ستاره فرمان‌فرمایان
۳. تاریخ بلده تهران (تهران قدیم) - نوشته مهندس حسین محمودی‌نسب
۴. و با تشکر از افرادی که بنده را در تهیه و نگارش این مقاله یاری دادند: هارون یشایایی، مرجان یشایایی، داریوش پاچالی، مسئولان کنیساهای دروازه دولت، گرگان و پل چوبی.

#### شرحی بر تاریخچه کنیسای عزرا یعقوب

کنیسای عزرا یعقوب یکی از قدیمی‌ترین کنیسه‌های کلیمیان تهران است که در خیابان مصطفی خمینی (سیروس سابق) و در محله اودلاجان واقع شده است. این کنیسا بنا بر وصیت مستقیم شخصی به نام عزرا یعقوب، به سال ۱۲۷۳ خورشیدی بنا گردید.

گفته می‌شود عزرا یعقوب یکی از تجار خوش‌نام و معروف یهودی بود و نخستین کسی بود که در تجارت و مبادلات بازرگانی با منچستر انگلستان روابط برقرار کرده بود. او در زمستان ۱۲۷۳ دچار بیماری شدیدی شد و از دنیا رفت. بیوه او، صنوبر حق‌نظر، طبق وصیت همسر مرحومش، قسمت اعظم ثروت وی را صرف امور خیریه نمود.

او علاوه بر کنیسا، یک باب آب‌انبار که نیاز شش‌ماهه محله اودلاجان را کاملاً تأمین می‌کرد و همچنین ساختمانی به جهت انجام امور مکتب‌خانه بنا کرد. ضمناً بودجه لازم برای ساخت یک کنیسا و بیمارستان خارج از تهران نیز توسط او تأمین شد. گفته می‌شود تا دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، این کنیسا یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع یهودیان در محله سیروس (سرچال) بوده است. در سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ خورشیدی، عده کثیری از یهودیان بخارا و سمرقند که از طریق افغانستان و شهر مشهد به تهران مهاجرت کرده بودند، در این کنیسا سکنی گزیدند. این افراد بعدها با کمک یهودیان کنیسا، مهاجرت کردند.

همچنین، هنگام وقوع جنگ جهانی دوم، مهاجرین یهودی کشور لهستان پس از پناه آوردن به تهران، در این کنیسا سکنا داده شدند.

کنیسای عزرا یعقوب در دهه ۱۳۴۰، به دلیل جابه‌جایی و کوچ یهودیان از محله اودلاجان به مناطق مختلف تهران، به‌ویژه شرق و شمال شهر، و پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و مهاجرت یهودیان به خارج از ایران، عده کثیری از اعضای خود را از دست داد.



## آنچه در کنیسه‌های قاجاری عزرا یعقوب اتفاق افتاده

مرجان یشایایی

کنیسه‌های عزرا یعقوب از قدیمی‌ترین کنیسه‌های موجود در کلانشهر تهران است که طبق اسناد تاریخی در سال ۱۲۷۳، در دوره ناصرالدین شاه، بنا شده است. محله اودلاجان که بین یهودیان تهرانی «سرچال» هم گفته می‌شود، اولین محل استقرار یهودیانی است که در اوایل حاکمیت سلسله قاجار به تدریج از شهرستان‌های مختلف رو به تهران آوردند و نهادهای رفاهی خود مانند قصابی‌های کاشر، یشیواها (مکاتب سنتی یهودیان که در آنها تورات و سایر کتاب‌های مذهب یهود و زبان عبری توراتی آموزش داده می‌شده) را بنا کردند. با ورود بنیاد آلیانس در اواخر حاکمیت سلسله قاجار و تاسیس بیمارستان کوروش کبیر که امروز به نام بیمارستان دکتر سپهر خوانده می‌شود، جامعه‌ی یهودی اودلاجان که اغلب از طبقات به‌شدت فرودست بودند، پا به عرصه مدرنیزاسیون و رفاه نسبی می‌گذارند، وضعیت تحصیلی و مالی بهتری پیدا می‌کنند و از اودلاجان به سایر نقاط تهران می‌روند.

بر اساس دستور جلسه انجمن کلیمیان تهران در تاریخ ۴ دی ۱۳۶۸ ش.، تا این سال ۱۳ باب کنیسه هنوز در محله اودلاجان وجود داشته‌اند که در همان صورتجلسه به بسته شدن و انتقال تورات‌های آنها به سایر کنیسه‌ها هم اشاره شده است. البته همه کنیسه‌های قاجاری تا جایی که تحقیقات نشان می‌دهد، در اودلاجان غربی واقع بوده‌اند. کنیسه‌های ملاحینا در اودلاجان شرقی نبش خیابان مصطفی خمینی که در دوره پهلوی بنا شده، هنوز به همت خانواده‌ی درخشان دایر و فعال است.

تا حدود چهار دهه قبل، اودلاجان هنوز سکنه یهودی داشته و نهادهایی مانند مهدکودک، بیمارستان دکتر سپهر، حمام‌های سلیمانیه و کشوریه و بیش از ده باب کنیسه، اکثراً خانه‌هایی کوچک با یک یا دو اتاق در آن، فعال بوده‌اند. با

مهاجرت یهودیان از آن محله به مناطق شمالی تهران یا خارج از کشور، کنیسه‌های محله یک به یک تعطیل شدند، به جز دو مورد. اولی کنیسه حکیم آشر (حادثاش) در کوچه شهید یامی که زیر نظر کارشناسان میراث و با هزینه شخصی هارون یشایایی (یشعیا) با صرف ۴۰ میلیون تومان در سال ۱۳۸۹ مرمت و احیا شد و دوم، کنیسه‌های عزرا یعقوب واقع در کوچه حکیم که در سال ۱۲۷۳ شمسی توسط صنوبر خانم (همسر عزرا یعقوب) به یاد شوهر فقیدش در ملکی وسیع به صورت مجموعه‌ای از سالن‌ها ساخته شد. در جبهه شمالی مجموعه‌ی عزرا یعقوب، کنیسه قرار دارد که بنا بر گفته‌ها و شواهد تاریخی خانه عزرا یعقوب بوده و در جبهه جنوبی، یک سالن مصا پزی (پخت نان فطیر خاص عید پسخ) که به لحاظ معماری زیباترین بخش است. در کنار آن یک سالن بزرگ با پنجره‌های چوبی آبی قرار دارد که به گفته شاهدان عینی، در دهه ۱۳۴۰ تا اواسط دهه ۱۳۵۰ شمسی محل برگزاری جلسات سازمان بانوان کلیمی، اغلب با موضوع سلامت و بهداشت و سبک درست بوده است. در این جلسات زنان مسلمان و یهودی محله به طور مشترک شرکت می‌کردند. کنیسه‌های حادثاش و ملاحینا همواره کم و بیش دایر بوده‌اند و مراسم شب‌های شبات (شنبه) در آنجا برگزار می‌شده و تورهای تهران‌گردی از آنها دیدن می‌کرده‌اند. زحمت اصلی حفظ و نگهداری این دو بنای ارزشمند و همچنین حمام‌های سلیمانیه و کشوریه در دو دهه‌ی گذشته بیش از همه بر دوش داوود گوهریان، عضو قدیمی و دلسوز کنیسه‌های تاریخی، بوده است.



آب انبار

از خاک خالی می‌شدند، اما این زیرزمین‌ها کجا هستند، کسی نمی‌دانست و هیچ نقشه‌ای از سابق باقی نمانده بود تا تیم کارشناسی را راهنمایی کند. اردیبهشت ۱۴۰۴، بعد از بیش از هفت ماه تلاش و مشاوره با اساتید مرمت بناهای تاریخی و گمانه‌زنی، برداشتن دیواره زیرین سکوی جبهه جنوبی و خارج کردن تدریجی خاک‌ها، چهره آب انبارهای وسیع و زیبای

در این مجموعه تا سال ۱۳۸۹ شمسی چند بار اصلاحات غیرکارشناسی انجام شده که آسیب‌هایی به بنا رسانده تا اینکه در فروردین ۱۴۰۴ با درخواست هیئت امنای کنیسه‌های تاریخی اودلاجان (فرزاد طویبان، مرجان یشایایی، داوود گوهریان، شروین شیرازی) و پس از بستن قرارداد هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران به ریاست دکتر همایون سامیج با کارشناس مرمت، کار مرمت و احیای کل مجموعه از اول اردیبهشت ۱۴۰۴ آغاز شد. تصمیم هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و هیئت امنای مرمت کامل و بی عیب و نقص این بنای قاجاری است و در این راه یکی از بهترین تیم‌های کارشناسی به همکاری فراخوانده شده‌اند. رئیس طرح مرمت مجموعه عزرا یعقوب، مهندس بهروز مرباغی، معمار و مدرس دانشگاه، و مرمت‌گر و رئیس خانه اردیبهشت اودلاجان است. از آغاز گشودن در کنیسه‌ی عزرا یعقوب که در بیش از چهار سال در زمان شیوع کرونا بسته بود تا تیرماه ۱۴۰۴، بیش از نیم میلیارد تومان برای درمان سرابدار و تمیز کردن بنا، نقشه‌برداری، خارج کردن خاک از زیرزمین‌ها و اقداماتی مانند استحکام‌بخشی قسمتی از دیوارهای جبهه جنوبی مجموعه در سالن مصاپزی هزینه شده است. این هزینه‌ها توسط یهودیان علاقمند به میراث تاریخی خود به حساب هیئت امنای یا حساب مخصوص انجمن کلیمیان تهران برای مرمت کنیسه‌ی عزرا یعقوب واریز شده است. سازندگان این بنا که نامشان جاوید باد، بیش از ۱۳۰ سال قبل در ساخت آن سنگ تمام گذاشته‌اند. کمترین وظیفه ما حفاظت از این میراث گرانبها و گوهر یگانه است.

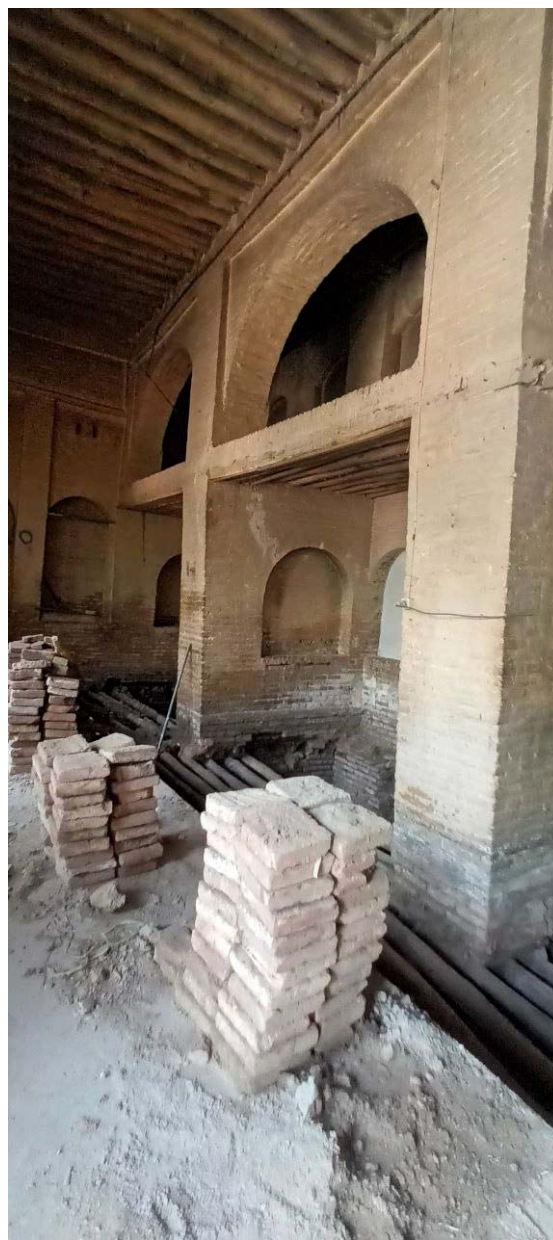
### کاوش‌ها در بنای عزرا یعقوب

با نظر رئیس طرح مرمت، مهندس بهروز مرباغی، و کارشناسان مرمت آثار تاریخی از جمله مهندس اکبر تقی‌زاده (سرپرست مرمت بازار بزرگ تبریز) که از کنیسه‌ی عزرا یعقوب دیدار کرده بودند، کار در جبهه جنوبی مجموعه با هدف از میان بردن منشا نم که تهدیدی جدی به حساب می‌آمد آغاز شد. برای این کار، باید بدون پیش‌شرط و زمینه‌ای زیرزمین‌های بنا

کاربری فرهنگی در آینده می‌تواند در اختیار اداره‌کنندگان بگذارد.

هر روز که از عملیات مرمت کنیسای قاجاری عزرا یعقوب می‌گذرد، عجایب و رازهای بیشتری پیش روی ما قرار می‌گیرد. با خروج تدریجی خاک از زیرزمین‌های پنهان، مشخص شده بنا از آنچه در ابتدا تصور می‌کردیم، فاخرتر و گسترده‌تر و در نتیجه مرمت آن نیز پیچیده‌تر و هزینه‌برتر است. بزرگ‌ترین زیرزمین که بعد از پایان تخلیه آن معلوم شد همان بزرگ‌ترین آب انبار اودلاجان در اسناد تاریخی است که می‌توانسته آب شش ماه اهالی را در خود ذخیره کند و مسلمان و یهودی از آن استفاده می‌کرده‌اند، وسعتی حدود صد متر مربع و ارتفاعی بیش از شش متر دارد. در زیرزمین قرینه بعدی در همان جبهه جنوبی مجموعه که وسعتی کمتر اما همان ارتفاع شش متر را دارد، نشانه‌های از میقوه (حوضچه غسل شرعی یهودیان) دیده شد. ساختار و ترکیب زیبای معماری مجموعه نشان از بنایی می‌دهد که به گفته کارشناسان متعددی که از آن دیدن کرده‌اند، در مجموعه بناهای قاجاری جنوب تهران شاید یگانه و کم‌نظیر باشد.

در زیر کف مصاپزی دالان‌هایی به ارتفاع نزدیک یک و نیم متر نمایان شد که به هم راه دارند و به احتمال قوی به خانه‌های اطراف که امروز از بین رفته و جای آنها زمین ورزشی شهدای اودلاجان آمده، نیز راه داشته‌اند. سبکی از معماری که کارشناسان به آن خانه‌های خوشه‌ای می‌گویند. شکل دالان‌هایی که از زیر کف اطاق مصاپزی از زیر خاک بیرون آمده‌اند، نوید بنایی بسیار زیباتر از آنچه تصور می‌رفت را می‌دهد. عملیات جداره‌برداری در کنیسای عزرا یعقوب اخرداد ۱۴۰۴ آغاز شد. هدف از اجرای این بخش، بررسی بهتر اشکالات و ترک‌های روی دیوارها و حذف الحاقاتی است که بنا را از اصالت اولیه خود دور کرده بود. رئیس طرح مرمت تصمیم دارد، این مجموعه زیبای آجری را تا حد امکان به اصالت خود بازگرداند.



مصاپزی در آغاز مرمت

جبهه جنوبی کنیسای عزرا یعقوب نمایان می‌شود. آب انبارهایی که بعد از لوله‌کشی آب در اواخر دهه ۱۳۲۰ به حکم دولت پر شدند تا تهران نشان سنتی آبرسانی شهری را به فراموشی بسپارد. امروز اما آب‌انبارهای کنیسای عزرا یعقوب با هدفی کاملاً متفاوت از زیر خاک بیرون می‌آیند؛ اول، پیدا کردن و از بین بردن منشأ نم بنا که تهدیدی برای بقا و سلامت آن است و دوم، استفاده از فضای وسیعی که این آب‌انبارها با

## سخنرانی در کارگروه یهودیان ایران بزرگ

### در آکادمی علوم وین

بعد از به اشتراک گذاشتن و انعکاس گزارش‌های مرمت مجموعه عزرا یعقوب با عنوان «روزنوشت راه‌اندازی و مرمت کنیسه‌های تاریخی اودلاجان»، در اسفند ۱۴۰۳ مرکز ایرانشناسی آکادمی علوم دانشگاه وین از مرجان یشایایی دعوت کرد تا در کارگروه مربوط به یهودیان ایران بزرگ درباره بناهای تاریخی یهودیان ایران و به خصوص مرمت کنیسه‌های تاریخی عزرا یعقوب در محله اودلاجان در محل آکادمی در روز ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ سخنرانی کند. با وجود صدور ویزا و تهیه بلیط، به دلیل بروز جنگ اسرائیل و ایران و تعطیلی فرودگاه‌های کشور، امکان حضور سخنران در محل ممکن نشد و بعد از مشورت‌هایی تصمیم گرفته شد تا سخنران دوشنبه ۲۶ خرداد به صورت آنلاین در جلسه شرکت کند. جلسه برگزار شد و مرجان یشایایی ضمن ایراد توضیحاتی به حاضران به زبان انگلیسی، عکس‌های مربوط به روند مرمت را نیز به صورت پاورپوینت به نمایش گذاشت.

### ضبط تاریخ شفاهی کنیسا و محله در کنار مرمت بنا

هیئت امنای کنیسه‌های حاداش و عزرا یعقوب از ابتدای کار خود بنا داشت علاوه بر مرمت کالبدی بنای قاجاری کنیسه‌های عزرا یعقوب، تاریخ شفاهی محله یعنی خاطرات افرادی که در این محله زیسته بودند را به صورت تصویری ضبط کند تا هم این تاریخ محفوظ بماند و هم از روند کار فیلمی تقریباً یک ساعته تهیه شود. پیمان کاشانی با ضبط و طبقه‌بندی این ویدئوها از اعضای اصلی تیم ضبط تاریخ شفاهی است.

در ابتدای کار، متأسفانه متوجه شدیم تاریخ شفاهی خوبی در دسترس نیست و بسیاری از افرادی که دهه پیش از ۱۳۴۰

شمسی را در محله زیسته‌اند، یا فوت کرده یا حافظه‌شان یاری نمی‌کند. در ابتدای امر مهم‌ترین فردی که توانستیم تاریخ شفاهی اودلاجان را از او ضبط کنیم، هارون یشایایی (پرویز یشعیا) بود. رئیس اسبق انجمن کلیمیان تهران و رئیس هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر که در سال ۱۳۱۴ در همان محله متولد و تا پایان زمان دانشجویی همچنان ساکن آنجا و تا اوایل سال ۱۳۹۵ نگهبان دلسوز بناهای باقیمانده بوده است. ۲۵ دی ۱۴۰۳ جلسه ضبط تاریخ شفاهی محله اودلاجان و کنیسه‌های عزرا یعقوب با حضور مروارید سلیمانی (سعید)، مادر دوست عزیزمان لیورا سعید، کلید خورد. اهمیت خاطرات خانم سلیمانی روایت زنانه او از زیست در محله است که گوشه‌های ناشناخته زیادی دارد. از جمله نکات با اهمیت در روایت او، شرکت زنان مسلمان و یهودی محله اودلاجان به همراه هم در برنامه‌های سازمان بانوان بود. بعداً از موییز نباتی، فرزند شازده خانم نباتی<sup>۱</sup>، نیز درباره نحوه زندگی یهودیان در محله اودلاجان تا اواخر دهه ۱۳۵۰ سوال کردیم و پاسخ‌های او ضبط شد و ضبط تاریخ شفاهی‌های بعدی ابعاد دیگری از زندگی یهودیان محله را روشن کرد.

### کار ادامه دارد

با داشتن بودجه کافی، هیئت امنای تیم مرمت امید دارند بتوانند بخش زیادی از مرمت را تا سال آینده به انجام برسانند. بعد از بیرون بردن کوه عظیمی از خاک‌هایی که از دل زیرزمین‌ها و آبنبارهای جبهه جنوبی تخلیه شده، و جدا کردن دیواره‌های سیمانی، باید کار بندکشی و آراستن و سندبلاست دیواره‌های مجموعه آغاز شود. از آغاز طرح مرمت، کار هرگز متوقف نشده و همچنان به یاری خدا و مردم علاقمند به میراث تاریخی در داخل و خارج از کشور ادامه خواهد داشت.

اساتید بزرگ زمانه خود، بود

<sup>۱</sup> شازده خانم از نوازندگان چیره‌دست تار و آخرین نسل مطرب‌های یهودی در محله اودلاجان بود. وی فرزند ارشد استاد نصراله زرین‌پنجه، از

## حمام کشوریه

المیرا سعید



کند و حمامی امروزی در محله بسازد. لذا از عموم یهودیان دعوت می‌کند هر کس به فراخور توانش در این امر سهیم شود و خودش تعهد می‌کند مبلغ پنجاه هزار تومان از سرمایه‌ی اولیه‌ی آن را تأمین کند.

در ابتدا هیچ کس حاضر به همکاری نمی‌شد. سنه که صراف و سهام‌دار کارخانه بود، شخصا تأمین سرمایه این پروژه را به عهده گرفت. وی ابتدا خانه‌هایی را در خیابان سیروس خریداری کرد و در نهایت ساخت آن حمام با سرمایه اولیه‌ی او و مشارکت سایر یهودیان، در سال ۱۳۲۲ آغاز شد و در سال ۱۳۲۶ به بهره‌برداری رسید.

در مرکز سر در حمام، یک ستاره‌ی داوود آینه‌کاری شده قرار دارد که زمانی عکس تمام قد سلیمان سنه و همسرش در وسط آن قرار داشت. سمت راست سالن انتظار هشت اتاقک حمام نمره با درهای منبت کاری شده ساخته شد. حمام کشوریه اولین حمام نمره‌دار یهودیان تهران است. کف سالن ورودی حوضی بیضی شکل به جنس مرمر و در انتهای سالن سه درب و چند آینه‌کاری و گچ بری به چشم می‌خورند.

درب سمت چپ به بخش زنانه و درب سمت راست به

حمام کشوریه در تهران، خیابان شهید مصطفی خمینی، بالاتر از بیمارستان دکتر سپهر واقع شده است.

این حمام تنها حمام دایر یهودیان تهران در دوران پهلوی بود و به نام‌های حمام یهودیان، حمام محله، حمام جهودان هم خوانده می‌شد. این مکان تنها حمام دوش‌دار آن زمان و دارای تزئینات گچ‌بری، آینه‌کاری و کاشی‌کاری نیز بود، و به دلیل همین خصوصیات مردم به آن حمام بی‌نظیر هم می‌گفتند. «سلیمانیه» و «ممتاز» از دیگر اسامی این حمام است.

مالک این بنا سلیمان سنه، از یهودیان خیر جامعه‌ی کلیمی بود که به یاد همسرش «کشور» آنرا ساخت. بخش زنانه‌ی حمام، کشوریه و بخش مردانه سلیمانیه نام داشت. در این بنا به جز حمام و خزینه، میقوه (حوض غسل شرعی یهودیان) هم تعبیه شده است.

منطقه‌ی اودلاجان یا همان محله‌ی کلیمیان تهران، بخشی از بافت تاریخی شهر تهران که یهودیان در آن ساکن بودند، دارای سه حمام اختصاصی بود. حمام «عساو» در بخش سرچال، حمام «ذخرون» در نزدیکی کنیسای عزرا یعقوب و حمام «اسحاق» (حکیم باشی) در کوی تکیه‌ی رضا قلی‌خان. با توجه به برخی تعصبات دینی، یهودیان تنها اجازه‌ی ورود به حمام‌های ویژه خود را داشتند، اما این حمام‌ها به دلیل ساخت نامناسب و پله‌های زیاد برای استفاده‌ی سالمندان و زنان باردار مناسب نبود.

بر اساس تاریخ شفاهی و گفتگو با مرحوم نورالله درخشان (آخرین مدیر حمام کشوریه)، روایت است که کشور خداداد، همسر سلیمان سنه در زمان بارداری به حمام عمومی در سرچشمه مراجعه می‌کند. زمان حضور او در حمام کمی بیشتر از وقت معمول طول می‌کشد و سالن‌دار حمام با کوبیدن‌های ممتد بر در و ترساندن وی باعث سقط جنین‌اش می‌شود.

در سال ۱۳۲۱ خورشیدی، سلیمان سنه پس از فوت همسرش تصمیم می‌گیرد مهم‌ترین خواسته‌ی او را برآورده

مسئولیت اداره‌ی حمام را به عهده گرفت، اما به دلیل کوچ یهودیان از محله اودلاجان به مناطق دیگر، حمام در اوایل دهه ۸۰ رونق گذشته‌ی خود را از دست داد و صرفاً روزهای آخر هفته دایر بود و در نهایت در اواخر سال ۱۳۸۱ برای همیشه تعطیل شد. این حمام امروزه به عنوان یکی از بناهای دیدنی یهودیان در محله‌ی اودلاجان، محل بازدید علاقمندان به تاریخ تهران و گردشگران است.

حمام در باور سنتی ایرانیان یهودی فقط محلی برای پاکیزگی نبوده و بسیاری از سنت‌های ایرانی از حمام عروسی گرفته تا زایمان در بخش زنانه حمام اجرا می‌شد. در حمام عروسی و زایمان، خانواده‌ها روزی را معین می‌کردند، نقل و شیرینی و دایره و تنبک می‌آوردند و در سرپینه حمام جشنی بر پا می‌کردند. سنت حمام کردن و جشن گرفتن در حوض غسل (میقوه) برای جاری شدن عقد شرعی هنوز در میان برخی یهودیان وجود دارد. دلاک و کیسه‌کش بخش زنانه، فاطمه



بخش مردانه باز می‌شود. هر دو بخش دارای چهار دوش و رختکن با حوض‌هایی مستطیل در مرکز و کمدهایی چوبی پیرامون سرپینه (رختکن) است. بخش زنانه بزرگ‌تر از بخش مردانه است و در انتهای آن میقوه قرار دارد. درب وسط که قصه آدم و حوا با هنرمندی تمام بر آن کنده شده، در پیچه ورود به تون حمام است. این بنا مجهز به آب لوله‌کشی بوده و سوخت تون حمام تا مدتی نفت سیاه بود و بعدها گازوئیل شد. حمام تا زمان حیات سینه در سال ۱۳۵۹ مشغول به فعالیت بود. پس از مرگ وی در ۷۷ سالگی، در مدت کوتاهی حمام غیر فعال شد. او فرزندی نداشت و مدتی حمام توسط شکرالله، پسر خاله‌اش، مدیریت شد و پس از آن، اداره‌اش در اختیار اسحق، شاگرد سینه، قرار گرفت. اواخر سال ۱۳۶۰ به علت ریزش چاه فاضلاب حمام دوباره غیرفعال شد، اما با همت یوسف و نورالله درخشان، مختار سلیمانی، هارون کدخدا، هارون کهن و حمایت هارون یشایی، دبیر جامعه روشنفکران یهود ایران و سازمان دانشجویان یهود ایران و کمک‌های بیژن زبوری و راهنمایی‌های معمار صادقی، مرمت و دوباره آماده بهره برداری شد. پس از تشریفات قانونی و انتقال مالکیت حمام کشوریه به انجمن کلیمیان تهران، نورالله درخشان داوطلبانه



شنبه جو و در بخش مردانه، موسی جعفری، هر دو سهم بزرگی در خاطرات و روایات یهودیان محله دارند. آب حمام یهودیان در باورهای خرافی محل، عامل گره-گشایی و بخت‌گشایی بوده و بودند افرادی که با همین باور خرافی به حمام مراجعه می‌کرده‌اند.

\*\*\*

به همت نماینده کلیمیان در مجلس، دکتر سامه‌یخ، در سال ۱۴۰۳ جلساتی با وزیر میراث فرهنگی، دکتر صالحی امیری، برگزار شد و اعتباری از سوی وزیر جهت مرمت این بنا تخصیص داده شد.

بنای مذکور در حال حاضر زیر نظر کمیته املاک انجمن کلیمیان با مسئولیت مهندس دانیل مرادی و کارشناسان میراث فرهنگی در حال مرمت است.

و شکوه نمودند. با گسترش شهر، شاه تهماسب صفوی در اطراف آن برج و بارو احداث کرد و با ایجاد خیابان‌ها، ۶ محله‌ی کلان و در دل آنها محلات کوچک‌تر به تدریج شکل گرفت. بررسی متون تاریخی و سفرنامه‌ها نشان می‌دهد که تا پیش از دوره‌ی افشار، اگرچه شواهدی از حضور و رفت و آمد یهودیان به مشهد وجود داشته اما این حضور منجر به سکونت و تشکیل جامعه در این شهر نشده بود و صرفاً محدود به ارتباط با یهودیان ماوراءالنهر جهت انجام فعالیت‌های بازرگانی بوده است. غالب جمعیت یهودیان خراسان نیز در گذشته در شهرهای سبزوار و نیشابور ساکن بودند و پس از حمله‌ی چنگیز مغول به خراسان و کشتار مردم، باقی یهودیان به بخارا و بلخ برده شدند. نادرشاه افشار، پس از به قدرت رسیدن، شهر مشهد را مرکز فرمانروایی خود قرار داد و به پیروی از سیاست جابجایی جمعیت‌ها و اقوام ساکن در قلمرو حکومت، طوایف بسیاری را از استان‌های مختلف ایران برای آبادانی و توسعه‌ی اقتصاد به خراسان کوچاند. به دستور او، شماری بزرگ از صنعتگران و تاجر کرد، ترک، ترکمن، گیلک، ارمنی و یهودی از کردستان، آذربایجان، مازندران، اصفهان، گیلان و قزوین انتخاب و در شهرهای کلات، قوچان و مشهد اسکان داده شدند. حضور قومیت‌های مختلف به‌ویژه یهودیان در مشهد باعث شکل‌دهی و هویت‌بخشی به محلات شهر شد.

مهاجرت یهودیان به مشهد در چند مرحله انجام شد، گروه اول شامل عده‌ی زیادی از یهودیان دیلمان گیلان و سلماس و قزوین بود که با پایتخت شدن قزوین در دوره‌ی صفوی، به آن شهر مهاجرت کرده بودند. این گروه که مشخصاً با هدف رونق اقتصاد به مشهد آورده شدند، در یکی از محلات کلان و ۶ گانه‌ی مشهد به نام «عیدگاه» که سابقاً محل سکونت زرتشتیان در مشهد بود ساکن شدند. مهاجرین چند سال پس از استقرار، اولین جامعه‌ی یهودی را در مشهد پایه‌گذاری کردند و در طول ۱۲ سال سلطنت نادرشاه، آزادانه در این محله کنیسه ساختند و کلاس‌های آموزش تورات (تلمود تورا) تشکیل دادند و با اجازه‌ی نادرشاه، به سایر یهودیان دیلمانی، کاشانی و یزدی که در قزوین اقامت داشتند و مورد اذیت و آزار متعصبین بودند، نامه نوشتند و آنها را تشویق به مهاجرت به مشهد کردند. پس از فتح هند توسط نادر، او برای نگهداری گنجینه‌های گران‌بهایش دستور داد چهل خانواده‌ی دیگر از معتمدترین یهودیان ساکن قزوین را انتخاب و به کلات کوچ دهند. هفده خانوار به کلات رسیدند و باقیمانده‌ی گروه دوم مهاجرین در راه مشهد بودند که خبر قتل نادرشاه رسید. آنچنان که دو سیاح بنام،

## شمع‌های خاموش؛

### روایت حضور و میراث به جای مانده از یهودیان مشهدی

یاسمن غنی

کارشناس ارشد ایران‌شناسی

**مقدمه:** یهودیان مشهدی جامعه‌ای کوچک اما تاثیرگذار بودند که حدود ۳ قرن پیش به مشهد آمدند، در این شهر ساکن شدند و یادگارهای ارزشمندی را برای ساکنان آن به جا گذاشتند. شناساندن و بازگویی آنچه بر این قوم در ادوار گذشته رفته، ما را در شناخت بهتر و واقعی تاریخ شهر مشهد یاری خواهد کرد. قومی که در سفرنامه‌ها و اسناد باقی مانده از مشهد از آنها با عنوان جدیدالاسلام نام برده شده و تاریخ‌شان نشان می‌دهد که بدون پشتیبان و حمایت، تا چه حد مقاوم و متحد بوده‌اند. اتحادی که باعث شده همچنان به صورت یک جامعه‌ی یکپارچه و به دور از گرایش‌های سیاسی باقی بمانند. آنها با این که چند دهه از این شهر و دیار دور مانده‌اند همچنان هویت مشهدی خود را حفظ و انجمنی به نام انجمن یهودیان مشهدی برپا کرده‌اند که جزو فعال‌ترین انجمن‌های یهودیان است و این همبستگی در تاریخ یهود کم‌نظیر است. تغییر نام «گذر تاریخی عیدگاه» توسط شهرداری مشهد به نامی بی‌ارتباط به تاریخ این محله، انگیزه‌های شد تا با بازگویی بخشی از تاریخ و میراث به جای مانده از یهودیان مشهدی، یادآور حضور قومی شویم که شمع‌هایشان خاموش و میراث به جای مانده‌شان رو به فراموشی است.

#### پیشینه‌ی شهر مشهد و سابقه حضور یهودیان در آن

تا پایان قرن دوم ه.ق شهری به نام مشهد هنوز شکل نگرفته بود و کانون‌های عمده‌ی سکونت در این منطقه، روستای سناباد و شهر نوغان از توابع توس بودند. رشد این دو کانون پس از شهادت و تدفین حضرت امام رضا (ع) در باغ والی خراسان در عصر عباسی، تحت‌الشعاع مقبره‌ی ایشان قرار گرفت و شهر مشهد در پیرامون حرم شکل گرفت. از قرن هشتم تا دهم هجری، مشهد به شکل یک کلان‌شهر در آمد و در عهد صفوی که مذهب شیعه اثنین رسمی کشور شد، جایگاهی ویژه و شهرت جهانی یافت. مشهد محل توجه و زیارتگاه اهل تشیع قرار گرفت و شاه عباس اول صفوی، شاه اسماعیل و شاه تهماسب بارگاه امام رضا(ع) را سرشار از ثروت



دینی و تعدادی هم دکان را گزارش داده است. تمام حیاطها و منازل در عیدگاه دارای دیوارهای بلند بود و از راه پشت‌بام به هم متصل و از داخل حیاط به وسیله‌ی دریچه‌هایی به هم ارتباط داشتند. در هر حیاط یک دخمه وجود داشت که مخفیگاه بود و در مواقع خطر زن‌ها و بچه‌ها در آن مخفی می‌شدند. کونولی رئیس جامعه‌ی یهودیان مشهد را ملا ماشیح (ملا مهدی) معرفی کرده است. پیش از ملا ماشیح، مهم‌ترین رهبر مذهبی جامعه، ملا سیمان‌طوب ملامد بود. از او دو کتاب منظوم یکی به زبان عبری آرامی درباره‌ی مضامین مذهبی و دیگری سفر حیات‌الروح به فارسی‌پهلو است که شرح سیر و سلوک روحی اندیشمندان یهودی چون ابن‌میمون را در بر دارد. زندگی یهودیان در مشهد به روال عادی ادامه داشت تا اینکه یک واقعه آن را دگرگون کرد، واقعه‌ای به نام «الله داد».

### واقعه‌ی الله داد و پیامدهای آن

در دوران قاجار، همانند عصر صفوی، تعصبات مذهبی بار دیگر شدت گرفت و در سال پنجم سلطنت محمد شاه قاجار، در روز چهارشنبه ۷ فروردین ۱۲۱۸ ش. مصادف با ۱۱ محرم ۱۲۵۵ ق. و ۲۷ مارس ۱۸۳۹ م. عده‌ای از متعصبین در مشهد به محله‌ی عیدگاه حمله کردند. آنها خانه‌ها، کنیسه‌ها و دکان‌های یهودیان را به آتش کشیدند، اموالشان را غارت کردند و ۳۲ زن و مرد یهودی را کشتند. امام جمعه مشهد پس از اطلاع از این اتفاق وساطت کرده و به یهودیان اعلام می‌کند که تنها راه نجاتشان از خشم مردم، پذیرفتن اسلام است. یهودیان برای حفظ جان‌شان شرط را قبول می‌کنند و اسلام می‌آورند. امام جمعه پس از این اتفاق، به حاضران تبریک می‌گوید و آن روز را روز «الله داد» یعنی «عدالت خداوندی» می‌نامد و به جمعیت نام جدیدالاسلام می‌دهد. یهودیان مشهد این واقعه را «خوربان» به معنای خرابی نامیدند.

روایت‌های مختلفی از علت این واقعه بیان شده، از اوضاع سیاسی خراسان و شرایط نامطلوب اقتصادی بر اثر شکست در تصرف هرات گرفته تا اختلافات مالی فردی از اهالی محله با یکی از یهودیان و غیره. اما همگی حول و حوش یک موضوع مهم است و آن، درونگرایی، ناشناخته بودن رسومات و باورهای

یوسف ولف و افرائیم نیمروک نوشته‌اند تا سال‌ها بعد از فوت نادر نیز همچنان یهودیان ساکن قزوین به سبزوار و مشهد و تربت‌حیدریه نقل مکان می‌کردند تا جایی که در ابتدای قرن نوزده میلادی قزوین تقریباً خالی از سکنه یهودی شده بود و در عوض جامعه‌ی یهودیان مشهد بزرگ و بزرگتر شد.

### حضور یهودیان در محله‌ی عیدگاه

ساختار شهری مشهد که به ارض اقدس شهرت یافته بود تا پیش از دوره‌ی پهلوی، «محله محور» بود. ۶ محله‌ی بزرگ و اصلی و محلات کوچک‌تر در دل آن، بر گرد حرم شکل گرفته بود. محله‌ی عیدگاه در جنوب شرقی حرم، با قدمتی بیش از پانصد سال یکی از این ۶ محله‌ی بزرگ بود که دروازه نیز داشت. عیدگاه در گذشته و تا حدود یکصد سال پیش، از شرق و شمال شرق به حصار شهر و پایین خیابان، از غرب و شمال غرب به محله سرشور و بالا خیابان محدود بود که بعدها تغییر یافت. سه محله‌ی کوچک‌تر به نام‌های سرخوضان، سرقبرستانک و سرحیطه در عیدگاه، یهودی‌نشین شد. آنها زمین‌ها و منازل زرتشتیان را خریدند، برای خود حمام و کنیسه و مغازه دایر و در این محل برای امواتشان غسلخانه و گورستان بنا کردند. یهودیان بعد از استقرار در محله‌ی عیدگاه، جامعه‌ی یکصد فامیلی را تشکیل دادند و به همان پیشه‌ی سابقشان در گیلان و قزوین که تولید و تجارت ابریشم بود پرداختند. افزون بر آن در تهیه نخ پنبه و پارچه‌بافی نیز مهارت داشتند و در این زمینه به داد و ستد مشغول شدند تا جایی که بازار تجارت اجناس انگلیسی به ویژه پارچه‌های پشمی در نیمه دوم قرن ۱۸م. در دست یهودیان مشهد بود. این جامعه رفته رفته بزرگ شد و با گسترش سطح تجارت در منطقه با هندوستان و افغانستان به مرور نقش موثری در ترویج و رونق اقتصاد مشهد و خراسان ایجاد کرد و حتی تعدادی از یهودیان مشهد را به قصد تجارت به مسافرت‌های دور به بمبئی، هرات و بخارا کشاند.

به دنبال بهبود شرایط مالی یهودیان در مشهد، آنها کمک به یهودیان دیگر شهرها از جمله یزد را که در شرایط نامناسبی به سر می‌بردند آغاز کردند و هر ساله مبالغ هنگفتی برای مخارج تلمود تورا و تحصیل بچه‌های یزدی می‌فرستادند. در حدود سال‌های ۱۷۷۰م. قحطی بزرگی در یزد به وجود آمد و یهودیان این شهر طی دو مرحله به مشهد گریختند و تجارت و اقتصاد مشهد را در دست گرفتند. کونولی سیاح انگلیسی که در سال ۱۸۲۹م. به مشهد آمده بود به محله‌ی یهودی‌ها رفته و وجود ۴ کنیسه، یک حمام، یک قبرستان، یک آموزشگاه

این گروه «آنوسیم» یعنی مجبور شدگان نیز گفته می شود. در این میان عده‌ای نیز فرقه‌ای راتشکیل دادند به نام صوفیان یهودی که برخی از آنها طبعی شاعرانه داشتند و داستان‌های تورات را به نظم در می‌آوردند. داستان منظوم یوسف و زلیخا از این جمله است. ملا پینحاس، ملا الياهو، ملا نیسان ابراهیم مشه و ملا ماشیح (مهدی) از صوفیان معروف یهودی بودند. اگرچه در دوران صفوی و قاجار مشابه واقعه‌ی الله داد، در همدان، سیاهکل، کاشان، لار و شیراز نیز اتفاق افتاده بود اما در مشهد نتیجه‌ی متفاوتی داشت و پایه و اساس همبستگی، اتحاد و خودکفایی قومی شد که آوازه‌ی همدلی‌شان در جوامع یهودی همچنان پس از گذشت ۲۰۰ سال، زبان زد است.

### کوچه‌ی جدیدها

با اسلام آوردن یهودیان، محل سکونت‌شان در عیدگاه نیز با نام رسمی «کوچه‌ی جدیدها» و غیر رسمی «محمدیه» تغییر یافت. این نام‌ها تا پایان دوره قاجار به کار می‌رفت اما در دوره‌ی پهلوی به «بهادرخان» تغییر پیدا کرد. عمده‌ترین ویژگی محله عیدگاه سکونت ۱۱۱ خانوار جدیدی بود که همچنان به کار خرید و فروش و معامله مشغول بودند و نبض اقتصاد پنهان شهر در این محله می‌تپید. زندگی اقتصادی این گروه و حیطه فعالیت‌شان پس از تغییر مذهب وسعت بیشتری یافت و به دنبال سفرهای متعدد به آسیای مرکزی و برخورداری از آزادی عمل بیشتر موفق شدند شبکه‌های تجارتي وسیع‌تری در امر خرید و فروش پوست، سنگ‌های قیمتی، فرش، ابریشم و پارچه دایر کنند.

سرشماری دقیق و خانه به خانه محلات مشهد که به دستور ناصر الدین شاه قاجار و توسط زین‌العابدین میرزا انجام شد نشان می‌دهد جدیدی‌ها هنوز در همان محله عیدگاه ساکن بودند. آنها منازل‌شان را چنان ساخته بودند که از راه پشت بام و زیرزمین به هم متصل می‌شد و به دور از چشم اهالی محل، قادر بودند با رفت و آمد به خانه‌های یکدیگر، ارتباط میان خود را حفظ کنند و در مواقع اضطراری دور هم جمع شوند. رفته رفته خانه‌ها حکم کنیسه را پیدا کرد و جدیدی‌ها از فضای این زیرزمین‌ها برای برگزاری کلاس‌های آموزش تورات، مراسم مذهبی و حل و فصل مشکلات جامعه‌شان استفاده کردند. منزل ملا ابا در محله عیدگاه یکی از این نمونه‌ها بود که درب آن در کوچه‌ی تنگی که خانه‌هایش متعلق به مسلمان‌ها بود باز می‌شد و شاگردان به جای درب اصلی از طریق پشت بام به خانه ملا ابا می‌رفتند و در زیرزمین این خانه آموزش می‌دیدند. افرائیم نیمروک که ۴۵ سال بعد از واقعه‌ی الله داد به

یهودیان به‌ویژه در رفتار با غیریهودیان است که در موارد بسیاری در طول تاریخ باعث نشر خرافات و شایعات و تهمت‌هایی ناروا شده است. این اتفاق با وجود گستردگی، اهمیت و پیامدهایی که داشته، متأسفانه از نظر مورخان دور مانده و در اسناد معدودی بدان اشاره شده است. شاید به علت ترس و شرایط خاص پیش آمده برای یهودیان، این موضوع بازتاب بیرونی گسترده‌ای نداشته است. تنها سند تاریخی از این اتفاق، نوشته‌های یک شاهد عینی به نام یعقوب است که دو ماه بعد از این واقعه جریان را در پشت جلد یک سیدور (کتاب نماز یهود) به فارسی‌نویس نوشته و این سیدور سال‌ها نزد یکی از جدیدالاسلام‌ها نگهداری می‌شده و امروزه در انستیتو بن صوی تحت شماره ۹۴۸ محفوظ و به ثبت رسیده است. یوسف ولف میسیونر یهودی‌الاصل انگلیسی که سه سال بعد از این واقعه به مشهد مسافرت کرده و سابقاً نیز به مشهد آمده بود، اولین کسی بود که واقعه‌ی الله داد را به دنیای خارج اطلاع و آن را در نوشته‌هایش بازتاب داد. تنها منبع فارسی و غیر یهودی نیز که به واقعه‌ی الله داد اشاره کرده «تاریخ روضه‌الصفای ناصری» به قلم رضا قلی خان هدایت است. جز این موارد تنها در برخی اسناد دولتی انگلستان به نقل از گزارشگران شاهد انگلیسی آمده که دولت محمد شاه قاجار سرانجام در این قضایا مداخله کرده و اموال دزدیده شده از یهودیان را به آنان برگردانده است.

یکسال پس از واقعه‌ی الله داد حدود دویست خانوار از یهودیان مشهد به هرات رفتند و به جامعه‌ی یهودیان هرات که سال‌ها قبل تشکیل شده بود پیوستند و گروهی دیگر به مرو و بخارا رفتند و در آن شهرها به تجارت و کسب و کار مشغول شدند. ۱۷ سال بعد که ایران هرات را تصرف کرد تمام یهودیان هرات را که مشهدی‌الاصل بودند به اسارت گرفتند و آنها را به رباط بابا قدرت در نزدیکی دروازه مشهد آوردند. دو سال تمام اسارت این جماعت بزرگ طول کشید تا اینکه بالاخره آزاد شده و عده‌ی زیادی از آنان به هرات بازگشتند. عده‌ای هم در مشهد ماندند و چند کنیسه را تاسیس کردند. یادداشت‌های روزانه‌ی بنیامین جانی، از کسانی که در اسارت بابا قدرت بود امروزه موجود و در دسترس است. جدیدالاسلام‌های مانده در مشهد که توسط مردم به «جدیدی‌ها» معروف شدند به دو گروه تقسیم شدند، گروهی که قلباً اسلام آورده بودند و به مرور جذب جامعه‌ی بزرگتر مشهد شدند و گروهی که شامل اکثریت بود، در ظاهر مسلمان بودند اما در باطن یهودی ماندند و زندگی دو گانه و سختی را در پیش گرفتند. به

زیرزمینی داشتند که بعدها اکثراً تخریب و به مرور تغییر کاربری داد. در دوره قاجار دالان‌هایی در محله عیدگاه قرار داشت که بعد از واقعه الله داد کنیسه‌هایی در این دالان‌ها برپا شد. اولین آنها کنیسه‌ی ملا یوسف بصلئل در منزل خودش واقع در دالان مردخائی‌ها بود و بعد از آن کنیسه‌ی ملا فرج علیشا اف در دالان حیاط کنیسه که یکی از بهترین کنیسه‌های عیدگاه و دارای میقوه بود. مکتب و کنیسه کهنیم در دالان کهنیم، کنیسه ملا ابا، کنیسه ملا لطف اله ملاح (که به نام کنیسه و مکتب ملا یوسف دیلمانی معروف شد) در انتهای دالان ابراهیم اف، کنیسه آقا اسمعیل بصل در منزل شخصی خودش در کوچه معروف سرحوضان، کنیسه ملا یعقوب، کنیسه مدراشک یا کنیسه حکیمی‌ها و کنیسه جوانان در کوچه حاجی‌ها از جمله این موارد است. در اواخر دوران قاجار، گروهی از ثروتمندان و افراد موثر در مشهد مانند فامیل‌های امین اف، عزیزالله اف و راب مردخای آقار (ملا مراد) به اموال خود را فروختند و از مشهد مهاجرت کردند.

#### جدیدالاسلام‌های مشهد در دوران پهلوی اول

در دوره پهلوی شرایطی فراهم شد که جدیدی‌ها می‌توانستند آزادانه به دین اجدادی خود بازگردند، اگرچه همچنان آنها را با لقب جدیدی می‌شناختند. لزوم تهیه شناسنامه برای همه افراد کشور به جدیدی‌ها این فرصت را داد تا در مقابل واژه مذهب عنوان «کلیمی» را به کار برند. در سال‌های آخر سلطنت رضاشاه افراد جامعه‌ی جدیدالاسلام مشهد رفته رفته به یهودیت بازگشتند. بازگشتی که در بعضی موارد به وقوع حوادثی نظیر الله داد انجامید و موجب شد عده‌ی زیادی از یهودیان به تهران مهاجرت کنند و در آنجا انجمن خراسانی‌ها را تشکیل داده و کنیسه‌های متعدد بسازند. یهودیان در محله عیدگاه دوازده کنیسه و چهار مدرسه دینی و تعدادی بناهای عام‌المنفعه مانند درمانگاه عمومی ساختند. یکی از اقدامات مهم کانون خیریه اتحاد که توسط یهودیان اداره می‌شد، تأسیس درمانگاه عمومی در سال ۱۳۲۳ ش. در محل ساختمان مرحوم نورالله در سرحیطه عیدگاه بود. از اواخر سال ۱۳۲۴ ش. دکتر فتح‌الله حکیمیان و سپس پزشکان دیگر مسئولیت آن را به عهده گرفتند. این درمانگاه منشاء خدمات بسیاری بود. در سال ۱۳۲۵ ش که بیماری تب راجعه در مشهد شیوع یافت و تلفات زیادی به بار آورد، درمانگاه کانون علاوه بر معالجه بیماران، در مورد پیشگیری و مبارزه با شیوع بیماری نیز اقدامات مؤثری بعمل آورد.

کنیسه‌ی داش کریم که مربوط به آوارگان بخارایی بود و

مشهد سفر کرده بود، به راه پله‌های تاریکی اشاره می‌کند که زیرزمینی است و حقیقت تلخ واقعه را پیرمردان این جماعت در این فضا برایش گفته‌اند و می‌گویند یهودیان باقی مانده به صورت پنهانی و در فضای زیرزمینی دین اجدادی خود را حفظ کرده‌اند. علی‌رغم آنچه در خارج از خانه‌ها می‌گذشت، سبک و شیوه زندگی در اندرون خانه‌ها سنتی و یهودی باقی ماند و دستخوش تغییر نشد. زنان خانه‌دار دین اجدادی‌شان را با جدیت به نسل‌های بعدی انتقال دادند. خانه‌ها دارای دریاچه‌های به هم مرتبط بود و در مواقع لازم امکان عبور تا ده منزل دیگر فراهم می‌شد. به‌طور کلی در محله عیدگاه از جدیدی‌ها که بعدها در مشهد به جهودها معروف شدند و سرشناس‌ترین افراد ساکن در این محله بودند، آثار بسیاری به جای مانده است؛ حمام کهنه یهودیان رو به روی مسجد قفلگرها، حمام نو یهودیان با نام گرمابه اسلام در کوچه عباسقلی خان و قصابی یهودیان در کوچه سروش که امروزه به سرای موحیدیان تبدیل شده، سرای عزیزالله اف و تعدادی از خانه‌های قدیمی متعلق به دوره قاجار و پهلوی از جمله یادگارهای آنها در این محله است.

#### جدیدالاسلام‌های مشهد در دوران قاجار

گروهی از جدیدی‌ها به واسطه شهرت در امانتداری مورد توجه امام جمعه وقت قرار گرفتند و در آستان قدس به کارهایی چون انبارداری، صندوق‌داری و نظارت بر امور مالی خزانه مشغول شدند. حاجی اسحق از بانیان ساخت تکیه در عیدگاه، شمعدان برنجی بزرگی ساخت و نام خود را بر روی آن حک کرد و وقف حرم امام رضا کرد. آنوسیم مشهد در معاملات و نوشته‌هایشان از خطی استفاده می‌کردند که شبیه به خط (عبری) راشی سفارادی بود و فقط خود جدیدی‌ها می‌توانستند آن را بخوانند. پس از واقعه‌ی الله داد، جدیدی‌ها موظف به دائر کردن تکیه یا مسجد برای ایام عاشورا بودند و به حوض انبار هم نیاز داشتند. در نتیجه به همت حاجی اسحق و برادرانش با خرید قطعه زمینی در محله عیدگاه برای این منظور ابتدا حوض انبار حاجی‌ها در کوچه حاجی‌ها را ساختند و سپس بر روی آن صحن تکیه و بر روی تمام کوچه‌ها سابط ساختند تا تکیه بنا شود. تکیه ساخته شده به تکیه جدیدها یا مسجد جدیدی‌ها معروف شد. اما پس از به قدرت رسیدن رضاشاه، شهردار مشهد موظف به خراب کردن روی دالان‌ها و سابط‌ها شد و در نتیجه تکیه جدیدها تخریب گشت. جدیدی‌ها در محله عیدگاه تیمچه عتیقه فروشی، میقوه، سرای تجار، کشتارگاه، قبرستان، مغازه‌های متعدد و حتی کنیسه‌های

محله عیدگاه، دو کنیسه در خیابان جنت به نام‌های لیوی‌ها و یوسف‌زاده نیز دائر شد که تا سال‌ها بعد هم دائر بودند و به تدریج به واسطه کمی جمعیت، کنیسه یوسف‌زاده تعطیل و سپس فروخته شد، اما کنیسه لیوی‌ها پا بر جا ماند. تا سال ۱۳۲۵ تعداد خانه‌های جنت به ۹۰ باب رسید و خانه‌های عیدگاه به ۲۰۰ باب کاهش پیدا کرد. تا دهه ۳۰ شمسی به مرور جمعیت ساکن در مشهد به تهران یا خارج از کشور مهاجرت کردند. سایر یهودیان نیز تا اواخر دهه ۶۰ مشهد را ترک کردند اما همچنان بناهای بسیاری از آنها در این خیابان پابرجاست. در دهه‌های اخیر نمادهایی مثل صیونیت (ستاره داوود) از سر در خانه‌های این کوچه حذف شده و آیات و روایات اسلامی جایگزین آن شده است. خانواده‌های لیویان، زر، نعمت‌نژاد، عمرامی و یوسف‌زاده از فامیل‌های بنام ساکن در خیابان جنت بودند.

#### آثار به جا مانده از یهودیان در مشهد

از حدود ۳۰۰ سال پیش تا به امروز با وجود فراز و نشیب‌های تاریخی و اتفاقات خوشایند و ناگوار، هنوز میراث ارزشمندی از یهودیان در مشهد به چشم می‌خورد که نشان از حضور و تأثیر آنان در این شهر دارد. اگرچه آثار و نشانه‌های این حضور، گاه عامدانه در تاریخ مشهد گم شده و نادیده گرفته شده اما هنوز در حافظه جمعی مردمان مشهد زنده و پابرجاست. بناها و یادگارهای به جا مانده از یهودیان مشهودی در طرح‌های گسترش و نوسازی‌های چند دهه‌ی اخیر در موارد زیادی به کلی تخریب شده یا تغییر کاربری داده و شناسایی آن دسته از آثار هم که هنوز موجودند به علت تغییر مکرر نام کوچه‌ها و خیابان‌ها دشوار شده است، اما هنوز تعدادی از این بناها با وجود نیمه جان بودن برقرار است که برای حفظ و احیا نیاز به دیده شدن و معرفی دارد. در ادامه چند نمونه از این آثار یافت شده در حد اطلاعات بدست آمده معرفی می‌شود:

#### ۱) خانه‌ی بلخاسب

منزلی مسکونی واقع در مشهد، پایین خیابان (خیابان نواب صفوی)، کوچه باغ حسن خان (عسکریه) که قدمت آن به دوره‌ی افشار می‌رسد. بیشتر خانه‌های یهودیان در محله عیدگاه در چند سال اخیر به‌ویژه در دهه ۸۰ ش. تخریب شده، و خانه‌ی بلخاسب هم با اینکه به لطف مالک جدیدش هنوز پابرجاست با بی‌مهری متولیان میراث فرهنگی و شهرداری روبروست. صاحب اصلی این خانه اسماعیل لوی و بعدها فردی به نام توتونچی بوده که آن را به مسلمانی به نام احمدیان یزدی فروخته و او نیز به فردی به نام بلخاسب. مالک فعلی

همچنین کنیسه‌ی جوانان با اجازه رسمی دولت دائر گردید. کنیسه‌ها اغلب در انتهای کوچه‌ها قرار داشتند. نمادهای آئینی یهود مانند صیونیت (ستاره داوود) در دوره پهلوی در جداره بناها کار گذاشته شد و رفت و آمد دیگر به صورت پنهانی نبود. خانه‌ها در محله عیدگاه معمولاً دو طبقه ساخته می‌شد و دارای چند اتاق بود. اتاق‌های خواب در طبقه‌ی دوم قرار داشت. پشت هر اتاقی گاه یک اتاق کوچک‌تر بود که آنرا پسینه می‌نامیدند و در زیر اتاق‌ها زیرزمین بود و پشت زیرزمین‌ها فضای کوچکتری بود که آنرا پستو می‌نامیدند.

با افزایش مهاجرت‌ها به مشهد، محلات قدیم دیگر جوابگوی جمعیت مهاجرین نبود و در نتیجه شهرک‌ها و خیابان‌های جدید احداث شد. چهره‌ی محله‌ی عیدگاه از ابتدای دوره پهلوی و با احداث خیابان تهران (خیابان امام رضا) در سال ۱۳۰۹، خیابان شیخ طوسی که بعدها در سال ۱۳۵۴ به بازار رضا تبدیل شد و طرح‌های نوسازی فلکه حضرت (احداث فلکه آب یا میدان دقیقی در محل قبرستان عیدگاه) و احداث ساختمان‌های جدید تغییر کرد. این تغییرات موجب تخریب بخشی از بافت قدیم عیدگاه شد و این محله را به منطقه‌ای محصور بین پایین خیابان (نواب صفوی)، خیابان تهران (امام رضا)، بازار رضا و میدان کوروش (۱۷ شهریور) که در گذشته دروازه عیدگاه بود محدود کرد. همچنین وقوع سیل در خردادماه ۱۳۲۹ ش. باعث تخریب ۴۰۰ منزل در محله عیدگاه و کوچه‌ها و معابر آن شد.

#### مهاجرت از عیدگاه به جنت

گسترش شهر مشهد در دوره رضاشاه به علت مهاجرت‌های گسترده اقوام مختلف از سایر شهرها، تغییرات به‌وجود آمده در بافت محله عیدگاه از جمله تخریب قبرستان یهودیان و شرایط مطلوب اقتصادی یهودیان، از عواملی بود که باعث شد آنان کم کم به فکر نقل مکان باشند. محلات سراب و ارگ در جنوب غرب مشهد در آن زمان دو محله اعیان نشین بود و تاجران متمول و ثروتمندان یهودی از حدود ۱۳۰۹ ش. به سمت محله ارگ کوچ کردند و در دروازه جنت (در مجاورت باغ ملی) ساکن شدند. تعداد منازل عیدگاه در آن زمان ۲۳۰ باب و جمعیت یهودیان بیش از سه هزار نفر بود. یهودیان به مرور منازل خود را فروخته و در خیابان جنت خانه‌های بزرگ و با شکوه ساختند، خانه‌هایی که اغلب دارای درخت‌های میوه، جوی آب روان و تمیز، حمام و تنور بود و اهالی را از رجوع به نانوایی‌ها و حمام و حوض انبارها بی‌نیاز می‌کرد. با کاهش جمعیت در محله عیدگاه و از رونق افتادن دوازده کنیسه در



خانه‌ی بلخاسب

خانه‌های تاریخی مشهد شناخته شده، در عین حال زیباترین آنها در محله عیدگاه است که دارای اندرونی، بیرونی، شاه‌نشین، کلفت‌نشین، نوک‌نشین، درشکه‌خانه، هشتی و غیره است. این خانه در دو طبقه و در مساحتی نزدیک به ۱۳۰۰ متر مربع ساخته که دارای بخش‌ها و تزئینات بسیاری است و در تمام این بخش‌ها نمادهای یهودی نمایان است، به‌ویژه آنکه در ضلع جنوبی دری قرار دارد که به حیاط خانه محمدی باز می‌شود و این مهم‌ترین خصیصه‌ی خانه‌های یهودیان برای تأمین امنیت در محله بود. دیوارهای بنا از خشت با نمای آجری و در ورودی و سقف‌ها از جنس چوب با عایق کاری رطوبتی کاهگل است. در ضلع غربی بخشی وجود دارد که به نظر می‌آید کاربری میقوه (حمام شرعی) داشته، در زیرزمین ضلع شمالی نیز حوض انباری قرار دارد که حدود ۹ پله از کف زیرزمین پایین‌تر است. بخش شرقی بنا در سال‌های گذشته به طور



خانه‌ی غفوری



خانه‌ی بلخاسب

خانه ورته‌ای از خانواده‌ی بلخاسب است که به علت علاقه به بناهای تاریخی این خانه را از گزند تخریب دور نگهداشته و نزدیک به یک دهه است که منتظر تصویب طرح مرمت این بنا از سوی میراث فرهنگی است. ورودی بنا از طریق یک معبر باریک در ضلع شرقی است که به دلیل تعریض خیابان اصلی و تخریب بافت اطراف محصور در جداره کم عرض و سیمانی است و عبور و مرور را سخت کرده است. منزل دارای دو بخش تابستان‌نشین و زمستان‌نشین است. بخش زیادی از قسمت جنوبی خانه تخریب شده و بخش شمالی با وجود ارزش تاریخی که دارد در دست زوار است. قسمت پیشانی جداره بیرونی بخش شمالی دارای تزئینات کاشی‌کاری و آجرکاری با نقوش صیونیت (ستاره داوود) است. بخش اصلی خانه، شاه‌نشین آن است که در قسمت شمال خانه قرار دارد و دور تا دور سقف فضای داخلی آن مملو از نقاشی‌های تاریخی است. این خانه که امروزه در دست زوار است در حدود ۳ دهه پیش دچار تخریب بسیار جدی شد و ایوان شرقی و اتاق‌های آن بر اثر ترکیدن لوله آب تخریب شد و این بخش بطور کلی از بنا حذف گردید. این بنا در تاریخ ۱۱ مردادماه سال ۱۳۸۴ به شماره ۱۲۳۸۴ در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

## ۲) خانه‌ی غفوری

منزلی مسکونی واقع در مشهد، پایین خیابان (خیابان نواب صفوی)، کوچه عباسقلی خان، کوچه محمدیه که حداقل قدمت آن ۲۲۰ سال و بازمانده از دوره افشار است. از صاحب اولیه آن که فردی یهودی بود اطلاع دقیقی در دست نیست اما بعدها به فردی به نام چوپدار و در دهه ۳۰ ش. به فرد دیگری به نام رشتی‌باف فروخته شده و تا دهه ۶۰ ش. نیز مسکونی بوده است. بعد از فوت آقای رشتی‌باف این خانه به همسرش عذرا غفوری به ارث می‌رسد و امروزه به نام آخرین مالک آن شناخته می‌شود. خانه غفوری که یگانه اثر چهار وجهی کامل در بین

رنگ شده است. آجرکاری قسمت پیشانی بنا در گذر زمان، تخریب و روکشی از سیمان بر روی آن به کار رفته است. در قسمت بالای هر ستون نیز کتیبه‌ای به صورت بیضی شکل قرار دارد. ارتباط دو جبهه ساختمان، از طریق پشت بام این قسمت امکان پذیر می‌گردد. مسئولیت خانه کرمانی از ابتدای مهرماه ۱۴۰۴ بر عهده اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی قرار گرفته و دیگر تحت مدیریت مکتب بافت نیست. بنا در مجاورت سرای عزیزالله أف، تکیه یزدی‌ها و خانه ناظران قرار دارد و با وجود قدمت و ارزش تاریخی‌اش مهجور مانده و تاکنون اقدامی در جهت احیا و مرمت آن صورت نگرفته است.

#### ۴) خانه‌ی محمدی

منزلی مسکونی واقع در مشهد، پایین خیابان (خیابان نواب صفوی)، کوچه عباسقلی خان، کوچه محمدیه، کوچه شهید ربابی که قدمت آن به دوره قاجار می‌رسد. مالک اولیه بنا آقای صراف بوده که اطلاعی از ایشان نیست و حدود ۹۰ سال پیش آقای علی حسن محمدی این منزل را خریداری کرد و تا امروز هم مالک این منزل است. این خانه را به نام چایچی هم می‌شناسند. تا چند سال پیش این خانه دست مسافران بویژه پاکستانی‌ها بود و اکنون به انبار پوشاک تبدیل شده است. ورودی در ضلع شرقی قرار دارد و بنا در دو طبقه و در یک طرف حیاط ساخته شده است. در قسمت‌هایی که به دلیل رطوبت دچار آسیب شده با اندود سیمان پوشیده شده است. درب و پنجره‌های قدیمی با نوع جدید و آهنی جایگزین شده است و یک توده به تراس طبقه دوم در ضلع شمالی در حدود ۵۰ سال پیش الحاق شده است. تزئینات بنا شامل گچبری و نقاشی در داخل ساختمان و آجرکاری و کاشی‌کاری در نمای ساختمان است که آجرکاری‌ها اکثراً از بین رفته و تنها بخشی از کاشی‌کاری‌ها به جا مانده است. در دو طرف نمای شرقی بنا نیز دو طرح قرینه صیونیت (ستاره داوود) دیده می‌شود که بخشی از کاشی آن ریخته است. نیز دارای تزئینات است. خانه محمدی در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۸۴ به شماره ثبت ۱۳۸۷۹ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

#### ۵) سرای عزیزالله أف

سرای عزیزالله أف از مراکز پررونق و مهم تجاری در تاریخ مشهد محسوب می‌شود که در قدیم در حاشیه جنوبی شهر و در محدوده محله عیدگاه و در حال حاضر در مرکز شهر مشهد، کوچه عباس قلی خان و در جبهه جنوبی مجموعه حرم حضرت رضا(ع) واقع شده است.

عزیزالله أف از تجار یهودی مشهد بود که این بنا را حدود

کامل تخریب شده و در مرمت‌های انجام شده از زیرزمین بیرون آورده شده است. در گذشته قسمت‌های زیادی در طبقه همکف وجود داشته که امروزه حذف شده یا تغییر کاربری داده‌اند مانند ضلع شمالی که امروزه تغییر کاربری داده و به مغازه تبدیل شده است. خانه غفوری توسط سازمان میراث فرهنگی مشهد خریداری شد و در تاریخ ۱۱ مرداد سال ۱۳۸۴ با شماره ثبت ۱۹۳۲۳ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. مدیریت خانه غفوری چندین سال بر عهده «مکتب بافت» بود و به محلی برای برگزاری جلسات مشهدشناسی تبدیل شده بود که باعث رونق و جذب سرمایه در جهت احیا و مرمت این خانه نیمه ویران شد اما اخیراً این اختیار از مکتب بافت سلب و به اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی محول شد.

#### ۳) خانه‌ی کرمانی

منزلی مسکونی واقع در مشهد، پایین خیابان (خیابان نواب صفوی)، حاشیه نواب ۱۱ که قدمت آن بیش از ۱۱۰ سال است و به دوران قاجار می‌رسد. صاحب اولیه آن فردی یهودی بوده که از نامش بی اطلاعیم و قبل از انقلاب اسلامی این ملک را به آقای کرمانی فروخته است. در حال حاضر مالکیت بنا که خالی از سکنه است، به شهرداری منطقه ثامن واگذار شده است. خانه کرمانی دارای دو ساختمان در قسمت شمال و جنوب حیاط است. نمای بیرونی بنا هیچ‌گونه تزئیناتی ندارد و بخش شمالی و نمای ایوان و ستون‌های سبزرنگ از بیرون آن کاملاً قابل رویت است. کف حیاط از سطح کوچه پایین‌تر است و در سمت چپ ورودی، پلکانی برای رسیدن به طبقات بالا تعبیه شده است. در ضلع شمالی تزئینات خاصی به چشم نمی‌خورد اما ضلع جنوبی دارای تزئینات آجرکاری زیبا و همچنین ستون‌های آجری در جلوی ایوان است که در دوره‌های بعدی



خانه کرمانی

مهرماه ۱۳۸۰ به شماره ثبت ۴۰۳۰ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

### ۶) هتل پارس

هتل تاریخی پارس در مشهد، خیابان ارگ (امام خمینی)، روبروی باغ ملی واقع است و قدمت آن به اوایل دوره پهلوی می‌رسد. این هتل که اولین هتل مشهد است، در سال ۱۳۱۶ توسط فردی یهودی به نام امین‌اف و با طراحی یک معمار روس به سبک روسی ساخته شد. فامیل کردوانی که از یهودیان کلات بودند پس از مهاجرت به مشهد تغییر نام دادند و بعدها به امین‌اف معروف شدند. نام اولیه هتل، پاریس بود و محل پذیرایی از مستشرقین و مهمانان خارجی بود اما چندی بعد به درخواست ملی‌گرایان نام آن به پارس (چهار طبقه) تغییر یافت. در سال ۱۳۲۰ ش. با آمدن روس‌ها به ایران این بنا به ستاد فرماندهی روس‌ها تبدیل شد و در سال ۱۳۵۵ ش به عنوان محل برگزاری جشنواره توس انتخاب شد. با مهاجرت خاندان امین‌اف از مشهد این هتل به مجاور توسی (پدر مالک فعلی) فروخته شد. بعد از انقلاب نیز توسط بنیاد مستضعفان صادره و در حال حاضر سرقفلی این هتل در اختیار آقای توسی است. بنا از نظر معماری دارای تقارن است و نقوش برجسته با تزئینات آجرکاری در نمای آن به کار رفته است. ساختمان دو طبقه با زیرزمین مجزا است که امروزه فضای زیرزمین به صورت چایخانه سنتی درآمد است. در ورودی زیرزمین چوبی و قدیمی و دارای ۲ ردیف طاق جناغی بر بالای آن است. در این قسمت نوسازی و تزئینات الحاقی مانند کاشی معرق و کاشی لعاب‌دار

صدسال پیش در محدوده‌ی محله‌ی عیدگاه مشهد، در شرق حرم حضرت رضا (کوچه عباسقلی خان) به عنوان تجارت‌خانه ساخت و پیش از آنکه یهودیان از مشهد مهاجرت کنند آن را به حاج غلامحسین سالم مشهدی واگذار کرد. با این حال همچنان این سرا را به نام عزیزالله اف می‌شناسند. ملا یوسف زر نیز از جمله کسانی بود که در ساختن این سرا با عزیزالله اف همکاری نمود. این سرا در ابتدا، محل رفت و آمد یهودیانی بود که تاجر فرش و گلیم بودند، اما با مهاجرت یهودیان برای مدتی دچار رکود شد و پس از چندی با تلاش مهاجران و بومیان محله عیدگاه، رونق خود را دوباره باز یافت. با گذشت زمان در نحوه استفاده از این بنا تغییرات زیادی به وقوع پیوسته است خصوصاً در دوره تخریب بخش‌های حاشیه‌ای حرم مطهر و اکنون به محلی برای فروش عمده وسایل صوتی و تصویری، البسه دست دوم خارجی و دیگر وسایل وارداتی مانند بلورجات و اسباب بازی تبدیل شده است. ساختمان بنا با مصالح آجر و ملات گچ و خشت و گل در سه طبقه با استفاده از دیوارهای قطور باربر ساخته شده و معماری آن درونگراست و شامل دو حیاط متصل به هم با حجره‌هایی در اطراف حیاط و در سه طبقه است. سطح حیاط‌ها پایین‌تر از کوچه است و به همین دلیل، در حالی که آن خانه از داخل حیاط سه طبقه دیده می‌شود، از بیرون به صورت دو طبقه به چشم می‌خورد. ورودی اصلی سرا از کوچه عباس قلی‌خان و از طریق یک راهرو می‌باشد. حیاط کوچک‌تر در بخش شرقی قرار دارد و در سال ۱۴۰۲ توسط سازمان میراث فرهنگی بازسازی و مقاوم‌سازی شد. از تزئینات موجود در بنا می‌توان به قرنیزهایی با نقوش آجرکاری مه‌ری زیبا در سقف اشاره کرد. این اثر در تاریخ ۱۰



هتل پارس



سرای عزیزالله اف

شهدا تا کوچه سروش و معروف به سرقبرستانک بود و قطعه کوچک متعلق به مسلمانان تا کوچه عیدگاه ۵ بوده است. قبرستان یهودیان مشهد ابتدا همان سرقبرستانک بود که در کنار محله عیدگاه قرار داشت و امروزه بخشی از آن به بوستان عیدگاه و بخشی دیگر در روبروی آن به پارکینگ ماشین تبدیل شده است. بعدها که شهر مشهد توسعه پیدا کرد قطعه زمینی به مساحت چهار هزار متر مربع توسط یهودیان برای قبرستان جدید خریداری شد. این زمین در کنار کارخانه چرم‌سازی در بیرون از شهر و پشت دروازه عیدگاه قرار داشت و امروزه جنب بازار رضا از سمت خیابان ۱۷ شهریور است. در راستای توسعه راه‌ها، جاده‌ای از کنار این قبرستان کشیده شد و تعداد کمی از قبور در مسیر این جاده سازی قرار گرفت. تا چند دهه پیش و تا قبل از ساخت مجتمع‌های تجاری در اطراف میدان ۱۷ شهریور، این قبرستان با سنگ‌های روی قبور آن که نوشته‌هایی به دو خط عبری و فارسی داشت موجود بود.

#### ۹) گرمابه اسلام



در انتهای کوچه عیدگاه حمام قدیمی وجود داشت که یهودیان آن را از زرتشتیان خریداری کرده بودند اما مساحت آن به قدری کوچک بود که کفاف جمعیت یهود را نمی‌داد. بعد از واقعه الله داد حاجی یحزقل که از جدیدی‌ها بود و در بین مسلمانان به حاجی اسماعیل لوی معروف بود دو باب حمام یکی برای زنان و دیگری برای مردان در محله سرحیطه و اول کوچه جدیدها ساخت و آن را وقف کرد. اهالی قدیمی محله عیدگاه به آن حمام جهودها می‌گفتند و بعد از رفتن خاندان لوی از ایران این حمام به مسلمانی به نام حاج رضا واگذار شد و نام آن به گرمابه اسلام تغییر یافت. امروزه این حمام که در کوچه محمدیه قرار دارد تغییر کاربری داده و به کافه‌ای به نام آگور تبدیل شده است.

منقوش در کف انجام شده است. این اثر در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۸۴ به شماره ثبت ۱۲۰۶۷ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

#### ۷) مدارس یهودیان مشهدی

در ابتدای محله عیدگاه دالانی بود به نام دالان حیاط کنیسه و در انتهای این دالان منزل مخروبه‌ای قرار داشت. نصف جنوبی این منزل در قبرستان جدیدها و تا قبل از واقعه‌ی الله داد در حیاط آن ۴ کنیسه و تلمود تورا (کلاس درس دینی) دایر بود. این حیاط بعدها نوسازی و تبدیل به دبستانی به نام هدایت شد. سال‌ها قبل این مدرسه به عنوان ادب در کوچه کهن‌ها دایر بود. در سال ۱۳۰۹ ش. عملیات احداث ساختمان مدرسه متوسطه هدایت آغاز شد که بعدها تخریب و به پارکینگ و بخشی از بازار تبدیل شد. در همین سال به همت آقا عبدالله حکیمیان از یهودیان متمول مشهد در کوچه حاجی - ها در محله عیدگاه مدرسه دخترانه‌ای به نام «ارض اقدس» دایر شد. این مدرسه در زمینی احداث شد که قبر سه تن از ملاهای یهودی از جمله ملا سیمانطوب ملامد در آن بود و با گل‌کاری روی آن قبور پوشانده شده بود؛ این مدرسه در سال ۱۳۲۹ به کلی دولتی و از حیطه مدیریت جامعه یهودیان مشهد خارج شد. اداره فرهنگ نام مدرسه را «شاهدخت» گذاشت و آن را به مکان دیگری در محدوده محله عیدگاه (که اجاره‌ای بود) منتقل کرد و اطلاع دقیقی از محل کنونی آن نیست. بعدها مدارس دخترانه دیگری در مشهد با عنوان ارض اقدس ساخته شد که معروف‌ترین آن بیش از شصت سال است که در محدوده ارگ و نزدیکی چهارراه لشگر قرار دارد و سال‌هاست که به همین نام است و مشخص نیست که ارتباطی به مدارس ساخته شده توسط یهودیان دارد یا نه. مدارس پسرانه ادب، متوسطه هدایت و دخترانه ارض اقدس از جمله مدارس معروف یهودیان در اواخر دوره قاجار و ابتدای پهلوی بود که بعدها از طرف جامعه یهودیان به اداره فرهنگ مشهد واگذار شد و امروزه نشانی از نام یا مکان اصلی شان نیست.

#### ۸) قبرستان عیدگاه

شهر مشهد در گذشته دارای چندین قبرستان بود که هر کدام در نقطه‌ای خاص از شهر یا بیرون از حصار محلات قرار داشت. محلات بزرگ و اصلی مانند عیدگاه نیز خود دارای قبرستان مجزا بودند. طبق نقشه ترسیم شده توسط کلنل جولیبوس دالمج قبرستان عیدگاه دارای سه قطعه بود: قطعه بزرگ قبرستان از حسینیه نخودبریزها تا نزدیکی کوچه عباسقلی خان و پشت زورخانه شهدا، قطعه یهودیان از زورخانه

شناخت حداقلی از یهودیان و شکاف عمیق بین دورانی که یهودیان در مشهد می‌زیستند با اطلاعات اندک کارشناسان سازمان میراث فرهنگی به درستی معرفی نشده و در ثبت این بناها درکی از کاربری فضاها موجود نبوده است. خانه‌هایی چون حناساب، واحدی، نیلی، تهرانیان، ناظران، امیری، پیشه-وران، شهیدان دهنوی، توکلی، مدرسه عباسقلی خان و فرهنگسرای بهشت در جنت نیز از جمله بناهایی هستند که با نام خریداران بعدی‌شان شناخته شده‌اند و احتمال اینکه متعلق به یهودیان بوده باشند بسیار است. امروزه اکثر این بناها در وضعیت نامطلوب قرار داشته و نیاز به شناخت صحیح و حفظ و احیا دارد چرا که احیای آنها بازگشت به هویت و اصالت شهری هزار ساله است.

در انتها از باستان‌شناس و مشهدپژوه گرانقدر؛ دکتر حامد طهماسبی، برای راهنمایی‌ها و در اختیار گذاشتن پرونده‌های ثبتی بناها سپاسگزارم.

#### منابع:

۱. بازدیدهای میدانی و مشاهدات نگارنده
۲. گفتگو با دکتر حامد طهماسبی
۳. پرونده‌های ثبتی موجود در آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور
۴. مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور- محمدتقی مدرس رضوی و دیگران
۵. محلات قدیمی شهر مشهد- تقی بینش
۶. تاریخ روضه‌الصفای ناصری- رضاقلی خان هدایت- جلد دهم
۷. گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تا کنون- علی نجف زاده
۸. دو قرن مقاومت (تاریخ یهودیان مشهد)- شلومو کابلی، امیر کهن
۹. تاریخ اسرائیل‌های مشهد - یعقوب دیلمانیان
۱۰. فرزندان استر - به کوشش هومن سرشار

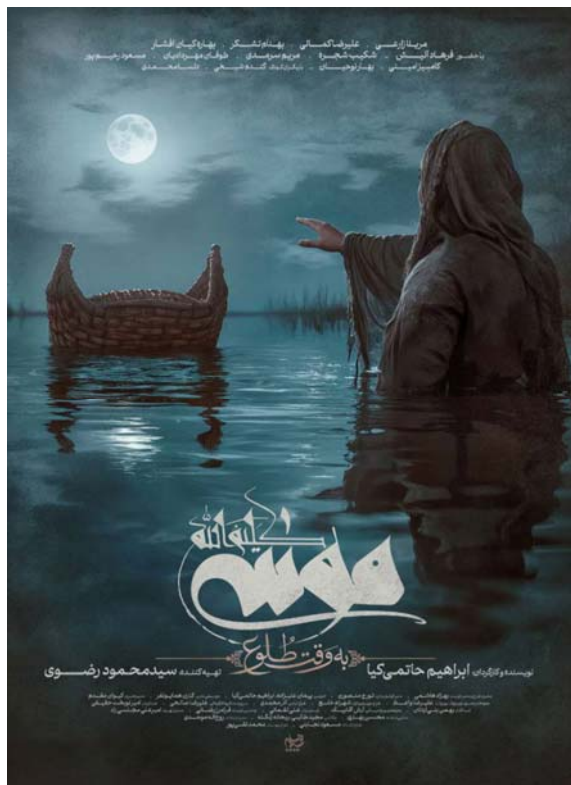
#### ۱۰) کنیسه لیوی‌ها

از سال ۱۳۰۹ش با مهاجرت یهودیان به محله ارگ و دوری از محله عیدگاه نیاز به دایر کردن کنیسه‌ای برای اهالی محل بود. برای این منظور خانه‌ای در کوچه مستوفی، در انتهای خیابان جنت توسط خانواده لیویان خریداری شد. در پشت این منزل خانه دیگری قرار داشت که در خیابان جهانیانی (چمران امروزی) واقع شده بود و در ورودی آن به کوچه دیگری در خیابان جنت باز می‌شد. این خانه به جهت توسعه‌ی فضای کنیسه خریداری شد و پس از تعمیرات دیوار ما بین آن و کنیسه لیوی‌ها برداشته شد. قباله و اسناد این حیاط از طرف مالکین آن آقایان نعمت زاده و عمرامی و نعمت نژاد به انجمن خراسانی‌ها اهداء شد و به نام آن انتقال یافت. شش دانگ این خانه به نام انجمن خراسانی‌ها به ثبت رسیده و این بنا تنها کنیسه‌ی جامعه‌ی مشهدی است که هنوز در محل دروازه جنت در مشهد پا بر جاست (موقعیت: مشهد- خیابان جنت- کوچه عدلیه).

#### ۱۱) کنیسه یوسف‌زاده

کنیسه یوسف‌زاده دومین کنیسه در خیابان جنت کوچه مستوفی بود که با همت عبدالصمد یوسف‌زاده و پسرانش خریداری و دایر شد و شامل منزلی با سالن بزرگی بود که به محل عبادت اختصاص یافت. امور اداری کنیسه توسط مرحوم یوسف‌زاده و رحمت‌الله رحمانان اداره می‌شد. به تدریج با عزیمت تدریجی مردم به تهران و کاهش جمعیت در محله ارگ، کنیسه یوسف‌زاده تعطیل شد. بعد از مهاجرت کلی جامعه یهودیان مشهدی، کنیسه‌های مشهد به تدریج فروخته شد و تنها دو کنیسه‌ی نامبرده در خیابان جنت باقی ماند. بعد از تشکیل انجمن کلیمیان خراسانی در تهران، کنیسه لیوی‌ها و قبرستانک مشهد به نام انجمن ثبت، و کنیسه یوسف‌زاده به فروش رسید.

**سخن آخر:** علاوه بر عواملی چون مهاجرت‌های گسترده به مشهد و توسعه شهر که پیش‌تر بیان شد، از دهه ۸۰ ش. نیز اکثر خانه‌های تاریخی بویژه در محله عیدگاه که بسیاری از آنها متعلق به یهودیان بود در طرح‌های نوسازی بافت تاریخی مشهد تخریب گشت. خانه‌هایی هم که باقی مانده به علت



## نقد و بررسی فیلم موسی کلیم‌الله: «به وقت طلوع»

آرش آبیانی

فیلم موسی کلیم‌الله در چهل و سومین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم فجر (بهمن ۱۴۰۳) به نمایش درآمد.

این فیلم محصول ۱۴۰۳ به کارگردانی و نویسندگی ابراهیم حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی است. فرج‌الله سلحشور، فیلم‌نامه‌ی ابتدایی این فیلم را به عنوان سریالی برای صدا و سیما نوشته بود، که پس از درگذشت او در سال ۱۳۹۴، حاتمی‌کیا بازنویسی آن را انجام داد.

این فیلم، سه‌گانه‌ای است که کل زندگانی حضرت موسی را به نمایش خواهد گذاشت، که در بخش نخست، ماجرای تولد حضرت موسی تا لحظه‌ی سپردن آن نوزاد به رود نیل را نمایانده و ظاهراً قرار است دو قسمت دیگر از آن نیز درباره‌ی مقاطع دیگر زندگانی حضرت موسی تهیه شود.

پیش از هر چیز باید یادآور شوم که در فیلم‌هایی که بر اساس واقعه‌ی شناخته شده‌ی تاریخی یا متن معروف دینی ساخته می‌شود، به دلیل شناخت قبلی و تسلط مخاطب بر کل داستان، غالباً انتظار از آن بسیار بالاست و تمام جزئیات آن زیر تیغ نقد مخاطبان سینما قرار می‌گیرد، و از این لحاظ نویسندگی و کارگردانی چنین فیلم‌هایی از حساسیت و دقت بالایی باید برخوردار باشد.

اول؛ باید توجه داشت که فیلم بر اساس دیدگاه اسلامی و با اتکا بر منابع اسلامی تهیه شده است. در تیتراژ پایانی فیلم، در بخش منابع، از میان ده‌ها منبع مورد استفاده، فقط نام «ترجمه‌ی تورات» به چشم می‌خورد و سایر منابع تماماً تعلق به حوزه‌ی اسلام دارد. حتی در میان اسامی مشاوران فیلم‌نامه نیز هیچ اسمی از عالمی کلیمی به چشم نمی‌خورد. لذا وجود تفاوت‌هایی با روایت توراتی و یهودی بدیهی است، به‌خصوص این‌که در روایت توراتی، دختر فرعون موسی را از آب می‌گیرد و او را به فرزندی می‌پذیرد، اما در دیدگاه اسلامی، آسیه، زن

فرعون، موسی را به فرزندی می‌گیرد (که البته هنوز این قسمت از فیلم به آن نپرداخته است).

رضا مصطفوی، پژوهشگر تاریخ ادیان، به‌ویژه مسیحیت و یهود، مشاور مذهبی و مدیر گروه تحقیق و نگارش فیلم‌نامه سریال حضرت موسی کلیم‌الله است. او در نشست رسانه‌ای این فیلم در جشنواره (۱۸ بهمن ۱۴۰۳) در پاسخ به استفاده از منابع عبری و غیر اسلامی اظهار داشت که از سال ۱۳۸۸ با مرحوم سلحشور تحقیقات فیلم‌نامه موسی را شروع کرده و تاکید کرد که «ما این فیلم‌نامه را بر اساس نگرش شیعه نوشتیم، اما این بر این اساس نیست که منابع دیگر از جمله کتب یهود و مسیحیت را بررسی نکرده باشیم». او همچنین اشاره کرد که با انجمن کلیمیان در ارتباط بوده است.

دوم؛ علیرغم غالب بودن دیدگاه اسلامی، منطقاً روایت توراتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد که ظاهراً این امر با صرف‌نظر از برخی جزئیات، رعایت شده و از این نظر اختلافی فاحش یا تناقضی جدی با باورهای یهودی در این قسمت از

«الهام به مادر موسی» اشاره دارد که البته بنابر برخی تفاسیر، این وحی و کلام مستقیم نبوده، بلکه در دل مادر موسی چنین تصمیمی (انداختن موسی به رود نیل) ایجاد شده است. همچنین، در همین موضوع، عمران (پدر موسی) با یوکابد درباره‌ی صحت وحی خداوند به او به مباحثه‌ای الاهیاتی می‌پردازد، که چنین بحث الاهیاتی میان این زوج ساده‌ی عبرانی، بسیار بعید و عجیب می‌نماید.

چهارم؛ کارگردان برای فرار از طرح یک فیلمنامه‌ی قوی و حرفه‌ای، و برای حل مشکلات در ماجراهای فیلم، دست به ابداع معجزات خودساخته می‌زند. در یک صحنه، مردی برای افشای تولد موسی نزد فرماندهی مصری می‌رود. اما در لحظه‌ای که می‌خواهد این راز را بازگو کند، ناگهان لال می‌شود! چنین ترفندی در یک صحنه‌ی هیجان‌انگیز فیلم که نفس مخاطب را حبس کرده است، نیاز به کارگردانی حرفه‌ای ندارد! هر درس ناخوانده‌ای هم می‌تواند برای فرار از حل این معضل، معجزه‌ای از خود اختراع کند، مثلاً آن فرمانده دود شود و به هوا برود، یا آن مرد سخن چین نامرئی شود و صدها ترفند ساده‌لوحانه‌ی دیگر! اما یک کارگردان با تجربه و با حوصله، به‌جای پاک کردن صورت مسئله، می‌تواند ده‌ها راه حل منطقی وارد صحنه کند، مانند آن که حواس فرمانده به شورش مردم جلب شود، یا حرف آن سخن‌چین را به علت تناقضات یا وجود شاهد خلاف آن و غیره، نپذیرد و این صحنه به‌طور باور پذیر پایان یابد و در عین حال، هیجان آن نیز حفظ شود. در صحنه‌ای دیگر، در جایی که سربازان مصری در حال جستجوی موسی در خانه هستند، ناگهان ماری از ناکجا ظاهر شده، دست سرباز را می‌گزد و سرباز فرار می‌کند، و دیگر از آن مار اثری

فیلم دیده نشد. هر چند همان‌طور که پیشاپیش انتظار داشتیم، برخی نمادهای اسلامی در لابلای فیلم گنجانده شده، مانند آن که رهبر عبرانیان، از اجدادشان و عهد خداوند با آنان یاد می‌کند و در میان اسامی ابراهیم و اسحاق و یعقوب و یوسف، نام اسماعیل را هم به میان می‌آورد، علیرغم آن که بنی‌اسرائیل از اسماعیل به عنوان جد خود یاد نمی‌کنند. و یا در پایان فیلم، یوکابد مادر موسی، او را در رود نیل رها می‌کند و دعا می‌کند که او در پناه «پنج نور الهی» محافظت شود و پنج شعاع نور نیز به‌صورت نمادین صحنه را روشن می‌کند، و لابد به نظر نویسنده، یوکابد عبرانی در ۳۳۰۰ سال پیش به پنج تن آل عبا معتقد و متوسل شده است!

سوم؛ برخی اختلافات موجود با روایت یهودی به این شرح است:

در فیلم، فرعون مصر عقیم و بی‌فرزند تصویر شده، اما در تورات، خداوند فرزند نخست زاده‌ی فرعون را می‌کشد، بدین معنا که او صاحب فرزندی بوده که نخست‌زاده‌اش به عنوان مجازات الهی، هلاک می‌شود. در فیلم، موسای نوزاد با برادرش هارون سخن گفته و نام خودش را اعلام می‌کند و بعدا خداوند نیز نام موسی را به یوکابد مادرش اعلام می‌کند، اما در تورات، دختر فرعون بر موسی نام می‌گذارد به معنای «از آب کشنده»، و در روایت تلمودی، یوکابد نام فرزندش را «یقوتیل» نامید. در فیلم، خداوند با یوکابد صحبت می‌کند، اما در تورات چنین امری مذکور نیست. حاتمی‌کیا در نشست رسانه‌ای اظهار داشت که «قرآن به‌صراحت می‌گوید که به این بانو وحی شده است و تصمیم شخصی من نبوده و صرفاً آن را به تصویر کشیده‌ام». قرآن در سوره طاهّا<sup>۱</sup> آیات ۳۸ و ۳۹ و سوره قصص<sup>۲</sup> آیه ۷ به

۱ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾

آن زمان که به مادرت آنچه را که باید الهام می‌شد، الهام کردیم؛  
آن آفندیبه فی الثابوت فآفندیبه فی الیم فلیلقیه الیم بالساجل یاخذهُ عدو  
لی و عدو له ۱ و آلفیت علیک محبته منی و لنصنع علی عینی ﴿٣٩﴾  
که او را در صندوق بگذار، پس او را به دریا بینداز تا دریا او را به ساحل  
اندازد، تا دشمن من و دشمن او، وی را برگرد. و محبوبیتی از سوی خود بر تو  
انداختیم تا [همگان به تو علاقه و محبت ورزند و آنچه را انجام دادم برای این

بود که [با مراقبت کامل من پرورش یابی] ساخته شوی. [۳۹]  
۲ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فإِذَا حَفَّتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي  
الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَأَوْهُ إِلَيْكَ وَجَاعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾  
و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هنگامی که [از سوی  
فرعونیان] بر او بترسی به دریایش انداز، و مترس و غمگین مباش که ما حتماً او  
را به تو باز می‌گردانیم، و او را از پیامبران قرار می‌دهیم. (۷)



نیز نتوانسته این جمعیت را انبوه و طبیعی جلوه دهد. علاوه بر آن، مشکلی که در اکثر فیلم‌های سفارشی و ایدئولوژیک هست، ابله جلوه دادن دشمن است. فرعون و دار و دسته‌اش به عنوان رهبران کشور ابرقدرت زمان، در این فیلم چندان عاقل نیستند و به سادگی و عجولانه تصمیم می‌گیرند و شکست می‌خورند. بحث‌های دربار فرعون از هیچ عمق و پیچیدگی‌ای برخوردار نیست. این وضعیت در برخی صحنه‌ها فیلم را از حالت تاریخی و دینی به فضای طنز نزدیک کرده است.

ششم؛ ابزار جلوه‌های ویژه و هوش مصنوعی، چنان به افراط و گاه ناشیانه در فیلم به کار رفته است که این فیلم بیشتر به انیمیشن شبیه است تا فیلمی طبیعی. همه‌ی عناصر فیلم به غیر از بازیگران اصلی، و حتی موسای نوزاد، حاصل استفاده از جلوه‌های رایانه‌ای است، آن‌هم به‌طور کاملاً غیر طبیعی، که مخاطب هرگز خود را در محیطی طبیعی و عادی نمی‌یابد، همه جا نورانی و تمیز است؛ و واقعا برخی کارتون‌های معروف دوران کودکی‌مان، که با امکانات غیر رایانه‌ای ۵۰ سال پیش ساخته می‌شد، به لحاظ سرعت حرکت اجسام و رفت و آمدها و تصویر سازی مناظر و غیره، طبیعی‌تر از برخی صحنه‌های این فیلم به نظر می‌رسید.

**جمع‌بندی:** فیلم موسی کلیم‌الله در بخش اول خود، صرف‌نظر از برخی جزئیات که ذکرش رفت، فیلمی قابل قبول و امانت‌دار در بازنمایی روایت تولد حضرت موسی است. بخصوص بازی مریلا زارعی در نقش یوکابد، مادر موسی، بسیار تاثیر گذار و حرفه‌ای به نظر می‌رسد. تماشای فیلم به علاقمندان روایات تاریخی و دینی توصیه می‌شود.

دیده نمی‌شود. مخاطب نمی‌بیند که مار پس از گزیدن آن سرباز چه شد، آیا همچنان در نزدیکی موسی و یوکابد هست یا نه. به ناچار باید این را نیز معجزه‌ای ساخته‌ی کارگردان بداند که مشکل را با آن رفع کرده است. در نمونه‌ای دیگر، در صحنه‌ی پایانی که یوکابد و مریم، موسی را در سبیدی در رود نیل رها می‌کنند، آن فرمانده مصری که آنها را تعقیب کرده، خود را به آب می‌زند تا آن سبید را به چنگ آورد. در این صحنه‌ی هیجان‌انگیز نیز ده‌ها راه منطقی برای هلاکت آن مصری یا دست نیافتن به سبید قابل تصور است، اما جناب حاتمی کیا به سادگی معجزه‌ی دیگری از خود ابداع می‌کند، و مانند یک فیلم اکشن جنگی، سریعاً یک تمساح را از نیزار به سوی آن مصری روانه می‌کند (توجه کنید که مثلاً تمساح به‌طور طبیعی نیز در حال شنا در نیزار نیست، و به مریم و یوکابد که آنها هم در آب هستند وقتی نمی‌نهد، بلکه توسط کارگردان محترم مانند یک موشک به سوی آن مصری شلیک می‌شود) و فرمانده‌ی مصری قبل از رسیدن به سبید حاوی موسی، توسط تمساح دریده می‌شود و فیلم به خوشی پایان می‌یابد. چنین صحنه‌ی هایی حاکی از آن است که نویسنده و کارگردان، حوصله‌ی پخته کردن تمام صحنه‌ها را نداشته، و یا معتقد است که هر چه معجزه و اعمال خارق‌العاده در فیلم بیشتر باشد، آن را دینی‌تر و الاهی‌تر می‌نمایاند. هر چند اهل فن در امور الاهیاتی می‌دانند که بدون کاربرد مکرر معجزات، امور و اتفاقات طبیعی نیز حاصل تقدیر الهی می‌تواند تلقی شود. ولی احتمالاً کارگردان راه سریع‌تر و آشکارتر را ترجیح داده است.

پنجم؛ کل جمعیت عبرانیان مصر در حد یک روستای کوچک نیز نیست! در فیلم به حضور عبرانیان در شهر گوشن اشاره شده که تورات نیز آن منطقه را سکونت‌گاه عبرانیان می‌داند. تورات در روایت خروج از مصر، با ذکر رقم ۶۰۰ هزار مرد، غیر از زنان و کودکان، جمعیت عبرانیان را میلیون‌ی تصویر کرده است، اما در صحنه‌های این فیلم، تنها حدود ۲۰ - ۳۰ نفر در حال رفت و آمد و تجمع و اعتراض و غیره هستند. جالب آن‌که بهره‌گیری از امکانات رایانه‌ای پیشرفته در ساخت فیلم



## بخشی از فیلمنامه‌ی فیلم

### «موسی کلیم الله»

نوشته‌ی فرج‌الله سلحشور

#### سکانس ۴- خارجی- چادر موسی، جاسان- روز

عمران، هارون، یوکابد، میریام و دیگر اعضای خانواده همه جلوی چادر موسی اجتماع کرده‌اند. افراد دیگری از جاسان نیز به جمع آنان افزوده می‌شود. موسی عصا به دست، صفورا و الیعاذر و جرشون پشت سر او از چادر بیرون می‌آیند. موسی نگاهی به جماعت حاضر می‌کند. چهره‌ها گرفته و نگران است؛ موسی به آنان لبخندی می‌زند، موجب امید می‌گردد و گره از ابروها باز می‌شود. عمران و یوکابد نگاهی به یکدیگر کرده. عمران می‌گوید:

**عمران:** آوردن بچه‌ها و عیال و خانواده ضروری است؟

**موسی:** برای مقابله و مبارزه با شرک و ظلم باید با همه توش و توان و اعوان و انصار رفت. شما برایم عزیزتر از همسر و فرزندانم هستید. شما را به میدان می‌برم، فرزندانم را پنهان کنم؟ (رو به هارون) فرمان حرکت بدهید.

**هارون:** امروز می‌رویم تا اگر لازم شد همه دار و ندارمان را در راه حق فدا کنیم. تردید نکنید که پیروزی با ماست. حرکت می‌کنیم. موسی در جلو و جماعت کثیری پشت سر او به راه می‌افتند. آن‌ها از میدان جاسان و جلوی معبد آمون عبور کرده به سوی شمال یعنی شهر پی‌رامسس می‌روند. سامری و دوستانش آلترو و الیاهو می‌گویند:

**الیاهو:** ما نمی‌رویم؟

**آلترو:** کجا؟ برویم شکست موسی و تمسخر مصری‌ها را ببینیم؟

**سامری:** می‌رویم، نباید از آنان جدا شویم، در آینده به اینان نیاز داریم.

سامری و دوستانش وارد صف مردم می‌شوند و حرکت می‌کنند، دو تن از کاهنان میناخته و منس جلوی معبد جاسان حرکت مردم را نظاره می‌کنند. آن‌ها ۱۰ سال پیرتر شده‌اند. منس با صدای بلند می‌گوید:

**منس:** می‌بینم که شکست خورده و سرافکنده با لب‌ها و گوش‌های آویزان باز می‌گردید.

بنی اسرائیلی‌ها تمسخر منس را می‌شنوند، اما کسی جرأت پاسخ ندارد، به جز یوفنا و الیاب که آن‌ها هم درون جمعیت حرکت می‌کنند و هنگامی که کلام منس را می‌شنوند، یوفنا می‌گوید:

**یوفنا:** عصای موسی یک‌بار قبیطیان و فرمانروایشان را شکست

داده است. امروز شکست بزرگتر را هم به چشم خواهید دید.

**میناخته:** تا ساعتی دیگر منجی شما خود نیازمند نجات‌دهنده

خواهد بود.

**الیاب:** بیایید باهم ببینیم. امروز از دو تن مدعی موسی و فرعون یکی شکست خورده، دیگری پیروز خواهد شد.

در این لحظه هارون به آن‌ها رسیده به الیاب و یوفنا می‌گوید:  
**هارون:** ما امروز به آرامش نیاز داریم، تا می‌توانید از درگیری و جنجال اجتناب کنید.

الیاب و یوفنا باهم می‌گویند:

**الیاب و یوفنا:** اطاعت یا رسول خدا.

در میان صف بنی اسرائیلی‌ها حنوح که شخصیتی مردد است، دارد با ایسار که فردی مومن است در حال راه رفتن سخن می‌گوید.  
**حنوح:** ایسار، تو فکر می‌کنی امروز چه خواهد شد؟

**ایسار:** من به موسی و خدای بزرگ ایمان دارم، مطمئن باش.

**حنوح:** اگر شکست بخوریم، رامسس و لشکریانش ما را یکجا نابود خواهند کرد.

**ایسار:** ما تسلیم اراده‌ی خداوندیم و به حمایت از پیامبرش می‌رویم. پس هر چه رخ دهد راضی هستیم. نگران نباش و امید خود را از دست نده.

**حنوح:** فراموش نکن، موسی یک عصا دارد و ساحران صدها عصا و طناب.

موسی و بنی اسرائیلی‌ها که هر لحظه بیشتر می‌شوند، در حال حرکت به سوی رامسس هستند. پی‌رامسس در عمق از دور دیده می‌شود.

#### سکانس ۵- خارجی- میدان جلوی قصر- روز

میدان بزرگ جلوی قصر رامسس را آراسته‌اند. در بیرون از محوطه‌ی میدان، دو ردیف قوچ سنگی در طرفین خیابان منتهی به میدان وجود دارد که زیبایی و زینت منطقه است. برای رامسس و آسیه در جلوی در ورودی قصر تخت زده‌اند. جایگاه رامسس بالاتر از مردم قرار دارد تا بر همه چیز تسلط داشته باشد. رامسس و آسیه هنوز نیامده‌اند. جایگاه آن‌ها دارای سایه‌بان است تا از گزند آفتاب در امان باشند. ندیمه‌ها و خدمه در جای خود ایستاده و بادبزن در دست دارند. در دو طرف تخت رامسس دو ردیف سرباز برای محافظت ایستاده‌اند و ستون آبلسیک در سمت راست رامسس و در

قارون بی‌مناسبت نیست. در معجزه قدرت بی‌انتهای خداوند جاریست و سحر ترفندی آمیخته از قدرت شیطان و انسان.

**الیاب:** یک چیز را تو نمی‌دانی سامری، سحر را با معجزه توان پهلوی زدن نیست.

هارون که به آن‌ها نزدیک شده در ادامه کلام الیاب می‌گوید:  
**هارون:** اگر ساحران توانستند چشمه خورشید را گل اندود کنند، معجزه را هم با سحر خواهند شکست. به جای یأس‌پراکنی دست به سوی خدا بردارید و برای پیروزی موسی و قوم بنی‌اسرائیل دعا کنید.

صدای همه‌مردم و شعار دادن‌شان شنیده می‌شود. بعضی از بنی‌اسرائیل دست به دعا بر می‌دارند. هارون که می‌رود قارون شروع می‌کند.

**قارون:** اگر با فرعون سازش و از او اطاعت کنیم آسایش و آرامش را برای بنی‌اسرائیل خریده‌ایم.

**شالموم:** تاکنون که سازش با رامسس جز زبونی و ذلت برای ما چیزی نداشته.

**الداد:** شاید جناب قارون فکر می‌کند همه بنی‌اسرائیل مثل خود ایشان در آسایش و آرامش هستند.

همه می‌خندند و قارون خشمگین می‌شود. در دور دست ساحران مشغول آماده شدن و مردم در حال شعار دادن هستند. فرعون با اعوان و انصار خود با لباس تمام رسمی و با اسکورت به همراه آسیه و حزیبیل و هامان در حال بیرون آمدن از قصر هستند که شیپورها به صدا در می‌آیند و تمامی چند صد هزار انسانی که در آن میدان اجتماع کرده‌اند تعظیم می‌کنند و باز شیپورها به صدا درآمده مردم به حالت عادی باز می‌گردند. تعظیم نکردن موسی و هارون و عمران از دید هامان و رامسس دور نمی‌ماند. آسیه نگران به رامسس می‌گوید:

**آسیه:** اگر امروز موسی پیروز شود، چه خواهید کرد؟  
**رامسس:** اگر موسی همان سحر قصر را به کار ببرد ما پیروزیم. ماری که آن روز ما دیدیم توان ایستادگی در برابر مارهای ساحران را ندارد.

مین بائف در حال آماده کردن خود برای قدرت‌نمایی است، رو به اورهیا سنن موت و کاهوتپ کرده می‌گوید:

**مین بائف:** اول ما سحر خود را به نمایش بگذاریم یا موسی آغاز کند؟

**اورهیا:** اول ما آغاز می‌کنیم، این هم نشانه شجاعت و اطمینان ماست و هم موسی با دیدن صدها اژدر مار هولناک، بیمناک شده از ادامه مبارزه منصرف خواهد شد.

موسی و هارون در بین قبیله هستند که موسی اشاره به هارون کرده، به سوی ساحران می‌روند. عمران و خانواده نگران‌اند.

**سنن موت:** اگر ابتدا موسی آغاز کند ما به توان او آگاه شده

جلوی صف سربازان سر به آسمان بلند کرده و در سمت راست میدان و میان قوچ‌های سمت راست مصری‌ها و ساحران ایستاده‌اند. در این لحظه موسی و هارون همراه بنی‌اسرائیل که جماعت زیادی هستند از جانب جاسان یعنی از سوی میدان وارد می‌شوند. در جایگاه خود در پشت قوچ‌های سنگی و سمت چپ میدان جای می‌گیرند. تعداد بنی‌اسرائیلی‌ها کمتر از مصری‌هاست. موسی و هارون کنار هم و عمران و یوکابد و همسران و فرزندان آن‌ها در اطرافشان دیده می‌شوند. مصری‌ها علیه بنی‌اسرائیل شعار می‌دهند.

**قبطی‌ها:** ساحران پیروزند، مصریان پیروزند، رامسس پیروز است، نفرین بر بردگان و گدایان.

بنی‌اسرائیل به شدت وحشت کرده‌اند و جرأت شعار دادن ندارند. شکست خود را قطعی می‌دانند. در جنوب میدان در پشت اولین قوچ، کاهنان در مقابل موسی و هارون ایستاده‌اند. موسی به هارون می‌گوید:

**موسی:** بهتر است ابتدا ساحران سحر خود را به نمایش بگذارند.

**عمران:** چرا؟

**هارون:** پدر جان، اگر ما معجزه الهی را به نمایش بگذاریم همه وحشت کرده خواهند گریخت و ساحران فرصت قدرت‌نمایی نخواهند یافت و مردم تفاوت معجزه و سحر را نخواهند دید.

عمران پس از شنیدن سخنان پسرانش می‌گوید:

**عمران:** آفرین پسر، از طرفی انبیا همیشه فرصت را به حریفان می‌دهند. این خصلت کریمان است.

**هارون:** اگر ساحران عظمت معجزه را ببینند یا از ادامه مبارزه سر باز می‌زنند یا برای چاره‌اندیشی و فریب، مبارزه را به روزی دیگر موکول خواهند کرد. پس حتماً باید اول آن‌ها قدرت خود را به نمایش بگذارند.

**الیاب:** ای نبی خدا، ممکن است ما شکست بخوریم؟

**موسی:** خداوند حاضر و ناظر بر ماست و به ما وعده پیروزی داده.

ساحران در حال مرتب کردن طناب‌ها و چوب‌ها و ابزار و ادوات جادوگری هستند و مردم همچنان شعار می‌دهند. قارون با شکم بزرگ و صورت گل انداخته خود با زر و زیوری که به خود آویخته در میان دوستان ایستاده. سامری و دوستانش هم نزدیک او هستند، قارون مدام در حال غرولند است؛ ایلانا و دخترش در میان مردم سخنان او را می‌شنوند.

**قارون:** من یقین دارم که موسی از پس ساحران بر نمی‌آید. یک نفر چگونه می‌تواند ۷۰ تن ساحر قهار با تجربه را مغلوب کند؟

**نون:** یک‌بار که جادوگران حاضر در قصر را مغلوب کرده است. **سامری:** امروز با این‌همه جادوگر کهنه‌کار و زبردست روز متفاوتی است. من سحر و جادو و توان ساحران را می‌شناسم. نگرانی



خود را ثابت کند، این نشان برتری خدای اوست که چنین قدرتی به او داده.

**اوردامان:** شما از خدای او می‌ترسید؟

**کاهوتپ:** من می‌ترسم و ابایی هم از گفتن ندارم. اگر خدای او قدرت معجزه‌ای عظیم را داشته باشد و ما معجزه‌اش را سحر بنامیم و به او دروغ ببندیم قطعاً مجازات‌مان خواهد کرد.

**اورهیا:** من که جرأت دروغ بستن به خدای او را ندارم.

**اوردامان:** البته اگر برتری قدرت خدای او بر ما ثابت شد. هنوز که اتفاقی نیفتاده، شما این همه بیمناکید!!  
از دور رامسس و هامان می‌بینند که کاهنان با یکدیگر نجوا می‌کنند و در گوشی صحبت‌هایی دارند.

**رامسس:** متوجه شدی؟

**هامان:** رفتن موسی و هارون نزد ساحران را؟

**رامسس:** آری، حرف‌های موسی و هارون ساحران را به فکر وا داشته با یکدیگر نجوا می‌کنند.

**هامان:** نکند توطئه‌ای در کار است؟

**رامسس:** موسی بسیار زیرک و با تدبیر است، من از او بیمناکم.

موسی و هارون نزد پدر و مادر و دیگر بستگان باز می‌گردند. همه‌ی نگاه‌ها پرسش‌گراند، بسیاری از بنی‌اسرائیل می‌ترسند و بسیاری دست به دعا برداشته‌اند. در طرف دیگر میدان به‌خصوص در پای ستون تجن مصری‌ها شعار می‌دهند.

**مصری‌ها:** ای خدایان، ساحران را پیروز کنید. ساحران بر سبطیان پیروزانند، رامسس پیروز است، رامسس، رامسس.

خاندان موسی و هارون همه دست به دعا برداشته‌اند. در این لحظه صدای طبل و شیپور فضای میدان را پر می‌کند و همه سکوت می‌کنند. صدا که قطع می‌شود، صدای بلند آنخ ماهور شنیده می‌شود که می‌گوید:

**آنخ ماهور:** پیروز و پاینده باد خدایگان رامسس کبیر فرعون بزرگ سرزمین مقدس مصر.

همه مردم می‌گویند:

و جادویی مناسب او به کار خواهیم بست.

**کاهوتپ:** توان ما همین است. تبدیل یا تکمیل که نمی‌شود، چرا خود را فریب دهیم. من با اورهیا موافق هستم. اگر ما از موضع قدرت به موسی و هارون فرصت بدهیم، همه خواهند دید که ما به توان خود اطمینان داریم.

در این لحظه کاهنان می‌بینند که موسی و هارون به‌سوی آن‌ها می‌آیند. توجه همه جلب می‌شود. موسی و هارون که هر دو نسبت به کاهنان و ساحران، جوان هستند رو در روی آن‌ها می‌ایستند. مین بائف می‌گوید:

**مین بائف:** هان موسی، چه شده؟ مطلبی هست؟

**موسی:** من شما را انسان‌هایی با تجربه و صاحب خرد می‌دانم، تردید ندارم که تفاوت معجزه با سحر را می‌فهمید.

**اورهیا:** خوب که چه؟

**هارون:** چه خواهید کرد اگر در برابر سحر خود معجزه‌ای برتر را ببینید؟

**سنن موت:** در مبارزه هم احتمال پیروزی هست، هم شکست. اگر شما معجزه آوردید ما شکست را می‌پذیریم.

کاهوتپ به اعتراض رو به سنن می‌گوید:

**کاهوتپ:** تو چرا متوجه نیستی؟! پذیرفتن معجزه موسی یعنی پذیرفتن نبوت او؛ تو می‌خواهی ایمان بیآوری؟

**موسی:** من نمی‌گویم معجزه و معجزه‌آفرین را باور کنید و ایمان بیاورید. حرف من این است که اگر معجزه را دیدید، سحر نخوانید و به خدا دروغ نبندید که خداوند شما را به عذابی سخت مجازات خواهد کرد.

**هارون:** برای خوشایند هیچ قدرت و مقامی معجزه را با سحر، هم‌سنگ و یکسان نخوانید که زیان خواهید کرد.

ساحران به یکدیگر می‌نگرند. نمی‌دانند چه پاسخ بدهند، کاهوتپ می‌گوید:

**کاهوتپ:** خیلی به خود اطمینان داری موسی. هنوز جدال آغاز نشده خود را پیروز میدان می‌بینی؟!

**موسی:** امیدوارم حق پیروز شود.

موسی و هارون از ساحران فاصله گرفته نزد قبیله خود می‌روند. رامسس و هامان این رفت و برگشتن را می‌بینند. مین بائف ساحران را صدا کرده آهسته می‌گوید:

**مین بائف:** من از این همه اطمینان و اعتماد به نفس او بیمناکم. می‌بینید، کمترین نگرانی در چهره مصمم او دیده نمی‌شود.

**اورهیا:** اگر اعتماد به نفس او بیهوده نبود و سحری برتر از جادوی ما خلق کرد چه کنیم؟

**اوردامان:** معلوم است، ما که نمی‌توانیم تسلیم شویم و او را تایید کنیم.

**سنن موت:** چرا متوجه نیستید؟ چرا نمی‌فهمید؟ اگر او برتری

**مردم:** پیروز و پاینده باد رامسس.

**آنخ ماهور:** به فرمان خدایگان رامسس بزرگ، رقابت را آغاز می‌کنیم. خدایگان رامسس برای ساحران و جادوگران مصر پیروزی و برای موسی و هارون و سبطیان شکست و نابودی رقم زده‌اند. بی‌شک جز اراده رامسس رخ نخواهد داد. درود بر رامسس بزرگ سرزمین مصر.

**همه مصریان:** درود بر رامسس، خدای بزرگ سرزمین مصر. مردم ساکت می‌شوند. فرعون نگران است. آسیه و حزقیل هم همین‌طور. هیچ‌کس نمی‌داند چه رخ خواهد داد.

**آنخ ماهور:** شروع کنید.

مین بائف از دور به رامسس تعظیم می‌کند و رامسس هم با بلند کردن دست اجازه شروع می‌دهد. مین بائف روبه سوی موسی می‌گوید:

**مین بائف:** موسی ابتدا تو عصای خود را خواهی انداخت یا ما طناب‌ها و عصاهایمان را بیندازیم؟

**موسی:** فرصت از آن شما، ابتدا شما آغاز کنید.

صدای قدرتمند موسی در همه میدان طنین می‌اندازد. با اشاره مین بائف ساحران دامن‌ها را به کمر و آستین‌ها را بالا می‌زنند و رس‌ها و چوب‌هایی را که از قبل آماده کرده‌اند پیش‌روی می‌گیرند و بر آن‌ها ورد می‌خوانند و می‌دمند و بر زمین‌ها می‌کنند.

**سنن موت:** ای ست، خدای شیاطین، فرمانروای جهنم، این طناب را زندگی ببخش. به عزت و عظمت رامسس رها کردم.

طناب را انداخته، طناب ماری می‌شود. دیگر ساحران هم در حال ورد خواندن و دمیدن هستند و طناب‌ها را می‌اندازند. طناب‌های آن‌ها هم مار می‌شود و حرکت می‌کند. کم‌کم تعداد مارها زیاد می‌شود. آسیه و حزقیل نگران‌اند. رامسس به تدریج لبخند رضایت بر لبانش می‌نشیند. بنی‌اسرائیلی‌ها بیمناک هستند. قارون بر سر زده می‌گوید:

**قارون:** بفرمایید، همین را می‌خواستید؟ اگر می‌توانید مقابله کنید.

هر ساحر چندین طناب و چوب را به مار تبدیل می‌کند، کوهی از مارهای قطور و قوی لای همدیگر می‌لوند و از خود صدا در می‌آورند. عمران و یوکابد و میریام وحشت کرده‌اند، اما آرامش موسی و هارون به آنان نیز آرامش می‌دهد. مصری‌ها در پای ستون تجن ابلیسک، هلهله و شادی می‌کنند. فرعون و هامان لبخند پیروزی به یکدیگر می‌زنند. آسیه و حزقیل رو به آسمان می‌نگرند و یاری می‌جویند. هارون نگاهی به خیل مارها می‌کند، نگران می‌شود. رو به موسی کرده می‌گوید:

**هارون:** امیدوارم این بار عصا به ماری عظیم‌تر از مار قصر مبدل شود و گر نه...

رامسس خندان نگاهی به هامان و حزقیل و آسیه کرده

به‌گونه‌ای که اطرافیان بشنوند می‌گوید:

**رامسس:** بینداز موسی، چرا می‌ترسی؟ مار تو با چه تعداد از این مارها می‌تواند مقابله کند؟ بینداز ماری که در قصر همه را مرعوب کرده بود. اگر می‌توانی قدرت خود را ظاهر کن.

سامری به اطرافیان می‌گوید:

**سامری:** می‌بینید چگونه آبروی بنی‌اسرائیل را برد؟ می‌بینید چگونه ما را مضحکه قبطی‌ها کرد؟!

**قارون:** (با غرولند تمسخر) اگر می‌توانی اینجا قدرت‌نمایی کن. موسی، پس چه شد آن همه ادعا جناب منجی؟!

عمران که سخنان سامری و قارون را می‌شنود می‌گوید:

**عمران:** ظاهراً شما دو تن بیش از آبروی بنی‌اسرائیل نگران موقعیت خود در قصر و معبد هستید؟

بنی‌اسرائیل می‌خندند، اطرافیان موسی و هارون دعا می‌کنند. بعضی از بنی‌اسرائیل وحشت کرده‌اند. موسی به هارون می‌گوید:

**موسی:** من به این معجزه امید بسته‌ام. بی‌شک در صورت پیروزی، بسیاری از این مردم یکتاپرست خواهند شد و پناه می‌برم به خدا اگر پیروز نشویم...

در این لحظه ندایی آسمانی را فقط موسی و هارون می‌شنوند که می‌گوید: (فضا معنوی و نورانی می‌شود.)

**ندای آسمانی:** بیمناک مباش موسی و بینداز آنچه را در دست داری تا فرو برد این مارهای صوری و ظاهر فریب‌را، بینداز معجزه‌ی خداوند یکتا را.

صدا قطع می‌شود و موسی و هارون به یکدیگر می‌نگرند.

**سامری:** می‌بینید دو برادر از ترس چگونه مات و مبهوت مانده‌اند؟!

موسی و هارون به یکدیگر لبخند می‌زنند و هارون می‌گوید:

**هارون:** شنیدی موسی؟ آنچه از این مارها می‌بینید مجاز است. این‌ها صورتی بیش نیستند و حقیقتی ندارند و کثرت این مارها چون کثرت نقطه‌های زیادی است که همه‌ی آن‌ها در کنار یکدیگر هیچ شماره و عددی را تشکیل نمی‌دهند. ولی عصای تو حقیقت است و واحد و از سوی خالق احد قوت و قدرت می‌یابد.

موسی و هارون با لبخند خود یوکابد و میریام را از نگرانی بیرون می‌آورند. ساحران هر چه طناب و چوب داشته‌اند به مار تبدیل کرده‌اند. مین بائف نگاه به موسی کرده، با اشاره دست می‌گوید بفرما نوبت توست. موسی نگاه از مین بائف گرفته به عصا می‌اندازد. او همچنان هیجان زده است. دست راست را به گریبان برده نورانی بیرون می‌آورد. همه تعجب کرده ساکت می‌شوند. موسی با صدای رسا رو به مردم مصر می‌گوید:

**موسی:** ای مردم! (همه ساکت می‌شوند) من فرستاده‌ی خدای آسمان‌ها و زمین، خالق یکتا، به‌سوی شما هستم. آمده‌ام که شما را به ترک بت‌پرستی و شرک و پرستش خداوند عالمیان دعوت کنم و



می‌شوند و می‌گریزند و در پشت ستون تجن سنگر می‌گیرند و به‌سوی اژدها، تیر و کمان پرتاب می‌کنند.

**مین بائف:** اینکه مار نیست، اژدهاست. واقعاً سحر نیست. یک معجزه است.

**اورهیا:** این فراتر از درک و فهم ماست. یعنی خدای موسی این همه قدرتمند است؟!

خاندان موسی و تعدادی از بنی‌اسرائیل شادند و فریاد می‌کشند و اژدها را تشویق به نابودی مصری‌ها می‌کنند. اژدها به‌سوی آبلیسک رفته و با دم خود به آن ضربه می‌زند و آن را سرنگون می‌کند، آبلیسک روی سربازان و مردم افتاده، بسیاری را می‌کشد و خاک همه‌جا را می‌پوشاند. مردم در حال فرار زیر دست و پای یکدیگر می‌مانند و کشته و زخمی می‌شوند. اژدها نعره کشیده همه‌جا را می‌لرزاند. رامسس ناخودآگاه بلند می‌شود.

**رامسس:** آن ستون نشانه طول عمر من بود که ویران شد. در جای دیگری از میدان آنخ ماهور و آی‌پی در پناه دیواری ویرانی آبلیسک را می‌بینند. آنخ ماهور می‌گوید:

**آنخ ماهور:** این آبلیسک شیشه عمر رامسس و باعث طولانی شدن عمر رامسس بود.

**آی‌پی:** پس از ویرانی، معلوم نیست رامسس باز عمری طولانی بیابد.

اژدها به‌سوی جایگاه فرعون می‌رود. آسیه و حزیبیل در کنار او هستند. همه آن‌ها به شدت ترسیده‌اند.

**رامسس:** گمان هم نمی‌کردم عصای موسی چنین هیولایی شود.

**آسیه:** کاری بکن، به‌سوی ما می‌آید!!

هارون رو به موسی کرده می‌گوید:

**هارون:** موسی آن حیوان را باز گردان. حزیبیل و آسیه آن‌جا هستند.

**موسی:** فرصت کم است. (روبه اژدها با صدای بلند فریاد می‌زند): آهای آیت حق، بازگرد.

صدای بلند موسی در میدان طنین‌انداز می‌شود. مار که از بینی و دهانش دود فوران می‌زند و در مقابل جایگاه ایستاده، صدای موسی

آیتی از جانب پروردگام برای شما آورده‌ام، شاید که با دیدن این نشانه به خداوند قادر مطلق ایمان بیاورید و آن نشانه این دست و این عصای من است. آگاه باشید، امروز همه‌ی حقیقت و حسن و عدالت، در برابر همه‌ی شرک و ظلم و رذالت صف‌آرایی کرده‌اند. این تقابل در طول تاریخ بوده و امروز بار دیگر تکرار می‌شود تا ببینید و بدانند آیندگان که پیروز عرصه‌ی حق و باطل کدام است. الهی هرکس به تو توکل کند مغلوب نشود و هرکس به تو توسل جوید شکست نخورد. به اذن و اراده پروردگار آسمان‌ها و زمین و به نام خداوند رحمان و رحیم.

موسی عصا را به آسمان پرتاب می‌کند. عصا در آسمان چرخ‌زنان به‌سوی خیل کثیر مارها می‌رود. حرکت عصا کند و آهسته می‌شود و در آسمان به‌تدریج قطور شده به شکل ماری بزرگ در می‌آید که دست و پا دارد. ساحران وحشت کرده‌اند. در آسمان اندازه مار معلوم نیست. زمین که می‌افند بزرگی آن دیده می‌شود. مار از آسمان بر روی مارها فرود می‌آید و زمین می‌لرزد، او بسیاری از آن‌ها را له می‌کند. مار که اکنون دیگر اژدهای بسیار بزرگ و وحشتناک است همچنان که مارها زیر دست و پایش پیچ و تاب می‌خورند به اطراف می‌نگرد. فرعون و هامان وحشت کرده‌اند. آسیه و حزیبیل هاج و واج مانده‌اند. ساحران عقب می‌روند. صدای فریاد از مردم بر می‌خیزد. بنی‌اسرائیل هم ترسیده‌اند، اما فرار نمی‌کنند.

بعضی خوشحال هستند. هامان و رامسس وحشت زده‌اند و یوکابد و عمران خوشحال به یکدیگر می‌نگرند و نگاه تشکر به آسمان دارند. هارون دست نورانی برادر را می‌بوسد و روی شانه برادر گذاشته، شانه موسی را هم می‌بوسد و موسی دست در گریبان می‌برد و دست او به حالت عادی باز می‌گردد. موسی با اژدها چشم در چشم است. با حرکت سر موسی گویی اژدها اجازه یافته مارهایی را که در زیر دست و پا گرفته به دهان می‌گذارد. ساحرها و مصری‌ها وحشت زده‌اند. اژدها مارها را پی‌درپی گرفته آن‌ها را دسته دسته به دهان می‌گذارد. مردم همه شاهد این صحنه‌اند. مین بائف و دیگر ساحران متحیرند. نمی‌دانند چه کنند. اژدها چون صخره‌ای عظیم است و از حرکت او زمین می‌لرزد. او به‌سوی رامسس و اطرافیانش می‌رود. همه می‌گریزند. هامان و آنخ ماهور خود را از بالای سکو پایین انداخته می‌گریزند. بخشی از سربازان فرار می‌کنند. رامسس فریاد می‌زند.

**رامسس:** او را بزنید. فرار نکنید. او را بزنید.

آمیرتوس پاپس و دیگر افسران با کمک چند تن از سربازان به اژدها حمله می‌کنند و نیزه‌های خود را به‌سوی او پرتاب کرده سعی می‌کنند با تیر و کمان او را بزنند، اما فایده ندارد. او روئین‌تن است و به سهولت تیرها و نیزه‌ها را دفع می‌کند.

**آمیرتوس:** حمله کنید، بزنید.

اژدها دم خود را چون شلاق تاب داده و به سربازان می‌زند و همه آن‌ها را به اطراف پرتاب می‌کند. بعضی کشته و بعضی مضروب

بی‌اراده به زمین می‌افتند. ۷۰ کاهن در مقابل موسی در سجده! رامسس این صحنه را می‌نگرد. هامان و حزیبیل و آسیه نیز شاهد این صحنه‌اند. رامسس رو به ماهان می‌پرسد:

**رامسس:** اینان چه می‌کنند؟

**هامان:** در برابر موسی و خدایش به سجده افتاده‌اند.

**رامسس:** یعنی در حضور من خدای دیگری را ستایش می‌کنند؟!

اطرافیان فرعون به‌جای پاسخ سکوت می‌کنند. رامسس خشمگین فریاد می‌زند:

**رامسس:** همه این‌ها تباری و دسیسه است. موسی قبلاً با ساحران دیدار و آنان را با خود همراه کرده، همه دیدید. مردم؛ این یک توطئه است. موسی با ساحران دسیسه کرده‌اند که موسی را بر کشور شما مسلط کنند و دین و آئین شما را تغییر دهند.

موسی با نگاه عاقل‌اندر سقیه در سکوت سخنان رامسس را گوش می‌دهد. مردم هم با تعجب سخنان رامسس را می‌شنوند و حیرت‌زده به یکدیگر می‌نگرند. نمی‌دانند چه بگویند. آسیه و حزیبیل لبخند تمسخر به لب دارند. همه آدم‌ها به‌دلیل ازدحام و خاک برخاسته از ویرانی آبلیسک خاک‌آلوده و به‌هم ریخته هستند. صدای رامسس همچنان می‌آید.

**رامسس:** فریب اینان را نخورید. اینان می‌خواهند مصر با عظمت و شکوه‌مند، مصر مقتدر با چند هزار سال افتخار و تمدن به دست مشت‌ی برده بیفتد. بردگانی که تاکنون شما سرور و ارباب آنان بودید، از این پس آنان سرور و صاحب اختیار شما شوند.

هیچ‌کس از هیچ طرف صدایی و تاییدی از سخنان رامسس نمی‌کند. گویی همه مسخ شده‌اند. در طرف دیگر میدان، موسی و هارون و خانواده ایستاده‌اند و جلوی آن‌ها ساحران سر از سجده بر می‌دارند. مین بائف می‌گوید:

**مین بائف:** ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم.

**همه‌ی ساحران:** ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم.

**مین بائف:** ما به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم.

**ساحران:** ما به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم.

مردمی که از دور حاضر و ناظر این صحنه‌ها و سجده ساحران هستند می‌خواهند جلوتر بروند، نگهبانان نمی‌گذارند. ولی آن‌ها از آن فاصله نه چندان دور نیز همه چیز را می‌بینند و با یکدیگر نجوا می‌کنند.

**آی‌پی و چند تن دیگر:** ساحران چه می‌کنند؟ در برابر موسی و هارون سجده کرده‌اند. یعنی به خدای آنان ایمان آورده‌اند؟! یعنی قدرت فرعون پوشالی و ادعای خدایی او لافی بیش نیست؟!

در اینجا آن‌خ ماهر که مخالف ساحران است می‌گوید:

**آن‌خ ماهور:** شما مشت‌ی خائن هستید. بنی‌اسرائیل جشن گرفته‌اند و شما یاری‌شان می‌کنید.

او را متوجه کرده به‌سوی موسی می‌نگرد. موسی را می‌بیند. اژدها و موسی باز چشم در چشم هستند. موسی با حرکت سر به اژدها فرمان بازگشت می‌دهد. اژدها نگاهی به‌سوی رامسس و آسیه و حزیبیل کرده، به‌سوی موسی باز می‌گردد، اما آرام و بدون سر و صدا. او تا نزدیک موسی آمده در چشمان موسی می‌نگرد. موسی نیز او را با محبت می‌نگرد. موسی دست دراز می‌کند که او را لمس کند. اژدها سر در قدم موسی می‌گذارد. چون بره‌ای مطیع آرام می‌گیرد. موسی دستی بر سر او کشیده. اژدها در دم عصا می‌شود. موسی آن را به‌دست می‌گیرد. آسیه و حزیبیل و رامسس نفس راحتی می‌کشند، اما رنگ به رخساره ندارند. بنی‌اسرائیل هم که با نزدیک شدن اژدها همه ترسیده بودند غریو شادی‌شان بلند می‌شود. ایلانا و دخترش، نون و الداد و شالوم و اورئیل همه شادی می‌کنند. اورئیل عمران را بغل کرده خوشحال می‌گوید:

**اورئیل:** ما پیروز شدیم. پیامبر خدا پیروز شد عمران.

عمران به او لبخند می‌زند. فراریان مصری، قبطی‌ها، لشگریان و پیشاپیش آنان هامان جرأت یافته باز می‌گردند. تعدادی کشته شده و تعدادی زیر آبلیسک مانده‌اند.

**آسیه:** اگر موسی او را دور نمی‌کرد چه می‌شد؟

**رامسس:** این بالای عظیم چه بود؟!

مردم وحشت‌زده به‌جای خود باز می‌گردند. خاک برخاسته از ویرانی آبلیسک همه مردم را خاک‌آلود کرده. نجو و آپاما زن و شوهری که شاهد فرار دیگران بودند با یکدیگر سخن می‌گویند:

**نجو:** چه شد... کجا رفت؟

**آپاما:** موسی او را گرفت دوباره عصا شد.

**چند تن از مردم:** دوباره رها نکنند؟!

مردم با ترس و نگرانی باز می‌گردند. عده‌ای به سراغ زخمی‌ها و کشته‌ها می‌روند. هرئیت و ناهوتته در میان مردم با یکدیگر سخن می‌گویند:

**هرئیت و ناهوتته:** یعنی ما شکست خوردیم؟ ساحران کاری نکردند؟ قدرت رامسس همین بود؟ این یعنی خدای موسی از خدایان ما برتر است؟

موسی و هارون در جلوی بنی‌اسرائیل ایستاده‌اند. ساحران که در نقطه مقابل و آن طرف میدان هستند نمی‌دانند چه عکس‌العملی نشان دهند و چه بگویند. حیران‌اند. موسی رو به ساحران با صدای رسا می‌پرسد: از ارباب سحر و بزرگان جادو سوال می‌کنم. آیا اینکه شما دیدید سحر و شعبده بود یا حقیقت و معجزه؟!

ساحران پاسخی ندارند. به یکدیگر می‌نگرند. در این لحظه اورهیا و مین بائف به‌سوی موسی و هارون رفته در برابر آن‌ها به زانو درآمده، سجده می‌کنند. ساحران سنن موت و کاهوتپ و اوردامان و هاکاره، کاهای و سی‌هات هم به زانو درآمده سجده می‌کنند. کاهنان دیگر که بزرگان خود را در سجده می‌بینند آن‌ها نیز نزد اورهیا و مین بائف رفته، گویی رمقی برای ایستادن ندارند،

می‌گوید:

**هامان:** موسی این‌ها که از سبطی‌های بنی‌اسرائیل نیستند، مصری‌اند و شما حق دخالت ندارید.

**موسی:** از خویشانم نیستند، اما اکنون از هم‌کیشانم که هستند.

**هامان:** هر چه هستند مصری‌اند. حکومت مصر اختیار مردم خود را دارد.

هارون خشمگین است و دست روی قبضه خنجر دارد. الباب و دیگر جوانان آماده درگیری هستند که عمران پیش رفته دست روی شانه موسی می‌گذارد. موسی متوجه پدر می‌شود و از نگاه او می‌فهمد مخالف ایجاد درگیری است. در این لحظه مین بائف می‌گوید:

**مین بائف:** یا نبی‌الله نگران ما نباشید. هر چه خداوند بخواهد همان خواهد شد.

نگهبانان و سربازان آن‌ها را در محاصره گرفته به سوی قصر می‌برند. اورهیا و کاهوتپ می‌گویند:

**اورهیا و کاهوتپ:** برایمان دعا کنید یا نبی‌الله. دعا کنید عاقبت به خیر شویم.

**موسی:** در همه حال به خدا توکل کنید و از او یاری طلب کنید.

اشک در چشمان موسی و کاهنان حلقه می‌زند. همه بنی‌اسرائیلی‌ها ناراحتند و رفتن آنان را می‌نگرند. فرعون نیز از جایگاه فرود آمده قصد رفتن به درون را دارد. موسی، آسیه و حزقیل را در جایگاه می‌بیند و برایشان دست بلند می‌کند. آسیه به او تعظیم می‌کند و این از چشم رامسس دور نمی‌ماند و ابرو در هم می‌کشد و می‌رود. موسی همچنان ناراحت است.

**هارون:** خدا را شکر که مجبور به جنگ نشدیم، و گرنه معلوم نبود چه مصیبتی به بار می‌آمد.

**عمران:** (رو به موسی) واقعاً قصد ممانعت داشتی؟

**موسی:** اگر فرمان مقابله و جنگ داشتم لحظه‌ای درنگ نمی‌کردم.

**هارون:** پس چرا می‌خواستی مانع بردن ساحران شوی؟

**موسی:** چه کنم؟ بی‌تفاوت هم نمی‌توانستم بمانم.

موسی به سوی جاسان از همان راهی که آمده بود باز می‌گردد و بنی‌اسرائیل هم به دنبال او.

\*\*\*

منبع:

خبرگزاری تسنیم (۸ اردیبهشت ۱۳۹۵) به نقل از ماهنامه

عصراندیشه

**مین بائف:** جناب آنخ ماهور، تو خوب می‌دانی که کار امروز موسی جز معجزه نبود. ما همان کاری را کردیم که رامسس گفته بود. او گفت اگر موسی پیروز شود به او ایمان خواهد آورد، اما به گفته خود عمل نکرد.

آنخ ماهور به رامسس می‌نگرد. رامسس به این صحنه می‌نگرد و چیزی نمی‌گوید. سپس ساحر مین بائف رو به موسی می‌گوید:

**مین بائف:** ما وصف خدای تو را شنیده بودیم و از قدرت بی‌انتهای او بی‌خبر نبودیم، به همین دلیل در مبارزه با تو تردید داشتیم.

**موسی:** با فرعون چه می‌کنید؟

**هارون:** اگر فرمان به ترک خداپرستی و پرستش خود بدهد و اگر به مرگ تهدیدتان کند چه می‌کنید؟

**اورهیا:** از ایمان خود دست بر نمی‌داریم حتی به بهای مرگ و فدا کردن جانمان.

**موسی:** برایتان از درگاه خداوند متعال طلب سعادت دنیا و آخرت و حسن عاقبت می‌کنم و امیدوارم ایمانی را که به تازگی به دست آورده‌اید به سهولت از دست ندهید.

سربازان مردم را از اطراف میدان پراکنده می‌کنند. رامسس رو به ماهان کرده می‌گوید:

**رامسس:** همه‌ی این خائنین را دستگیر و زندانی کنید.

**هامان:** موسی و هارون را هم؟

**رامسس:** (پس از کمی مکث) نه، نمی‌خواهم آن عصا را بار دیگر رها کند. فقط ساحران.

هامان به سوی آمیرتوس رفته به او می‌گوید:

**هامان:** ساحران را دستگیر و محبوس کنید، همه را.

آمیرتوس به فرمانده ایکا اشاره می‌کند و می‌فهماند که ساحران را دستگیر کند. ایکا هم به سربازانش فریاد زده می‌گوید:

**ایکا:** با من بیایید.

او با حدود ۳۰ نفر از سربازان به سوی ساحران می‌روند.

**هارون:** چه کنیم برادر؟ می‌خواهند ساحران را ببرند.

**موسی:** من مأمور به مداخله نیستم و نمی‌دانم چه کنم؟

**هارون:** ما مطیع شما هستیم، هر چه شما فرمان دهید.

الباب و الداد و دیگر افراد غرب نیل متوجه اوضاع بحرانی می‌شوند و هر یک وسیله‌ای از سنگ و چوب تهیه کرده آماده درگیری می‌شوند. سربازان از راه رسیده ساحران را محاصره می‌کنند.

موسی می‌گوید:

**موسی:** صبر کنید ببینم. دست نگه دارید...

صدای هامان که به دنبال سربازان می‌آمد شنیده می‌شود که

پیشانی

شماره ۲۱۱۵  
تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۹۵  
پست

جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی  
بمباران  
سامه بیخ نجف آبادی  
نماینده ایرانیان کلمی  
۱۱ مرداد ۱۳۹۵  
رئیس کمیته دارو  
بهداشت و درمان  
عضو کمیسیون

جناب آقای ابراهیم حاتمی کیا

نویسنده و کارگردان محترم فیلم موسی کلیم الله

با سلام

فیلم «موسی کلیم الله: به وقت طلوع» را در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۳ تماشا کردم.

جای خوشوقتی است که در نظام جمهوری اسلامی ایران، به پیامبران ادیان توحیدی توجه شده و فیلم‌ها و سریال‌هایی درباره‌ی زندگی ایشان به نمایش درمی‌آید.

علیرغم برخی ایرادات و نقدها به جهت‌گیری در ساخت بعضی از فیلم‌ها و سریال‌ها درباره‌ی پیروان و مقدسات آن‌ها، توجه و احترام به پیروان ادیان در فضای رسانه و سینما ارزشمند است.

فیلم «موسی کلیم الله: به وقت طلوع» که ظاهراً اولین قسمت از سه‌گانه‌ی زندگی‌نامه‌ی آن حضرت است، با وجود برخی نکات جزئی قابل بحث در آن، فیلمی بسیار زیبا و مستند بود و به طور صادقانه وضعیت رنج بنی اسرائیل و تولد منجی ایشان را به تصویر کشید.

طبعا نگاه کلیمیان به چنین آثاری بسیار حساس و موشکافانه است و من به عنوان یک کلمی و نیز در مقام رئیس انجمن کلیمیان و نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، وظیفه‌ی خود دانستم که فیلم را مشاهده و نسبت به آن اظهار نظر نمایم.

خوشبختانه از دیدن آن بسیار خوشحال شدم و از این که یک کارگردان معروف سینمای ایران، البته با نگاه اسلامی، آن را به زیبایی به تصویر کشیده است، افتخار کردم و به همه هموطنان عزیز علی‌الخصوص همکیشان کلمی توصیه می‌نمایم که خود را از دیدن این فیلم محروم ننمایند.

هر چند نقد تاریخی و دینی این اثر بر عهده‌ی اهل فن است، اما با صحبت با چند تن از عالمان و کارشناسان کلمی نیز آن را به طور کلی مثبت و ارزنده ارزیابی نمودیم.

تاریخ: ۱۴۳۱/۱۱/۲۵

پست: ...

پرسش و پاسخ  
مجلس شورای اسلامی  
بایون  
سامه یح نجف آبادی  
نماینده ایرانیان کلیمی  
دوره ۱۱، پانزدهم و شانزدهم  
مشکوین  
بهداشت و درمان  
رئیس کیت و آرو

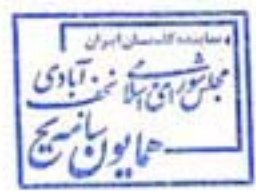
جناب حاتمی کیا

امیدوارم در ساخت و کارگردانی قسمت‌های دیگر این اثر مهم، که اعتقادات سه دین بزرگ ابراهیمی را در بر دارد، به همین متوال دقت و صداقت در بازنمایی زندگانی آن حضرت و احترام به جامعه کلیمیان را مورد اهتمام قرار دهید. قطعاً واقف هستید که بارها در آثار سینمایی و تلویزیونی، اقدامات صهیونیست‌ها با زندگی شرافتمندانه‌ی پیروان حضرت موسی مورد خلط و سوء تفاهم قرار گرفته است و انشالله که سوگیری‌های مغرضانه‌ی رایج، در این اثر مهم و فاخر حضرت‌عالی جایی پیدا ننماید.

از طرف جامعه‌ی ایرانیان کلیمی، خلق این اثر دینی مشترک پیروان ادیان ابراهیمی را تبریک گفته و برای شما آرزوی توفیق در ادامه‌ی مسیر دارم.

با تقدیم احترام  
همایون سامه یح نجف آبادی  
نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی

*همایون سامه یح نجف آبادی*



رونوشت: جناب آقای دکتر فریدزاده معاون محترم وزیر و رئیس سازمان امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

## اشعار شاهین تورا (قسمت سوم)<sup>۱</sup>

گهی در نیل بی کشتی گذر ساخت گهی در آتش سوزان مقر ساخت	خوش الحان عندلیب قله‌ی طور جهان رحمت و هم معدن نور	در مدح موسی کلیم الله علیه السلام فرماید
گهی در دست او تابان عصا بود عصای او گهی چون ازدها بود	بر و بحر محیط لامکانی وقوف رازهای «لن ترانی» <sup>۲</sup>	کلیم الله امین حضرت راز رسول دادگر شهباز افراز
گهی چون «عوج» <sup>۳</sup> گبری را برانداخت	خدا پیغمبر دیگر به عالم چو موسی نافرید از نسل آدم	امین و مقتدای خلق عالم چراغ دیده‌ی اولاد آدم
جهانی زان چنان کافر بپرداخت ابا فرعون و با بیلعام و قارون چه‌ها کرد او به امر حی بی‌چون	مقرب بود در عالم به‌غایت خدا را بود با او بس عنایت	دلیل و رهنمای شاه و دربان شفیع عاجزان و اهل ایمان
هزاران آفرین هر دم به جانش سرم بادا فدای خاک پایش	بر او بی‌واسطه اسرار گفتی کلام حکمت و اخبار سفتی	«عناق» <sup>۱</sup> حضرت جبار بی‌چون عدوی «بلعم» <sup>۲</sup> و «بالاق» <sup>۳</sup> و قارون
ایا «شاهین» به مدحش روح پرور که تا گردد تو را اقبال یاور	بدی پیوسته شان را های و هوئی که و بی‌گه به‌خوبی گفتگویی	نبی و مرسل و فخر زمانه شهنشاه بشر ماه یگانه
من او را چاکری از چاکرانم فدای روح او بادا روانم	زهی پیغمبری گستاخ و مرسل به علم و حلم و حکمت‌ها مکمل	همایون فر همای حضرت راز سعادت پرتو و سیمرخ پرواز
*** منبع: شاهین تورا، منوچهر خویان	نباشد معجز او را شماری چو او نامد به گیتی کامگاری	سرافراز زمان مست تقلا امین بارگاه رب اعلا

<sup>۱</sup> در شماره ۶۰ مجله، بخش دوم این اشعار منتشر شد که به اشتباه، قسمت سوم درج شده بود.

<sup>۲</sup> قوم عناق طبق روایت تورات، مردمانی فوق‌العاده بلند قد و قوی بودند؛ منظور شاعر اقتدار حضرت موسی است.

<sup>۳</sup> بلعم (بیلعام/ بیلعام) و بالاق و قارون، مردان متکبر و خدانشناس بودند.

<sup>۴</sup> لن ترانی: هرگز مرا نخواهی دید

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي...

و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم.» گفت: «هرگز مرا نخواهی

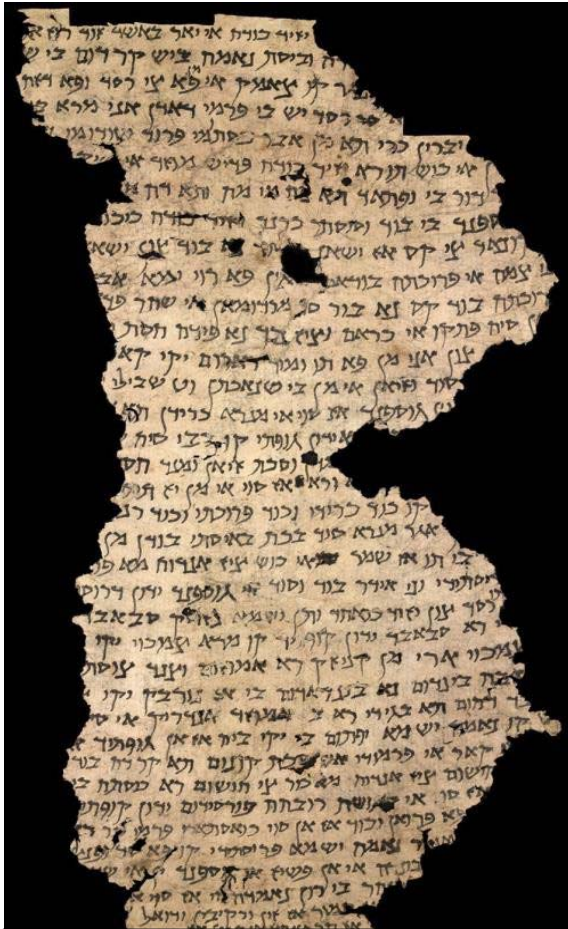
دید. ولی به کوه بنگر، اگر تاب بیاورد که در جای خود ثابت بماند، مرا خواهی دید.» (قرآن، سوره اعراف، آیه ۱۴۳)

<sup>۴</sup> عوج (عوج): پادشاه «باشان» بود که در مسیر کوچ بنی اسرائیل به آن‌ها حمله کرد و موسی به فرمان خداوند او را شکست داد (تورات، سفر تثبیه، فصل ۳، آیات ۱-۷). در روایات او را مردی بلندقامت دانسته و گفته‌اند طوفان نوح تا کمر او بود. او به خدا کافر گشت و به دشمنی با موسی پرداخت. موسی نیز عصای خود بر قوزک پای او زد و بر اثر زخمی که بر پای او به وجود آمد ضعیف گردید. شیرها و گرگ‌ها بر او مسلط شدند و او را خوردند. در داستان‌ها عناق، مادر او را زنی می‌پنداشتند که وقتی می‌نشست ده جریب در ده جریب را می‌گرفت و پسرش عوج چهل ذراع قدش بود.

## فارسیهود خوانی: خوانش حروف فارسیهود

الناز حق شناس

پژوهشگر تاریخ هنر و معماری کلیمیان ایران



نامه‌ی فارسیهود پیاها شده در دندانان اویلیق نزدیک ختن واقع در ترکستان چین، قرن هشتم

فارسیهود، موضوعی است که پروفیسور آمون نتصر، دکتر حبیب لوی و ناهید پیرنظر به دفعات در کتب و مقالات و متون علمی خود درباره‌ی آن صحبت کرده‌اند. «آنچه به زبان فارسی رسمی و با حروف عبری نوشته شود فارسیهود خوانده می‌شود. این نوشتارها متون کلاسیک و ادبی فارسی نو و نیز لهجه‌های محلی را دربرمی‌گیرد. متون فارسیهود از سه ریشه‌ی اصلی یهودیت و ایران و اسلام سرچشمه می‌گیرند، ولی کاربرد و تناسب این سه بر اساس نوع متن متفاوت است» (پیرنظر ۱۳۹۵). نخستین اثر یافته شده کتبی که به خط عبری و به زبان تقریباً سره فارسی یا دری نوشته شده، و ما این‌گونه نوشتارها را فارسیهود<sup>۱</sup> می‌نامیم، نامه‌ای است از یک بازرگان یهودی که در دندان اویلیق (ترکستان چین) به دست آمده و احتمالاً متعلق به اواسط قرن هشتم است. جا دارد گفته شود که این نامه همچنین نخستین سند کتبی زبان فارسی است؛ به عبارت دیگر، ایرانیان در مورد زبان فارسی نوشتاری قدیمی‌تر از نامه مذکور ندارند» (لوی ۱۳۷۶، بیست و نه).

پروفیسور آمون نتصر به طور مفصل به قدیمی‌ترین آثار کشف شده به زبان فارسیهود پرداخته که حاوی چنین نکات جالب توجهی است: «نخستین سند کتبی زبان فارسی، نامه‌ای است که به فارسیهود نوشته شده ... این نامه توسط اورل استاین در رأس یک گروه باستان‌شناسی در دندان اویلیق نزدیک ختن واقع در ترکستان چین کشف شده است. این مدرک نامه‌ی یک بازرگان یهودی و شامل ۳۷ سطر است. سند دیگر سه کتیبه‌ی کوچک است که در تنگه‌ی ازو واقع در افغانستان یافت شده و مورخ ۱۰۶۴ سال اسکندری (معادل ۷۵۲ میلادی) است. دیگر گواهی و امضای چهار نفر است که بر روی یک قطعه مس

متعلق به اوایل قرن نهم میلادی حکاکی شده و در قیلون واقع در تراوانکور (جنوب هندوستان) کشف شده است. دو سند محضری که در قاهره کشف گردیده و آثار قدیمی‌ترین سخن پارسی دری بر آنها مشهود است؛ یکی متعلق به سال ۹۵۱ است و دیگری در سال ۱۰۲۰ و در اهواز نوشته شده است. همچنین نوشته‌هایی بر روی سنگ‌های مقابر در دشت غور در مرکز افغانستان کشف گردیده که متعلق به اواخر قرن دوازدهم و قرن سیزدهم میلادی است. این مدارک و اسناد نشان می‌دهد که یهودیان در قرون اولیه‌ی اسلام از اهواز تا ترکستان چین و از دشت غور تا جنوب هندوستان سکنی داشته و زبان فارسی را به خط عبری در کتابت به کار می‌برده‌اند» (نتصر ۱۹۹۶، ۴۹ - ۵۱).

روی هم رفته برای جبران این کمبود، زیر و روی پاره‌ای از حروف عبری را خط‌گذاری یا نقطه‌گذاری می‌کنند. این علامت‌گذاری حروف در نسخه‌های نسبتاً قدیمی ترتیب و نظم ثابتی داشته و خواننده پس از آشنایی با دستخط، در قرائت و فهم آن عاجز نمی‌ماند» (نتصر ۱۹۹۶، ...).

همچنین پروفسور نتصر در مقاله ادبیات یهود ایران، لیستی جامع و گویا از ۳۲ حروف مصمت فارسی و معادل آنها را به عبری برای خوانش متون فارسی‌یهود تهیه کرده است که در مطالعه و ترجمه‌ی متون فارسی‌یهود به عنوان یک راهنما عمل می‌کند. این لیست در ادامه ارائه شده است.

#### منابع:

- پیرنظر، ناهید. «میراث فرهنگی یهودیان ایران»، ایران نامگ، سال ۱ ش ۲ (۱۳۹۵)
- لوی، حبیب (۱۳۷۶)، تاریخ جامع یهودیان ایران، بازنوشته دکتر هوشنگ ابرامی، کالیفرنیا: بنیاد فرهنگی حبیب لوی.
- نتصر، آمتون (۱۹۹۶ م.)، پادیاوند: پژوهشنامه یهود ایران، سه جلد. لس‌آنجلس: انتشارات مزدا.

به طور کلی می‌توان گفت فارسی‌یهود؛ همان زبان فارسی است که با رسم‌الخط عبری ادغام گشته و باعث شکل‌گیری زبان نوشتاری به نام فارسی‌یهود شده که به عبری به شکل יהודי-פרסיית و به انگلیسی به شکل Judeo-Persian نوشته می‌شود که غالباً به زبان فارسی معیار است اما در مواردی نیز لهجه‌های شهرهای مختلف ایران را دربردارد. آثار فاخر و ارزشمندی به زبان فارسی‌یهود در موزه‌ها، کتابخانه‌های خارج از کشور و کلکسیون‌دارهای جهان وجود دارد. با مشاهده‌ی نمونه‌هایی از این کتب خطی فارسی‌یهود که با تصاویری نیز همراه بودند، چنین برداشت می‌شود که ادبیات یهودیان ایران بسیار غنی و سرشار از خلاقیت‌های هنرمندانه بوده است که باعث خلق چنین آثار زیبایی شده است. در اکثر موارد آثار فاخر ادبیات ایرانیان، توسط یهودیان به زبان فارسی‌یهود نوشته شده و در برخی از موارد این متون با نقاشی و خوشنویسی عبری همراه شده‌اند.

پروفسور نتصر درباره‌ی خوانش متون فارسی‌یهود و آموزش حروف آن چنین نوشته است: «در مقابل سی و دو حرف زبان فارسی، زبان عبری فقط بیست و دو حرف دارد و این کمبود حروف، خواندن و نوشتن آثار کتبی فارسی‌یهود را مشکل می‌کند.

### جدول حروف عبری و معادل آن در متون فارسی‌یهود

حرف فارسی	معادل عبری	نمونه کلمات در متن
ء	א	ادا (אדא) - مسئله (מסאלה) - بقا (בקה)
آ	א	آمد (אמד) - مأخذ (מאכ'ד')
ا (الف)	א	ادب (אדב) - مادر (מאדר) - را (רא)
ب	ב	بالا (بالא) - ابر (אבר) - صواب (צ'ואב)
پ	פ / פ	پدر (פדר) - مپنار (מפנדאר)
ت	ת	تاریخ (تاریخ') - متعال (מותعال) - کرامت (כرامت)
ث	ת'	ثابت (ت'ابث) - مثبت (موت'بث) - بحث (بثت')
ج	ג	جا (ג'ا) - موجود (موو'گود) - مزاج (مزا'ج)
چ	ך	چاره (چ'اره) - بچه (ب'چه) - هیچ (هیچ')
ح	ח	حال (ح'ال) - محل (م'حل) - مباح (م'باح)

نمونه کلمات در متن	معادل عبری	حرف فارسی
خار (כ'אר) - مخلوط (مכ'لوت) - کاخ (כאך')	כ' / ן'	خ
دانش (دانش) - مادر (مادر) - دارد (دارد)	ד	د
ذات (د'ات) - گذاشت (גוד'اشت) - لذیذ (لد'ید')	ד'	ذ
راز (راز) - مرموز (مرموز) - اختیار (اک'تیار)	ר	ر
زر (زر) - مزار (مزار) - راز (راز)	ז	ز
ژاله (ז'الاه) - مژه (موزه) - ژاژ (ز'آز')	ז'	ژ
ساز (ساز) - دست (دست) - محسوس (محسوس)	ס	س
شادی (شادی) - مشغول (مشغول) - خواهش (ک'واهش)	ש	ش
صدا (صداء) - مصدر (مصدر) - خاص (ک'آخ)	צ / ץ	ص
ضامن (צ'امان) - مضمون (מצ'مون) - غرض (גר'ض')	צ' / ץ'	ض
طاهر (طاهر) - مطهر (موتاهر) - مربوط (مربوط)	ט	ط
ظالم (ט'الام) - مظلوم (مט'لوم) - محفوظ (محفوظ)	ט'	ظ
عامل (عامل) - معمول (معمول) - راجع (راجع)	ע	ع
غالب (ג'الاب) - مغلوب (مغلوب) - چراغ (چراغ)	ג'	غ
فساد (ف'ساد) - مفقود (مف'قود) - حذف (حد'ف')	פ' / ף'	ف
قادر (قادر) - مقدور (مقدور) - رفیق (رف'یق)	ק	ق
کار (کار) - مکرر (مکرر) - مشکوک (مشکوک)	כ' / ך'	ک
گران (گران) - اگر (اگر) - مرگ (مرگ)	ג	گ
لازم (لازم) - ملزوم (ملزوم) - ملل (ملل)	ל	ل
مادر (مادر) - امید (امید) - کام (کام)	מ / ם	م
نان (نان) - منظور (منظور) - خان (ک'آخ)	נ' / ן'	ن
ورق (ورق) - آورد (آورد) - سرو (سرو)	ו'	و
هوا (هوا) - مهین (مهین) - ماه (ماه)	ה	ه
یمین (ی'مین) - مایل (مای'ل) - میمون (می'مون)	י'	ی

هنرمندانی از دل این فضا برخاستند و موسیقی میزراحی را به شکل مدرن تری عرضه کردند. در دهه‌های بعد، این سبک با موسیقی پاپ آمیخته شد و به تدریج به یکی از جریان‌های غالب در موسیقی عامه‌پسند تبدیل شد. با وجود این دگرگونی‌ها، برخی گروه‌ها و هنرمندان همچنان ریشه‌های اصیل را حفظ کردند.

یکی از ویژگی‌های بارز موسیقی میزراحی، انعطاف در تغییر مقام در طول یک قطعه است؛ خواننده ممکن است با مقام راست آغاز کرده، به نه‌اوند برود و در حجاز به پایان برساند؛ تکنیکی که نیازمند دانش عمیق از فضای صوتی و احساسی هر مقام است. موسیقی میزراحی بر پایه‌ی «مقام‌ها» استوار است؛ گام‌هایی سنتی با بار احساسی خاص که هر کدام رنگ و بوی ویژه‌ای به قطعات می‌دهند. مقام «راست» که از مقام‌های اصیل و ریشه‌دار عربی است، حالتی با وقار، پر انرژی و شاد دارد و در ترانه‌های حماسی، ملی‌گرایانه و قطعات کلاسیک یهودیان عراقی جایگاه مهمی دارد. مقام «نه‌اوند» که گامی نزدیک به مینور غربی است، فضایی احساسی و عاشقانه ایجاد می‌کند و در آثار برخی خوانندگان نمادین این سبک به وفور شنیده می‌شود. «حجاز» با حالتی عرفانی، روحانی و گاه غمناک، در دعاها، مراثی و اشعار مذهبی کاربرد گسترده دارد و فضای معنوی آن در نیایش‌های شب جمعه یا سوگواری‌ها برجسته است. مقام «صبا» از غم‌بارترین مقام‌هاست که در قطعات مذهبی و سوگواری به کار می‌رود و عمق احساس را منتقل می‌کند. مقام «بیات» حس صمیمیت، نوستالژی و سادگی را به شنونده منتقل می‌کند و در ترانه‌های خانوادگی یا عاشقانه شنیده می‌شود. همچنین مقام «کرد» که نزدیکی به مینور دارد اما با حال‌وهوای متفاوت، نشان‌دهنده‌ی تأثیر موسیقی ترکی و کردی است.

در سنت عبادی یهودیان شرقی، مقام‌ها همچنان زنده‌اند و جوامع یهودی در خاورمیانه، دعا‌های خود را در قالب همین ساختارها می‌خوانند؛ ساختارهایی که ریشه در موسیقی عربی دارد. در موسیقی معاصر نیز چهره‌هایی با بهره‌گیری از مقام‌ها، موسیقی میزراحی را با سازبندی غربی ترکیب کرده‌اند و حاصل، سبکی مدرن و پرتطرفدار است که هم در محافل مذهبی شنیده می‌شود، هم در جشن‌ها، و هم در رسانه‌های جمعی. این روزها موسیقی میزراحی جهانی شده است و یکی از نمایندگان موسیقی خاورمیانه در جهان به شمار می‌رود. باید شنید تا به فحوای این فرهنگ جهانی شده پی برد.

## موسیقی میزراحی:

### نت‌های رقصان با شناسنامه‌ی شرقی

سعید دهقانی

محقق و روزنامه‌نگار

در دل موزاییک قومی-فرهنگی جهان معاصر، صدایی هست که ریشه در کوچه‌های قدیمی بغداد، خیابان‌های دمشق، بازارهای قاهره و کوه‌های یمن دارد؛ صدایی که از اعماق شرق می‌آید اما در بستر جهانی امروز پژواک می‌یابد. این صدا، «موسیقی میزراحی» است؛ موسیقی یهودیان شرقی، بافتی است از سنت، احساس، و هویت. اصطلاح «میزراحی» به یهودیانی اطلاق می‌شود که خاستگاه‌شان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است: عراق، ایران، یمن، سوریه، مراکش، تونس، مصر و ترکیه. این جوامع، پیش از مهاجرت گسترده‌شان در میانه‌ی قرن بیستم، در بطن فرهنگ‌های محلی خود زیسته بودند؛ به زبان عربی یا فارسی سخن می‌گفتند، در بازارهای همان شهرها کار می‌کردند و موسیقی‌شان نیز آینه‌ای از همان زیست‌جهان بود.

با مهاجرت انبوه یهودیان میزراحی به غرب، این موسیقی نیز به تدریج به فضایی تازه وارد شد. اما در سال‌های نخست، نهادهای فرهنگی تحت سیطره‌ی الیت اروپایی تبار بود که به موسیقی شرقی روی خوش نشان ندادند. موسیقی میزراحی برای مدتی در حاشیه ماند؛ در محافل خانوادگی، جشن‌های مذهبی، و برنامه‌های غیر رسمی اجرا می‌شد. با این حال، همین حاشیه‌نشینی، به حفظ اصالت و سنت آن کمک کرد.

موسیقی میزراحی از دو نظر برای ما ایرانی‌ها آشناست؛ نخست این که بخشی از موسیقی میزراحی توسط یهودیان ایرانی نواخته و خوانده شده است. در نتیجه ما قطعاتی می‌شنویم که کلام عبری بر روی دستگاه‌های موسیقی ایرانی سوار شده‌اند. از دیگر سو، بخش عمده‌ی این نوع موسیقی در مقام‌های عربی ساخته شده‌اند. این مقام‌ها شبیه به موسیقی دستگاهی ایرانی هستند. در نتیجه بی‌راه نیست که اگر ما موسیقی میزراحی را بشنویم و بی‌آنکه با شعرش ارتباط برقرار کنیم، بتوانیم از ملودی و لحن آن لذت ببریم.

از دهه‌ی ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)، نوعی موسیقی تلفیقی در میان یهودیان شرقی شکل گرفت که با الهام از نغمه‌های عربی، ترکی، کردی و عبری، صدایی تازه پدید آورد. با ورود ابزارهای ضبط صدا و رسانه‌های جمعی،

<sup>۱</sup> موزیکه مزرخیت

<sup>۲</sup> مقام یک نوع طبقه‌بندی موسیقی است که در دوره‌های مختلف تاریخ از جمله دوران معاصر، برای طبقه‌بندی موسیقی ایرانی، ترکی، عربی و موسیقی‌های

مرتبط (نظیر آذربایجانی، ترکمنی و کردی) به کار می‌رفته است یا می‌رود. در معتبرترین متون، تعداد مقام‌های اصلی در موسیقی ایرانی ۱۲، در موسیقی ترکی ۱۳، و در موسیقی عربی تا ۱۴ عدد ذکر شده است.

## دختران ایران

الهام مودب

از خیابان شیخ هادی به کوچه‌ی هاتف وارد می‌شوم. تهران در سکوت عجیبی فرو رفته و تقریباً همه جا تعطیل است. دلم برای شلوغی‌های همیشگی تنگ شده است. خرداد ماه ۱۴۰۴ و اواسط روزهای جنگ می‌باشد. به مجتمع کوروش می‌روم. رستوران هم بسته است.

به مجتمع که در دل خود خاطرات بسیاری را جا داده است، نگاه و به گذشته‌ها سفر می‌کنم. روزهایی که پدر و عمویم در قسمت پسرانه و عمه و خاله‌هایم در قسمت دخترانه مدرسه‌ی کوروش درس می‌خواندند. زمانی که صدای شور زندگی و آموختن از دل این مدرسه برمی‌خاست.

روزهای کپیور، کنیسای اصلی کوروش در حیاط، کنیسای کوچک در طبقه دوم و تالار محبان از جمعیت پر بود. به دلیل کمبود جا در حیاط چادر زده و صندلی گذاشته بودند (اما امروز به سختی کنیسای کوچک طبقه دوم به عسارا (حد نصاب نماز جماعت) می‌رسد).

این مجتمع شاهد بخشی از خاطرات جنگ ایران و عراق بود. یک روز پس از تعینت (روزه‌ی) کپیور در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ عراق به تعدادی از شهرهای ایران حمله کرد. جنگ، موعد (عید) سوکا، سیمحا تورا و شب‌ها را تحت تاثیر قرار داد. دیگر موعداها حال و هوای گذشته را نداشت. ترس و نگرانی بین همه شدت گرفته بود و از جنگ صحبت می‌کردند.

آن زمان من دختری ۱۰ ساله بودم و در کلاس چهارم درس می‌خواندم. مدت کوتاهی پس از جنگ، شب شب‌ها (شنبه) در حالی که همراه خانواده به کنیسا می‌رفتیم، در حیاط چشمم به کلاس‌های مدرسه که مدت‌ها خالی بود افتاد. انگار افرادی در آنجا بودند.

با تعجب پرسیدم: اینجا چه خبره؟ مادرم گفت: سارا، مردمی که در شهرهای غرب ایران مثل قصر شیرین، سر پل ذهاب، آبادان و غیره زندگی می‌کردند در کلاس‌های مدرسه پناه داده شده‌اند. با ناراحتی پرسیدم: چرا؟

پدر در ادامه گفت: متأسفانه عراقی‌ها، خونه‌هاشون رو بمباران کردند. جایی برای زندگی کردن ندارند. همه‌ی زندگیشون رو هم از دست دادند.

آن شب شب‌ها پس از پایان تفیلا (نماز)، شالیح صبیور

(پیش‌نماز) از همه خواست برای تهیه حداقل وسایل زندگی برای جنگ‌زدگان همکاری کنند. روز یکشنبه همراه مادر و خاله‌ام پس از مدرسه به خرید رفتیم. مواد خوراکی خشک، لوازم بهداشتی، پتو، حوله و پوشاک تهیه کردیم. مادر بزرگم پتو، تشک و سرویس قابلمه‌ای را که برای جهیزیه عمه‌ام کنار گذاشته بود داد و گفت: من می‌توانم دوباره این‌ها رو تهیه کنم. مهمانان ما واجب‌ترند. هرچه زودتر این‌ها را دستشون برسونیم. وسایل را به مجتمع کوروش بردیم تا به مسئول مربوطه بدهیم. حیاط از وسایل مختلف و خوراکی پر بود. همزمان با رسیدن ما همکیشی تعدادی بخاری علاءالدین نو آورده بود. شب شب‌ها بعدی، در کنیسا در حال خواندن «لخا دودی»<sup>۱</sup> بودیم. دختری زیبارو هم‌سن من با خانمی لاغر، حدود ۶۰ ساله وارد شدند و در گوشه‌ای نشستند. دختر چشمان قهوه‌ای درشت و موهای صاف بلند مشکی داشت. پیراهن آبی ساده‌ای پوشیده بود. احساس کردم از ساکنین کلاس‌ها بودند. پس از پایان تفیلا به سمت آنان رفتم و گفتم: شب‌ها شالوم. من سارا از اهالی محل هستم. به این کنیسا خوش آمدید.

آن خانم هم با مهربانی در جواب گفت: شب‌ها شالوم سارا جان، ممنون. آن دختر گفت: شب‌ها شالوم، من نورا هستم و این خانم مادر بزرگمه. غم عمیقی در چهره‌اش نمایان بود. دوستی عمیق ما از همان جا آغاز شد. پدر نورا از مهندسان شرکت نفت آبادان و پدر بزرگش از مهاجران یهودی عراقی بود. مادرش سال‌ها در مدارس کلیمی اصفهان و کرمانشاه و پس از ازدواج در مدارس آبادان تدریس می‌کرد. در حملات عراق به آبادان، والدینش را از دست داده بود. خانه بزرگشان، در کنار رودخانه و سر مرز، کاملاً خراب شده بود. تعدادی از همسایگان و همکلاسی‌های مسلمانش را از دست داده بود. مادر بزرگ نورا خیاط ماهری بود و قلاب‌بافی‌های قشنگی می‌بافت. عمه‌ام چرخ خیاطی‌اش را به او قرض داد. از همان روزهای اول اهالی محل به او سفارش دادند و از کارش خیلی راضی بودند. شب‌های شب‌ها همیشه مادر بزرگم همه افراد خانواده را دور هم جمع می‌کرد. نورا و مادر بزرگش را هم دعوت می‌کرد. اوایل نمی‌آمدند. پس از آشنایی بیشتر به جمع خانوادگی ما در شب‌های شب‌ها اضافه شدند. نورا با من همکلاس شد. با هم به مدرسه اتفاق می‌رفتیم. اخلاق خوب او همه را جذب کرده بود. خوشبختانه دوست‌های کلاس و معلمان توجه ویژه‌ای به نورا داشتند تا زودتر با شرایطش کنار بیاید. تولد او همزمان با

<sup>۱</sup> متنی از آیین شب شنبه

انگلیس ادامه تحصیل داد. متاسفانه مادر بزرگش را در سن ۲۵ سالگی از دست داد. او از همان دوران دانشجویی در پروژه‌های صلح‌طلبانه در کمک به کودکان و نوجوانان کشورهای مختلف شرکت می‌کرد. با ورود دنیای مجازی، با وجود کار و مشغله باز هم با هم در ارتباط بودیم. نورا پس از فارغ‌التحصیلی در حرفه - ی پزشکی روز به روز موفق‌تر شد. بالاخره به گروه پزشکان بدون مرز پیوست. در اوقات فراغت بسیار کمی که داشت به نقاشی و نوشتن داستان می‌پرداخت. یک روز خبر بسیار خوشی به من داد. با یک پزشک یهودی اشکنازی کانادایی که از پزشکان بدون مرز بود به زودی ازدواج می‌کرد.

من هم پس از فارغ‌التحصیلی با رافائل که داروساز بود ازدواج کردم. دو سال بعد پسرمان به دنیا آمد. در کارم موفق بودم. ماهی سه روز در مناطق محروم تهران و حومه رایگان به مداوای افراد می‌پرداختم.

سال ۱۳۹۴ اتفاق بسیار خوبی افتاد. یک روز زنگ منزل به صدا درآمد. از تعجب خشکم زده بود. نورا، دیوید همسرش و دیورا دختر ۸ ساله‌اش به دیدن ما آمده بودند. لحظه خاص و باورنکردنی‌ای بود. همدیگر را چند دقیقه‌ای در آغوش گرفتیم. خوشبختانه دیورا به فارسی مسلط بود. با سپهر پسرمان زود دوست شد. همسرش هم با فارسی دست و پا شکسته با ما صحبت کرد. نورا دو کتاب قصه کودک در مورد جنگ و صلح که خودش نوشته و تصویرگری کرده بود، به سپهر داد. روز بعد نورا و خانواده‌اش به آبادان زادگاهش رفتند. او دوست دبستانش را که مهندس معروفی بود در فیسبوک پیدا کرده بود. نورا، خاله و دایی‌اش در پرداخت هزینه‌های ساخت یک مدرسه در آبادان با دوستش مشارکت کردند. پس از بازگشت از آبادان به همراه خانواده‌اش به مجتمع کوروش رفتیم تا محل اسکانش را به آنان نشان دهد و یادی از گذشته کند. با ورود به حیاط اشک از چشمانش سرازیر شد. همه خاطرات کودکی‌اش در آبادان از ذهنش گذشت و گفت: هر کسی که دور ماند از اصل خویش، باز جوید روزگار وصل خویش. سپس با دیدن کتابخانه‌ای که جای کلاس‌های درس و اسکان جنگ زدگان را گرفته بود، بسیار خوشحال شد. در این افکار بودم که صدای حملات جدید به گوش رسید. با خود اندیشیدم همه‌ی جنگ زدگان این جنگ اخیر امروز و فردا چه خواهند کرد؟ چگونه زندگی را ادامه خواهند داد؟

جشن ایلانوت<sup>۲</sup> بود. در مدرسه جشن تولد او را با ایلانوت گرفتیم. من کتاب آموزش نقاشی، مداد رنگی و دو کتاب قصه به او کادو دادم.

او از درسخوان‌های کلاس بود. نقاشی‌های خیلی قشنگی می‌کشید. کتابخوان قهاری هم بود و همه کتاب‌های کتابخانه - ی من را خوانده بود. از کتابخانه‌ی محل هم کتاب می‌گرفت. یکی از همسایه‌ها بدون چشمداشت به او عبری و انگلیسی یاد می‌داد. انگار نورا با این فعالیت‌ها به ویژه نقاشی می‌خواست با شرایطش کنار بیاید و سختی‌ها را پشت سر بگذارد.

۳ هفته بعد خبر خوشی باعث شد که برای اولین بار شادی در چهره‌اش موج بزند و از ته دل بخندد. او در مسابقات نقاشی استانی نفر اول شد. نقاشی او خانه‌های کنار رودخانه را نشان می‌داد که هواپیماهای جنگنده بر آنها بمب می‌ریختند و در حال آتش گرفتن بودند. چند کودک در کنار خانه‌ها در حال گریه کردن بودند. از طرفی دیگر پرندگان با ظروف آب کوچک از رودخانه آب می‌آوردند تا آتش را خاموش کنند.

یک هفته بعد پس از تعنیت پوریم، نورا من را در کنیسا بغل کرد و گفت سارا خیلی دوست دارم و روزهای خوبی با هم داشتیم. به زودی با مادر بزرگم به انگلیس نزد خاله و دایی‌ام می‌رویم.

باورم نمی‌شد. بغضم گرفت و بی صدا گریه کردم. دو هفته بعد با مادر بزرگش به دیدن ما آمد. احساس بدی داشتم. مادر بزرگش دو رومیزی بسیار قشنگ برای مادر بزرگم و مادرم بافته بود (هنوز آن رومیزی‌ها در منزل من است). یک پالتو آبی برای عمه‌ام و یک پیراهن قرمز بسیار زیبا برای من دوخته بود. نورا برای من دو نقاشی زیبا کشیده بود. یکی جمع خانوادگی شب‌های شبات با یادداشت: «ممنونم که در روزهای تاریک نوری در زندگی ما تابانیدید». دیگری نقاشی از شهری سرسبز و آباد که پایین آن نوشته بود: «به امید دوباره ساختن و سرسبزی آبادان و ایران عزیز». همدیگر را در آغوش گرفتیم و زار زار گریه کردیم. تا مدتی دوری نورا برایم خیلی سخت بود. با نامه با هم در ارتباط بودیم. زندگی در کشور غریب و یادگیری درس‌ها به زبان دیگر در ابتدا برایش آسان نبود. اما به تدریج در درس‌ها و نقاشی پیشرفت چشمگیری کرد. همچنان به کتاب خواندن ادامه می‌داد. من پس از پایان تحصیلات دبیرستان در رشته‌ی پزشکی دانشگاه تهران قبول شدم. او هم در رشته‌ی پزشکی در یکی از دانشگاه‌های معتبر

<sup>۲</sup> جشن درختان در آیین یهود

## درباره‌ی پوش

# # یهودی\_عاشق\_ایران

نیما حاسید

دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

زمانی که این عنوان برای اولین بار به گوشم خورد، ناگهان هجمه‌ای سنگین از اطلاعات فراوان به ذهنم خطور کرد که من را بر آن داشت که آن را با خوانندگان به اشتراک بگذارم. نخست آن که به عنوان یک ایرانی یهودی باید بگویم که عاشقانه میهنم را دوست دارم و برای این علاقه نه دلیلی دارم و نه منطق و نه حتی علمی، فقط می‌دانم که عاشقانه با قطره قطره‌ی خونم، ذره ذره‌ی خاکش را دوست دارم. اما در تحلیل یکایک کلمات این پوش باید گفت، ایران، یهودیت و عشق همه از یک تبارند. بی‌شک باید همه‌ی ما که این سه شناسه را به عنوان بخشی از وجود خود به رسمیت می‌شناسیم و می‌پروریم، با هر سلیقه سیاسی و اجتماعی که داریم نه تنها از آن حمایت کنیم و در به ثمر رسیدن آن در کنار نماینده‌ی کنونی کلیمیان در مجلس شورای اسلامی از هر کوششی دریغ نوزیم، بلکه سعی نماییم این پوش به یک موضع فکری مشترک برای تمامی ایرانیان یهودی با هر تفکر و اندیشه‌ای تبدیل شود، پوشی که بسیار هوشمندانه طراحی شده و گویای عشق نه تنها ایرانیان یهودی بلکه تمامی یهودیان به کشور و مردم ایرانی است که ایرانیان یهودی جزء لاینفک آن هستند.

اما به عنوان یک دانش آموخته‌ی فلسفه سیاسی، می‌گویم که ایران مظهر رواداری نه تنها در تاریخ خاورمیانه که حتی در تاریخ کل بشریت است، به گونه‌ای که در مقام قیاس با سایر ابرقدرت‌های کهن، گویی از همان لحظات آغازین تاریخ بشری این کشور فرهنگ و منشی متفاوت از خود نشان داده است. زیرا نه مثل اسپارت اقتصاد آن بر پایه‌ی جنگ و خونریزی بود که به ممنوع‌کشی در سیاست و جامعه متکی باشد؛ و نه مثل روم و مصر بر پایه‌ی کشاورزی بود که به برده‌داری منتهی گردد! آری ایران ما

از ابتدا بر پایه‌ی بازرگانی و تجارت که پایه‌ی اصلی دموکراسی در سیاست و رواداری در جامعه و فرهنگ است متکی بوده و هست، تک تک اقوام و ادیان رنگارنگ این سرزمین گواهی بر این مدعا بوده و هستند و خواهند بود، هر چند که در تاریخ بوده باشند کسانی که بخواهند از روی تعصب، جهل و.... چهره‌ای یکرنگ (از آنچه صرفاً خود می‌پسندند) برای آن ترسیم کنند، این جامعه به صدا در آمده که ما در عین کثرت، وحدت داریم و همه با هم متحدیم!

از بعد هویت‌شناسی نیز هویت ایرانی نه تنها هیچ گاه تضادی با هویت یهودی نداشته بلکه ایران همواره تمامی فرزندان خود را در آغوش پرمهرش پرورده، به گونه‌ای که امروز اقوام و ادیان و فرق مختلف این سرزمین هر کدام دارای تاریخی مجزا برای خود اما در چارچوب کشوری به نام ایران هستند. ناگفته پیداست حمله به چنین سرزمینی با چنین فرهنگ و پیشینه، فقط حمله به یک خاک سرزمینی یا قلمرو جغرافیایی نیست، حمله به ذات تاریخی نوع‌دوستی و رواداری است و محکوم به شکست.

گرچه که در اعصار نوین بشری، باید پذیرفت که دیگر هویت انسان‌ها با یک بعد یا یک مولفه تدوین و تعیین نمی‌شود، اما حتی در بعد هویت تاریخی نیز ایرانیان یهودی از لحاظ ملی همواره هم‌پا و همدوش سایر ایرانیان بوده و خود را جزئی لاینفک از ملت ایران دانسته‌اند و از لحاظ تاریخ ادیان، واقع شدن تشیع و یهودیت در خاورمیانه‌ی عمدتاً جنگ‌زده و استبداد باور عربی، باعث شده ظلم و تهاجمات یکسانی به پیروان این دو باور که در اقلیت بوده‌اند، روا داشته شود، واقعیتی که گرچه تلخ است اما باعث همزاد پنداری و هم‌ذات پنداری پیروان راستین آنها با یکدیگر شده است.

باید در نظر داشت که فرهنگ مترقی و بستر چند فرهنگ‌گرایانه‌ی ایران نیز در این امر نقشی حیاتی ایفا نموده است.

در عصر کنونی نیز، با وجود همه‌ی سختی‌ها و شدائدی که بر تمامی جوامع اقلیت در سراسر دنیا روا داشته می‌شود،

ما نسبت به کشورمان باشد نگفته و نوشته‌ایم؟  
گر چه هر پاسخی به این سوال در مقام توجیه و توضیح قابل ارائه است اما، شاید بتوان دلیل آن را در همپوشانی ماهیت دراماتیک عشق با ماهیت رمانتیک جنگ جست که باعث می‌شود این دو این‌گونه انکار ناپذیر به هم شبیه باشند و انسان‌ها در جنگ‌ها عاشقانه بجنگند، در عشق جنگجو باشند، به گونه‌ای که عشق و جنگ به راحتی آغاز گردند، به سختی پایان یابند و هر دو هرگز فراموش نمی‌شوند.  
امید آن که روزی فرا رسد که بشر جنگ در راه عشق را جایگزین عشق به جنگ کند.

و اقلیت‌ها در کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیستند، باید توجه داشت که با در نظر گرفتن معیارهای بین‌المللی، ایرانیان یهودی و سایر اقلیت‌های دینی همواره با رفتاری قابل قبول از سوی حاکمیت و ملت ایران در مسائل مختلف روبرو بوده‌اند. اگر با معیارهایی مثل آمار تحصیل‌کردگان، آمار تحصیلات تکمیلی، آمار دسترسی به خدمات بهداشتی و عمومی، آمار دسترسی به دادگاه‌های عادلانه و یا حتی آمار استخدام اقلیت‌ها در ادارات دولتی که نشان‌دهنده‌ی پذیرش آنها در نهادهای حاکمیتی از یک سو و از دیگر سو پذیرش حاکمیت در میان اقلیت‌ها است، بخواهیم وضعیت اقلیت‌ها را در ایران سنجش کنیم، قطعاً نمی‌توانیم نمره قبولی به آن ندهیم، در خصوص مورد آخر خود من

در شرکت رایتل و در یکی از اصلی‌ترین بخش‌های آن مشغول به کار هستم و شاهد که هیچ تبعیضی در آنجا و سایر نهادهایی از این دست بر ضد ادیان و اقوام مختلف روا داشته نمی‌شود.

اما در آخر این سوال و نقد که چرا ما ایرانیان یهودی (و حتی در تصویر بزرگتر جامعه‌ی بزرگ ایران) این قدر دیر و صرفاً در بزنگاه‌ها و جنگ‌های تاریخی تازه می‌فهمیم که چقدر عاشقانه میهن - مان را دوست داریم؟ چرا در صلح و شرایط عادی حتی خود من، مقاله یا متن یا سخنرانی‌ای که نشانه‌ای از حس حقیقی

**Comité Central**  
de la  
COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN  
Teleg: Andjoman Kalimian  
le:

ב'ה'  
בנימא ח'ד-  
ועד הקהילה היהודי טהראן  
TEHRAN  
Central Jewish Committee

انجمن کلیمیان تهران  
شماره ثبت ۶  
عنوان تکرافی: انجمن کلیمیان

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴  
شماره: ۲۹۰۷۰

**کلیه نهادهای وابسته و زیرمجموعه‌های محترم انجمن**

**موضوع: مشارکت در پویش #یهودی\_عاشق\_ایران**

با سلام،  
با توجه به اهمیت نمایش همبستگی، هویت ملی و دینی جامعه کلیمیان ایران، و نیز به منظور حمایت از تصویر واقعی یهودیان ایرانی در فضای مجازی، به اطلاع می‌رساند:  
تمامی نهادها، مسئولان، و اعضای فعال آن نهاد موظف‌اند به صورت رسمی و فعال در پویش #یهودی\_عاشق\_ایران در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و توئیتر شرکت نمایند.

- ◆ انتشار حداقل یک پست یا استوری در صفحه رسمی نهاد
- ◆ دعوت مستقیم از مخاطبان برای مشارکت در این پویش
- ◆ استفاده از هشتگ #یهودی\_عاشق\_ایران در تمام محتوای مربوطه
- ◆ حضور فعال اعضا با حساب‌های شخصی در این کمپین

همچنین تأکید می‌شود که انتظار می‌رود مجموع پست‌های منتشرشده با این هشتگ، در گام اول، از مرز ۳ هزار مورد عبور کند. همکاری گسترده، منسجم و پیوسته زیرمجموعه‌ها در تحقق این هدف، تعیین‌کننده خواهد بود.

این اقدام نه تنها یک وظیفه اخلاقی و اجتماعی، بلکه بخشی از رویکرد راهبردی انجمن در تقویت وحدت ملی و مقابله با جریان‌های تحریف‌گرایانه علیه جامعه کلیمی است.

با تقدیم احترام  
رئیس انجمن کلیمیان تهران  
دکتر همایون سامه بیج



نشانی: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره ۲۲۳ -  
تهران - ایران  
تلفن: (+98 21) 66702556-66707612-66716430. فکس: (+98 21) 66716429  
پلاک نوم - کلیسای ۱۱۳۹۷۳۳۱۷



مرد فرهیخته، به‌علت  
سکته، دار فانی را  
وداع گفته است.  
از دکتر منوچهر  
سیونیت که  
دامپزشک، نویسنده،  
مترجم و مؤلف بود،  
کتاب‌های زیادی در  
زمینه‌ی پیراپزشکی،

برای عموم مردم باقی مانده است که پس از فوتش، توسط  
فرزندانش به کتابخانه‌ی ملی تهران اهدا گشت.  
روحش شاد و یادش گرامی باد.

\*\*\*

ادامه مطلب، بیوگرافی دکتر منوچهر سیونیت است که  
توسط دختر آن مرحوم، مژده سیونیت، نوشته شده است.  
دکتر منوچهر سیونیت، در هجدهم خردادماه ۱۳۱۶، در  
یک خانواده یهودی در تهران چشم به جهان گشود. پدرش  
مهدی سیونیت، ملقب به حاج‌مهدی، به کار تجارت با فرنگ  
اشتغال داشت و اولین وارد کننده کلاه پهلوی، از فرانسه به  
ایران بود. مادرش جمالیه خانم نهورای، نوه حکیم نورمحمود و  
دختر فیلسوف همایون نهورای بود که هر دو از مشهورترین  
حکمای دربار ناصرالدین‌شاه بودند. او تحصیلات ابتدائی و  
متوسطه خود را در مدرسه آلیانس تهران به‌تمام رساند و سپس  
وارد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران شد. پس از اخذ مدرک  
دکتر، مشغول خدمت سربازی شد و خدمت نظام وظیفه را با  
درجه ستوان‌دومی، به‌پایان رساند. پس از آن به استخدام وزارت  
کشاورزی درآمد و تا دوران بازنشستگی در همین وزارتخانه  
مشغول فعالیت‌های درمانی بود. از دیگر فعالیت‌های وی  
می‌توان به تحقیق و پژوهش در مؤسسه واکسن و سرم‌سازی  
رازی اشاره کرد. دکتر سیونیت از دهه ۱۳۵۰، شروع به نوشتن  
کرد و پس از انتشار مقالات متعدد در زمینه بیماری‌های دامی  
در نشریات مختلف و انتشار چندین کتاب در این حیطه، مورد  
تشویق و توجه بسیاری از مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی قرار  
گرفت به‌طوری‌که مقالاتش را به‌صورت جزوه‌های درسی در

## یادی از دکتر منوچهر سیونیت

مژده یمینیان

هنوز هم صدای آرام و با وقارش، در گوشم طنین می‌افکند  
که به‌محض دیدنم یا شنیدن صدایم، با لبخند همیشگی  
می‌گفت: «به به مژده خانم»، و به‌دنبالش می‌گفت: «دو تا  
مژده‌ها...»

آخر من دوست صمیمی دخترش مژده هستم و به‌علت  
یکی بودن اسم‌ها، ما را «دوتا مژده‌ها» خطاب می‌کرد.

او مردی بسیار با شخصیت، فهیم و درعین‌حال متواضع  
بود؛ به‌طوری‌که با توجه به معلومات وسیع و دانش به‌روزی که  
در اکثر زمینه‌ها داشت، هیچ‌وقت تا مجبور نمی‌شد، از  
تحصیلاتش سخن نمی‌گفت و همیشه کم‌گو و گزیده‌گو بود.

هنوز هم نمی‌توانم بهشتی‌شدنش را باور کنم...

چند سال پیش، در دوران اوج بیماری کرونا، به‌خواست  
خدا و به‌صورت معجزه‌آسا، از مرگ نجات پیدا کرد. مژده، که  
در آمریکا زندگی می‌کند، با من تماس گرفت و گفت: «هرچقدر  
با پدرم تماس می‌گیرم، پدرم تلفن را جواب نمی‌دهد»، که بعد  
از پیگیری‌های لازم، متوجه شدیم دکتر، که همیشه پیرو سبک  
زندگی سالم بود و با دوچرخه رفت‌وآمد می‌کرد، در حالی که با  
دوچرخه به منزل برمی‌گشته، دقیقاً جلوی در منزل دچار سکنه  
شده و توسط زوجی ناآشنا از محله‌ای دور که برای رفتن به  
بیمارستان، اتومبیل خود را در کوچه‌ی منزل دکتر پارک نموده  
بودند، به بیمارستان منتقل می‌شود. گویا آن زوج، فرشته‌های  
نجاتش بودند...

دکتر منوچهر سیونیت، به‌خاطر عشق و علاقه‌ی فراوان به  
وطنش ایران، دور از خانواده، در تهران به‌تنهایی زندگی می‌کرد  
و مونسش صدا و تصویر خانواده، تعدادی از دوستان و البته  
قلمش بودند.

اما در دی‌ماه سال ۱۴۰۳، وقتی که مژده با من تماس گرفت  
و برای بار دوم اطلاع داد که پدرش جواب تلفن‌شان را  
نمی‌دهد، حس کردم چیزی در درونم خالی شد، حسی به من  
می‌گفت که اتفاق بدی رخ داده است که متأسفانه بعد از  
پیگیری‌های لازم، متوجه شدیم، دکتر منوچهر سیونیت، آن

زندگی شخصی دکتر سیونیت، آمیخته با زندگی کاری و فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی‌اش بود و تعلیم و تربیت فرزندان را وظیفه و مسئولیت بسیار مهمی می‌دید و اعتقاد داشت که تربیت درست، نقش بزرگی را در زندگی فرزندان ایفا می‌کند. او از مرگ هیچ هراسی نداشت و درست زندگی کردن را در مفید بودن و هدفمند بودن می‌دانست. انسانی بسیار متواضع و محجوب و درعین حال مملو از اعتماد به نفس و اقتدار بود. آن گونه که می‌خواست زندگی می‌کرد و همان گونه که آرزو داشت، از دنیا رفت.

دکتر منوچهر سیونیت در ۱۷ دی ماه ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵، چشم از جهان فانی فرو بست. نام و یادش زنده و تا ابد جاودان خواهد ماند.

\*\*\*

عناوین کتب دکتر منوچهر سیونیت که در انتشارات علم و شادی به چاپ رسیده است، به قرار زیر است:

- ۳۲. درمان انواع سردرد
- ۳۳. درمان بیش‌فعالی
- ۳۴. غلبه بر آلزایمر
- ۳۵. غلبه بر بیماری «ام.اس»
- ۳۶. تحولات دامداری و مرغداری
- ۳۷. پیشگیری و مبارزه با کتّه
- ۳۸. راز جلوگیری از پوسیدگی دندان
- ۳۹. ماهی، غذای سلامتی
- ۴۰. درمان بیماری‌های گوارشی
- ۴۱. علاج بیماری‌های گوش، حلق و بینی
- ۴۲. غلبه بر پوکی استخوان
- ۴۳. غلبه بر بی‌خوابی
- ۴۴. زنان سالم و جذاب

- ۱۶. درمان ناباروری و نازایی
- ۱۷. علاج بیماری قند
- ۱۸. راهنمای سلامتی دهان و دندان
- ۱۹. علاج کمردرد
- ۲۰. بهداشت پوست و مو
- ۲۱. غلبه بر چاقی
- ۲۲. زن، مرد و سلامتی
- ۲۳. تنظیم چربی خون
- ۲۴. حاملگی و فرزند سالم
- ۲۵. پزشک خانواده ۱
- ۲۶. پزشک خانواده ۲
- ۲۷. مراقبت از نوزاد
- ۲۸. درمان بیماری‌های تیروئید
- ۲۹. درمان بیماری‌های کبدی
- ۳۰. علاج بیماری‌های دستگاه ادراری
- ۳۱. کم‌رویی و اعتماد به نفس

اختیار دانشجویان و محققان قرار می‌دادند.

پس از آن او تصمیم گرفت به ترجمه و تألیف کتاب‌های پزشکی برای استفاده عموم مردم بپردازد. او که متوجه شده بود در آن زمان، منابع کافی به زبان فارسی ساده و قابل فهم برای مسائل درمانی و سلامت خانواده‌ها در دسترس نیست، مصمم به انجام این کار شد. پس از احداث شرکت انتشاراتی علم و شادی، شروع به چاپ و انتشار کتاب‌های پزشکی در زمینه بیماری‌های مختلف و روش‌های حفظ و نگهداری زندگی سالم نمود که نتیجه‌ی آن انتشار بیش از ۴۰ عنوان کتاب است. آثار او طی سالیان متوالی جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های پزشکی برای استفاده عامه مردم در سرتاسر ایران محسوب می‌شد. بعدها این کتاب‌ها حتی به کشورهای فارسی‌زبان مجاور صادر می‌شد.

دکتر سیونیت با ترجمه و تألیف کتاب‌های پزشکی به زبان فارسی، خدمت بزرگی به ملت ایران و تمام فارسی‌زبان‌های سراسر جهان انجام داد.

- ۱. علاج آلرژی‌ها
- ۲. بیماری‌های مفصلی
- ۳. راهنمای سلامتی چشم و بینایی
- ۴. سلامتی و شادابی
- ۵. گیاهان شفابخش
- ۶. تنظیم فشار خون
- ۷. راهنمای سلامتی قلب و عروق
- ۸. درمان‌های طبیعی
- ۹. معجزه سبز
- ۱۰. بلوغ دختران
- ۱۱. بلوغ پسران و سلامتی مردان
- ۱۲. غلبه بر افسردگی
- ۱۳. پیشگیری و مبارزه با پوکی استخوان
- ۱۴. پیشگیری و مبارزه با سرطان
- ۱۵. غلبه بر بیماری فشار خون به روش طبیعی



## عمران فروغی مهر؛ جلوه‌ی زیست شرافتمندانه

امیر فراز نعیموت

صحبت می‌کنم که هرگز چیزی را بیش از حقتش مطالبه نمود و هرگز برای کسب سود و امتیاز بیشتر سر غرور پایین نیاورد و هیچ چیزی به هزینه‌ی گزاف صرف شرف، برخورد افزون نمود و هرگز مجیز گویی و چاپلوسی نکرد. تا حدی که توان داشت در راستای کمک به خلق و شاد نمودن دل هم‌نوعان کوشید و از هیچ سعی و تلاشی برای خدمت خالصانه فروگذار نبود. دستانش بخشنده بود و زبانش همیشه به دعای خیر جاری. آری زیست شرافتمندانه یعنی همین... روح شاد رفیق

\*\*\*

در انتها به رسم گپ و گفت‌هایمان، این قطعه ادبی را که شرح حال زندگی تو نیز است به روانت تقدیم می‌نمایم:

کسی که سهراب را دوست داشته باشد، شاملو را احساس کند، فروغ را بستاید، و هر شعر خوب را آیه‌ای زمینی بپندارد، چنین کسی، به درستی زندگی خواهد کرد...

کسی که به کیارستمی شگفت‌زده نگاه کند، به زرین کلک با نهایت احترام، به صادقی با محبت، و آثار مخملیاف را دوست داشته باشد، چنین کسی به درستی زندگی خواهد کرد...

کسی که در برابر باخ، بتهوون و موتزارت، فروتنانه سکوت اختیار کند، به تار جلیل شهنواز، عود نریمان، آواز شجریان و ترانه‌ی «اندک اندک» شهرام ناظری عاشقانه گوش بسپارد، چنین کسی درست زندگی خواهد کرد...

کسی که مولوی را قدری بشناسد، حافظ را قدری بخواند، خیام را گه‌گاه زیر لب زمزمه کند، و تک بیت‌های ناب صائب را دوست بدارد، چنین کسی به درستی زندگی خواهد کرد...

کسی که زیبایی نستعلیق و شکسته، اندوه مناجات سحری در ماه رمضان، عظمت خوف‌انگیز کاشی‌کاری‌های اصفهان، و اوج زیبایی طبیعت را در رودبارک احساس کرده باشد، چنین کسی به درستی زندگی خواهد کرد...

شاید سخت، شاید دردمندانه، شاید در فشار؛ اما بدون شک به درستی زندگی خواهد کرد...

نادر ابراهیمی

مثل هر خبر تلخ دیگری هنگام مواجهه با خبر درگذشتش سخت آزرده و مغموم شدم. خاطراتش در ذهنم مرور می‌شد، گرمی و محبتش را به یاد می‌آوردم. چه چیزی او و یاد او را تا این حد برجسته و از دیگران متمایز می‌کرد؟! خاطرات مشترک، حسن برخورد و بزرگواری، محبت و شفقت، تواضع و رادمردی و جمله خصائل نیک اخلاقی، صفاتی است که همواره از یار سفر کرده‌مان را با آن به یاد می‌آوریم. اما چیز دیگری وجود داشت که عمران فروغی را برای ما ماندگار می‌کرد، و آن چیزی است که من آن را زیست شرافتمندانه می‌نامم.

او را حاج عرام صدا می‌کردم. دانش‌آموخته‌ی زبان فرانسه از دانشگاه تهران، کسی که سی و اندی سال از عمرش را صرف خدمت صادقانه در اداره راه آهن کرده بود و جوانی‌اش را در کوران اتفاقات سیاسی ایران گذرانده بود و از وقایع ۲۸ مرداد و ترور حسنعلی منصور گرفته تا انقلاب ۵۷ و روزهای سخت جنگ تحمیلی را دقیق و مدون در حافظه‌ی بی‌بدیلیش حمل می‌کرد، حافظ و سعدی و خیام و عطار نیشابوری را خوب می‌شناخت و به ادبیات پارسی عمیقاً عشق می‌ورزید. به موسیقی اصیل ایرانی بسیار علاقه داشت و شهنواز و تجویدی و شجریان محبوبینش بودند. ارسطو، سقراط، فارابی، حتی نیچه و مارکس را هم به خوبی می‌شناخت. همه‌ی این‌ها باعث شد که میز کارش در دفتر کمیته املاک انجمن برای من صحنه‌ی همیشگی شنیدن و یاد گرفتن باشد.

عمران فروغی‌مهر، فرزند حاخام یوسف حبیب اورشرگا، در اواسط دهه ۸۰ با توجه به امانت‌داری، پشتکار و روحیه مسئولیت‌پذیری که داشت برای تصدی مدیریت کمیته املاک به انجمن کلیمیان معرفی شده بود. طی سال‌هایی که در کنار او فعالیت می‌کردم مجموعه‌ای از رفتارهای بسیار برجسته از او به‌عنوان یک کارمند نظرم را جلب کرد و سبب شد که او را به‌عنوان اسوه‌ی شرافت در ذهنم ملکه کنم.

در زمانه‌ی ای که افراد همه چیز را برای خودشان می‌خواهند و هدف عملکردشان منفعت و سود شخصی است، من از انسانی

شدن یکی از بنیادی‌ترین محرک‌های رفتاری انسان است. درد طرد شدگی نه تنها واقعی است، بلکه مغز ما آن را مشابه درد فیزیکی پردازش می‌کند. با این حال، تفاوتی عمیق میان این دو وجود دارد؛ درد فیزیکی معمولاً فردی است، اما درد روانی در روابط انسانی گسترش می‌یابد. ما ممکن است درد روانی عزیزانمان را در خودمان نیز حس کنیم، حتی اگر خودمان مستقیماً آسیب ندیده باشیم.

### واکنش‌های ناخودآگاه به طرد

زمانی که فردی طرد می‌شود، اغلب به صورت ناخودآگاه سعی می‌کند خود را با افرادی که او را طرد کرده‌اند همسان کند. تقلید از رفتار، سبک گفتار یا حتی ظاهر آن افراد، تلاشی ناخودآگاه برای کاهش درد جدایی است. از سوی دیگر، یکی از دلایل شکل‌گیری تعصب شدید در برخی افراد، نیاز افراطی به تعلق داشتن به یک گروه خاص است. آنها با وابستگی شدید به یک ایدئولوژی یا گروه دیکتاتورمآبانه، از ترس طرد شدن در جای دیگر، به رفتارهای پیروی بی‌چون‌وچرا روی می‌آورند.

### مرز میان خواستنی بودن و دوست‌داشتنی بودن

مفهومی مهم در روابط انسانی، تمایز میان «خواستنی بودن» و «دوست‌داشتنی بودن» است. وقتی کسی برای ما خواستنی است، در واقع او را برای خود می‌خواهیم. اما وقتی کسی را دوست داریم، او را برای خودش می‌خواهیم، نه برای پر کردن خلأهای ما. در روابطی مثل ازدواج، زمانی که رابطه از «دوست داشتن» به «خواستنی» تغییر پیدا می‌کند، احتمال طلاق بالا می‌رود.

### چه عواملی از شدت درد طرد می‌کاهند؟

اگرچه هیچ راهی برای جلوگیری قطعی از طرد شدن وجود ندارد، اما عواملی می‌توانند میزان آسیب‌پذیری ما را

## طرد اجتماعی؛

## زخمی پنهان، دردی ماندگار

دکتر رابرت فرنام<sup>۱</sup>

روانپزشک

طرد اجتماعی پدیده‌ای عمیق، دردناک و کهن است که ریشه در تاریخ بشر دارد. حتی در تمدن‌هایی مانند یونان باستان، مجازات طرد به‌عنوان شیوه‌ای رسمی برای حذف افراد از اجتماع به کار گرفته می‌شد. در نظام «استراسیزم<sup>۲</sup>»، شهروندان نامطلوب را روی تکه‌های سفال می‌نوشتند و پس از رأی‌گیری، فرد منتخب به مدت چند سال از شهر تبعید می‌شد. این شیوه که در فرهنگ یهود نیز نشانه‌هایی از آن دیده می‌شود، از نخستین اشکال نهادی‌شده‌ی طرد اجتماعی در تاریخ بشر است.

اما چرا طرد شدن این قدر دردناک است؟ دلیلش در طبیعت زیستی و روانی انسان نهفته است. انسان موجودی اجتماعی و گله‌ای است؛ بقای او از ابتدا به بودن در گروه وابسته بوده است. احساس تعلق، نه یک نیاز روانی ساده، بلکه بخشی اساسی از بقا و تکامل ماست.

### اثر طرد بر جسم و روان

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طرد شدن نه تنها روان انسان را هدف قرار می‌دهد، بلکه با کاهش سلامت فیزیکی، کیفیت زندگی و حتی طول عمر نیز در ارتباط است. مطالعات علمی ثابت کرده‌اند که تأثیر تنهایی و طرد شدن بر سلامت، گاه شدیدتر از عواملی همچون مصرف سیگار، مشروبات الکلی، چاقی و فشار خون است. در واقع، نیاز به تعلق داشتن، نیاز به تأیید شدن، و دوست داشته

<sup>۲</sup> استراسیزم: به معنای تبعید و نفی بلد. استراسیزم: طرد اجتماعی در یونان باستان

<sup>۱</sup> متخصص اعصاب و روان - رئیس دفتر اعتیادهای رفتاری مرکز ملی اعتیاد

## دکتر رابرت فرنام، برنده‌ی دومین جایزه‌ی دکتر رزاقی



«جایزه‌ی دکتر رزاقی» با هدف تقدیر از تلاش‌های موثر در زمینه‌ی درمان، کاهش آسیب و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با اعتیاد نامگذاری شده است.

در هفدهمین کنگره‌ی بین‌المللی دانش اعتیاد (بهمن ۱۴۰۳)، دکتر رابرت فرنام، روانپزشک کلیمی، برنده‌ی این جایزه شد.

وی با تمرکز بر پژوهش، آموزش و درمان در حوزه‌ی پیشگیری و مداخلات اعتیاد، یکی از چهره‌های برجسته‌ی این عرصه به‌شمار می‌رود. این روانپزشک کلیمی با انتشار بیش از ۳۸ مقاله‌ی علمی-پژوهشی در نشریات داخلی و بین‌المللی، تقدیرنامه‌های متعددی از مراجع علمی و از جمله ستاد مبارزه با مواد مخدر، استانداری فارس و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت نموده است.

دکتر فرنام در سطح ملی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تدوین برنامه‌های پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد و راه‌اندازی بخش‌های درمانی همکاری نموده است.

دکتر همایون سامه‌یح، نماینده‌ی کلیمیان در مجلس، با ارسال پیامی به این دانشمند افتخارآفرین کلیمی، دریافت این جایزه را تبریک گفت.

کاهش دهند:

- ✓ مهربانی و همدلی
  - ✓ انعطاف‌پذیری روانی
  - ✓ مسئولیت‌پذیری فردی
  - ✓ داشتن کنترل بیشتر روی زندگی
  - ✓ داشتن شبکه‌های اجتماعی فعال و حمایت‌گر
  - ✓ معنا یافتن در زندگی شخصی و اجتماعی
  - ✓ کاهش تصمیم‌گیری‌های تکانه‌ای و هیجانی
- یکی از مؤثرترین ابزارهای بشر برای التیام دردهای ناشی از طرد، هنر است. آغاز یک فعالیت هنری می‌تواند فرآیند ترمیم روان را آغاز کند و احساس تعلق تازه‌ای ایجاد کند.

### طرد در نوجوانان: زنگ خطری جدی

یکی از حساس‌ترین گروه‌ها در مواجهه با طرد اجتماعی، نوجوانان هستند. در این سن، شخصیت هنوز در حال شکل‌گیری است و حس تعلق، مهر و امنیت عاطفی نقش محوری در سلامت روان ایفا می‌کند. طرد شدن توسط دوستان یا خانواده، می‌تواند پیامدهایی چون انزوا، افسردگی، پرخاشگری یا حتی اقدام به خودآزاری و خودکشی داشته باشد.

مهم است که والدین بدانند عشق و محبت نباید مشروط باشد. هنگامی که فرزند احساس کند که ارزش او وابسته به عملکرد، موفقیت یا اطاعت کامل است، در برابر کوچک‌ترین نشانه‌های طرد، آسیب‌پذیر خواهد شد. پذیرش بی‌قید و شرط و ارتباط عاطفی ایمن، پایه‌ای‌ترین نیاز نوجوانان در عبور از بحران‌های رشد و بلوغ است.

### جمع‌بندی

در نهایت، هیچ عاملی به اندازه‌ی «دوست‌داشتنی بودن» در سرنوشت انسان تأثیرگذار نیست. طرد شدن زخمی است که ممکن است تا سال‌ها در روان باقی بماند. تنها با شناختن آن، پذیرش آن، و تلاش برای بازیابی حس تعلق و ارزشمندی، می‌توانیم آن را ترمیم کنیم.

## از نظر روانی اجتماعی چقدر رشد کرده‌اید؟<sup>۳</sup>

لیورا سعید  
کارشناس ارشد روانشناسی



انسان موجودی چند بعدی است؛ به این معنی که از نظر جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی رشد می‌کند. از نظر اجتماعی، انسان به طور ذاتی دوست ندارد تنها باشد؛ تمایل دارد در جمع قرار بگیرد، متعلق به گروهی باشد و فعالیت گروهی انجام دهد، تشکیل خانواده بدهد، عشق بورزد و مورد عشق ورزی قرار بگیرد. چرا؟

چون می‌خواهد خود و دیگران را بیشتر بشناسد، با فرهنگ و اخلاق و رفتارهای گوناگون آشنا شود، نسل خود را زیاد کند، تاثیر بگذارد و تاثیر بگیرد و ... این گونه او به خودباوری، درک بیشتر دیگران، سازگاری و پختگی، تاب‌آوری و سرانجام رضایت از خود و زندگی دست می‌یابد. این شخص، ویژگی‌هایی همچون تعهد، مسئولیت‌پذیری، همکاری و عشق را در سطح بالایی تجربه می‌کند.

اگر انسان از نظر اجتماعی به رشد خوبی نرسد، از حمایت‌های اجتماعی برخوردار نمی‌گردد، تنها می‌شود و در مواقع بحرانی نمی‌تواند به تنهایی از پس مشکلات خود برآید، ممکن است طرد شود و به انزوا کشیده شده، افسرده شود. هیچ کس طرد شدن را دوست ندارد.

نظریه پرداز مشهوری که بر روی رشد روانی-اجتماعی

کار کرد، اریکسون بود.

اریک اریکسون<sup>۴</sup> (۱۹۹۴-

۱۹۰۲) که آمریکایی آلمانی-

الاصل بود، از مادر یهودی و

پدر غیریهودی به دنیا آمد. او

از روانشناسان نوفرویدی بود



که نیمه‌ی دوم قرن بیستم نظریه‌ی فروید را گسترش داد و نظریه‌ای به نام رشد روانی-اجتماعی شکل داد. نظریات او با فروید تفاوت‌هایی داشت:

در حالی که تاکید فروید بر نهاد (Id) یا گزینه‌ی جنسی بود، تاکید اریکسون بر روی خود (Ego) بود.

رشد از نظر فروید تا نوجوانی پایان می‌یابد، اما چرخه‌ی رشد از دید اریکسون از تولد تا مرگ را شامل می‌شود.

به اعتقاد فروید، این گزینه است که شخصیت را شکل می‌دهد، اما از نظر اریکسون، اجتماع و فرهنگ هم شخصیت را شکل می‌دهد.

رشد روانی اجتماعی از نظر اریکسون ۸ مرحله دارد که از زمان به دنیا آمدن تا پایان زندگی را شامل می‌شود. هر یک از این مراحل دو قطب دارد؛ قطب مثبت و منفی. به این معنی که اگر فرد به خوبی آن مرحله را طی کند قطب مثبت یا سازنده شکل می‌گیرد؛ ولی اگر نتواند به راحتی آن مرحله را سپری کند وارد قطب منفی یا ناسازگار می‌شود. قطب مثبت، نیروی بنیادینی ایجاد می‌کند که فرد را به سوی مرحله‌ی بعدی می‌راند، اما قطب منفی باعث آسیب در شخص می‌گردد.

<sup>۴</sup> Erik Erikson

<sup>۳</sup> این سخنرانی در ۲۶ تیرماه سال ۱۴۰۴ از طرف جامعه فارغ‌التحصیلان در سازمان دانشجویان یهود تهران برگزار شد

کادر مدرسه و دیگر مربیان آموزشی در موفقیت و عبور کودک از این مرحله نقش مهمی دارند.

#### مرحله پنجم: هویت در برابر سردرگمی نقش

نوجوان در سن ۱۲ تا ۱۹ سالگی به دنبال هویت خود است، این که چه کسی است و چه کسی می‌خواهد بشود. در این مسیر که به دشواری سپری می‌شود، او الگوهای اولیه‌اش را به چالش می‌کشد و الگوهای دیگری را درونی می‌کند؛ دوره‌ای که اریکسون، به آن «مهلت روانی-اجتماعی» نام داده، نوجوان ممکن است کارهایی بکند که مورد تایید والدینش نیست. اگر او بتواند از این مرحله به سلامت عبور کند، هویتی برای خود دست و پا می‌کند، اما اگر این اتفاق نیفتد وی دچار سردرگمی و آشفتگی نقش خواهد شد. دوستان و همسالان در زندگی نوجوان اهمیت دارند.

#### مرحله ششم: صمیمیت در برابر انزوا

۲۰ تا ۴۰ سالگی سنی است که جوان تمایل دارد هویت خود را با دیگری شریک شود، بدون این که نگران از دست دادن هویت خودش باشد. فرد به دنبال ایجاد رابطه‌ی عاطفی پایدار است. این صمیمیت نیرویی در فرد به وجود می‌آورد برای تجربه‌ی عشق، ولی اگر قادر به شکل دادن این تجربه نباشد، به آسیب تک بودن و انزوا دچار می‌گردد. لازم است ذکر شود برخی از زوجین صرفاً ازدواج کرده‌اند اما صمیمیت را تجربه نکرده‌اند.

#### مرحله هفتم: زاینده‌گی و مولد بودن در برابر رکود

میان‌سالی از ۴۰ تا ۶۰ سالگی است؛ دوره‌ای که فرد می‌خواهد آموخته‌های خود را با دیگران شریک شود. نسلی پرورش دهد و از آنها مراقبت کند، خلاقیت دارد و طرح و ایده‌های جدید ارائه می‌کند. سن زاینده‌گی، سن بازنشستگی و بی‌تفاوتی نسبت به جامعه نیست؛ فرد سالم از نظر روانی اجتماعی، در این سنین همچنان فعال و پرکار است و دوست دارد برای آیندگان کاری انجام دهد و باری از دوش جامعه بردارد. شخصی که از این منظر ناسالم است، به بی‌تفاوتی رسیده و جامعه را طرد می‌کند.

#### مرحله هشتم: انسجام و یکپارچگی در برابر ناامیدی

۶۰ سالگی تا پایان عمر که دوره‌ی پیری فرا می‌رسد، انسان به مرور گذشته‌ی خود می‌پردازد؛ این که چه کارها کرده، چگونه زندگی کرده و چقدر توانسته به اهداف و آمالی که در نظر داشته برسد؟ اگر در این مرور، از خود و نحوه‌ی زندگی‌اش

اکنون ببینید در پشت سر گذاشتن مراحل رشد روانی اجتماعی خود، در هر مرحله به سازگاری رسیده‌اید یا ناسازگاری:

#### مرحله اول: اعتماد در برابر بی‌اعتمادی

این مرحله که از زمان تولد تا ۲ سالگی کودک را تشکیل می‌دهد، مرحله‌ی شکل‌گیری امنیت و اعتماد او به دنیا است. اگر والدین قابل اتکاء بوده، رفتارهای همسان و پیش‌بینی‌پذیر داشته باشند، کودک به دنیا و آدم‌ها اعتماد می‌کند، اگر والدین و به‌خصوص مادر، در دسترس نبوده و پاسخگوی نیازهای اولیه‌ی جسمی و عاطفی کودک نباشد، امنیت وی مختل شده، بی‌اعتمادی در او شکل می‌گیرد.

#### مرحله دوم: خودمختاری در برابر شرم و تردید

۲ تا ۴ سالگی کودک، زمان استقلال اوست. او می‌خواهد اراده‌ی خود را امتحان کرده، کارهای زیادی را به تنهایی انجام دهد. اگر والدین و مراقبان کودک به وی فرصت و اجازه دهند «نه» بگویند یا خودش در مورد بعضی کارها تصمیم‌گیری کند و آن‌ها را انجام دهد، در آینده فرد با اراده‌ای خواهد شد. اما اگر محدود شود، به خودش تردید می‌کند و در بزرگسالی دچار وسواس شده، قادر به تصمیم‌گیری و اقدام نخواهد بود.

#### مرحله سوم: ابتکار در برابر احساس گناه

کودک ۴ تا ۶ ساله اهداف و بلند پروازی‌هایی دارد. در این سن آرزو دارد بزرگ که شد آتش‌نشان، معلم، جراح، پلیس و ... شود. کنجکاو است و برای رسیدن به جاه‌طلبی‌هایش دنبال تایید دیگران می‌گردد. اگر به او اجازه دهند بلند پروازی کند و برای این کار تشویق و تاییدش کنند، بزرگ که شود احتمال اقدام در جهت آرزوهایش و پیشروی کردن وجود دارد. اما اگر تایید نشود، دچار آسیب شده و بازداری اتفاق می‌افتد. اینجا علاوه بر پدر و مادر، مربیان مهد کودک و پیش‌دبستان نیز نقش دارند.

#### مرحله چهارم: سخت‌کوشی در برابر احساس

##### حقارت

اینجا کودک ۶ تا ۱۱ ساله است، وارد دبستان شده، در حال آموختن، تمرین کردن و مهارت‌آموزی است. او می‌کوشد ورزش کند، ساز بنوازد و علاقه‌هایش را دنبال کند. با این کارها می‌خواهد احساس شایستگی کند. اگر موفق شود، در آینده فردی خواهد شد که اعتماد به نفس دارد، به‌طور عکس، اگر سخت‌کوشی‌های او تحقیر شود، دچار رکود می‌شود. معلمان،

## مراحل روانی اجتماعی اریکسون

سن	تعارض	رویداد مهم	نتیجه
نوزادی	اعتماد & بی اعتمادی	تغذیه	امید
کودکی	خودمختاری & شرم	آموزش توالت	اراده
پیش دبستانی	ابتکار & حس گناه	بازیگوشی	هدفمندی
دوران مدرسه	سازندگی & حقارت	مدرسه و معلمان	شایستگی
نوجوانی	هویت & سردرگمی	دوستان	وفاداری
جوانی	صمیمیت & انزوا	روابط	عشق
میانسالی	زاینده‌گی & رکود	کار و فرزند پروری	مراقبت
سالمندی	انسجام & ناامیدی	مرور زندگی	خرد

همکاری و پذیرش مسئولیت در جامعه‌ایم؟ آیا می‌توانیم تعهد بدهیم و پای آن بایستیم؟

در حالی که بعضی افراد در سن ۴۰ سالگی و بعد از آن، دست از فعالیت کشیده، کاری برای انجام دادن ندارند، در پارک می‌نشینند، با دوستان خود صحبت و گلایه از گذشته‌ها می‌کنند و شطرنج بازی می‌کنند، از سود خانه یا مغازه‌ای که اجاره داده‌اند گذران زندگی می‌کنند و از دور به فعالان اجتماعی که دستی در کار دارند به بدی نگاه می‌کنند و آن‌ها را به هر چیزی متهم می‌کنند؛ افرادی هم هستند که در این سنین فعالانه فکر می‌کنند، طرح می‌ریزند، آموزش می‌دهند، کارآفرینی می‌کنند و به اندازه‌ی خود در جامعه نقش ایفا کرده و بار از دوش جامعه‌شان برمی‌دارند.

اریکسون عقیده دارد ما در یک مرحله در جا نمی‌زنیم، نیروهای زیستی و اجتماعی، ما را به جلو می‌رانند و سبب می‌شوند تمام مراحل رشد روانی اجتماعی را طی کنیم، اما قطب مثبت یا منفی ما تعیین می‌کند که این مراحل را چگونه طی کرده‌ایم و در نهایت، دوران سالمندی و پایان عمر مشخص می‌کند که چه کرده‌ایم و به کجا رسیده‌ایم.

رضایت داشته باشد، به فلسفه‌ی زندگی دست یافته و به یکپارچگی با خود می‌رسد. اما اگر «ای کاش»ها داشته و از خودش ناراضی باشد، ناامیدی و یأس گریبانش را می‌گیرد.

### شما کجای کار هستید؟

در حال پیدا کردن شریک عاطفی برای رسیدن به صمیمیت هستید یا سپری کردن میانسالی؟ والدی هستید در حال پرورش ابتکار در کودک‌تان یا تحسین سخت کوشی او؟ یا نوجوان سرکشی دارید که با او در طی کردن مرحله‌ی هویت‌یابی‌اش مدارا می‌کنید؟ خانواده‌ای که فرزند جوان خود را به سمت مشارکت در امور جامعه هدایت می‌کند و خودش، الگوی فعالی برای جوان است، یک میانسالی پویا و مولد به فرزند خود هدیه می‌دهد، و یا بالعکس، خانواده‌ای که الگوی انفعال و «به ما چه؟» و «به تو چه؟» به فرزندش ارائه می‌کند، و «ای کاش»های او را در زمان پیری زیاد می‌کند؟ آگاهی خود ما از این مراحل از سن ۲۰ سالگی به بعد است؛ سنین جوانی و میانسالی که برای ساختن روابط اجتماعی خود و جامعه‌مان اهمیت دارند. چقدر دلمان برای جامعه می‌تپد و به فکر ساختن و درست کردن و اصلاح هستیم؟ چقدر اهل



## بازی یا زخم زدن؟

دوریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی

سال‌ها پیش در منزل یکی از دوستان، میزبان برای سرگرم کردن بازی‌ای را پیشنهاد کرد به نام «در گوش». بازی به این صورت بود که نفر اول جمله‌ای را در گوش نفر دوم می‌گفت، بدون آن که بقیه بشنوند. نفر دوم هم آنچه را شنیده بود و یا فکر می‌کرد شنیده است، به نفر سوم می‌گفت و الی آخر. نکته‌ی مهم بازی این بود که هیچ‌یک از بازیکنان نمی‌بایست از نفر قبلی سؤال بپرسد و یا درخواست تکرار مجدد کند. در نهایت، نفر آخر جمله‌ای را که شنیده بود با صدای بلند ادا می‌کرد و از آنجایی که همیشه جمله آخر با جمله اول تفاوت بسیاری داشت باعث خنده و سرگرمی می‌شد.

در بین افراد جوامع مختلف هم چنین بازی‌ای رواج دارد. با این تفاوت که صرفاً جهت سرگرمی نبوده و در بسیاری از موارد حتی می‌تواند آسیب‌زا نیز باشد.

بازی «یک کلاغ - چهل کلاغ» یک بازی روانی<sup>۱</sup> است که در طی آن یک خبر که حتی ممکن است کوچک و کم اهمیت باشد، در جریان انتقال از گوینده‌ها به شنونده‌ها تغییر پیدا کرده و تبدیل به یک خبر بزرگ شده و پیام اصلی آن سهواً تغییر می‌کند. این روند انتقال و تغییر، معمولاً بنا به دلایل زیر رخ می‌دهد:

- بروز خطا در حافظه‌ی گوینده و شنونده.
- تمایل به اغراق در واگویی خبرها.
- تمایل به نمایش دادن این که فرد چقدر اطلاعات بیشتری در اختیار دارد و دیگران ندارند.
- عدم کنترل پرحرفی و واگویی.

اما گاهی برخی پا را فراتر از این حیطه گذاشته و عامدانه خبرسازی می‌کنند: خبری جعلی و یا کاملاً تحریف شده و البته ریاکارانه. این نوع خبرسازی معمولاً با انگیزه‌های سیاسی، تبلیغاتی و یا تخریبی همراه است و در طی آن فرد یا گروهی از افراد، آگاهانه و عامدانه اخبار نادرستی را در جهت رسیدن به اهداف خود و یا تخریب چهره‌ی اجتماعی دیگران ساخته و منتشر می‌کنند.

در جوامع کوچک، از آنجا که تعداد افراد جامعه کمتر است و تقریباً همه یکدیگر را می‌شناسند، حوزه‌های ارتباطی مانند فضای مجازی و یا گردهمایی‌ها مشترک است، بنابراین وجهه‌ی اجتماعی یا آبروی افراد نیز برایشان بسیار مهم است. در نتیجه شایعاتی که به‌ویژه با هدف تخریب وجهه‌ی افراد پخش می‌شود می‌تواند آسیب بیشتری ایجاد کند. فردی که سوژه‌ی این گونه شایعات قرار می‌گیرد، در جامعه‌ی کوچک خودش دچار احساس ناامنی و بی‌اعتمادی نسبت به دیگران شده و ممکن است به مرور زمان از افراد جامعه دوری کرده و حتی نسبت به مسایل آنان بی‌تفاوت گردد.

اما کمی هم پردازیم به ویژگی‌های افرادی که ید طولایی در ساخته و پرداخته کردن شایعات داشته و

در اصل آسیب رسانند.

<sup>۱</sup> بازی‌های روانی الگوهای رفتاری ناسالمی هستند که در ظاهر موجه ولی



اخبار شده‌اند. بنابراین لازم است در اینجا به اختصار به شیوه‌های مقابله‌ای سالم بپردازم:

هنگام مواجهه با اطلاعات و اخبار، حتما منبع خبر را مورد بررسی قرار دهید، آیا گوینده، منبع موثقی در مورد موضوع دارد؟ یا صرفا به جملاتی مانند «کسی که گفته قسمم داده که اسمشو نبرم» یا «منم شنیدم، همه میگن» و جملاتی از این دست بسنده می‌کند.

تحقیق کنید که آیا منابع معتبر دیگر هم آن خبر را تایید می‌کنند.

دقت کنید اگر خبر تصویری است، با استفاده از تکنولوژی دستکاری نشده باشد.

شیوه‌های مذکور مربوط به اخباری است که به نوعی به ما مربوط می‌شوند، مانند اخبار اجتماعی. اما گاهی خبرهایی پخش می‌شود که سوژه‌ی آن‌ها اصلا، قطعا و هرگز ربطی به ما ندارد، مانند مسائل خانوادگی و خصوصی دیگران. در این صورت استفاده از راهکار زیر بسیار مفید است:

به گوینده بگویید که علاقه‌ای به شنیدن این نوع اخبار ندارید و موضوع صحبت را عوض کنید. خبر را بازپخش نکرده و زنجیره‌ی انتشار را قطع کرده و به وظیفه اخلاقی و انسانی خود عمل نمایید، به جای این که ناخواسته با شایعه‌پرداز و خبرساز همکاری کرده و زخم دیگری بر آبرو، شرافت و روان دیگران وارد نمایید.

آگاهانه و عامدانه به قصد فریب افکار و یا تخریب دیگران آن را منتشر می‌کنند:

این افراد معمولا تمایل شدیدی به جلب توجه و یا بودن در مرکز توجه سایرین دارند (بقیه با او تماس می‌گیرند تا از اخبار جدید! با خبر شوند).

تمایل شدیدی دارند که برتری خود را نسبت به دیگران به معرض نمایش بگذارند (با مضمون «همه بد هستند، فقط من خوبم»).

چنین افرادی معمولا توجهی نسبت به رعایت حقوق اخلاقی و انسانی دیگران ندارند (چهارچوب اخلاقی‌شان ضعیف یا حتی بسیار ضعیف است).

معمولا به صداقت در روابط پایبند نیستند (هرچند ممکن است در ظاهر چنین نباشد).

ممکن است مکررا وارد درگیری‌های کلامی و یا حتی فیزیکی شوند.

نسبت به درد و رنج دیگران درک و همدلی ندارند (و چه بسا از این موضوع شادمان هم شوند).

و شاید از همه بدتر: از رفتار آسیب‌رسان خود پشیمان نشده و آن را توجیه می‌کنند (در واقع بحث کردن با آنان حکایت میخ است و سنگ).

نکته‌ی قابل توجه اینجا است که چنین افرادی در ابتدای معاشرت بسیار جذاب و خوش‌مشرب به نظر می‌رسند و واقعا خود را در دل مخاطبین جا می‌کنند، ولی پس از مدتی معاشرت چهره واقعی‌شان نمایان می‌شود.

و اما آنچه که مهم‌تر از شناخت ماهیت و ویژگی‌های شخصیتی شایعه‌پردازان و خبرسازان است، شیوه‌ی مقابله با شایعات و اخبار ساختگی است، چرا که اگر نتوانیم با این نوع اخبار مقابله سالم داشته باشیم ممکن است با پخش آن ناخواسته موجب آسیب‌رسانی به افرادی شویم که سوژه‌ی

## اتاق درمان

طنز شیپورچی

+ درمانگر: خب... برای من تعریف کن مشکل شما چیه عزیزجان؟!

- درمانجو: والا چی بگم خانم دکتر... مشکلات من از خیلی خیلی سال پیش شروع شد.

+ خیلی سال پیش یعنی دقیقا کی؟

- یعنی دقیقا از قبل از زمانی که متولد بشم.

+ وا...! چطور ممکنه آدمی که به دنیا نیامده مشکل داشته باشه؟!

- عرض می کنم خدمتون... ما در یک جامعه‌ی کوچک و در هم تنیده متولد شدیم که در این جامعه همه به همه و کار همدیگه کار دارن. مثلاً قبل از این که من به دنیا بیام، کل جامعه به مامان بابای من گیر دادن که چرا به دنیا نیام. یعنی در واقع می گفتن که یالا دیگه دیر شده باید بچه دار بشین... نکنه خدای نکرده مشکل بارداری دارین...؟! اگه مشکل دارین ما دکترای خیلی خوب سراغ داریم... خلاصه پدر مادر بیچاره ما هم واسه اینکه سوژه‌ی صحبت مردم نشن و بین جامعه خجالت نکنن، علیرغم اینکه نه در آن زمان از شرایط مالی خوبی برخوردار بودن و نه شرایط روحی روانی خوبی برای بچه‌دار شدن داشتن، وسط این همه بدبختی به خاطر حرف مردم اقدام به تولید مثل کردن...

بعد از این که من به دنیا اومدم دوباره به خانواده‌ی من گیر دادن که چرا فقط یه بچه دارید؟ از قدیم گفتن: «یکی یه دونه، خل دیوونه!» می خوانین ما بهتون دکتر خوب معرفی کنیم؟ خانواده‌ی ما هم توی رودروایسی با همین فرمون تا فرزند چهارم پیش رفتن. خلاصه اوضاع و احوال عجیبی داشتیم.

+ عجب...! یه کم برام از شرایط بزرگ شدن و رابطات با پدر و مادرت بگو.

- ما که ننه بابایی ندیدیم درست حسابی... من آبجی کوچیکم بزرگ کردم... آبجی کوچیکم هم آبجی کوچیکتره رو بزرگ کرد. بعدم که داداشم به دنیا اومد سه تایی با هم بزرگش کردیم. منتهی چون جلوی مردم زشت بود، مامانمون به همه می گفت که پرستار خصوصی داریم!

+ تو توی خونه چه حسی داشتی؟

- هیچی دیگه، ما همش فکر این بودیم که چی زشته و چی زشت نیست... درس می خوندم که زشت نباشه... نماز می خوندم که مردم نگن کافره... یاد گرفته بودیم که جلوی همه باید تظاهر کنیم... تظاهر به دینداری، تظاهر به خوشبختی، تظاهر به سیری، تظاهر به این که مامان بابامون با هم خیلی خوبن و هیچ مشکلی ندارن... طفلی مامانم کاپیتان تیم تظاهر کنندگان بود! اون از صبح تا شب وقتشو می گذاشت که به همه چی تظاهر کنه... می فهمی خانم دکتر؟! انگار مسابقه است... انقدر به این پدر بیچاره من فشار آورد که جلوی مردم زشته که ما فلان چیز و بهمان چیز و نداریم که آقام طفلی بدهی بالا آورد و افتاد گوشه زندون... هیچی دیگه بعدش مجبور بودیم تظاهر کنیم که آقامون زندون نیست و واسه کاسبی رفته چاپون!

+ عجب تجربه‌های عجیبی! مگه شما برای بقیه زندگی می کردین؟!

- یه جورایی میشه گفت بله. شما فرض کن یه جا زندگی می کنی که همه همدیگر رو میشناسن... از صبح خروس خون تا بوق سگ گوشی دستشونه و دارن راجع به همدیگه آمار رد و بدل می کنن... خانم دکتر اینجوری که مردم جامعه‌ی ما دنبال آمار هم می گردن، ارتش نازی دنبال آمار نظامی متفقین نبوده...! کی شوهر کرد...؟ کی طلاق گرفت...؟ کی به دنیا اومدم...؟ کی با کی دیده شد...؟ کی با کی به هم زد...؟ کی خونه خرید...؟ کی ورشکست شد...؟ کی خیانت کرد...؟ کی حامله می شه و کی نمی شه...؟! خلاصه که نگم براتون... شما فکر کن تو همچین جامعه‌ای می تونی واسه خودت زندگی کنی؟! نه جونم نه عزیزم، گشتم نبود، نگرد نیست!

+ بد شد که! بعد بگو ببینم شما خودتون هم به این موضوعات اعتقاد داشتید؟ می خوام بدونم چرا اجازه می دادی که بقیه روت تاثیر بزارن؟

- یه جورایی انگار این موضوع در ما نهادینه شده... ملتفتی چی می گم؟ انگار یه چیزی تو سرته که نمی دونی چرا ولی نمی تونی ترکش کنی... چون شما ما می دونستیم غلطه ها! ولی چه کنیم، جامعه اینجوری می خواست.

+ خب یه کم بریم جلوتر... از نوجوانی و جوانیت بگو برام...  
- هیچی دیگه ما تا سر از تخم در آوردیم خواستیم یه کم خودمونو در اجتماع پیدا کنیم و واسه خودمون کسی بشیم، که

سری عده‌ی ثابت و قلیل شرکت می‌کنند... که خب اینا هم او مدن دنبال کیس بگردن، بقیه هم تقریبا هیچی... کارشناسان مذهبی‌مون هم یه چیزایی می‌گن ها، اما نه در جای خوب و نه به اندازه‌ی اونا. معمولا در محل‌های مذهبی سخنرانی می‌کنن که خب به گوش همه نمی‌رسه. بعدش هم به نظر من راهنمایی‌هاشون بین پرحرفی‌ها و سخنرانی‌های کلی‌شون گم می‌شه، چون این جور بحث‌ها تک و توک بین یک عالمه درس دین و احکام مطرح میشه، در حالی که باید منسجم‌تر و پر رنگ‌تر باشه.

+ نهاد دیگری ندارین؟

- چرا... انجمن کلیمیان!

+ اون چی؟ کاری انجام نمیده؟

- نه دیگه اون کارهای مهم‌تری داره!!!!!!

+ شماها معمولا چه جور جاهایی دور هم جمع می‌شید؟

- والا چند جا بیشتر نیست... یا توی کنیسا هستیم که بیشترش به عبادت کردن می‌گذره... یا توی جشن و عروسی باید همدیگر رو ببینیم که خب اونجا هم باید بیشتر حواسمون به این باشه که از عکس و فیلم گرفتن و پخش کردن عقب نیفتیم... یه چند تا گروه تو فضای مجازی هم داریم که اونجا با هویت جعلی به هم فحش می‌دیم... همدیگر رو فالو می‌کنیم که بهتر بشه فضولی کنیم... دنبال آرامش و آسایش هم که باشیم می‌ریم رستوران‌های مخصوص خودمون!

+ آرامش؟ مگه رستوران‌ها تون خیلی آرومه؟

- آره دیگه. انقدر بی سر و صدا و آروم که اغلب از سکوت خوابمون می‌بره!

+ دروغ که نمی‌گی؟

- نه جون شما... ما از این لحاظ از فرهنگ و ادب پیشرفته‌ای برخورداریم ... بچه‌ها رو که نگم براتون، خیلی ساکت و آروم در رستوران می‌شینن کنار پدر و مادرشون و جیک نمی‌زنن ..... بزرگ‌ترها هم در نهایت سکوت و آرامش از غذاشون لذت می‌برن!

+ عجب!... خب برای امروز وقت ما تمومه... باقی‌ش باشه

برای جلسه‌های بعدی...

ادامه دارد...

تصمیم‌گیری گروهی و دستجمعی مردم برای زندگی‌مون شروع شد... پس کی می‌خوای ازدواج کنی؟... داری پیر می‌شی... دست بجنبون... هر جا می‌دیدن ما رو گیر می‌دادن که یالا دیگه باید زن بگیری... چون شما ما اصلا تو نخش نبودیم... نمی‌دونستیم زن رو با چه ز ای می‌نویسن! خلاصه تا اومدیم به خودمون بجنبیم دیدیم از ترس فشار جامعه یه زن و دو تا بچه گذاشتن تو دامنمون... خانم دکتر تازه من مرد بودم که تا بیست و شش سالگی تونستم مقاومت کنم... اگه دختر بودم که فاتح‌هام تو همون بیست سالگی خونده شده بود... مگه می‌شه مقاومت کرد؟ بمیرم برای آبجی دومی‌ام، تو بیست و سه سالگی از ترس حرف مردم که نگن بهش عیب و ایرادت چیه که شوهر نکردی خونه نشین شده...!

+ از شرایط آشنایی و انتخاب همسرت برام بگو...

- انتخاب که والا چه انتخابی. برای ما گزینه‌ی چندانی برای انتخاب وجود نداره. یه جورایی از همون بچگی تکلیفت معلومه... از بین ده بیست تا کیسی که هم سنت هستن، یکیشو باید انتخاب کنی. خلاصه که کار به معیار و شرایط و این سوسول بازی‌ها نمی‌رسه آبجی... ما هم یکی مثل همه، مثل نمون، مثل بابامون، تا بوده همین بوده... اما خب اینم بگم با توجه به این که مورد خیلی کمه، رقابت زیاده... آشفته بازاریه! شما فرض کن که رقابت بر سر مورد بهتر از بدو تولد شروع می‌شه. مثلا خانواده‌هایی که دختر زیاد دارن میرن و می‌چسبن به اونا که پسر دارن و خب قطعاً این وسط هر کی بیشتر دستش به دهنش برسه، بیشتر بهش می‌چسبن... اونایی که پسر دارن و اوضاع مالی‌شون تعریف چندانی نداره، می‌چسبن به خانواده‌ی دختر پولدارا. خلاصه نگم براتون، این وسط برای پیشرفت خودشون و در کردن رقبا از میدون از هیچ تلاشی فرو گذار نمی‌کنن... خلاصه که این وسط مسطاً یه میوه از پایین درخت نصیب ما شد. آخه بالا بالایی‌ها رو از ما بهترن چیده بودن!

+ ای بابا من فکر می‌کنم که نه فقط شما بلکه کل جامعه‌تون نیاز به مشاوره دارن... ببینم برای فرهنگ‌سازی و آموزش و اصلاح این رفتارهای خطا، بزرگان و مسئولان جامعه‌ی شما چیکار کردن؟

- والا خبر خیلی خاصی نیست. چند تا سازمان داریم که تک و توک برنامه‌های مشاوره و روانشناسی میدارن که یک



## تغذیه‌ی سالم در شبات

مژده یمینیان

دیشب، شب شبات<sup>۱</sup> بود...

دیروز بعد از ظهر، در شرایطی وارد خونه شدم که فضای خونه از بوی خوش انواع غذاها اشباع شده بود، بوی خورش قورمه سبزی که از داخل کوچه هم حس می شد، بوی آبگوشت و...

و البته کله پاچه.

کله پاچه‌ای که برای صبح شبات، داشت آرام آرام روی گاز پخته می شد تا همراه با تخم مرغ‌های شباتی و بادمجون و گوجه‌های سرخ شده، کلی به میز شبات صفا بده... من هم که بعد از یک هفته کار و تلاش سخت، انتظار شبات رو می کشیدم، به این فکر می کردم که خدا رو شکر که در هفته، روز شبات وجود داره که در این روز، به جسم و جان و ذهنمون استراحت بدیم.

با عجله، برای شبات آماده شدم و برای خواندن تفیلا<sup>۲</sup>، عازم کنیسا شدم...

در راه برگشت از کنیسا، چون ناهار نخورده بودم و به شدت احساس گرسنگی می کردم، به غذاهای خوشمزه‌ای که همسرم برای شبات تدارک دیده بود، فکر می کردم...

بالاخره سر میزی که همسرم با سلیقه زیاد برای شب شبات چیده بود، نشستیم. بعد از گفتن براخای یابین<sup>۳</sup> و به دنبال آن سایر براخاها و خوردن ماهی سرخ شده و کیک و شیرینی و چند عدد میوه، نوبت به براخای هموصی<sup>۴</sup> با نان خَلا<sup>۵</sup> و صرف شام رسید.

برای شام در ابتدا یک بشقاب آبگوشت به همراه چند عدد گندی<sup>۶</sup> با نون سنگک و سبزی خوردن خوردم و با این که سیر شده بودم، چون قورمه سبزی هم داشتیم، نتونستم از خوردنش صرف نظر کنم. با خودم فکر کردم، من که امروز ناهار نخوردم،

پس می‌تونم یک بشقاب چلو خورش قورمه سبزی هم بخورم و البته که نتونستم از خوردن ته‌دیگ چرب و خوشمزه هم در کنار قورمه سبزی، منصرف بشم...

بعد از شام هم که همه‌ی ما ایرونی‌ها، عادت به مصرف چای داریم که البته به هضم غذا کمک می‌کنه. تصمیم گرفتم که چای رو بدون قند بخورم و به جای قند، چند عدد کشمش و خرما خوردم که قند طبیعی دارند. چون شبات بود و کاری نداشتم، خیلی زود خوابیدم تا صبح زود برای رفتن به کنیسا، به راحتی بیدار بشم.

امروز صبح زود، با بوی کله پاچه‌ای که همسرم از دیروز، روی گاز گذاشته بود تا به آرامی برای صبحانه‌ی شبات آماده بشه، از خواب بیدار شدم و برای رفتن به کنیسا و خواندن تفیلا صبح شبات آماده شدم.

فاصله‌ی منزل تا کنیسا را به سرعت پیمودم و بعد از ورود به کنیسا از گل‌های زیبایی که روی میشکان<sup>۷</sup> قرار گرفته بود، متوجه شدم که امروز شبات عروسی هست و در کنیسا عروس و داماد داریم. خیلی خوشحال شدم، برای عروس و داماد، آرزوی خوشبختی کردم و در همون لحظه تصمیم گرفتم که با توجه به بالا بودن قند و چربی خونم و پرخوری دیشب، امروز در کنیسا نقل و شیرینی عروسی نخورم. اما به محض این که نقل و شیرینی را به من تعارف کردند، به صورت غیرارادی با گفتن مبارک باشه، دو عدد شیرینی مکزیکی برداشتم و با صدای بلند براخا گفتم و مشغول خوردن شدم. داشتم با خودم

<sup>۱</sup> شبته

<sup>۲</sup> نمز

<sup>۳</sup> یکی از غذاهای خاص یهودیان

<sup>۴</sup> آب انگور

<sup>۵</sup> به معنای محل حضور یا سکنی گزیدن است و محل ادای نماز توسط پیش نماز در کنیسا است.

<sup>۶</sup> دغای شکرانه که قبل از مصرف نان خوانده می‌شود



رفتم، چون شب‌ات روز منو<sup>۱۱</sup> است و باید کاملا استراحت می‌کردم.

چند ساعتی به خواب عمیق فرو رفتم، اما با احساس دل درد، بیدار شدم. دل دردم را با همسرم مطرح کردم و او تشخیص داد، با خوردن کله پاچه و آبغوره، سردیم شده، بنابراین با پیشنهاد همسرم برای رفع دل درد، یک لیوان چای نبات غلیظ خوردم.

بعد از مدتی دل دردم بهتر شد و مشغول خواندن تهیلیم<sup>۱۲</sup> شدم و بقیه زمان رو با بازی تخت نرد و مصرف میوه و تخمه، سپری کردم تا این که زمان ناهار فرا رسید. شب‌ات بود و ناهار، کمی دیرتر از روزهای عادی هفته صرف می‌شد و چون لازم بود که در شب‌ات، سه وعده غذای اصلی صرف بشه، سر میز ناهار نشستیم ...

\*\*\*

معمولا با توجه به قداست و ارزش روز شب‌ات برای یهودیان، اکثر خانواده‌ها، از یک یا دو روز قبل از فرا رسیدن شب‌ات، با نظافت منزل و پخت و پز غذاهای مخصوص و ... برای این روز مقدس، آماده می‌شوند و بانوان یهودی، سعی می‌کنند، با پختن غذاهای خاص، هر چه بیشتر به سعودای<sup>۱۳</sup> شب و روز شب‌ات رونق ببخشند.

به عنوان مثال در ایران، معمولا برای صبح شب‌ات غذاهایی نظیر شوربای شب‌اتی، حلیم، کله پاچه، خوراک لوبیا، تخم مرغ شب‌اتی به همراه سیب زمینی آب پز، بادمجان، کدو و گوجه سرخ شده، دلمه، سالاد الویه و ... در نظر گرفته می‌شود

فکر می‌کردم که من امروز تصمیم گرفته بودم که در کنیسا شیرینی نخورم که با صدای بفرمایید، از حال خودم خارج شدم، فردی با یک جعبه شیرینی مقابلم ایستاده بود... همین که به خودم اومدم، متوجه شدم، مشغول جویدن سومین شیرینی هستم، خب شیرینی زایمان بود و باید با ذکر دعای خیر می‌خوردم.

بعد از چند دقیقه به شدت احساس تشنگی کردم، قطعا با این تشنگی، توانایی ادامه تفیلا رو نداشتم، خواستم برای آب خوردن، لحظه‌ای از کنیسا خارج بشم که متوجه شدم، خانواده-ی عروس و داماد، مشغول پذیرایی با ساندیس هستند. بنابراین، چون خیلی تشنه بودم، به جای آب، دو تا ساندیس خوردم. خلاصه، بعد از پایان تفیلا، قدم زنون به سمت منزل حرکت کردم و در حالی که نم نم بارون صورتم رو نوازش می‌داد، فکر کردم که چقدر خوردن کله پاچه با هوای بارونی، دلچسبه... به منزل رسیدم، حالا نوبت صرف صبحانه بود. بعد از گفتن برآخا<sup>۸</sup>های لازم در کنار خانواده، یک بشقاب پر از کله پاچه کشیدم و با دو تا تخم مرغ شب‌اتی<sup>۹</sup> و مقداری بادمجون سرخ شده، همراه با نون سنگک و سبزی خوردن، خوردم و چون خیلی کله پاچه دوست دارم، وسوسه شده بودم تا یک بشقاب دیگه هم بخورم، اما از غذا خوردن دست کشیدم.

می‌خواستم نوارخ<sup>۱۰</sup> بخونم، اما همسرم که متوجه شده بود که من برخلاف میلیم از ادامه غذا خوردن منصرف شده‌ام، گفت عیبی نداره، امروز شب‌اته، یک بشقاب دیگه هم بخور و اگر از بالا بودن چربی خونت می‌ترسی، بعدش یک استکان آبغوره بخور، چربی غذا رو می‌شوره می‌بره ...

من که منتظر بهانه برای خوردن بیشتر کله پاچه بودم، یک بشقاب دیگه هم خوردم و به دنبالش یک استکان آبغوره.

بعد از خواندن نوارخ، پلک‌هام سنگین شده بود و بعد از صبحانه سنگینی که خورده بودم، به شدت احساس خواب آلودگی می‌کردم و چون صبح زود از خواب بیدار شده بودم، مستقیم سمت تخت‌خواب رفتم و فوری به خواب عمیق فرو

<sup>۸</sup> دعا

<sup>۹</sup> تخم مرغ‌هایی که به منظور شب‌ات به یک روش خاص پخته می‌شود.

<sup>۱۰</sup> بیرکت همزون: دعای شکرانه پس از صرف غذا با نان

<sup>۱۱</sup> استراحت

<sup>۱۲</sup> مزامیر داوود

<sup>۱۳</sup> وعده غذایی

معمولا در شرایط طبیعی، در راستای اضافه وزن و چاقی، مشکلات از زمانی آغاز می‌شود که کالری دریافتی روزانه و یا در طول هفته، بیشتر از نیاز باشد و فعالیت فیزیکی مناسبی هم برای سوخت آن انجام نشود. گاهی اوقات هم در کالری دریافتی، تغییری صورت نمی‌گیرد، اما به علت عدم فعالیت فیزیکی مناسب و ... به مرور زمان اضافه وزن و چاقی که مادر بسیاری از بیماری‌ها است، ایجاد می‌شود.

تغذیه سالم و فعالیت بدنی مناسب در سنین مختلف و در تمام شرایط، می‌تواند به پیشگیری و بهبود بسیاری از بیماری‌ها کمک کند و تغذیه ناسالم مخصوصا در شرایط بیماری، می‌تواند به وخیم‌تر شدن آن بیماری کمک کند.

متاسفانه، تغذیه‌ی بعضی از افراد در شب‌ها، به گونه‌ای است که رژیم غذایی سالمی ندارند و شاید کالری دریافتی آن‌ها، از کالری مورد نیاز دو روز، بیشتر باشد. این موضوع، مخصوصا برای افرادی که اضافه وزن دارند و چاق هستند و یا مبتلا به سایر اختلالات متابولیکی نظیر دیابت، هایپرلیپیدمی یا افزایش چربی خون و ... هستند، حائز اهمیت است. همچنین ممنوعیت انجام کار در شب‌ها هم باعث کاهش متابولیسم می‌شود که با ریزه‌خواری‌هایی که در نتیجه‌ی افزایش ساعات بیکاری در شب‌ها صورت می‌گیرد، باعث به هم خوردن تعادل کالری دریافتی و کالری مصرفی در شب‌ها می‌شود.

در ادامه، جهت برخورداری از تغذیه‌ی سالم در شب‌ها و حفظ سلامتی و پیشگیری از بیماری‌ها، راهکارهایی ارائه می‌دهم:

- ۱- دقت کنید که قبل از طبخ غذا، تمام چربی‌های مری را از گوشت قرمز و مرغ جدا کنید.
- ۲- دقت کنید برای طبخ غذا، تا حد امکان روغن کمتری مصرف کنید و تا حد امکان، از مصرف غذاهای سرخ شده، پرهیزید. به عنوان مثال می‌توانید ماهی آب‌پز را جایگزین ماهی سرخ شده کنید.
- ۳- مصرف غذاهایی نظیر کله پاچه را به حداکثر یک بار در ماه، محدود کنید و افرادی که دچار اختلالات متابولیکی هستند، باید به این محدودیت، اهمیت بیشتری بدهند.
- ۴- برای پخت خالا، از آرد سبوس‌دار استفاده کنید و تا حد امکان از اضافه کردن شکر به آن خودداری کنید.

که انتخاب و طبخ غذاها در هر خانواده، با توجه به فرهنگ و آداب و رسم‌های که سینه به سینه انتقال می‌یابد، فرق می‌کند. اما همواره این سوال مطرح است که آیا در شب و روز شب‌ها، افراد از تغذیه سالمی برخوردار هستند؟

پاسخ این سوال به شرایط خانوادگی و فردی برمی‌گردد و این که هر فرد در طول شب‌ها، چه ماده‌ی غذایی و چه مقدار مصرف کند و شیوه‌ی طبخ غذاها به چه صورت باشد. متاسفانه گروهی از افراد، با استناد به این مطلب که شب‌ها روز استراحت است و به خاطر تقدس شب‌ها، باید علاوه بر عدم انجام فعالیت‌های ممنوعه و اختصاص دادن زمان به عبادت و استراحت، به غذا خوردن هم اهمیت داد، با افراط در مصرف غذا و کاهش فعالیت، سلامتی خود را در معرض خطر قرار می‌دهند.

هر ماده‌ی غذایی با توجه به نوع و میزان مصرف، کالری خاصی دارد و کالری دریافتی ما در شبانه روز، از مجموع کالری مواد غذایی که در شبانه روز مصرف کرده‌ایم، حاصل می‌شود. هر فردی با توجه به سن، جنسیت، میزان فعالیت و شرایط خاص فیزیولوژیکی، به مقدار مشخصی کالری نیاز دارد و یک برنامه‌ی غذایی صحیح، ضمن تامین کالری، پروتئین، چربی و کربوهیدرات در حد نیاز، می‌تواند سایر مواد مغذی لازم را هم برای بدن، جهت حفظ سلامتی و قرارگرفتن وزن در محدوده سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها، تامین نماید.

اگر میزان کالری دریافتی یک فرد، در طول روز و در طول هفته، از کالری‌ای که برای انجام فعالیت‌های ارادی و عملکردهای غیر ارادی، مصرف می‌کند، بیشتر باشد، مازاد آن به صورت چربی، در بدن ذخیره می‌شود و به مرور زمان منجر به اضافه وزن و چاقی می‌شود.

در افرادی که وزن ایده‌آل دارند، معمولا بین کالری دریافتی از طریق مواد غذایی و کالری مصرفی بدنشان، تعادل وجود دارد. به عنوان مثال، اگر فردی در طول شبانه روز، ۱۸۰۰ کالری نیاز داشته باشد، اگر در یک روز در هفته، ۲۰۰۰ کالری دریافت کند و در یک روز دیگر، ۲۰۰ کالری کمتر از نیازش، یعنی ۱۶۰۰ کالری دریافت کند، کالری دریافتی‌اش در طول هفته متعادل است. همچنین، می‌توانیم به هم خوردن کالری دریافتی در یک روز را با تغییر میزان فعالیت، جبران کنیم.



ندارد، مخصوصا اگر مسافت منزل تا کنیسا، کم باشد.  
۱۴- در صورت استفاده از یک رژیم غذایی خاص در طول هفته، با توجه به تغییر شرایط در روز شبات، برای تنظیم رژیم غذایی شبات، از مشاور تغذیه خود کمک بگیرید.

۱۵- در صورت داشتن اضافه وزن، بشقاب خود را از غذا پر نکنید و سعی کنید، آن مقدار غذا را به آهستگی و با آرامش میل کنید. غذا خوردن با عجله، باعث وقفه در ارسال سیگنال‌های سیری به مغز و مصرف بیشتر غذا می‌شود. بنابراین بهتر است برای مصرف مقدار مشخص غذا حداقل بیست دقیقه، وقت بگذارید.

۱۶- سعی کنید زمان کمتری را به نشستن سر میز شبات اختصاص دهید و بعد از مصرف مقدار مشخص غذا، بلافاصله نوارخ گفته و میز را ترک کنید. هرچه بیشتر سر میز شبات بنشینید، امکان مصرف بیشتر مواد غذایی، زیادتر است.

۱۷- به مقدار کافی آب بنوشید، چون تشنگی، باعث ایجاد گرسنگی کاذب و ریزه‌خواری و مصرف نوشیدنی‌های شیرین می‌شود.

۱۸- در صورت داشتن اضافه وزن، تنوع غذایی را در شبات کم کنید، چون تنوع غذاها به طور ناخودآگاه، شما را به سمت مصرف بیشتر سوق می‌دهد.

۱۹- در صورتی که اضافه وزن دارید و به هر دلیلی در روز شبات، پرخوری کردید، سعی کنید، کالری دریافتی اضافی در شبات را در روزهای بعد، با دریافت کمتر مواد غذایی و افزایش فعالیت جبران کنید.

و سخن پایانی،

**احترام به قداست شبات، مجوزی برای پرخوری نیست.**

۵- با توجه به این که خیلی از افراد، برای این که شب شبات، اشتهای کامل داشته باشند، از مصرف ناهار در روز جمعه خودداری می‌کنند، بهتر است در روز جمعه حتما حتی به مقدار کم، ناهار بخورید تا منجر به ریزه‌خواری در طول روز و پرخوری در شب شبات نشود.

۶- بهتر است، با توجه به لزوم براخای هموصی و مصرف مقدار مشخصی نان، برنج کمتری مصرف کنید.

۷- در کنار وعده‌های غذایی، سالاد و سبزی خوردن مصرف کنید و اگر اضافه وزن دارید، سالاد را بدون هرگونه سس، قبل از غذا میل کنید.

۸- با توجه به این که بعضی افراد در کنار غذای شبات، عادت به مصرف نوشابه دارند، بهتر است تا حد امکان، مصرف نوشابه حتی از نوع زیرو را به حداقل برسانید و به جای آن آب طعم‌دار و یا شربت‌های رقیق خانگی مصرف کنید.

۹- صبح شبات، در صورت مصرف نقل و شیرینی و نوشیدنی‌های حاوی قند در کنیسا، صبحانه‌ی سبک‌تری مصرف کنید.

۱۰- در صورت مصرف صبحانه‌ی سنگین، ناهار سبک‌تری میل کنید.

۱۱- از خوابیدن بلافاصله بعد از صرف غذا، خودداری کنید.

۱۲- در نظر داشته باشید، مصرف زیاد میوه هم می‌تواند در طول زمان، باعث اضافه وزن و چاقی شود، بنابراین، برای مصرف میوه هم حدی در نظر بگیرید.

۱۳- سعی کنید در طول روز شبات، حتما پیاده‌روی داشته باشید و دقت کنید پیاده‌روی در فاصله‌ی منزل تا کنیسا و بالعکس، با سرعت کم و در حال گپ زدن با دوستان و همراهان، تاثیری در کاهش وزن و جبران کالری‌های دریافتی



## زن « اِشْتِ حَئِيلِ »<sup>۱</sup>

لنا دانیالی

می‌خواستم به عادت روایت‌های قبل توضیح و مقدمه‌ای هم بر این روایت بنویسم، اما یادم آمد شما خودتان حتما حداقل با یک زن «اِشْتِ حَئِيلِ» زندگی کرده‌اید و از زبان خودش هر چه باید را شنیده‌اید، هر چه من بگویم اضافه خواهد بود.

\*\*\*

آقا رحمت که حالا دیگر مویی سپید کرده و صاحب داماد و نوه شده بود، همه‌ی لذت‌اش از زندگی این بود که همه‌ی خانواده‌اش شب شبات (شنبه) دور هم جمع شوند و حتما شبات شاد و گرمی داشته باشند. او دیگر آن تر و فرزی گذشته را نداشت، پاهایش کمی سست و پشتش کمی خمیده شده بود و تند که راه می‌رفت به نفس نفس می‌افتاد. با این حال صبح پنج‌شنبه زودتر از همیشه شال و کلاه می‌کرد تا از زیر بازارچه-ی حسن‌آباد خرید شبات را بکند و بی آن که تاخیر داشته باشد به دکان برسد و کسبش کساد نشود. آخر می‌دانید، مشتری اول صبح ملک است و نباید از دستش داد. اما آقا رحمت تنها نبود، وقتی رسید باقی هم پالکی‌هایش را هم دید که یکی مشغول برچیدن بادمجان و یکی دیگر در کار گوجه‌فرنگی بود. آقا رحمت چشمش به چغندرهای افتاد که حالا که هوا سرد شده بود جان می‌داد برای به‌شیره. خلاصه کارش به زیر بازارچه ختم نشد و برای تهیه‌ی به، سری هم به میوه‌فروشی زد. وقتی به خانه رسید چنان دست پر آمده بود که مجبور شد چند بار پله‌ها را بالا و پایین برود. بالاخره شب شبات تفصیلات خودش را داشت و مهمان هم داشت و نباید چیزی کم می‌آمد.

بارها را که بر در خانه رساند همسرش که زنی اِشْتِ حَئِيلِ بود مشغول ورز دادن آرد حَلّای<sup>۲</sup> شبات بود تا برای استراحت کنار بگذارد. آقا رحمت سلام و علیکی کرد و گفت خیلی دیرش شده و زودتر باید برود و در دکان را باز کند و این که دلش خیلی هوس به‌شیره کرده. زن اِشْتِ حَئِيلِ هم خدا قوتی گفت و مشغول جادادن میوه‌ها و صیفی‌جات و مقدمات کارهای

شبات، مثل پاک کردن و خرد کردن سبزی‌ها، نظافت منزل و... شد.

زن اِشْتِ حَئِيلِ از صبح جمعه ماهی‌تابه را بی‌روغن روی گاز گذاشت تا داغ شود. حالا را که خوب استراحت کرده بود کف ماهی‌تابه‌ی داغ زد و بعد از آن در ماهی‌تابه روغن ریخت و کدو و بادمجان‌ها را سرخ کرد و با گوجه و پیاز و فلفل دلمه دم کرد. کمی از پوست بادمجان‌ها و پیازهای سرخ‌شده را به همراه دو چوب دارچین در آب تخم مرغ‌های شباتی گذاشت تا خوب رنگ بدهد و برای صبح شبات جلوه کند. سه تا ماهی برای براخا<sup>۳</sup>ی اول سفره سرخ کرد و رسید به غذای رسمی شب شبات که دامادش هم خیلی دوست داشت: قورمه سبزی. گرچه بعد از حِکَا<sup>۴</sup>، خونی در گوشت باقی نمی‌ماند، زن اِشْتِ حَئِيلِ با آب غلیظه زخم گوشت‌ها را گرفت، با پیاز و زردچوبه تفت داد و سبزی‌های تازه نیم تفت خورده و لوبیاهای خیسانده و لیمو عمانی‌ها اضافه کرد. زیاد سرخ کردن سبزی قورمه را دوست نداشت چون اعتقاد داشت ویتامین‌های سبزی را از بین می‌برد. حالا نوبت به‌شیره بود، برای صبح شبات، مرغ و پیاز را تفت داد، به‌ها و چغندرهای در حبه‌های درشت خرد کرد، خرماها را هسته گرفت و با کشمش و آلوچه دست هم داد تا خوب بپزند و با آب غل بخورند.

از ظهر گذشته دیگر کم‌کم سر و کله‌ی آقا رحمت و پسر کوچک‌ترش پیدا می‌شد. آقا رحمت سر راه دو دسته گل نرگس

<sup>۲</sup> دعا

<sup>۴</sup> کاشر کردن گوشت (آماده سازی طبق احکام شرعی)

<sup>۱</sup> اِشْتِ حَئِيلِ: زن صالحه، همسری شایسته؛ نقل از امثال سلیمان فصل ۳۱

آیه ۱۰

<sup>۲</sup> نان مخصوص شبات

کسی را در دعای شبات از قلم انداخته یا چه چیزی را یادش رفته طلب کند. بعد به خودش فکر کرد، رفت جلوی آینه. با این که چین و چروکی به صورتش افتاده بود هنوز زیبا بود، در چشمان روشن خودش خیره شد، دستی به سر و رویش کشید و روسری را از سر برداشت. به موهای فندقی رنگش که هنوز تر بود شانه‌ای کشید و با آن گیره نقره‌ای که از آقا رحمت هدیه گرفته بود یک طرف موهایش را کمی تاب داد و بالاتر بست. هنوز کار فراوان مانده بود، برنج را در پلوپز برقی نریخته، میوه‌ها را نشسته و نچیده، کاسه‌های آجیل و اسباب پذیرایی را فراهم نکرده و از همه مهم‌تر یائین<sup>۹</sup> و پیاله را نیاورده بود. مشغول همین کارها بود که دخترش از راه رسید. یائیل زودتر از کنیسا آمده تا بتواند کمی کمک کند. یائیل خیلی زبر و زرنگ است، در چشم به هم زدنی کار را تمام می‌کند و دیگر کم و کسری برای پذیرایی نیست.

آقا رحمت و ایگال و دامادش یوناتان و نوه‌ها موشه و مائور همه با هم می‌رسند، خانه پر از شور و نشاط می‌شود، بچه‌ها از راه نرسیده سراغ کیک می‌روند، و آقا رحمت مشغول چشم غره رفتن به آنهاست. زن اشتهیل با دیدن نوه‌هایش گل از گلش می‌شکند و قند توی دلش آب می‌شود. سرآغاز ضیافت شبات خودش یک کتاب است. با سرود «شالم علیخیم<sup>۱۰</sup>» آغاز می‌شود. خانواده یک صدا مثل یک دسته گروه کر، سرود را اجرا می‌کنند. زن‌ها گاهی صدایشان را زیرتر می‌کنند و مردها بهم‌تر. ایگال هم با نوای سرود روی میز ضرب می‌گیرد، مشه هنوز شالم علیخیم تمام نشده بانگ برمی‌دارد که یائین یائین، اما آقا رحمت تا غزل «اِشْت حَئِيل» را در مراسم نخواند سراغ یائین نمی‌رود. بعد جام را پر و لبریز می‌کند چنان که چند قطره‌ای در پیاله نقره‌ای که زیر جام است سر ریز می‌شود و سکه یک تومانی شاه عباسی را تر می‌کند. بعد از تعارف بسیار با دامادش برای خواندن «پراخا»<sup>۱۱</sup> خودش آغاز می‌کند:

آبدار هم برای براخای «عیسبه بسامیم<sup>۵</sup>» گرفته بود و به خانه آمده بود. زن اشتهیل از غذاهای باقی مانده هفته، خوان مزخرفی<sup>۶</sup> پیده بود. دور هم ناهار متنوعی خوردند، آقا رحمت در جمع و جور کردن سفره کمک کرد و ایگال، پسرشان، سالاد خوشمزه‌ای که به آن لقب سالاد سرآشپز داده بود برای شب آماده کرد. مردها یکی‌یکی آماده شدند تا به حمام بروند، پیراهن‌های تمیز و اتو شده‌شان را پوشیدند و راهی کنیسا شدند. زمستان بود و زود زمان حلول شبات می‌شد و از خانه‌شان تا کنیسای «کتر داوید» پیاده بیست دقیقه‌ای راه بود.

زن اشتهیل مشغول پختن کیک می‌شد که با شکر و آرد و تخم مرغ و روغن و به جای شیر<sup>۷</sup> با آب پرتقال پخته می‌شد، کیک را که در فر جا داد نوبت جمع و جور کردن آشپزخانه و شستن ظروف و... بود، خیلی عجله داشت چون به وقت آغاز شبات چیزی نمانده بود و خودش هنوز حمام نرفته بود، سبزی به‌شیره را اضافه نکرده بود، شعله گازها را تنظیم نکرده بود و کیک هم هنوز از فر در نیامده بود. اما بالاخره به موقع و حمام رفته، پای شمع‌های شبات رسید، روسری سفیدش را که دور تا دورش خامه دوزی شده بود سرش کرد، نفس عمیقی از عمق جانش کشید و با صدای رسا سه بار گفت: «شبات شالم<sup>۸</sup>، شبات شالم، شبات شالم.» و براخای شمع را گفت. دعاهایش در کنار روشنایی شمع تمامی نداشت از صلح جهانی آغاز می‌کرد و یکی یکی نام آشنایان و همسایه‌ها دوستان و اقوام را می‌گفت و برایشان طلب تن‌درستی و شادی می‌کرد و تا به نام «ایگال» می‌رسید اشک در چشمش جمع می‌شد، دستان گره کرده‌اش را در هم می‌فشرد و می‌گفت: «خدایا یه قسمت خوب حواله پسر من کن، کسی که لیاقتش را داشته باشد، کسی که مثل خودش این‌قدر خوش‌قلب و مهربان باشه.»

بعد انگار که یک دو مارتن را پشت سر گذاشته باشد یک پیاله چای برای خودش ریخت و با یک برش کیک از خودش پذیرایی کرد و در آرامش قبل از رسیدن مهمان‌ها کنار نور شمع‌های شبات باز کمی فکرهايش را با خود مرور کرد که چه

<sup>۵</sup> עֲשֵׂבֵי בְּשָׁמִים: دعای شکرانه بر گیاهان خوشبو

<sup>۶</sup> مزخرف در لغت به معنی رنگارنگ است.

<sup>۷</sup> خوردن شیر و گوشت با هم غیر کاشر است.

<sup>۸</sup> سلام بر شبته

<sup>۹</sup> آب انگور

<sup>۱۰</sup> سلام بر شما ای فرشتگان الهی...

<sup>۱۱</sup> دعا

## نامه‌ی بی نقطه

رحمن دل‌رحیم

سرور گرامی! در ماه غسل کلامم دائم دعا دارم که سرکار و همگی در کمک الله واحد و ده احکام که موسی در کوه طور سوی ما آورد، سالک و سالم و داور دادار (الله واحد) عمری طولدار حدود صد و ده سال عطا دهد. ملا موسی والد مکرم صد و ده ساله و دووراه مکرمه‌ی صد ساله‌ی سرکار، عمو روح الله، عمه راحل و دایی مراد و دایی عطاالله همسرها و اولادهای همگی حی و سالم و عموماً دعاگوی سرکار والسلام.

کادوی مرا حاوی گل معطر محمدی، گل داوودی و گل لاله و... سوی کسی که مراسله ما را مطالعه (مسامعه) کرده اهدا می‌دارم.

\*\*\*

عمومی گرامی در مورد احوال مادرم و گلودرد و سردرد او و کارم و کارهای اولادم که سوال کرده‌ای اطلاع دهم: امسال مادری گوهر گلو را عمل کرد و طی عمل حاد او دوام آورد. کمک دوا و مرهم و در حدود صد سکه طلا مداوا و الحمدلله حال او سالم و احساس آرامی و آسودگی کامل دارد.

\*\*\*

در مورد کارم که در مراسله اصرار کرده‌ای: مسلماً اطلاع داری که عمری در حدود سی و سه سال در کار معلمی سر کرده‌ام و در مدرسه ملی «راه موسی» در کلاس سوم که سی محصل عالی و سه محصل کاهل در دروس دارد سرگرمم. و اما عمو داوود گرامی در مورد کارم که سوال کرده‌ای: کارم حاد و در سر کلاس که می‌روم و علوم درس می‌دهم سر و صداهای محصل‌ها مرا هلاک کرده و سرم را درد می‌آورد. سعی دارم کارم همواره کم گردد و الحمدلله سود و درآمد در هر ماه حدود صد و سی و سه دلار

«میزمور لداوید»<sup>۱۲</sup> و به «سوری مارانان»<sup>۱۳</sup> که می‌رسد همه لخییم<sup>۱۴</sup> می‌گویند و بعد از گفتن «آمین»<sup>۱۵</sup>، آقا رحمت پیاله یائین را پر تر می‌کند، کمی از جام می‌چشد و آن را از دست راست به دامادش و مردها می‌دهد و پیاله را از دست چپ به همسر و دخترش می‌سپارد.

نوبت هموصی<sup>۱۶</sup> بر حلالهای تر و تازه و بوییدن نرگس‌هاست و ماهی‌ها هم در نوبت‌اند تا براخای (برکت) شب شبات را بیشتر کنند و بعد دیگر شکم‌چرانی آزاد است. همچنان که به خوردن ماهی‌ها که خیلی خوشمزه شده ادامه می‌دهند گلویی هم تر می‌کنند. پیش‌غذا میوه و آجیل است و البته ذکر وقایع و شنیده‌های کنیسا اعم از اخبار ازدواج و خرید ملک و دعوی تازه‌ای که بین راشل خوشگله و عروسش که با هم همسایه هستند به پا شده، تا کیفیت بد غذاهای رستوران کشروت<sup>۱۷</sup> و قیمت‌های گرانش و این که اجاره‌ی مغازه‌های مجتمع فرهنگی رفاهی چند است و به جیب کدام انجمن می‌رود و .... غذای اصلی هم در کنار گفتگو از سیاست جهان و تورم سر به فلک کشیده و اینکه هایپر مارکت سر جوواره نوشابه را ۵۰۰ ریال از همه جا ارزان‌تر می‌دهد و خیلی به درد پذیرایی‌های کنیسایی می‌خورد و ... صرف می‌شود و البته همه از سالاد سرآشپز تعریف می‌کنند و به ایگال پیشنهاد می‌شود که اگر خودش یک آشپزخانه بزند و فقط سالاد سرو کند هم نانش در روغن است. در آخر آقا یوناتان شروع به خواندن نوارخ<sup>۱۸</sup> می‌کند. نوارخ آن قدر طولانی است که تا سفره جمع شود و چای و کیک برسد هنوز ادامه دارد. زن اشت‌حئیل در چای‌ها نبات انداخته تا کسی سردی‌اش نشود و با صرف چای و کیک بحث داغ هلاخا<sup>۱۹</sup>‌های جدید کاشر بودن همه جور سس و خیارشور و این که یهودیت اصیل چیست بالا می‌گیرد. به همه خوش می‌گذرد.

موقع خداحافظی آقا رحمت به دختر دامادش می‌گوید برای صبح شبات دیر نکنید، به‌شیره داریم.

<sup>۱۶</sup> دعای شکرانه‌ی نان

<sup>۱۷</sup> نام رستوران کاشر (حلال)

<sup>۱۸</sup> دعای شکرانه‌ی پایان سفره

<sup>۱۹</sup> احکام شرعی

<sup>۱۲</sup> فصل ۲۳ از مزامیر داوود که با آیه‌ی «خداوند شبان من است» آغاز می‌شود.

<sup>۱۳</sup> به معنی با اجازه سروران

<sup>۱۴</sup> به معنی برای زندگی یا به سلامتی

<sup>۱۵</sup> آمین

## خنده کن

رحمن دلرحیم

گر که پیری یا جوانی خنده کن  
غم مخور در زندگانی خنده کن

هر که بینی هست آخر رفتنی  
پس بر این دنیای فانی خنده کن

از پس از نود سال گر شد مثل من  
قامت آخر کمانی خنده کن

خنده بر هر درد بی‌درمان دواست  
زین جهت تا می‌توانی خنده کن

خنده‌رو باش چون «دکتر سامه‌یح»  
گشته محبوب محبوبان خنده کن

گر «آبائی» انداخت اشعار دل‌رحیم  
توی سطل باطله، تو خنده کن

این دو روز عمر را خواهی اگر  
خوش و راحت بگذرانی خنده کن

می‌گردد. و دگر معمولاً عصرها در کلاس درس «هاراو اوریل داوودی» که مردی الهی، آگاه، مصمم، مردم‌دار و آدمی موحد کاملاً عالم مطلع و مسلط در علم «گمارا» (داروی آرام روح) مطالعه دارم که در کار معلمی سواد کامل حاصله گردد که هم کمکی در کارم حاصل و هم راهی راه الله واحد گردم که آسودگی و آرامی روح در دو عالم دارد.

\*\*\*

و در مورد کار همسرم روحی: او هم در حدود ده سال در اداره راه سراسری کار کرد ولی دو سه اولادی که آورد کاملاً اداره را ول کرد و الحمدلله حالا او سرحال و در حد کمال در کار همسری و اولادداری سرگرم و آسودگی کامل دارد و کم‌درد او هم اصولاً همراه کمک دواهای معمولی و اساسی و اطعام ساده سرد و گرم، عسل، کره، حلوا، ماهی، دل، گردو، کدو، هلو، کاهو و گل کلم همراه کمی آرد مداوا و در هر حال او حالا کاملاً سالم و اصلاً وهم و دلهره و واهمه روا مدار.

\*\*\*

و حالا اطلاعی در مورد کارهای اولادم که سوال کرده‌ای: هر کدام کاری دارد: الی ولد اولی عکس داود ولد وسطی آدمی عادل، کم‌رو ولی مصمم در هر کاری، در آمل سرگرم معماری، گادی ولد دومی مردی هالوی، معصوم، وسواس، کم حوصله در گمرک در محلی که کالاها صادر و وارد می‌گردد، مامور وصول سکه سر و کار دارد و سامی ولد سومی در ساری در امور سوداگری و هم در اداره آگاهی کار دارد. عاموس و مراد هم دو همکار و هم مسلک. دلاور ماهر در هر کاری در دهکده‌ای در لار در موسسه‌ای که اسم او «ارسطو» رسماً مسئول و عهده‌دار سهام‌های سراسری و لوی هم که آدمی کم‌دل و هالوی ساده لوح در کلاس دوره دو ساله معلمی در اداره «اوصر» در حال مطالعه علمی و عملی و سعی دارد سواد الهی کامل حاصل او گردد. سارا هم در کلاس‌های مددکاری، طراحی، گل‌آرایی سال دوم در اراک سرگرمی دارد. و اما رامی کودک ده ساله ام اوه اوه اوه. او همگی ما را هلاک کرده، سری در سرها درآورده، ادای هر آدمی را در می‌آورد و در هر کار هر کسی عکس‌العمل الکی ارائه می‌دهد. سر و صدای رسای ارگ و عود و سرود او و داد و هوار سرسام‌آور و های هوی کودکی وی دمار ما را درآورده (الله واحد کمک و مدد ما و اهالی محل رسد). در مورد کارها و اعمال او درد دلی دارم و امسال هم او اراده کرده که درس را ادامه دهد و اول مهر ماه در کلاس سوم در مدرسه «راه موسی» که سی و سه همکلاسی دارد آماده‌ی درس گردد.

## محبت

مژده یمینیان

محبت و مهر سرآغاز آشنایی‌هاست  
گر شدی آشنا دوستی بی‌محبت اداست

محبت حاصل پیوند دل و دل‌هاست  
با محبت در هر مکانی صلح و صفاست

محبت و مهرورزی نشانی از سخاست  
کرم و همدلی پایه‌ی مهر و وفاست

عشق و محبت مایه‌ی جوشش دل است  
اگر که نجوشد دلی سرریزش ریاست

پرتاب گل مهر بر دل یاران رواست  
کنه دو رنگی‌ها با دریغش برملاست

بر دل پرکین نور محبت چون جلاست  
گردد بی‌ریا آن دل کینه‌اش بر فناست

محبت نمادی ز دل‌های شیشه‌ای‌ست  
گر کدر گردد شیشه درونش ناپیداست

محبت برون‌کننده‌ی سرمای دل‌هاست  
گر برون رود سرما جایگزینش گرماست

انسان با محبت بر هر دردی دواست  
در هر زمان و مکان رد پایش برجاست

بدان «مژده» محبت واژه‌ای پرمعناست  
گرش نباشد جوابی نثارش خطاست

## امید

شرگان انورزاده

در دنیای واژگان، کلمات، دریایی از احساسات مختلف در خود دارند.

مثبت یا منفی، راحت یا ناراحت، خوشحال یا غمگین و هر آن چه که بیان‌گر حالات و افکار ماست، با در هم آمیختن واژگان، بیان می‌شود.

اما در بین تمام واژگان، واژه‌ای که به تنهایی، بار بسیاری از احساسات و آرزوهای ما را به دوش می‌کشد و بیان‌گر احساسات و عواطف و آرزوهای ماست، واژه‌ی «امید» است.

امید است که به زندگی ما، معنا و مفهوم می‌بخشد. امید است که به تخیلات ما پیوند می‌خورد و دنیای شیرین آرزوهای ما را البته با تلاش، به حقیقت می‌پیوندد.

ما با امید زندگی می‌کنیم، هر لحظه و در تمام زندگی. امید، حالمان را خوب یا حداقل، بهتر می‌کند.

وقتی درمانده و پریشان حالیم، امید به خدا حالمان را بهتر می‌کند.

ما با امید، کلی نقشه‌های زیبا در ذهنمان می‌کشیم و رویاهای زیبا می‌بافیم و با تلاش، به حقیقت تبدیلش می‌کنیم.

اگر امید نباشد، دنیا، دنیای زیبایی نمی‌شود.

اگر امید نباشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

اگر امید نباشد، دنیا، رنگارنگ نیست.

خاکستری است. آب راکد است.

جوش و خروش نیست. پویایی نیست.

امید، به تکامل می‌رساند.

امید، رسیدن آب گوارا، به تشنه‌ای در اوج تشنگی است.

ما، با امید، لبخند می‌زنیم، سپس می‌خندیم، با صدای بلند.

با امید، گام بر می‌داریم، آرام و سپس تند.

ما با امید، هدف‌گذاری می‌کنیم، در فرمان و سپس با عمل.

امید، سرابی است که اگر ناپدید شود، همه از تشنگی خواهیم سوخت.

ما با امید، زندگی می‌کنیم، همیشه و همیشه، تا دنیا، دنیااست.



## نقش قانون

### در پیشرفت جوامع مدرن

امیر فراز نعیموت  
وکیل دادگستری

بدون ضمانت اجرای قانونی، اساساً دفاع از حقوق مالکیت در جامعه بی‌معنا و غیر قابل دسترس می‌گردد و پیشرفت اقتصادی در جامعه‌ای که در آن حقوق مالکیت از طرف قانون حمایت نمی‌گردد غیر ممکن و محال است. اقتصاددانان بر این باورند که اطمینان از اجرای قراردادها و حمایت از مالکیت خصوصی، پیش‌شرط سرمایه‌گذاری، نوآوری و توسعه اقتصادی است. فارغ از جنبه‌ی تئوریک در عمل نیز می‌دانیم که سرمایه‌ی نیاز به حفظ و حراست قانونی دارد. تجربه‌ی کشورهای موفق در حیطه اقتصاد نیز موید این مهم است که قانون‌گذاری دقیق در حوزه مالکیت و قراردادها مسیر پیشرفت اقتصادی را هموار می‌سازد.

#### ۳- نقش قانون در تضمین استقلال دستگاه قضایی

وجود دستگاه قضایی مستقل از سیاست و قدرت‌های اقتصادی، از ارکان اصلی یک جامعه‌ی مدرن است. وجود قانونی که استقلال قوه قضاییه را تضمین نماید، امکان تحقق عدالت و کاهش فساد را فراهم آورده و حافظ حقوق و منافع افراد می‌باشد. اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به یک سیستم قضایی سالم، از دلایل اصلی در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در علم حقوق و علوم سیاسی به این موضوع «اصل تفکیک قوا» اطلاق می‌گردد که در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی کشور نیز این اصل به رسمیت شناخته شده است.

#### ۴- قانون به مثابه ابزار تغییر اجتماعی

قانون‌گذار می‌تواند با تصویب قوانین مترقی، سبب تغییرات اجتماعی بنیادی گردد. نمونه‌های متعددی در تاریخ وجود دارد که نشان می‌دهد قانون می‌تواند در تغییر ارزش‌های نامناسب فرهنگی و تقویت عدالت اجتماعی نقشی تعیین‌کننده ایفا نماید. همانند قوانین برابری جنسیتی در اروپا که سبب برخورداری همه‌ی اقشار از حقوق اجتماعی برابر گردید و همچنین قوانین ضد برده‌داری. همچنین یک قانون مترقی و مدرن می‌تواند مسیر تاریخی یک کشور را دچار تغییر نماید و سرآغاز تحولات بنیادین گردد، مانند «قانون اساسی مشروطه»

قانون به عنوان ستون اصلی جوامع بشری، نقش اساسی در سامان‌دهی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایفا می‌نماید و به‌طور کلی در تک‌تک مسائل فردی و اجتماعی جوامع تأثیر گذاری مستقیم دارد. به گواه تاریخ هیچ جامعه‌ای بدون نظام حقوقی منسجم قادر به تحقق عدالت، توسعه پایدار و رشد اقتصادی نیست. در جوامع مدرن، قانون نه تنها به عنوان ابزاری برای کنترل رفتار فردی عمل می‌کند بلکه به عنوان ساز و کاری برای حفاظت از حقوق شهروندان، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و تضمین آزادی‌های اساسی شناخته می‌شود. همان‌گونه که قانون جامع و کارآمد ریشه‌ی تحقق تمام آرمان‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه می‌باشد، به همان اندازه نیز قانون ناکارآمد سبب از بین رفتن امنیت اجتماعی و تضییع حقوق اساسی شهروندان از جمله حقوق مالکیت فردی و حقوق اولیه بشری می‌گردد که در این صورت رشد و توسعه اجتماعی عملاً نامیسر است. از این رو بررسی نقش قانون در پیشرفت جوامع مدرن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند روشنگر این باشد که چطور کشورهایی با نظام حقوقی پایدار و عادلانه، رشد سریع‌تری نسبت به جوامعی با ساختار قانونی ضعیف یا ناکارآمد تجربه کردند. در این مقاله به‌طور مختصر عناوین مؤثر نقش قانون در پیشرفت جوامع مدرن را بررسی می‌نماییم.

#### ۱- قانون به عنوان ابزار حفظ نظم در اجتماع

یکی از مهم‌ترین کارکردهای قانون در جامعه، ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج است. قانون یک کشور با تعیین چهارچوب‌های روشن برای روابط فردی و اجتماعی، حافظ امنیت و آرامش شهروندان یک جامعه می‌باشد. به گفته‌ی جامعه‌شناسان این نظم اجتماعی در گام اول باعث کاهش تعارضات اجتماعی شده و سپس اعتماد و اقبال عمومی به ساختارهای حکومتی را نیز افزایش می‌دهد.

#### ۲- نقش قانون در تضمین حقوق مالکیت افراد و ضمانت

##### اجرای ایفای تعهدات قراردادی

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کاربردهای قانون که یکی از ریشه‌ای‌ترین اسباب پیشرفت اقتصادی جوامع بشری را فراهم می‌آورد نقش آن در حراست از «حقوق مالکیت فردی» است.

## تبیین سوبه‌های الهیاتی کاشر و حلال در سنت یهودی و اسلامی

جلسه‌ی دفاع از رساله‌ی دکتری فهیمه اشعری در رشته‌ی مطالعات تطبیقی ادیان - گرایش الهیات مسیحی با عنوان «تبیین سوبه‌های الهیاتی کاشر و حلال در سنت یهودی و اسلامی» با راهنمای اول دکتر مه‌راب صادق نیا و راهنمای دوم دکتر محمدمتقی انصاری‌پور و اساتید داور حاخام دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار و دکتر حسین رجیبی و دکتر بهروز حدادی، اسفندماه ۱۴۰۳ در سالن شهید بهشتی دانشگاه ادیان و مذاهب قم برگزار شد.

رساله‌ی حاضر مسأله‌ای زیستی و روزمره انسانی را در حوزه دو دین یهودیت و اسلام از منظر دقیق‌تری نگاه کرده است. از آنجا که دو دین یهودیت و اسلام دین توحیدی و کاملاً شریعت‌گرا هستند به این معنا که کتاب‌های مقدس آنها آکنده از دستورات کاربردی و عملی برای زندگی روزمره است، احکام زیادی را در موضوعات مختلف برای ملتزمان خود وضع کرده و این روزمره‌های زندگی را با روش مخصوص خود رنگ دینی داده است. در یهودیت و اسلام، در میان این احکام، قوانینی در خصوص خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها وجود دارد. مفاهیمی همچون کاشر و شحیطا، به مثابه مصداقی برای غذای کاشر، در یهودیت؛ و حلال و ذبح، به مثابه مصداقی برای غذای حلال، در اسلام؛ در خصوص خوراکی‌های مجاز و نحوه دست‌یابی به غذای پاک به کار می‌روند. این احکام اگرچه برای سلامت جسم و روح بیان شده‌اند، تنها معطوف به این جنبه یا جنبه‌های دیگر نبوده و دارای سوبه‌های الهیاتی هستند. مسأله‌ی این رساله یافتن سوبه‌های الهیاتی و تلاش برای تبیین آنها بوده است. دست‌آورد این پژوهش این بود که هدف از تشریح احکام خوراکی‌ها و باید و نبایدها در مسأله خوردن و آشامیدن خصوصاً شحیطا و ذبح، فراتر از سلامت و بهداشت بدن و حتی مسائل اخلاقی و معنوی بوده و منظوری الهیاتی در آن نهفته است. به این معنا که داشتن مسلکی دینی در خوردن و تهیه خوراکی‌ها از جمله گوشت حیوان، بنابر آنچه که به صورت قانون در این دو دین ضروری شده، بخصوص لزوم یادکرد نام خدا در آداب شحیطا و ذبح، با توجه به رایج بودن قربانی‌گزاری در سنت‌های خدایان‌پرستی در پیشینه‌ی بشر، گویای تمرکز بر باور توحیدی و نفی خدایان‌پرستی و به طور جد به رسمیت نشناختن نظام اعتقادی و عملی غیرخدا‌باور است. سوبه مهم الهیاتی دیگر این است که قدرت انحصاری حیاتبخشی و سلب حیات در قلمرو اراده خدا است و از آنجا که حیات جانداران وابسته به دمیدن حیات از جانب خدا و دارای حرمت است بنابراین انسان هیچ‌گونه حق تعرض به حیات موجودات زنده را ندارد مگر اینکه این اجازه از جانب خدا به او تفویض شده باشد و احکام شحیطا و ذبح در سنت یهودی و اسلامی گویای این تفویض در حدودی مشخص است.

در دوره‌ی قاجار که به عنوان یک جهش اجتماعی در تاریخ ایران ثبت گردیده است.

### ۵- ابعاد بین‌المللی قانون و توسعه

در دنیای امروزی با فراگیری مبادلات و ارتباطات گسترده جهانی، لزوم هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی بیش از پیش به چشم می‌خورد. کشوری که هماهنگی بیشتری با قواعد حقوق بین‌المللی دارد محیط امن‌تری برای سرمایه‌گذاران خارجی به حساب آمده و بستر مناسبی را جهت پذیرش سرمایه‌های خارجی فراهم می‌آورد و می‌تواند از مزایای تجارت جهانی بهره‌مند گردد که این مهم خود به تنهایی می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین قدم‌ها در راه پیشرفت و توسعه اقتصادی تلقی گردد. البته این امر دور از ذهن نیست که یک کشور بر اساس فرهنگ و باورهای اجتماعی و سیاست‌های کلان خود جهت پیوستن به قواعد بین‌المللی اقدام نماید و صد البته که حفظ نظم عمومی کشور ایجاب می‌نماید که قواعد بین‌المللی مورد پذیرش، با قانون جاری در کشور در تضاد و تناقض نباشد.

### ۶- نقش حاکمیت در حفاظت از قانون

مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش حاکمیت، حفاظت از قانون آن کشور است و در کلیه‌ی جوامع مدرن، قوای دولتی به عنوان ضامن اجرای تعهدات و حافظ حقوق افراد شناخته می‌شود و اجرای صحیح قانون بدون حمایت و نظارت دولت امکان پذیر نیست. دولت‌ها وظیفه دارند اجرای بی‌طرفانه‌ی قانون را فراهم کرده و در برابر نقض قانون ایستادگی کنند و با ایجاد نهادهای نظارتی و انتظامی بستر حفاظت از حقوق شهروندان و تحقق عدالت اجتماعی را مهیا سازند. صد البته که دولت به عنوان حامی اصلی قانون بیش از همه خود را ملزم و پایبند به قانون کشور می‌داند، چرا که دولت‌ها به عنوان الگوی اجرای قانون شناخته شده و نقض قانون از سوی ایشان سبب تضعیف اعتماد عمومی و اساس توسعه پایدار می‌گردد.

**نتیجه‌گیری:** قانون، موتور پیشرفت جوامع مدرن است. این نهاد اجتماعی با ایجاد نظم، تضمین حقوق مالکیت، حمایت از قراردادهای، استقلال قضایی، و ایفای نقش تغییر اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌شود. با این حال، تحقق این اهداف تنها زمانی ممکن است که اولاً دستگاه قانون‌گذاری با شناخت دقیق نیازهای اجتماعی و اساسی یک کشور اقدام به وضع قوانین کارآمد نماید؛ و ثانیاً دولت‌ها نقش خود را به‌عنوان پاسدار قانون ایفا کنند و بی‌طرفانه بر اجرای آن نظارت داشته باشند. بنابراین، می‌توان گفت که بدون وجود قوانین عادلانه و حمایت مؤثر دولت از آنها، پیشرفت واقعی جوامع مدرن دست‌نیافتنی خواهد بود.

## نقاشی از هنر تا درمان

مصاحبه با داوران ۳ دوره مسابقات نقاشی

کودکان و نوجوانان کلیمی ایران

الهام مودب

خوشبختانه در سال دوم و سوم تعداد شرکت به حد چشمگیری افزایش یافت و از شهرهای رفسنجان و کرمانشاه هم شرکت کننده داشتیم. گرچه دستاوردهای خوبی داشتیم ولی هنوز تا اهداف نهایی فاصله زیادی داریم. امیدوارم هدف برخی از شرکت کنندگان و خانواده ها در مسابقات بعدی بسیار فراتر از دریافت جایزه و مقام‌آوری باشد.

در ادامه مصاحبه با داوران مسابقه هیلدا نجات حییم و مژده یمینیان تقدیم می‌شود:

\*\*\*

### • ملاک شما برای داوری مسابقات چه بود؟

**مژده یمینیان:** در درجه اول برای ما خلاقیت کودکان مهم بود. به طوری که بچه‌ها کپی کاری نکرده باشند و نقاشی آن‌ها زاینده‌ی فکر و ذهن خودشان باشد. از دیگر معیارهای ما، رعایت اصول نقاشی و ترکیب‌بندی مناسب چه از لحاظ فرم و چه از لحاظ ترکیب‌بندی رنگی بود.

از دیگر معیارهای مد نظر ما، عدم وجود فضای خالی بالاتکلیف در نقاشی‌ها بود، البته فضای خالی هدفمند در جهت ایجاد ترکیب‌بندی مناسب، ایرادی ندارد. در بعضی کارها به پرسپکتیو توجه شده بود که برای ما خیلی ارزش داشت. در بعضی کارها هم از جهت کشیدن خطوط و رنگ‌گذاری، جسارت وجود داشت و بعضی از بچه‌ها بدون اطلاع از اصول نقاشی به صورت فطری، کمپوزیسیون (ترکیب‌بندی) رنگی گرم یا سرد مناسبی را به وجود آورده بودند که برای ما قابل تحسین بود.

**هیلدا نجات حییم:** خلاقیت شخصی کودک و نوجوان، عدم استفاده از فضای مجازی و کپی‌کاری، حوصله و دقت در اجرا، مجاله نبودن کاغذ، استفاده از تکنیک‌های متنوع و ترکیب آنها (میکس مدیا)، شیوه استفاده از رنگ‌ها و نوع رنگ‌آمیزی هم از موارد دیگر است.

### • چگونه می‌توان خلاقیت را در کودکان پرورش داد؟

**یمینیان:** خلاقیت، توان آفریدن و خلق کردن چیزی نو است که در هر زمینه‌ای از انجام کارهای روزمره گرفته تا خلق آثار هنری مانند نقاشی، موسیقی، عکاسی، شعر، رقص و ...

«امیدوارم روزی شاهد حضور نقاشی و تصویرگری کودکان و نوجوانان جامعه در گالری‌ها و نمایشگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی باشیم و اسامی آنان در بین برندگان مسابقات داخلی و خارجی باشد».

با دیدن آثار تصویرگری کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» در خانه هنرمندان در شهریور ۱۴۰۱ آرزوی فوق از ذهنم گذشت و جرقه‌ای شد تا طرح نخستین دوره‌ی مسابقه نقاشی کلیمیان ایران را در کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان ایران مطرح کنم.

خوشبختانه با حمایت دکتر سلیمان کهن صدق، رئیس وقت کمیته‌ی فرهنگی انجمن و با همکاری بی‌دریغ و بدون چشمداشت مادی هنرمندان جامعه هیلدا نجات حییم و مژده یمینیان و همکاران انجمن، افسانه دانیالی، مردخای امین شموئلیان، یورام خارونیان و همکاری پریسا خالپری مسابقه برگزار شد. با وجود محدودیت شبکه‌های اجتماعی در سال اول شرکت کنندگانی از تهران، اصفهان و شیراز داشتیم. ایلن میثائیلیان که در زمان برگزاری جشن تحویل جوایز سال دوم به مدیریت کمیته فرهنگی رسید، در تدارک هدایا و برگزاری جشن مسابقه همکاری کرد. در سال سوم طی جلسه ایشان با داوران مسابقه هیلدا نجات حییم و مژده یمینیان، اینجانب و پریسا خالپری، موضوعات مسابقه و سایر موارد برگزاری تصمیم‌گیری شد. ایلن میثاعلیان اجرای مسابقه و جشن اهدای جوایز را انجام داد. لئا دانیالی و بیژن خاکشور در برگزاری جشن اهدای جوایز مسابقات اصفهان و مصاحبه با شرکت کنندگان اصفهان و تهیه فیلم آن ما را یاری دادند. از همکاری مدیریت و هیئت مدیره انجمن در فراهم کردن بستر مناسب برگزاری مسابقات سپاسگزارم.

می‌تواند وجود داشته باشد.

برای ایجاد خلاقیت در کودکان می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد. یکی از راه‌های افزایش خلاقیت کودکان، بازدید آن‌ها از نمایشگاه‌های نقاشی، عکاسی، مجسمه‌سازی و شرکت در کنسرت‌های موسیقی و ... است تا در درجه اول از لحاظ دیداری و شنوایی با هنر آشنا شوند و ارتباط برقرار کنند (گرچه استفاده از دیگر حواس هم در ایجاد خلاقیت موثر هست). مورد بعد در اختیار قرار دادن ابزار هست، مثلاً می‌توانیم مواد ساده‌ای مانند حبوبات، کاموا، تراشه‌های مداد، تکه‌های کاغذ و مقوا و ... را در اختیار کودکان قرار دهیم و از آنها بخواهیم با این مواد چیزی نو به وجود بیاورند.

برای ایجاد خلاقیت در کودکان فقط در اختیار قرار دادن ابزار مناسب کافی نیست، بلکه از جهت روانی هم باید حس اعتماد به نفس را در کودکان تقویت کنیم و به موقع آن‌ها را تشویق کنیم. از آن‌ها بخواهیم در مورد نقاشی‌شان توضیح بدهند و با دقت به توضیحات‌شان گوش دهیم. می‌توانیم برای ایجاد اعتماد به نفس نقاشی فرزندان را روی در یخچال یا دیوار منزل نصب کنیم. یکی از ایرادهایی که من می‌توانم از بعضی از والدین بگیرم این است که معمولاً موقع نقاشی کشیدن، بچه‌ها را به سمت سبک رئالیسم (واقع‌گرایی) هدایت می‌کنند و با انتظارات بی‌جای خود اعتماد به نفس بچه‌ها را تضعیف می‌کنند. در صورتی که در نقاشی هم مانند سایر هنرها، سبک‌های مختلفی وجود دارد هر فردی با توجه به استعداد و علاقه خود به سمت یک یا چند سبک گرایش پیدا می‌کند و پیدا کردن استعداد بر عهده استاد نقاشی است.

ممکن است انجام نقاشی با کثیف‌کاری همراه باشد. والدین باید به جای سرزنش، لباس و زیرانداز مناسب در اختیار کودکان قرار دهند تا بتوانند آزادانه و بدون ترس از غرغر والدین، به کار خود ادامه دهند. به نظر من خلاقیت وقتی شکوفا می‌شود که عامل ترس و محدودیت از بین برود. حتی می‌توان از بچه‌ها خواست که به جای استفاده از قلم مواز انگشتانشان برای ایجاد طرح استفاده کنند.

یکی دیگر از راهکارهای ایجاد خلاقیت در کودکان، مشورت با آن‌ها در چیدمان میز غذاخوری، دکوراسیون اتاق

خواب‌شان، ست کردن لباس‌شان و ... است.

**نجات حییم:** اگر موقعیت و مکان همیشگی را عوض کنیم، اتفاقات جالبی را در نقاشی کودک شاهد خواهیم بود. می‌توان از پارک، طبیعت، شهربازی، موزه‌ها و گالری‌های هنری برای ایجاد موقعیتی جدید برای نقاشی کودک استفاده کرد. کودک در مواجهه با فضاهای جدید آثار متفاوت و جدیدی نقاشی خواهد کرد. بهتر است والدین، خواهران و برادران در نقاشی کودک دخالت زیادی نداشته باشند. نقاشی کودک زبان مستقلی برای ارتباط و تعامل است. هر کودک زبان خاص خود را می‌آفریند. پس بهتر که به جای دخل و تصرف، به او در تکامل و شفاف‌سازی زبانش کمک کنیم. اینترنت، اینستاگرام، فضاهای مجازی و انیمیشن‌ها می‌توانند خطری جدی برای عدم رشد و شکوفایی هنر کودک به ویژه نقاشی به حساب بیایند. به جای رجوع به آن‌ها می‌توان به کودک موضوعات جدید پیشنهاد کرد تا به زبان خود نقاشی بکشد.

• **خانم نجات حییم، به تغییر محیط اشاره کردید، شرکت جمعی کودکان با شما و مادران در باغ موزه قصر در سال ۱۴۰۱ چگونه به افزایش خلاقیت کمک کرد؟**

**نجات حییم:** ممنون از پیشنهاد شما برای برگزاری کارگاه نقاشی طبیعت. چون مکان عوض شده بود، کودکان در مورد آن سوال می‌کردند. مدت زمانی با هم در مورد آنچه که بر روی زمین، زیرزمین، بالای درختان و آسمان‌ها وجود دارد صحبت کردیم. پوست و فرم درخت و شاخه آن‌ها، رنگ‌های گوناگون در درخت‌های متفاوت اطراف‌مان را مورد بررسی و مشاهده عینی قرار دادیم. کلیشه‌های همیشگی رنگ و فرم را کنار گذاشتیم و به عینیات توجه کردیم. به عنوان مثال با بچه‌ها درختی را پیدا کردیم که تنه و شاخه‌های آن سبز بود. در نتیجه کودک بر آن شد که خوب دیدن را یاد بگیرد. بعد از این تجربه - ی کوتاه، با من و دوستان‌شان تعامل می‌کردند و به مادرشان توضیح می‌دادند که چه دیدند و از کلیشه‌ی همیشگی بیرون آمده بودند. سپس درباره آنچه «نمی‌بینیم» صحبت کردیم. آنچه زیر زمین «وجود خارجی» دارد اما در دسترس ما نیست. از بچه‌ها خواستم آنچه گمان می‌کنند زیر زمین وجود داشته باشد را نام ببرند. همین پرسش را در ارتباط با فضای بالای

شیوه، فرم و رنگ‌های جدید باعث می‌شود تا کودک با دیدی جدید به دنیای اطراف بنگرد و نتایجی جدید را روی کاغذ نقاشی کند. در نهایت با این بازی‌ها در نقاشی به شکوفایی و خلاقیت می‌رسد.

• **با توجه به موضوع اعیاد روش هسانا و پسخ در مسابقه، تنوع در آثار کم بود. بیشتر دوره‌می‌های خانواده در شب اعیاد دیده می‌شد، خانواده‌ها چگونه می‌توانند این تنوع را گسترش دهند؟**

**نجات حییم:** به نظر من والدین از کودک پرس و جو کنند تا او را از کلیشه‌های همیشگی دور کنند. برای مثال پارسال در پسخ چه دیدی؟ چه پخته شده بود؟ روز قبل از پسخ و روش هسانا و دو روز اول و دوم در کنیسا چه خبر بود و چه دیدی؟ چرا دو شب آخر پسخ را جشن می‌گیریم؟ در بدیقا (وارسی کردن خانه از عاری بودن مواد حامص) چه دیدی؟ چه نظری داری؟ امسال برای مراسم پسخ چه کار کنیم؟ در نماز پسخ چه چیز جدیدی یاد گرفت؟

**یمینیان:** ضمن تایید نظرات خانم نجات حییم می‌توانیم در مورد چیدمان براخاها (خوراکی‌های روی میز در شب عید پسخ، از کودکان کمک بگیریم تا توجه‌شان بیشتر جلب شود و دیدی عمیق نسبت به مواد روی میز پیدا کنند. مثلا در مورد مراسم «دینو» (در شب عید پسخ) و پیازچه‌های روی میز با بچه‌ها صحبت کنیم. هدف از انجام تک تک براخاها را برای کودکان توضیح دهیم و نگاه آن‌ها را از کل به سمت جزء و تک تک مواد روی میز به عنوان یک عنصر نقاشی، معطوف کنیم.

• **به نظر شما دستاورد مسابقه چه بود؟**

**یمینیان:** تا جایی که من اطلاع دارم، تا کنون در جامعه‌ی ما، مسابقه‌ای نظیر این، به صورت یک طرح سراسری در کل کشور، برای کودکان و نوجوانان جامعه کلیمی برگزار نشده بود. مسابقه نقاشی دستاوردهای زیادی داشت، اولین دستاورد آن اگر بخواهیم به صورت اجتماعی بررسی کنیم، تعامل تهران با شهرستان‌ها بود و از دستاوردهای فردی آن ایجاد انگیزه و حس رقابت مثبت در بچه‌ها بود. همچنین این مسابقه به استعدادیابی در کودکان و نوجوانان کمک کرد تا بهتر بتوانند

سر یا همان آسمان مطرح کردم و کودکان یاد گرفتند آن‌چه را نمی‌بینند، تصور و نقاشی کنند. ما حتی درباره‌ی تکنیک و نوع استفاده از مدادرنگی‌ها هم صحبت کردیم، حتی کسانی که مداد رنگی کمی داشتند، آموختند که با یک مداد می‌توان حداقل چندین رنگ و کنتراست ایجاد کرد.

در نهایت بزرگترین دستاورد این کارگاه چند ساعته، جسارت و خلاقیتی شد که کودکان با دور ریختن ترس و کلیشه‌ها در نقاشی به آن رسیدند.

• **چه موضوعاتی برای افزایش خلاقیت بهتر است؟**

**یمینیان:** برای کودکان هر موضوعی در چهارچوب سن‌شان، می‌تواند برای ایجاد خلاقیت موثر باشد. چون ذهنیت کودکان با بزرگسالان متفاوت است. کودکان می‌توانند از هر چیزی، از یک فنجان و مسواک گرفته تا طبیعت و ... برای خودشان فانتزی درست بکنند و به آن‌ها بپردازند. ذهن کودکان مانند ما بزرگسالان ترمز و کنترل ندارد و چون به اصولی کشیدن نقاشی، درست یا غلط و قضاوت فکر نمی‌کنند، تصویرهای خلاقانه را به وجود می‌آورند. باقی راه برعهده والدین و اساتید نقاشی است که به نقاشی‌های کودک جهت دهند و نکات تقویت کنند.

در مورد نوجوانان هم بهتر است با فراگیری اصول پایه شروع کنند. هر موضوعی با توجه به علاقه‌شان می‌تواند باعث شکوفایی خلاقیت شود.

**نجات حییم:** ساده‌ترین اشیا اطراف، می‌تواند یک موضوع خوب برای نقاشی باشد. مهم چگونگی روایت و بازتعریف آن شی برای کودک است. او در ابتدا باید «خوب دیدن» را فرا گیرد و سپس هر شیء، وسایل و ابزار، هر مکان و موقعیت، هر انسان، گیاه و حیوان برای او موضوعی جذاب برای نقاشی خواهد شد. صحبت و گفتگوی والدین یا مربی با کودک اثر به‌سزایی در روند پیشرفت نقاشی کودک در موضوع‌ها دارد. والدین یا مربی بهتر است با سوال‌های متفاوت و گفتگو درباره یک موضوع ساده، کودک را به خوب دیدن و تصویرسازی در ذهن وادار کنند.

رنگ‌شناسی و تکنیک‌های متفاوت نیز در این امر تاثیر به‌سزایی دارد. دوری از کلیشه‌ها و بازتعریف فضای اطراف به

کودک توانایی تصویرسازی و نقاشی آنچه در ذهن دارد را می‌تواند ارتقا دهد.

**یمنیان:** ضمن تایید مواردی که خانم نجات حئیم فرمودند، به نظر من والدین باید بچه‌ها را در کلاس‌هایی ثبت نام نکنند که صرفاً کپی‌کاری را به بچه‌ها آموزش ندهند. کلاس‌های کپی با استفاده از تکنیک و ابزار، دوره‌ی آموزشی کوتاهی خواهند داشت و معمولاً بعد از گذشت چند جلسه، هنرجو با یک تابلو منظره از کوه، رودخانه و جنگل به خانه برمی‌گردد که به سرعت هم به عنوان یک تابلوی تزئینی مورد توجه والدین قرار می‌گیرد. این امر باعث می‌شود بذر درخت هنر از همان ابتدا، در بستری نامتناسب رشد کند. در کلاس‌هایی که به صورت علمی برگزار می‌شوند، شاید چندین جلسه فقط به کشیدن نقطه و انواع خطوط، اختصاص داده شود. طبعاً برای رسیدن به خلق آثار رنگی، به مدت زمان بیشتری نیاز است که معمولاً در کاسه‌ی صبر و حوصله‌ی هنرجو و والدین نمی‌گنجد.

#### • هنر درمانی در نقاشی چیست؟

**یمنیان:** سوال خیلی خوبی پرسیدید. اصولاً پرداختن به هنر، برای پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی مفید است. وقتی فردی زمانی را به خلق آثار هنری اختصاص می‌دهد، در طول آن زمان معمولاً از تمام مشکلاتی که می‌تواند در زندگی داشته باشد، دور می‌شود و با علاقه و تمرکز روی کارش فقط در زمان حال به سر می‌برد. پرداختن به هنر، یکی از راهکارهایی است که امروزه روانشناسان برای درمان بسیاری از بیماران با تکنیک ذهن‌آگاهی (Mindfulness) به کار می‌برند که روی زندگی و لذت بردن در لحظه تاکید دارد. در زمان نقاشی کردن هم مانند سایر هنرها، در بدن انتقال دهنده‌های عصبی نظیر دوپامین که از جمله هورمون‌های شادی‌بخش است ترشح می‌شود و به بهبود خلق و خو کمک می‌کند.

به طور کلی پرداختن به هنر با ترشح هورمون‌های شادی‌بخش و ایجاد آرامش، به تنظیم فشار خون، قند خون و چربی خون کمک می‌کند. از بدن در مقابل بیماری‌های جسمی نظیر بیماری‌های قلبی، عروقی، دیابت و ... محافظت می‌کند.

به استعدادی که در زمینه نقاشی دارند، پی ببرند و به صورت حرفه‌ای این هنر را دنبال کنند.

یکی از شاخص‌های این مسابقه این بود که کودکان و نوجوانان را با دو موضوع مذهبی و غیر مذهبی درگیر کرد و باعث شد که نسبت به اعیاد و قوانین مذهبی، بیشتر کنجکاو شوند. در این رابطه با طرح سوالاتی از بزرگسالان، آگاهی بیشتری کسب کنند. همچنین در جشنی که بعد از داوری مسابقه برپا شد، دوستی‌های جدیدی با رقابت سالم بین شرکت‌کننده‌ها شکل گرفت.

**نجات حئیم:** به نظر من جای چنین رویدادی در جامعه کم است. ما افراد تحصیل کرده، در زمینه‌های مختلف از جمله گرافیک، پزشکی، مهندسی و ... داریم، اما در زمینه هنر و نقاشی کمتر داریم. مسابقه این امکان را فراهم کرد که جایگاه هنر نقاشی در جامعه‌مان مهم‌تر شود. کودک یا نوجوان می‌بیند اگر دلش بخواهد، در جامعه جایی برای هنر هست که می‌تواند در آن بدرخشد. شرکت‌کننده‌ای از رفسنجان داشتیم که برای هر دو موضوع نقاشی سال دوم نقاشی فرستاد. مسابقه نقاشی باعث شد استعدادیابی شود و افراد مستعد به کلاس نقاشی بروند.

چند موضوع بودن و سه سال برگزاری پشت سرهم از نقاط قوت مسابقه بود. افزایش تعداد شرکت‌کنندگان هم بسیار مهم بود.

#### • خانواده‌ها چه ملاکی را برای انتخاب کلاس نقاشی

##### در نظر بگیرند؟

**نجات حئیم:** یک کلاس نقاشی خوب از کودک دستگاه چاپ نمی‌سازد. این شیوه‌ی رایج، سال‌هاست که در کلاس‌های نقاشی کودک و نوجوان اتفاق می‌افتد. مربی چاپی از یک نقاشی یا عکس را جلوی کودک می‌گذارد تا آن را عین به عین بازنمایی کند. این در حالی است که کودک بالفطره توانایی انتخاب موضوع و نقاشی آن را از صفر تا صد دارد. این روش تدریس تنها باعث از بین بردن کودکی و خلاقیت می‌شود. بهترین شیوه، راهنمایی، تعامل و صحبت، ایجاد سوال و تفکر برای کودک، طرح مضامین متنوع، آموزش رنگ‌شناسی و تکنیک‌های مختلف به کودک است. در نتیجه

می‌تواند ژنتیکی باشد. بر اساس اصول علمی، معمولا در هنرمندان، نیمکره‌ی راست مغز فعال‌تر است که باعث ایجاد خلاقیت و پرداختن به فعالیت‌های هنری می‌شود، اما محیط پرورش کودک هم در این رابطه خیلی مهم است.

هنری بودن افراد خانواده و گرایش آن‌ها به سمت فعالیت‌های هنری، کودک را ناخودآگاه به سمت هنر سوق می‌دهد. آنچه باعث تقویت و شکوفایی استعداد کودک می‌شود عبارت است از: شیوه‌ی تربیت والدین از جمله تشخیص گرایش کودک به هنر، تشویق به موقع و عدم سرکوب احساسات او موقع انجام فعالیت‌های هنری، قوی کردن حس اعتماد به نفس کودک، استفاده از کلاس‌های آموزشی، ایجاد انگیزه برای تمرین و سخت‌کوشی برای رسیدن به نتیجه مطلوب.

**نجات حییم:** یکی از راه‌های موثر در برانگیختن حس هنری کودک، حضور او در فضاهای هنری از جمله موزه‌ها و گالری‌هاست. کودک با دیدن آثار هنری معاصر در گالری‌ها و رویت آثار هنری گنجینه موزه‌ها به شوق می‌آید. معمولا سریع به نقاشی کردن یا حتی حجم‌سازی واکنش مثبت نشان می‌دهد. خوشبختانه اخیرا در راستای هدف آشنایی کودکان با هنر، اقدامات مثبتی از طرف موزه‌های کشورمان در حال انجام است. تعداد فراخوان‌ها و مسابقات هنر کودک و نوجوان هم روز به روز در حال افزایش است که می‌تواند تاثیر مثبتی بر اشتیاق کودکان به نقاشی داشته باشد.

• **رابطه نقاشی با تصویرگری کتاب کودک چیست؟**

**نجات حییم:** تصویرگری در خدمت قصه و داستان است. تصویرگر با نقاشی و تصویر، زبان را روایت می‌کند. کودک داستانی را که شنیده و قصه کارتون‌ی را که دیده خوشش می‌آید و نقاشی می‌کند.

• **با تشکر از وقتی که در اختیار گذاشتید.**

امید است که با یاری خانواده و هنرمندان نوپا و همه دست اندرکاران جامعه به اهداف درازمدت‌مان برسیم.

از لحاظ روحی نیز با ترشح هورمون‌های شادی‌بخش، به پیشگیری و درمان افسردگی و سایر بیماری‌های روحی کمک می‌کند. همچنین فرد نقاش می‌تواند حالات روحی خود مانند خشم و نفرت، محبت و عشق، شادی و غم و ... را به تصویر بکشد که نوعی به تخلیه‌ی ذهن و ایجاد آرامش کمک می‌کند. خلق آثار هنری باعث افزایش اعتماد به نفس فرد و نگاه متفاوت او به عناصر زندگی و طبیعت می‌شود.

در هنردرمانی، از رنگ‌ها به صورت غیر مستقیم، برای تغییر خلق و خو، پیشگیری و درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنند، مثلا رنگ‌های گرم باعث افزایش هیجان و رنگ‌های سرد آرامش‌بخش هستند. با انتخاب رنگ‌های مناسب در مکان‌های مختلف نظیر رستوران‌ها، سالن‌های ورزشی، بیمارستان‌ها، اتاق خواب و غیره می‌توان برای ایجاد آرامش و بالا بردن سطح انرژی برنامه‌ریزی کرد.

یکی دیگر از کاربردهای هنردرمانی، پی بردن به روحیه‌ی کودکان است. گاهی اوقات کودکان، به جای صحبت کردن و بیان مشکلات، احساسات خود را به تصویر در می‌آورند که روانشناسان کودک، از نقاشی‌های کودکان برای پی بردن به احساسات و وضعیت روحی آنها کمک می‌گیرند.

**نجات حییم:** همانطور که قبلا اشاره کردم نقاشی، زبان دیگر کودک برای ارتباط و تعامل است. این زبان برای کودک راهی سریع و راحت جهت بیان احساسات و احوالش است. برای استفاده از آن نیازی به آموزش از قبل نداشته و ندارد. پس در شرایط خاص استفاده از این زبان رسا و شفاف را به حرف زدن ترجیح می‌دهد. در زمان خوشحالی یا نگرانی، ترس و ناراحتی از یک شخص یا یک اتفاق در زندگی، آن را با نقاشی روی بستر کاغذ تعریف می‌کند. در شرایط خاص مربی هنر می‌تواند این اتفاقات را از نقاشی کودک تشخیص دهد. در صورت رویت مشکل خاصی به والدین کودک منتقل کند تا آن را برای او حل کنند یا به روانشناس مراجعه کنند.

• **چگونه می‌توان فرزندان را به سمت فعالیت‌های**

**هنری سوق داد؟**

**یمینیان:** ثابت شده است که استعداد و علاقه به هنر

دختران با توجه به سن‌شان، از طریق بازی، گفتگو، تمرین و اجرای نقش به شکل کاملاً عملی و کاربردی، مهارت‌ها را آموختند و والدین آنها از طریق جلسات حضوری و آموزش غیرحضوری، همزمان با فرزندانشان از مطالب بهره‌مند شدند. در این ۳۶ جلسه، همراهی بسیار خوب کادر مجتمع، خانم

## گزارش کارگاه‌های آموزشی گزارش دوره‌ی مهارت‌های زندگی در مجتمع دخترانه‌ی اتفاق



بنا به طرحی که دریتا معلمی در سال ۱۴۰۲ ارائه کرد و به خواست مجتمع آموزشی دخترانه‌ی اتفاق و با پشتیبانی و همت انجمن کلیمیان و کمیته‌ی علمی آموزشی آن، دوره‌ی مهارت‌های زندگی برای پایه‌های چهارم، پنجم و ششم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴ برگزار شد. این دوره که توسط لیورا سعید، روانشناس کودک و نوجوان، آموزش داده شد، در ۱۸ جلسه‌ی یک ساعته برای پایه‌های چهارم و پنجم (۱۵ جلسه برای خود دانش‌آموزان و ۳ جلسه برای والدین-شان) و ۱۸ جلسه برای پایه‌ی ششم

تیموری مدیریت مدرسه، خانم دارابی معاون، اعضای انجمن اولیاء و مربیان و همکاری معلمان فارسی و دینی قابل توجه و تقدیر بود.

(۱۵ جلسه برای دانش‌آموزان و ۳ جلسه ویژه‌ی والدین) در نظر گرفته شد. در این دوره، ۶ مهارت مهم خودآگاهی، ارتباط موثر، همدلی، حل مسئله و تصمیم‌گیری، تفکر نقادانه و مدیریت استرس به این پایه‌ها و پدر و مادران‌شان آموزش داده شد.

### گزارش جلسات آموزشی فرزند پروری در مدرسه‌ی دخترانه‌ی فخردانش

در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴ به همت مدیریت مدرسه‌ی فخردانش، خانم کسرای زاده و با حمایت انجمن کلیمیان و کمیته علمی آموزشی آن، و همچنین اعضای انجمن اولیاء و مربیان، جلسات آموزشی فرزند پروری برای اولیای دانش‌آموزان برگزار گردید. این جلسات که توسط لیورا سعید روانشناس کودک و نوجوان تدریس شد، مورد استقبال



شد. این دوره که توسط لیورا سعید تدریس شد، ۷ جلسه تداوم داشت. والدین شرکت‌کننده در این کارگاه علاقه‌ی زیادی به تربیت بهتر فرزندان خود و بهبود چالش‌های ارتباطی و مسائل روزمره با آنها داشتند.

ویژگی جالب و مورد توجه این کلاس‌ها، نگاه‌داری و سرگرم کردن کودکان در اتاقی دیگر توسط مسئولی از سوی انجمن بود که باعث شد زوجین در آن ساعات با آرامش و فراغت ذهن شرکت داشته باشند و از مباحث بهره

ببرند. ساعت کلاس هم طوری انتخاب شده بود که زوجین شاغل به خصوص پدران به راحتی حضور یافتند.

طرحواره‌ها یا تله‌های ذهنی، باورهای عمیق و بنیادی ما هستند که از ابتدای زندگی تا سن ۱۱ سالگی در اثر تربیت به وجود آمده، چگونگی احساس، تفکر و واکنش‌های ما را در ارتباط با خود، دیگران و دنیا شکل می‌دهند و می‌توانند سبب بروز مشکلاتی در آینده‌ی ما شوند. والدین به عنوان پرورش‌دهندگان و الگوهای اصلی فرزندان، وظیفه دارند با نیازهای بچه‌هایشان آشنا شده، باورهای مخرب خود را شناسایی و اصلاح کنند تا بتوانند فرزندان سالم پرورش دهند.



خانواده‌ها قرار گرفت. طی برگزاری این جلسات، بنا به دلسوزی و علاقه‌مندی مدیریت مدرسه‌ی فخردانش، از مدرسه‌ی پسرانه‌ی روحی‌شاد هم دعوت به عمل آمد و تعدادی از والدین آن مدرسه هم از جلسات استفاده کردند.

نکته‌ی قابل ذکر، ادامه دار بودن جلسات طی سال تحصیلی بود که باعث ایجاد نظم در تشکیل جلسه‌ها و انسجام ذهنی شرکت‌کنندگان شده بود؛ نکته‌ی قابل توجه دیگر، حضور برخی پدران در جلسات بود که به صورت مرتب حضور داشته و فعالانه مشارکت کردند.

موضوع مورد بحث در این جلسات، نیازهای اصلی کودکان بود که باید توسط والدین برآورده شوند و باورهای مخربی که می‌تواند از پدر و مادر به بچه‌ها منتقل شده، دیدگاه آنها را نسبت به خود، اطرافیان و محیط پیرامون به اشتباه شکل دهد.

## گزارش دوره‌ی فرزند پروری با رویکرد طرحواره‌ها

تابستان سال ۱۴۰۳ در راستای دوره‌ی تحلیل رفتار (TA) که توسط دریتا معلمی و به همت انجمن کلیمیان با ۵ زوج دارای فرزند برگزار شده بود و با توجه به نیاز آن زوجین، کارگاهی با عنوان فرزندپروری با رویکرد طرحواره‌ها تشکیل





مهندس آرش آبائی و مهندس امید محبتی مقدم، با تعامل با بازدیدکنندگان، پاسخگوی پرسش‌های عموم درباره تاریخ و فرهنگ یهود بودند.

حضور نمایندگان مجلس، نویسندگان، شاعران، اساتید دانشگاه و شخصیت‌های فرهنگی برجسته کشور در غرفه کلیمیان نشان دهنده‌ی توجه روز افزون به شناخت ادیان است. امسال شاهد ۴ اثر جدید بودیم:

- ۱- تلمود، چهره‌ها و اندیشه‌ها
- ۲- بازسازی هوشمند
- ۳- فرهنگ و اصطلاحات راجی (زبان یهودیان همدان)
- ۴- کتاب پرعسلی

۲۴ اردیبهشت در سالن بین‌الملل و در سرای ملل با نشست معرفی کتاب «تلمود، چهره‌ها و اندیشه‌ها» اثر مهندس امید محبتی مقدم میزبان علاقه‌مندان بودیم. این نشست با همراهی مهندس آرش آبائی، مدرس و محقق حوزه یهود برگزار شد. وی در ابتدا مقدماتی در خصوص تلمود و سیر تدوین این مجموعه را بیان کرد. سپس مهندس امید محبتی مقدم، نایب رئیس انجمن کلیمیان تهران، ضمن تشکر از حاخام یونس حمامی لاله‌زار و مهدی محمدی شجاعی، ( دبیر مجمع کتابخانه‌های تخصصی استان قم) و مسئولین دانشگاه ادیان و مذاهب قم، در مورد نگارش این کتاب توضیحات مبسوطی داد.

در پایان این نشست در سرای اهل کتاب، مهندس سامان یوسفیان، عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان و نویسنده کتاب بازسازی هوشمند، از این اثر رونمایی کرد که با استقبال

## غرفه کلیمیان

### در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴

ایلین میساعلیان

مسئول کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران

صبح ۱۷ اردیبهشت با حضور دکتر همایون سامه‌یح، رئیس انجمن و نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و مهندس هرصل گل شیرازیان، نایب رئیس انجمن کلیمیان تهران، غرفه کلیمیان در نمایشگاه کتاب در مصالای امام خمینی (ره) افتتاح شد.

۴۳ عنوان کتاب و ۱۵ شماره مجله بینا در قفسه‌ها خودنمایی می‌کرد. بنرهایی که معرف کنیسه‌ها و زیارتگاه‌ها بود توجه هر بازدیدکننده‌ای را جلب می‌کرد. حضور جوانان فعال که مدیریت و تصدی غرفه را به عهده داشتند در کنار کارشناسان مذهبی شور خاصی را در غرفه به وجود آورده بود. کارشناسان مذهبی امسال حاخام طهرانی،





طوبیان، شبنم برال، الی آر ملکان، سهیل گلشیرازیان، شایان ملکان، نیوشا ماه گرفته، مهیار نظیری، المیرا مسیح اسرائیلیان، میسا امجدیان، سلیم سرایی، یوسف ستاره‌شناس، هلیا لاله‌پور، آیدین برخوردار، سالار فیروز طالع و صبا حق نظری. شرکت کلیمیان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نشان از حضور پر رنگ فرهنگی این جامعه دارد و گامی در جهت معرفی میراث غنی یهودیان ایران و تقویت گفت و گوی بین ادیان به شمار می‌رود.

میهمانان برگزار شد. کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران از تمامی جوانان پر تلاش و غیرتمند که در برپایی این غرفه مشارکت و همراهی داشتند با ذکر نامشان تقدیر می‌نماید: مدیران غرفه: سامان سامه‌یح، پرهام ذکریاپور، الناز حریریان و سارا لاله‌پور. متصدیان غرفه: دورین پاکدامن، النورا محلی، مهتا یوسفی، گادیتل جبریل حاسدیان، نیکان خالدار، دانیلا یوم‌توبیان، کامیار نظیری، شرمینه داوودزاده، سمیرا شادپور، سینا شیرازی، آیدین ملکان، سپهر گلشیرازیان، شروین شیرازی، فریماه





(در پیش‌گفتار فرهنگ هزاره)

«چه کسی هست که دودِ حتی یک صفحه فرهنگ‌نویسی به چشمش رفته باشد و آنگاه خود آرزو نکند که در پیشگاه کسانی زانو زند و سر تعظیم فرود آورد که تمام عمر، ابراهیم‌وار بر خرمن آتشی نشستند که از دل صدها هزار برگ و صفحه‌ی آکنده از واژه و امثال سر می‌کشید». (مجموعه مقالات ادبی، زبان‌شناختی، نشر نیلوفر، ۱۳۷۰)

انتخابی در بخش دیگری از سخنرانی خود به آثار سلیمان حبیب در زمینه فرهنگ‌نویسی دو زبانه پرداخت و تاکید کرد که حبیب در اثر خود، به‌ویژه در تدوین معادل‌های فارسی برای واژگان انگلیسی، به دقت به دستور زبان، تلفظ و کاربرد واژگان توجه کرده است. وی اظهار داشت: سلیمان حبیب در فرآیند فرهنگ‌نویسی خود توانسته است با استفاده از منابع مختلف، معادل‌هایی دقیق و علمی برای واژگان انگلیسی بیابد. این معادل‌ها نه تنها از نظر معنایی صحیح هستند، بلکه از نظر کاربردی نیز در زبان فارسی معتبر و قابل استفاده می‌باشند.

وی در ادامه سخنان خود اظهار داشت: زنده‌یاد امامی به این نکته اشاره می‌کند که حبیب در معادل‌دهی، توجه خاصی به سره‌گرایی و فارسی‌نویسی داشته و معادل‌های فارسی را مقدم بر معادل‌های عربی می‌نوشته است که این گرایش، احتمالاً هم‌راستا با سیاست‌های زبانی فرهنگستان اول بوده است.

مجتبی مینوی در دی‌ماه ۱۳۳۹ در نامه‌ای از استانبول خطاب به یحیی مهدوی از طرح یک فرهنگ یک‌زبان‌ی فارسی و جلسه‌هایی که با پرویز ناتل‌خانلری و حبیب داشته، یاد کرده و در بخشی از نامه گفته:

«... غیر از سلیمان حبیب که اطمینانی به او دارم، شخص دیگری نمی‌شناسم که شایسته‌ی اعتماد باشد و علم و اطلاع داشته باشد و در لغت‌نویسی سررشته‌ای داشته باشد...».

## فرهنگ بزرگ انگلیسی-فارسی

سلیمان حبیب

### در میان «صد کتاب ماندگار قرن»

به ابتکار کتابخانه‌ی ملی ایران، تأثیرگذارترین و ماندگارترین کتاب‌های قرن گذشته (قرن چهاردهم خورشیدی)، معرفی و بررسی شد. نشست بیست‌و‌چهارم از این سلسله‌جلسه‌ها، که در دی ۱۴۰۳ برگزار شد، به بررسی فرهنگ بزرگ انگلیسی - فارسی تألیف سلیمان حبیب (ویراسته‌ی کریم امامی و ژاکلین حق‌شناس، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶) پرداخت.

به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، این نشست با حضور نرگس انتخابی، مترجم و فرهنگ‌نویس، هومن پناهنده، مترجم و ویراستار، و فرح زاهدی، عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و دبیر نشست، در سالن فرهنگ مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان برگزار شد. همچنین دکترهمايون سامه‌یج نجف‌آبادی، رئیس انجمن کلیمیان و نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، به همراه حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان) و آرش آبائی در این نشست حضور داشتند.

نرگس انتخابی، مترجم و فرهنگ‌نویس، در این نشست علمی با اشاره به شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ فرهنگ‌نویسی دو زبانه، به‌ویژه سلیمان حبیب، نویسنده‌ی کلیمی برجسته فرهنگ دو زبانه فارسی-انگلیسی، به سختی‌ها و چالش‌هایی که سلیمان حبیب در زمانه خود با آن‌ها روبه‌رو بوده، اشاره کرد و افزود: سلیمان حبیب در دوران خود با موانع بسیاری روبه‌رو بود. بدون دسترسی به منابع آنلاین یا اینترنتی، او توانست معادل‌های دقیق و علمی را برای واژگان و مفاهیم در زبان فارسی ایجاد کند. تلاش‌های بی‌وقفه‌اش در این مسیر، نه تنها دستاوردی بزرگ برای فرهنگ‌نویسی فارسی-انگلیسی بود، بلکه نشان‌دهنده‌ی تعهد و دقت نظر او در حفظ اصالت و صحت مفاهیم زبان فارسی است.

وی دو نقل‌قول را از زنده‌یاد دکتر علی‌محمد حق‌شناس، درباره‌ی حبیب به این مضمون ذکر کرد:

«این اثر را، چون رانِ ملخی، به سلیمان حبیب هدیه می‌کنیم که بنیادگذار راستین فرهنگ‌نویسی دوزبانه در ایران هموست.»

## هشتمین جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز یهودی شیراز

بررسی برخی معضلات فرهنگی و اجتماعی جامعه سخنرانی کرد.

سپس گروه دوم هم‌نوازی به روی صحنه آمد: سارا شالیه‌صوبو با تک‌نوازی چشمگیر خود حضار را به وجد آورد و الینا نیک‌نام با تک‌نوازی متفاوت خود حال و هوای دیگری به جشن بخشید.

در بخش دهم، گروه بازی با همکاری هیئت‌مدیره سازمان دانشجویان، برنامه‌ای جذاب برگزار کرد.

پس از آن، سپهر طلعتی‌نیا به نمایندگی از اجراییه سازمان دانشجویان و گروه دانش‌آموزان، ضمن تقدیر از برگزارکنندگان جشن، سخنانی با والدین و خانواده‌های دانش‌آموزان مطرح کرد.

در بخش پایانی نیز کلیپی از فعالیت‌های یک‌سال گذشته‌ی گروه دانش‌آموزان به تهیه‌کنندگی الیشاع پاکروزاده و همچنین پشت صحنه‌ی آماده‌سازی جشن پخش شد که با استقبال پرشور همراه بود.

در پایان، با حضور فعالین اجتماعی جامعه، جوایز به ۶۵ دانش‌آموز ممتاز اهدا شد.

اسامی دیگر دست‌اندرکاران (بر اساس حروف الفبا): نتنال شمتوب، بهراد روشن‌راد، دانیال قانونی، رهام فرزادنیا، شهرداد میشاییل، نگینا رامشی، عسل زرین‌کام، پدرام نورپرور، امیر یگانه.

مسئولین گروه دانش‌آموزان: اریال بنت یعقوب، رونیتل کهن‌چی، تهیلا کامیاب‌فر، فراز معلمی، هیلا تفلین. با همراهی شورای کنیسیای کوثر.

هشتمین جشن «ستارگان» در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ با حضور بیش از ۲۵۰ نفر از اعضای جامعه کلیمیان شیراز در محل کنیسیای کوثر برگزار شد.

برنامه با اجرای غزل بنتوین، الینا نیک‌نام و نتنال آذران آغاز شد. در ادامه، دکتر آرش آذران، مدیر مجتمع آموزشی کوثر، به سخنرانی پرداخت. بخش سوم به مناظره‌ای اختصاص یافت که توسط مزال زرین‌خو و آرتین ماشی، به سرپرستی تهیلا کامیاب‌فر اجرا شد. پس از آن، مهندس امیر سالاری، ریاست انجمن کلیمیان شیراز، به نمایندگی از هیئت‌مدیره سخنرانی کرد.

گروه اول هم‌نوازی به سرپرستی عرفان فولادبخش و اجرای طلیاه امت‌یار و آرتین فولادبخش، فضای جشن را سرشار از هیجان کرد. در بخش بعدی از سحر طلعتی‌نیا به پاس زحمات وی در سازمان دانشجویان تقدیر شد و او دقایقی درباره‌ی سازمان و اهمیت حضور در جمع و فعالیت‌های سازمانی سخنرانی کرد.

بخش ششم جشن به مسابقه‌ای اختصاص داشت که به سرپرستی رونیتل کهن‌چی و با همکاری طلیاه امت‌یار و الیا شایسته، با همراهی والدین و دانش‌آموزان برگزار شد. گروه تئاتر سازمان نیز نمایشی زیبا و تأثیرگذار با هنرنمایی هستی آرام‌بام، هیلا تفلین، سامیار بصلی و فراز معلمی، به سرپرستی دکتر هومان بهبودی‌خواه و مهندس فرشاد لاله اجرا کردند.

در ادامه، دکتر هومان بهبودی‌خواه به نمایندگی از پیشکسوتان سازمان دانشجویان یهود شیراز با موضوع



## همایش جوانان کلیمی در اصفهان

با همت انجمن‌های کلیمیان تهران و اصفهان، همایش جوانان کلیمی ایران در شهریور ۱۴۰۴ در شهر اصفهان با حضور جمعی از جوانان شهرهای کلیمی‌نشین برگزار شد. این همایش ۵ روزه شامل گشت و گذار شهری، تور تفریحی، جشن و

برگزاری کارگاه‌های آموزشی بود. از نکات برجسته‌ی این همایش، برگزاری ۴ کارگاه آموزشی توسط لئا دانیالی، بیژن خاکشور، آرش آبائی و امیر مره‌صدق در ۴ کنیسه‌ی تاریخی در محله‌ی جوباره‌ی اصفهان بود که جوانان را با بافت تاریخی اماکن دینی کلیمیان اصفهان نیز آشنا نمود. جمعی از اعضای هیئت مدیره‌های انجمن‌های کلیمیان تهران و اصفهان و مسئولان نهادهای جوانان جامعه‌ی اصفهان نیز در همایش حضور داشتند و جزو دست‌اندرکاران مراسم بودند. آرمین شمسیان (شمیان) مدیر اجرایی این همایش بود.





## تقدیر از عملکرد درخشان مهندس فرهیخته کلیمی

به پاس خدمات برجسته و ارزنده‌ی مهندس «کامیار یادگاران» به عنوان مدیر پروژه اجرایی احداث پل آریاچای محور راه آهن میان-اردبیل، از این مهندس فرهیخته کلیمی قدردانی به عمل آمد.

پل دره‌ای آریاچای با ارتفاع ۸۳ متر و به طول ۲۶۴ متر، دارای دو دهانه ۳۵ متری و ۳ دهانه ۶۵ متری است که بلندترین ارتفاع پایه پل‌های راه آهن در کشور را به خود اختصاص داده است.

مهندس یادگاران، ابداع و طراحی بومی بلندترین پل راه آهن در دوران تحریم را بیانگر تلاش مهندسان خوش فکر ایرانی می‌داند. به گفته مدیر اجرایی پروژه، طراحی و اجرای بخشی از راه آهن که نیاز به پل‌های خاص داشت، در شرایط تحریم منتفی بود چرا که نیاز به وارد کردن تجهیزات و مصالحی مطمئن و با تکنولوژی جدید برای احداث پلی داشت که امروز می‌تواند بلندترین پل ساخته شده‌ی راه آهن در ایران نام بگیرد.

مهندس یادگاران در گفتگوی خود با اصحاب رسانه، به همت و جسارت مهندسان در طراحی این سازه‌ها اشاره و بیان



کرد: پیش از این پل‌های با سیستم اجرای مشابه به ارتفاع حداکثر ۳۰ متر در ایران ساخته شده اما در این پل، ارتفاع ستون‌ها بالغ بر ۸۰ متر می‌باشد که پیش از این قالب‌های مورد نیاز در این ابعاد از طریق شرکت‌های بین‌المللی تهیه می‌شد و برای اولین بار توسط شرکت ایرانی ساخته شد.



## گزارش ۶۰ شماره نشریه‌ی افق بینا

آرش آبائی

با انتشار شماره‌ی ۶۰ افق بینا در دی‌ماه ۱۴۰۳، از انتشار این مجله ۲۵ سال گذشت. به این مناسبت گزارشی تحلیلی از وضعیت مجله ارئه می‌شود.

**اول؛** نخستین شماره‌ی مجله در فروردین ۱۳۷۸ به همت هارون یشایایی و با کمترین امکانات توسط شورای سردبیران متشکل از بهناز وفانصوری، افشین تاجیان، مژده صیونیت، الهام یعقوبیان، آرش آبائی و فرانک عراقی منتشر شد. در میان اسامی همکاران آن شماره نام لیورا سعید و الهام مودب به چشم می‌خورد که این دو تا الان نیز جزو همکاران دائمی مجله هستند. بعدها کسانی از شورای سردبیری خارج شدند و دوستان دیگری از همان سال‌های اولیه به صورت موقت یا دائم به جمع تحریریه بینا پیوستند که از این میان می‌توان به مژده یشایایی، شرگان انورزاده، المیرا سعید، رحمن دلرحیم، مرجان یشایایی و لئا دانیالی به عنوان یاران همیشگی اشاره کرد. سیما مقتدر نیز از یاران ثابت قدم تحریریه بود که سال‌هاست همکاری خود را از مجله دریغ داشته است. البته امروز جمع دیگری نیز جزو تحریریه‌ی دائم مجله هستند که اسامی ایشان همواره در شناسنامه ذکر می‌شود و قدردان زحمات‌شان هستیم. عوامل اجرایی متعددی نیز در این سال‌ها برای تنظیم مجله زحمت کشیدند که نام فرید طویبان، نسترن جاذب و بیش از همه مردخای امین شموثلیان قابل ذکر است.

**دوم؛** مدیران مسئول مجله به ترتیب: هارون یشایایی (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵)، دکتر سیامک مره‌صدق (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹) و دکتر همایون سامیح (۱۳۹۰ تاکنون) بوده‌اند؛ و سردبیران (غیر از دوران شورای سردبیری) به ترتیب: آرش آبائی (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ و ۱۴۰۲ تاکنون)، فرهاد افرامیان (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹) و مرحومه فرانک عراقی (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱) بوده‌اند. خوشبختانه دکتر سامیح در مقام رئیس انجمن در سال‌های اخیر نهایت تلاش خود را برای ادامه حیات مجله به کار برده است.

**سوم؛** به لحاظ کمی، تعداد کل مقالات چاپ شده (غیر از سرمقاله و اخبار) تاکنون ۱۵۰۰ عنوان بوده است. حد میانگین

مقالات هر شماره در کل دوره‌ی انتشار، حدود ۲۵ مقاله است که می‌توان روند انتشار را به سه دوره تقسیم کرد: دوره‌ی اول از شماره ۱ تا ۲۱ با بیش از ۲۵ مقاله در هر شماره، دوره‌ی دوم از شماره ۲۲ تا ۳۹ که عمدتاً کمتر از ۲۵ مقاله بوده و دوره‌ی سوم که از شماره ۴۰ تاکنون است که در هر شماره بیش از ۲۵ مقاله درج شده است.

**چهارم؛** به لحاظ کیفی، می‌توان گفت که در یک سوم نخست شماره‌های مجله، اکثر مطالب تولیدی (تالیف یا ترجمه) بودند، و در ثلث دوم، علاوه بر مطالب تولیدی، تعداد مطالب عیناً درج شده از منابع دیگر بیشتر شد و این رویه در اوایل ثلث سوم نیز تا حدودی ادامه یافت. البته متأسفانه معدودی از آن مقالات کپی شده از منابع دیگر، بدون ذکر منبع و حتی نویسنده‌ی واقعی آن با اسامی دیگر منتشر شد که به نظر من از نقاط تاریک مجله محسوب می‌شود و خوشبختانه در سال-های اخیر از بروز آن جلوگیری شد. جای خوشحالی است که در شماره‌های اخیر اکثر مطالب، تولیدی بوده و مورد ویرایش و بازبینی دقیق نیز قرار گرفته‌است.

جای خالی مطالب انتقادی و تحلیلی نسبت به امور داخلی جامعه همچنان احساس می‌شود. همچنین تهیه گزارش اختصاصی از مراسم و همایش‌های داخلی و عمومی مرتبط با جامعه نیز جزو نیازهای مجله است.

**پنجم؛** در ادامه، جدول‌های نمایه مقالات مرتبط با یهودیت در ۵ حوزه‌ی زیر (به غیر از اخبار و سرمقاله و مطالب عمومی) ارائه شده است. البته مقالات درباره‌ی اعیاد و مناسبت‌های دینی تقریباً در هر شماره به کرات درج شده است که از ذکر آن خودداری شده است.

۱. مفاهیم دینی یهود (غیر از اعیاد و مناسبت‌ها): ۵۳ عنوان
۲. شخصیت‌های مهم ایرانی و خارجی یهودی: ۹۸ عنوان
۳. تاریخ و زندگی یهودیان ایران و جهان: ۵۹ عنوان
۴. کنیسه‌های ایران و جهان: ۱۶ عنوان
۵. موضوع‌های متفرقه در ارتباط با یهود و کلیمیان: ۵۹ عنوان

فهرست نخستین شماره‌ی بینا

# بفتنا

بفتنا

بینا - نشریه دینی - فرهنگی - خبری انجمن کلیمیان تهران

ارگان انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسوول: هارون یشایایی

زیر نظر شورای سردبیران: بهناز وفامنصوری، افشین تاجیان، مژده صیونیت الهام یعقوبیان، آرش آبایی، فرانک عراقی

همکاران این شماره:

الهام یعقوبیان  
افشین تاجیان  
فرانک عراقی  
بهناز وفامنصوری  
شیرین دخت دقیقیان  
رامین مسجدی  
آرش آبایی  
مژگان کوچکزاده  
لیورا سعید  
نادر روزرخ  
کیارش یشایایی  
الهام یگانه  
آرزو ثنایی مطلق (لوایی)  
الهام مؤدب  
شارونا نصیر  
امیلیا صادقان  
بهنام وفامنصوری  
مژده صیونیت  
سعید خلیلی  
پرویز نی داود

فهرست مطالب

پیام هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران  
پیام دکتر الیاسی  
پسح  
سراغاز  
به پیشواز سال نو  
جشن پوریم  
یهودی منوهین  
اخبار ورزشی  
پروتکل پیران  
یهودیان ایران  
استر، استر است  
هرشب  
دریند  
بهترین تهیه کننده فیلم  
چگونه بحث کنیم  
یادی از باروخ اسپینوزا  
شعر  
آشنایی با قلامنکو - نمایش پرهیجان فلامنکو  
رویوتها  
پیشینه هرمنوتیک  
توزیع جوائز کتاب  
کتابخانه مرکزی  
عبری بیاموزیم

صفحه آرای: فرید طویبان

حروفچینی: مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

لیتوگرافی: رساگراف

چاپ: رنگ (برخوردار)

تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۷۰۴۲۴۷

آدرس: خیابان شیخ هادی - خیابان هاتف - مجتمع فرهنگی و ورزشی کلیمیان تهران

شرح روی جلد: داستان آفرینش

ردیف	عنوان	نویسنده/مترجم	شماره پینا
۴۳	زن در آیین یهود	نسترن جاذب	۴۶ و ۴۷
۴۴	اخلاق دینی یهودیت تلمودی	مردخای امین شموئلیان	۴۷
۴۵	طلاق در آیین یهود	نسترن جاذب	۴۸
۴۶	ازدواج از منظر یهود و روانشناسی	آیدین برخوردار	۵۰
۴۷	ریشه یهودیان اشکنازی	سیما اخلاقی	۵۱
۴۸	مراسم حنوکا در بین یهودیان اشکنازی	الهام مودب	۵۲
۴۹	حضرت یوسف	رحمن دلرحیم	۵۷
۵۰	رقص در یهودیت	سیما رفوآ	۵۷
۵۱	منابع مطالعاتی یهودیت	آرش آبائی	۵۸
۵۲	ایرانیان در عهد عتیق	یاسمن غنی	۶۰
۵۳	اخلاق در یهودیت از نگاه ابن میمون	آرش آبائی	۶۰
<b>پیوست ۲: نمایه شخصیت‌های مهم ایرانی و خارجی یهودی</b>			
۱	یهودی منوهین		۱
۲	باروخ اسپینوزا	افشین تاجیان	۱
۳	شالوم علیخیم	هوشنگ کرملی	۳
۴	وانگر	سیما مقتدر	۳
۵	پریمو لوی	افشین تاجیان	۴
۶	نادین گوردیمر	مرجان یشایایی	۶
۷	لئونارد کوهن	بهناز وفامنصوری	۷
۸	مرتضی محجوبی	ایرج عمرانی	۷
۹	فلیکس مندلسون	شهرزاد شعبانی	۷
۱۰	زیگموند فروید	مریم حنا سبازاده	۷
۱۱	موسیو حییم	افشین تاجیان	۸
۱۲	حاکم حییم موره	بهناز وفامنصوری	۹
۱۳	دن بیصحاق ابرنثل	آرزو ثنایی	۹
۱۴	فرانتس کافکا	نغمه عاقل یوسف ستاره شناس	۹
۱۵	شموئل یوسف اگنون	ایرج عمرانی	۹
۱۶	اریش فروم	سیما مقتدر	۹
۱۷	سلیمان حییم	بیژن آصف	۱۰ و ۱۱
۱۸	مارک شاگال	سیما مقتدر	۴۰
۱۹	موسی ابن میمون (هارامیام)		۱۲
۲۰	مرتضی نی داوود	بهرز مبعصری	۱۲ و ۱۳
۲۱	ساموئل رشوفسکی	بیژن خاکشور	۱۲
۲۲	ابراهیم ابن یعقوب	النا لاویان	۱۳
۲۳	نجات اله آنوبیان	مارینا ماهگرفته	۱۳
۲۴	یحیی زربنجه (هارون جزاسند)	بهرز مبعصری	۱۴
۲۵	آمادئو مودیلیانی	مارینا ماهگرفته	۲۶
۲۶	حییم سوتین	مارینا ماهگرفته	۳۳
۲۷	آرتور کستلر		۱۶
۲۸	ایمره کرتز	مرجان ابراهیمی	۱۸ و ۱۹
۲۹	برنارد ملامد (مالامود)		۱۸
۳۰	هانان آرنه		۱۹

ردیف	عنوان	نویسنده/مترجم	شماره پینا
<b>پیوست ۱: نمایه مفاهیم دینی یهود (غیر از اعیاد و مناسبت‌ها)</b>			
۱	اعیاد و مناسبت‌های دینی		اکثر شماره‌ها
۲	نبوت و انبیا	آرزو ثنایی	۳
۳	ماشیح	آرش آبائی	۴ و ۵
۴	یهودیان سفاردی و اشکنازی	آرزو ثنایی	۵
۵	ریمونیم	یوسف ستاره شناس	۵
۶	بت همیقداش	یوسف ستاره شناس	۶ و ۷
۷	زن در یهودیت	بهناز وفامنصوری	۸ تا ۱۳
۸	سیدور	آرزو ثنایی	۱۲
۹	اسامی خداوند در یهود	آرش آبائی	۱۳
۱۰	موسیقی در یهود	آرزو ثنایی	۱۴
۱۱	حضرت داوود	رحمن دلرحیم	۱۵
۱۲	اسنیا: زهاد یهودی	محمد جواد شمس	۲۴
۱۳	گاهشمار شخصیت‌ها و وقایع تاریخ یهود	یونس حمامی لاله‌زار	۱۵ تا ۱۸
۱۴	فریسیان: پارسایان یهود	محمد جواد شمس	۱۸
۱۵	آیات تعاون و نועدوستی	رحمن دلرحیم	۱۹
۱۶	ربی شیمعون پریوحای	رحمن دلرحیم	۲۰
۱۷	یشیای نی	رحمن دلرحیم	۲۱
۱۸	موسیقی یهود	رامیار بهزادی	۲۵
۱۹	سیر تحولات روحانیت در دین یهود	هوشنگ کرملی	۲۸ تا ۳۶
۲۰	آیین سوگواری در دین یهود	عبدالحسین طریقی	۳۰ و ۳۱
۲۱	حقوق نبی		۳۱
۲۲	مقام زن در تورات	رحمن دلرحیم	۳۵
۲۳	کبالا- عرفان یهود	یوسف ستاره شناس	۳۵
۲۴	صداقت در یهود	یونس حمامی لاله‌زار	۳۶
۲۵	مزوزا	یوسف ستاره شناس	۳۶
۲۶	نکاح و مهریه در یهود	فرهاد افرامیان	۳۶
۲۷	منورا	یوسف ستاره شناس	۳۷
۲۸	موجبات طلاق در فقه یهود	فرهاد افرامیان	۳۷
۲۹	تلمود، ارزش‌ها و تعالیم آن	هوشنگ کرملی	۳۸ و ۳۹
۳۰	تقبیلین	داریوش نهاداران	۳۸
۳۱	گلدسته‌های تورات در شرق ایران	هوشنگ کرملی	۳۹
۳۲	سنت‌های پسخ از افریقا تا عودلاجان	الهام مودب	۴۰
۳۳	دوستی اسلام و یهود	رحمن دلرحیم	۴۲
۳۴	سنت‌های آغاز زندگی مشترک در یهودیان	الهام مودب	۴۲
۳۵	شادی از دیدگاه تورات	رحمن دلرحیم	۴۳
۳۶	جهان آخرت و رستخیز	رحمن دلرحیم	۴۴
۳۷	اندیشه دینی یهود قبل از قرون وسطی	نسترن جاذب	۴۴ تا ۴۵
۳۸	دوران موعود از دیدگاه یهود	یونس حمامی لاله‌زار	۴۵
۳۹	عدالت و برکت در تورات	رحمن دلرحیم	۴۵
۴۰	همزیستی در متون یهود	یونس حمامی لاله‌زار	۴۶
۴۱	اصل و وصل در حکمت قبالا	شیریندخت دقیقیان	۴۶
۴۲	شالم و صلح و صفا از دیدگاه کتب مقدس	رحمن دلرحیم	۴۶

ردیف	عنوان	نویسنده / مترجم	شماره بیبا
۳۱	نوام چامسکی		۲۰
۳۲	رومن پولانسکی	شرگان انورزاده	۲۰
۳۳	یوسفوس فلاویوس	پیام خاکشور	۲۱
۳۴	سلیمان روح افزا	بهرروز مبصری	۲۲
۳۵	الفریدهیلی نک		۲۴
۳۶	هارامیام	لیورا سعید	۲۶
۳۷	الیاس کانتی		۲۶
۳۸	شالوم علیخیم		۲۷
۳۹	منوچهر آذری	مهدی جوانبخت سامانی	۲۸
۴۰	ایرن نمبروفسکی		۲۹
۴۱	شیرین طالع		۲۹
۴۲	مرتضی معلم		۳۰
۴۳	ژیلبرت صدیق پور		۳۰
۴۴	دکتر ابراهیم برال	مسلم بهادری	۳۳
۴۵	آنا فروید	تینا ربیع زاده	۳۳
۴۶	حکیم نورمحمد	المیرا ضرابی	۳۴
۴۷	ژاک دریدا	آرش ساکتخو	۳۴
۴۸	شالوم علیخیم		۳۵
۴۹	سلیمان حبیب	بیژن آصف	۳۶
۵۰	دکتر منوچهر نیکروز		۳۷
۵۱	هارامیام	فرهاد افرامیان	۳۷
۵۲	ژوزف برگ		۳۷
۵۳	حاکام یوسف همدانی کهن	نسترن جاذب	۴۰
۵۴	پل سامونلسون	نیوشا پایاب	۴۰
۵۵	آقاجان شادی	فرانک عراقی	۴۱
۵۶	مارک زاکربگ	نیوشا پایاب	۴۱
۵۷	فریبرز موریم	سلیمان کهن صدق	۴۲
۵۸	ویکتور فرانکل	نیوشا پایاب	۴۲
۵۹	مایکل دل	نیوشا پایاب	۴۳
۶۰	الی ویزل	آرش آبائی	۴۳
۶۱	پرویز خان (هارون یشایایی)	فرانک عراقی	۴۴
۶۲	زیگموند فروید	نیوشا پایاب	۴۴
۶۳	لئونارد کوهن	آرش آبائی	۴۴
۶۴	رامین کهن	آزاده بن ذکریایی	۴۵
۶۵	ساموئل رهبر	نیوشا پایاب	۴۵
۶۶	رحمن دلرحیم	فرانک عراقی - آرش آبائی	۴۶
۶۷	دکتر مرتضی معلم	نیوشا پایاب	۴۶
۶۸	بابا یقوتیتل	نورالله نورمن گبای	۴۶
۶۹	فیلیپ راث	آتوسا آرمین	۴۶
۷۰	ولفگانگ پاولی	نیوشا پایاب	۴۷
۷۱	عبدالله طالع همدانی	فرانک عراقی	۴۸
۷۲	پیروز سیار	مرجان یشایایی	۴۸
۷۳	آبراهام مزلو	نیوشا پایاب	۴۸

ردیف	عنوان	نویسنده / مترجم	شماره بیبا
۷۴	مارسلین	الهام مودب	۴۹
۷۵	ادوارد یاکوب پولاک	نیوشا پایاب	۴۹
۷۶	کلاین	روبرت شمیان	۴۹
۷۷	ریتا لوی منتالچینی	نیوشا پایاب	۵۰
۷۸	امی لوتر	نیوشا پایاب	۵۱
۷۹	مولانا شاهین	لنا دانیالی	۵۲
۸۰	نوربرت الیاس	آتوسا آرمین	۵۲
۸۱	یهودی منوهین	نیوشا پایاب	۵۲
۸۲	جی. دی. سالیانجر	آتوسا آرمین	۵۳
۸۳	وودی آلن	نیوشا پایاب	۵۳
۸۴	دیوید کاپرفیلد	نیوشا پایاب	۵۴
۸۵	روبن یروشلمی	بیژن خاکشور	۵۵
۸۶	دریفوس	آتوسا آرمین	۵۵
۸۷	تونی کرتیس	نیوشا پایاب	۵۵
۸۸	پل نیومن	نیوشا پایاب	۵۶
۸۹	دکتر مسعود برال	مردخای امین شموئیلیان	۵۸
۹۰	روزالیند فرانکلین	مجتبی برهانی داریانی	۵۸
۹۱	هوشنگ شیرازی (خالدار)	الهام مودب	۵۸
۹۲	خاندان گوگنهایم	آتوسا آرمین	۵۹
۹۳	دکتر شکرالله الف امیدی	المیرا سعید	۵۹
۹۴	شرگان انورزاده		۵۹
۹۵	فریبا صدیقیم	آرش آبائی	۵۹
۹۶	پروفیسور مورین	لنا دانیالی	۶۰
۹۷	موسی قویتیان	آرش آبائی	۶۰
۹۸	یوکابد گیدانلیان	المیرا سعید	۶۰

**پیوست ۳: نمایه تاریخ و زندگی یهودیان ایران و جهان**

۱	یهودیان ایران	کیارش یشایایی	۱ تا ۴
۲	یهودیان بولیوی	سیما مقتدر	۵
۳	یهودیان اوکراین	سیما مقتدر	۶
۴	کلیمیان اراک	علی آقا بابا	۱۲ و ۱۳
۵	یهودیان آلمان	سیما مقتدر	۱۲
۶	یهودیان هند	سیما مقتدر	۱۳
۷	کلیمیان خرم آباد	ایرج کاظمی	۱۴
۸	کلیمیان همدان	بیژن آصف	۱۵
۹	یهودیان عراق	مریم عربزاده	۱۵
۱۰	یهودیان سوئد	سیما مقتدر	۱۶
۱۱	یهودیان مراکش، تونس و الجزایر	سیما مقتدر	۱۷
۱۲	یهودیان برمه (میانمار)	سیما مقتدر	۱۸
۱۳	یهودیان اسپانیا	سیما مقتدر	۱۹
۱۴	یهودیان اصفهان	اکبر شیرانی	۲۰ و ۲۱
۱۵	یهودیان ترکیه	سیما مقتدر	۲۰
۱۶	یهودیان هلند	سیما مقتدر	۲۱
۱۷	یهودیان رومانی	سیما مقتدر	۲۴

ردیف	عنوان	نویسنده/مترجم	شماره پینا
<b>پیوست ۴: نمایه کنیساهای ایران و جهان</b>			
۱	کنیсай حییم	مهران ملک	۴۴
۲	کنیсай کوروش	مهران ملک	۴۶ و ۴۵
۳	کنیсай اتفاق	مهران ملک	۴۸ و ۴۷
۴	کنیсай دروازه دولت (روحی شاد)	مهران ملک	۵۰ و ۴۹
۵	قدیمی ترین کنیساهای قاره افریقا	فرینوش لازار	۵۰
۶	قدیمی ترین کنیساهای قاره آسیا	فرینوش لازار	۵۱
۷	کنیсай ملاحنیا	مهران ملک	۵۱
۸	کنیсай پل چوبی	مهران ملک	۵۳
۹	قدیمی ترین کنیساهای قاره امریکا	فرینوش لازار	۵۳
۱۰	کنیсай زرگریان	مهران ملک	۵۵ و ۵۴
۱۱	قدیمی ترین کنیساهای قاره اقیانوسیه	فرینوش لازار	۵۴
۱۲	کنیساهای شهر یزد	الناز حق شناس	۵۶
۱۳	کنیсай خراسانیهیا	مهران ملک	۵۷
۱۴	کنیсай ابریشمی	مهران ملک	۵۹ و ۵۸
۱۵	کنیсай کهن (نواب)	مهران ملک	۶۰
۱۶	تحلیل تعداد کنیساهای شهر یزد	الناز حق شناس	۶۰
<b>پیوست ۵: نمایه موضوع‌های متفرقه در ارتباط با یهود و کلیمیان</b>			
۱	حقوق اقلیت‌ها در اندیشه امام علی	مصطفی دلشاد تهرانی	۱۴
۲	اعلامیه امحای تمام اشکال نابرداری و تبعیض مذهبی		۱۵
۳	حقوق بشر از دیدگاه متون یهود	یونس حمامی لاله زار آرش آبائی	۱۶
۴	نقد فیلم مریم مقدس	یونس حمامی لاله زار آرش آبائی	۱۶
۵	ادبیات فارسی‌هود	ناهید پیرنظر	۱۹ و ۲۰
۶	لباس و آرایش یهودیان	پیمان متین	۲۴
۷	اسناد گنیزا	افسانه منفرد	۲۵
۸	آموزش و پرورش نزد ایرانیان یهودی	منیژه ربیعی	۳۰
۹	گیلیارد - گورستان کهن		۳۰
۱۰	فارسی-یهودی		۳۴
۱۱	گورستان گیلیارد	ژان پایاب - داوود گوهریان	۳۶
۱۲	نقش یهودیان در ترویج موسیقی	ژان پایاب	۳۶
۱۳	خوشنویسی عبری	مریم فدایی	۳۶ و ۳۷
۱۴	یهودیان و موسیقی ایرانی	ژان پایاب	۳۷
۱۵	غذاهای یهودی و تاریخ آن	الهام مودب	۳۸ و ۳۹
۱۶	گیلعاد: گیلیارد	هارون یشایایی	۴۱
۱۷	تاثیر ایرانیان بر تلمود بابلی	فرانک عراقی آزاده احسانی	۴۲
۱۸	زیارتگاه چهار انبیا در قزوین	فرانک عراقی	۴۴
۱۹	تنوع غذایی یهودیان	مژده یمینیان	۴۴
۲۰	پوشاک کردهای کلیمی	افشین میرعبدالله لواسانی	۴۶
۲۱	قباله های ازدواج یهودیان	شقایق غفاری پناه	۴۷

ردیف	عنوان	نویسنده/مترجم	شماره پینا
۱۸	یهودیان لهستان	سیما مقتدر	۲۵
۱۹	یهودیان امریکای مرکزی	سیما مقتدر	۲۶
۲۰	یهودیان چک	سیما مقتدر	۲۸
۲۱	یهودیان ایران	عزیز دانشراد	۲۱
۲۲	یهودیان عراق	سیما مقتدر	۲۲
۲۳	یهودیان اروگوئه	سیما مقتدر	۲۳
۲۴	کلیمیان سنندج		۲۴
۲۵	یهودیان افغانستان	لیورا سعید	۲۵
۲۶	یهودیان آرژانتین	سیما مقتدر	۲۶
۲۷	یهود در روزگار هخامنشیان	پروانه وحیدمنش	۲۷
۲۸	یهود ایران در دوران باستان	پروانه وحیدمنش	۲۸
۲۹	یهودیان سورینام	سیما مقتدر	۲۹
۳۰	ارتباط متقابل ایران و یهود	شیوا کاویانی	۳۰
۳۱	یهودیان اسلواکی		۳۱
۳۲	یهودیان آذربایجان	ژان پایاب	۳۲
۳۳	یهودیان آفریقای جنوبی		۳۳
۳۴	یهودیان فرانسه	ژان پایاب	۳۴
۳۵	یهودیان ایتالیا	ژان پایاب	۳۵
۳۶	یهودیان برزیل	ژان پایاب	۳۶
۳۷	یهودیان در قرون وسطی	نسترن جاذب	۳۷
۳۸	یهودیان ایرلند	ژان پایاب	۳۸
۳۹	یهودیان یونان	ژان پایاب	۳۹
۴۰	یهودیان روسیه	ژان پایاب	۴۰
۴۱	یهودیان افغانستان	ژان پایاب	۴۶
۴۲	یهودیت در بلغارستان	ژان پایاب	۴۷
۴۳	یهودیان گرجستان	میلااد خردمهر	۴۷
۴۴	یهودیان یوگوسلاوی	ژان پایاب	۴۸
۴۵	یهودیان ارمنستان	ژان پایاب	۴۹
۴۶	یهودیان خوانسار در عهد صفویه	نسترن جاذب	۴۹
۴۷	یهودیان اراک	نسترن جاذب	۵۰
۴۸	یهودیان آذربایجان	نسترن جاذب	۵۱
۴۹	یهودیان مراکش	میلااد خردمهر	۵۱
۵۰	کلیمیان بوکان	نسترن جاذب	۵۲
۵۱	یهودیان مکزیک	سیما رفوآ	۵۳
۵۲	یهودیان هندوستان	سیما رفوآ	۵۴
۵۳	یهودیان یزد	الهام مودب	۵۴
۵۴	یهودیان لتونی	سیما رفوآ	۵۵
۵۵	یهودیان در دوران نادرشاه	یاسمن غنی	۵۵
۵۶	یهودیان کوهستان	نسترن جاذب	۵۵
۵۷	یهودیان نیوزیلند	سیما رفوآ	۵۶
۵۸	ایرانیان یهودی در نوشته‌های پولاک	یاسمن غنی	۵۹
۵۹	اخراج یهودیان از اسپانیا	میلااد خردمهر	۵۹

ردیف	عنوان	نویسنده / مترجم	شماره بینا
۲۲	پوشاک یهودیان ایران در دوره قاجار	افشین میرعبدالله لواسانی	۴۸
۲۳	چرا غذای کاشر	مژده یمینیان	۴۸
۲۴	مصا پزی	الهام مودب	۵۰
۲۵	شاووعوت و لبنیات	مژده یمینیان	۵۰
۲۶	توارث همزمان مسلمانان و پیروان ادیان	پیمان ساکتخو	۵۱
۲۷	وزارت خارجه و حفاظت از کلیمیان	رضا آذری شهرضایی	۵۱
۲۸	یهودیان در سینمای ایران	هارون یشایایی	۵۲
۲۹	ایلانوت و انجیر	مژده یمینیان	۵۲
۳۰	استرا خاتون	بیژن خاکشور	۵۳
۳۱	زیارتگاه حقوق نبی	نسترن جاذب	۵۳
۳۲	مقابر منسوب به پیامبران بنی اسرائیل	یاسمن غنی	۵۴
۳۳	گویش یهودیان همدان	نسترن جاذب	۵۴
۳۴	بازتاب روایات تلمود بابلی بر روایات اسلامی	آرش آبائی	۵۵
۳۵	مناظرات امام رضا با علمای یهود	آرش آبائی	۵۵
۳۶	دیدگاه‌های محیط‌زیستی موسی ابن میمون	وحید محمودی	۵۶
۳۷	مدرسه آیانس کرمانشاه	نسترن جاذب	۵۶
۳۸	ارزش تاریخی نان در دین یهود	مژده یمینیان	۵۶
۳۹	مصاحبه با حاخام ترکیه	الهام مودب	۵۷
۴۰	موزه یهودیان تهران	الهام مودب	۵۷
۴۱	نقش ادیان در خروج از بحران محیط زیست	آرش آبائی	۵۸
۴۲	اصلاح قانون ارث اقلیت‌های دینی	امیر فراز نعیموت	۵۸
۴۳	شبات: درمانی برای تنهایی	سیما رفوآ	۵۸
۴۴	آداب تغذیه در عید پسخ	مژده یمینیان	۵۸
۴۵	طلاق در جامعه کلیمی	دوریتا معلمی	۵۷ و ۵۸
۴۶	وزارت خارجه و حفاظت از کلیمیان	رضا آذری شهرضایی	۵۸
۴۷	همایش‌های امام رضا و گفتگوی ادیان	آرش آبائی	۵۹
۴۸	محله جویباره اصفهان	پگاه آرمن	۵۹
۴۹	اتروگ: نمادی از قلب	مژده یمینیان	۵۹
۵۰	موزه آموزشی کودکان یهودی نیویورک	الهام مودب	۵۹
۵۱	پرونده تعطیلی شنبه‌ها	آرش آبائی	۶۰
۵۲	تقویم عبری کهن صدق	آرش آبائی	۶۰
۵۳	ریشه‌های تاریخی گورستان گیلبارد	مریم میرزایی	۶۰

آرشیو ۶۰ شماره (دوره‌ی ۲۵ ساله‌ی) نشریه‌ی افق بینا در انجمن کلیمیان موجود است



## گزیده‌ی اخبار روابط عمومی انجمن کلیمیان<sup>۱</sup>

تک تک افراد جامعه می‌باشد که زمان آن نیز، قطعاً تنها به زمان برگزاری مجمع عمومی محدود نبوده، نیست و نخواهد بود. پاسخگویی مستمر و روزانه به نظرات و انتقادات افراد، وظیفه ذاتی خدمتگزاران مردم در هیات مدیره انجمن می‌باشد. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با کمال خشوع و خضوع، از کلیه اشخاص بزرگواری که زمان و زندگی خود را وقف خدمت بی‌شائبه به افراد جامعه می‌نمایند سپاسگزاری و قدردانی می‌نماید. چه بسا، بسیاری از زحمات آنان که از دید هر مخلوقی پنهان می‌باشد و تنها قادر مطلق از ابعاد تلاش‌ها و دلسوزی‌های آنها نسبت به جامعه خویش آگاه است.

### • برگزاری جشن تقدیر از دانش‌آموزان

#### ممتاز کلیمی

طبق روال هر ساله و به همت کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران، جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی در روز پنج‌شنبه و ششم بهمن ماه ۱۴۰۴ در تالار محبان برگزار شد. جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان)، دکتر همایون سامه‌یخ (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران)، جمعی از اعضای هیات مدیره و بازرسین انجمن، دبیران عبری و فعالان اجتماعی از جمله حاضران در این برنامه بودند. برنامه با همکاری مسئول کمیته جوانان (مهندس هرصل گل‌شیرازیان) و سایر اعضای این کمیته (الناز حریریان، پرهام ذکریاپور، سامان سامه‌یخ، سارا لاله‌پور، شایان ملکان و دانیلا یوم‌تویبان) اجرا شد.

### • هشدار مجدد روابط عمومی انجمن

#### کلیمیان تهران در خصوص برخی فعالیت‌های مشکوک در فضای مجازی

مشاهده شده برخی از افراد سودجو و فاقد صلاحیت، با ایجاد صفحات فیک و همچنین سوءاستفاده از لوگوی انجمن کلیمیان تهران در شبکه‌های اجتماعی (همچون اینستاگرام، تلگرام و ...) خود را به عنوان انجمن کلیمیان و یا نماینده جامعه

### • مجمع عمومی انجمن کلیمیان تهران

مجمع عمومی عادی نوبت دوم انجمن کلیمیان تهران ۹ آبان ماه ۱۴۰۴ در کنیسی‌ای ابریشمی و با حضور همکیشان و نماینده وزارت کشور برگزار شد.

در ابتدا یوسف هارونیان به عنوان رئیس سنی مجمع توسط حضار انتخاب گردید. سپس مطابق رای‌گیری به عمل آمده، شهروز حوری‌زاده، اورا الفامیدی، مهران ساسانی، لونا یوم‌تویبان و آرش سعیدیان به عنوان اعضای هیات رئیسه مجمع عمومی انجمن کلیمیان تهران انتخاب شدند.

رای‌گیری دیگر، در خصوص بازرسین جدید انجمن نیز برگزار شد که در نتیجه آن، سعید فروزان‌فر، رامین سخایی و امید ماخانی مجدداً در سمت‌های خود ابقا شدند.

ارائه چکیده گزارش فعالیت انجمن کلیمیان توسط دکتر همایون سامه‌یخ (رئیس انجمن)، قرائت گزارش مالی توسط موسی ثانی (خزانه‌دار) و قرائت گزارش بازرسین توسط مهندس امید ماخانی (بازرس) انجام پذیرفت که تمامی این گزارش‌ها توسط حاضرین در مجمع عمومی مورد تأیید قرار گرفت.

در ادامه، محور عمده پرسش‌ها و انتقادات مطرح شده در مجمع عمومی، حول مسائل مربوط به املاک انجمن بود که با توجه به زمان موجود و تا حد امکان، به پرسش‌های مطرح شده از ابعاد مختلف، پاسخ داده شد. در این میان، برخی از افراد حاضر نیز با قرار گرفتن پشت تریبون، به بیان نقطه‌نظرات خویش در مورد مسائل مختلف پرداختند.

خاطر نشان می‌سازد در طول جلسه، اعتراض همراه با فریاد تعداد محدودی از حاضرین و به دنبال آن ایجاد جو متشنج در روند ادامه برنامه، متأسفانه باعث شگفتی و تعجب نماینده محترم وزارت کشور شد.

تردید نیست که از یک سو بیان انتقادات سازنده، باعث اصلاح و پویایی هر چه بیشتر فعالیت انجمن می‌شود و از سوی دیگر، باید تأکید کرد شان و منزلت جامعه فرهیخته کلیمیان، بسیار فراتر از برخی اتهامات واهی و توهین‌های متقابل است. به اعتقاد روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران، طرح پرسش و انتقاد از عملکرد انجمن کلیمیان تهران، حق بدیهی

۱ با همکاری مهندس امید محبتی مقدم، مدیر روابط عمومی انجمن

طور معمول در نماز صبح آن را به تن می‌کنند، دارای رشته‌هایی است که طبق فرمان تورات مقدس باید یکی از آن‌ها به رنگ «تخلت»، یا رنگ آبی خاص باشد. همان‌طور که از متن تورات مقدس مشهود است، هدف از این امر، یادآوری مداوم فرمان‌های خداوند و دوری جستن از گناه است. بی‌تردید رنگ آبی نیز به عنوان نمادی از آسمان و عرش خداوند، این یادآوری را تقویت می‌کند. رنگ آبی آسمان، مستقیماً به عرش خداوند اشاره دارد. دیدن این رنگ، فرد را به یاد حضور همیشگی خداوند و عظمت او می‌اندازد. از این گذشته، این رنگ می‌تواند نماد دریا و اقیانوس باشد که خود نماد اسرار الهی، عظمت خلقت و قدرت لایزال الهی است.

امروزه بسیاری از ردهای نماز با نوارهای آبی تزئین می‌شوند که خود یادآور «تخلت» است. همچنین استفاده از همین رنگ برای تزئین پرده‌های محل نگهداری تورات مقدس در کنیسه‌ها امری بسیار معمول در سرتاسر جهان است. با توجه به این توضیحات، رنگ آبی در یهودیت، تنها یک رنگ نیست، بلکه نمادی قدرتمند و عینی از ارتباط بین انسان و خالق است.

علاوه بر این، رنگ آبی (و نیلی و لاجوردی) در فرهنگ فارسی و حتی عرفان اسلامی-ایرانی نیز یک نماد چند بعدی و بسیار غنی است؛ از جمله: نماد عظمت و الوهیت، عظمت خلقت، نشانه‌ای از حضور خداوند، نماد ذات بی‌کران و اسرارآمیز خداوند (که عارف خود را قطره در حال حل شدن در این دریای بی‌کران می‌بیند)، نماد رهایی و آرامش، نماد پاکی و حیات

...  
به قول شاعر برجسته ایران، قیصر امین‌پور: «من می‌شنوم رنگ صدا را آبی / ... / موسیقی لبخند خدا را آبی»

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران همان اندازه که به اهمیت صرفاً دینی و مذهبی این رنگ واقف است، از سواستفاده‌های مکرر و مسبوق به سابقه رژیم صهیونیستی از آموزه‌های مقدس و همیشه جاودان یهودیت نیز به خوبی آگاه است. لذا جهت جلوگیری از هر گونه سواستفاده دشمنان قسم‌خورده نظام مقدس جمهوری اسلامی و تفسیر به رای نمودن عملکرد انجمن کلیمیان تهران، زین پس روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران در انتهای متون خود از سه رنگ سبز، سفید و قرمز که مظهر پرچم همواره سرافزار میهن عزیزمان می‌باشد استفاده خواهد نمود.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران ایمان دارد جامعه فرهیخته کلیمیان ایران، همواره با بینش عمیق خود، خط

کلیمیان در داخل کشور معرفی نموده‌اند.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران بدین‌وسیله به کلیه هموطنان و همکیشان عزیز یادآور می‌شود تنها حضور انجمن کلیمیان تهران در فضا و صفحات مجازی، کانال روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران در پلتفرم تلگرام می‌باشد. بنابراین هرگونه فعالیت دیگر در فضا و شبکه‌های مجازی تحت عنوان انجمن کلیمیان تهران یا نماینده جامعه کلیمیان ایران، فاقد هرگونه ارتباط با این انجمن بوده و به هیچ عنوان مورد تایید نمی‌باشد.

لذا موکداً از تمامی همکیشان عزیز انتظار می‌رود در اولین فرصت ممکن و هر چه سریع‌تر، نسبت به رپورت نمودن و ترک این صفحات، گروه‌ها و یا کانال‌ها اقدام نمایند.

ضمن آرزوی سربلندی هر چه بیشتر برای ایران و ایرانیان، آینده‌نگری و هشیاری همه‌جانبه عزیزان در این خصوص، موجب امتنان روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران خواهد بود.

#### • توضیح در راستای عملکرد روابط عمومی

##### انجمن کلیمیان تهران

به دنبال دریافت برخی دیدگاه‌های دلسوزانه از سوی جمعی از هموطنان عزیزمان، روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران جهت تنویر هر چه بیشتر افکار دوستان گرانقدر خود، شرحی مختصر بر اهمیت رنگ آبی در دیانت مقدس یهود را در ادامه بیان می‌دارد:

رنگ آبی و جایگاه ویژه آن در یهودیت، یک موضوع بسیار جالب و ریشه‌دار است. در یهودیت (و البته همان‌طور که در ادامه ذکر خواهد شد در بسیاری از فرهنگ‌ها و ادیان دیگر)، رنگ آبی نماد الوهیت، آسمان، دریای وسیع و عرش خداوند است.

در تورات مقدس (سفر اعداد، فصل ۱۵، آیات ۳۷-۴۱) خداوند به بنی‌اسرائیل دستور می‌دهد:

«خداوند به حضرت موسی فرمود با بنی‌اسرائیل صحبت کن و به آنان بگو که برای خود بر گوشه‌های لباس‌شان در تمام دوره‌هایشان، صیصیت (رشته‌های بندی) درست کنند و به دور صیصیت، بند نیلی رنگ (تخلت) قرار دهند. این برای شما به عنوان (فرمان) صیصیت باشد تا آن را مشاهده کنید و تمام فرامین خداوند را به یاد آورید و آنها را انجام دهید تا به دنبال افکار منحرف قلبتان و به دنبال (هوس) چشمانتان که باعث انحراف و خطاکاری شما می‌شود، کشیده نشوید.»  
صیصیت یا همان شال یا ردای مخصوصی که یهودیان به

نشست «اهالی نشر و مطبوعات پیروان ادیان توحیدی» ۲۶ آبان ۱۴۰۴ با حضور سیدعباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، محسن جوادی (معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، علیرضا نوری‌زاده (مدیر کل موسسات و صنوف فرهنگی)، خانم مبرهن (مسئول دفتر امور اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد)، نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی و جمعی از ناشران و اهالی قلم پیروان ادیان توحیدی در سالن همایش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

در این نشست که در چارچوب برنامه‌های هفته کتاب برگزار شد، نمایندگانی از کلیمیان، ارامنه، آشوریان و زرتشتیان حضور داشتند.

دکتر همایون سامه‌یح (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی) با درخواست فضای بازتر برای پژوهشگران غیرکلیمی در مطالعه یهودیت تأکید کرد: جامعه کلیمی تبشیری نیست و انتظار داریم به پژوهشگران با نگاه شک برخورد نشود.

مهندس آرش آبائی نیز با قدردانی از فضای آزاد انتشار کتاب در حوزه ادیان گفت: همکاری پژوهشگران مسلمان و کلیمی در تولید منابع معتبر، باعث پیشرفت کشور شده است. در این مراسم از طرف جامعه کلیمیان، مهندس هرصل گلشیرازیان (نایب رئیس اول انجمن)، مهندس امید محبتی مقدم (نایب رییس دوم)، مهندس سامان یوسفیان (عضو هیات مدیره) و آناتل ملکان (نویسنده نوجوان از شهر اصفهان) نیز حضور داشتند.

### • حضور نمایندگان انجمن کلیمیان تهران در مراسم رونمایی از فیلم مستند «پرواز پروانه‌ها»

مراسم رونمایی از فیلم مستند «پرواز پروانه‌ها» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا محمدی، که به زندگی دو بیمار نخبه پروانه‌ای (ای‌بی) محمد مهدی و زهرا پرویزی اختصاص دارد، با حضور سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه، سید سجاد رضوی معاون درمان وزارت بهداشت، نمایندگان ادیان و مذاهب، جمعی از مسئولان، پزشکان، خیرین و بیماران مبتلا به بیماری ای‌بی و خانواده‌های‌شان، ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۴ در تالار وحدت برگزار شد.

در این مراسم از طرف انجمن کلیمیان نیز مهندس هرصل گلشیرازیان (نایب رئیس اول) و ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته فرهنگی) حضور داشتند.

بطلانی بر نقشه‌های شوم صهیونیسم و دشمنان خارجی و داخلی زده و به یاری قادر مطلق و با همدلی با سایر هموطنان ارجمند خویش، اتحاد خود را با ملت بزرگوار ایران همچون همیشه به رخ جهانیان خواهد کشید.

### • حضور گزارشگر شبکه خبری CNN

ایالات متحده آمریکا در میان جامعه کلیمیان گزارشگر شبکه خبری CNN آمریکا ۲۷ آبان ۱۴۰۴ در میان جامعه کلیمیان تهران حضور یافت و از نزدیک با روند زندگی کلیمیان و تعامل دوستانه مابین آنها با دیگر هموطنان عزیزمان آشنا شد.

ملاقات با جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار و دکتر همایون سامه‌یح، حضور در کنیسای ابریشمی تهران و دبستان موسی بن عمران از جمله برنامه‌های گزارشگر شبکه خبری CNN بود.

### • رونمایی از تازه‌های نشر پیروان ادیان توحیدی و نشست اهالی نشر و مطبوعات پیروان ادیان توحیدی

آیین «رونمایی از تازه‌های نشر پیروان ادیان توحیدی» و



از راست: هرصل گلشیرازیان - امید محبتی مقدم - دکتر همایون سامه‌یح - سید عباس صالحی (وزیر ارشاد) - آرش آبائی - لونا یوم‌طوبیان - آناتل ملکان

## • نشست رییس جمهور با رهبران و پیروان ادیان توحیدی



دکتر مسعود پزشکیان شامگاه دوشنبه ۲۰ بهمن در نشست با رهبران و پیروان ادیان توحیدی به مناسبت فرا رسیدن چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با تبیین مبانی مشترک اعتقادی ادیان الهی، بر نقش پیامبران در استقرار عدالت، گسترش مهربانی و صیانت از حقوق انسان‌ها در جامعه تأکید کرد.

## • نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی: حضور کلیمیان در راهپیمایی ۲۲ بهمن، بیانگر وفاداری به آرمان‌های انقلاب است

همایون سامه‌یح نجف‌آبادی حضور جامعه کلیمی در راهپیمایی ۲۲ بهمن، به عنوان نمادی از همبستگی و انسجام ملی در برابر چالش‌های داخلی و خارجی خواند و گفت این مشارکت همواره به عنوان نشانه‌ای از وفاداری به اصول انقلاب اسلامی و آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) تلقی شده است.

نمایندگان جامعه کلیمی در این راهپیمایی همچنین تأکید کرد:



حمایت نظام از اقلیت‌های مذهبی باعث تقویت روحیه ما شده و ما را در راستای تحقق اهداف ملی و اجتماعی یاری می‌کند.



## • عترافشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی



مراسم عترافشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی همزمان با ایام دهه فجر انقلاب اسلامی، با حضور مسئولان، نمایندگان ادیان الهی و جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۶ بهمن ماه در آرامستان آشوریان برگزار شد.

بیتنا

شماره ۲۱۷  
تاریخ: ۱۴۰۴-۳-۲۷  
پست:

مجلس شورای اسلامی  
پایون  
سازمان تبلیغات اسلامی  
ناشر: ایران‌پاکی  
مدیر: یونس  
مدیر: یونس  
مدیر: یونس

«انتقام از آن من است و جزا را من خواهم داد؛ زیرا پای ایشان خواهد لغزید، زیرا روز بلاي ایشان نزدیک است و آنچه برای ایشان مقدر شده، به زودی خواهد رسید.»

(تورات مقدس، سفر تثنیه، باب ۳۲، آیه ۳۵)

جامعه ایرانیان کلیسی، حملات وحشیانه و جنایت‌کارانه رژیم صهیونیستی را به مردم می‌گناه، بی‌دفاع و غیرنظامی ایران، و نیز به فرماندهان نظامی و دانشمندان کشورمان، به شدت محکوم می‌نماید. این رژیم سفاک و کودک‌کش، در توهمی بی‌پایه گمان می‌برد که با ترور و شهادت رساندن فرزندان برومند ملت ایران، می‌تواند از خشم ملت و انتقام الهی در امان بماند.

اما تاریخ نشان داده است که خون شهیدان، درخت مقاومت را تنومندتر می‌سازد. مگر نه آنکه با وجود شهادت و زخمی شدن هزاران خواهر و برادر مظلوم ما در سرزمین فلسطین، جبهه مقاومت همچنان ایستاده است و با صلابت در برابر جنایات رژیم اشغالگر پایداری می‌کند؟

جامعه ایرانیان کلیسی، ضمن عرض تبریک و تسلیت به محضر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و ملت بزرگ ایران به سبب شهادت فرزندان غیور این مرز و بوم، خواهان پاسخ گوینده و عبرت‌آموز به این اقدام تروریستی و بی‌سابقه است.

همی تردید برتاب روزانه هزاران پهلاد و موشک به سوی اهداف نظامی و سیاسی رژیم اشغالگر قدس، کمترین پاسخ درخور به این جنایات خواهد بود.

ما یقین داریم که با از دست رفتن هر یک از مسئولین این سرزمین، مردانی با اراده‌ای قوی‌تر و عزمی راسخ‌تر جایگزین آنان خواهند شد و مسیر عزت، اقتدار و مقاومت ملت ایران، با صلابت ادامه خواهد یافت.



با تقدیم احترام  
همایون سامه بیج نجف‌آبادی  
نماینده ایرانیان کلیسی در مجلس شورای اسلامی

تهران: میدان بهارستان، مجلس شورای اسلامی، فلان‌کار، نمایندگان، طبقه ششم، اتاق ۶۲۶ تلفن: ۳۹۹۳۱-۰۲۱

انجمن کلیسای تهران

بیتنا

Comité Central  
de la

COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN  
TEHRAN  
Central Jewish Committee

تاریخ: ۱۳۰۲/۲۱۳  
شماره: ۲۱۶

انجمن کلیسای تهران تجاوز و حشیانه و ددمشانه رژیم صهیونیستی به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و هموطنان عزیزمان را به شدت محکوم می‌کند.

ترددی نیست به تغییر رهبر فرزانه انقلاب، دست قدرتمند نیروهای مسلح، پاسخی در خور و شایسته به این جنایت بزرگ و اقدام مذبوحانه که با حمایت مستکبرین زمامه و در رأس آن، امریکای جنایتکار انجام شده است، خواهد داد.

انجمن کلیسای ضمن اعلام انزجار مجدداً از این جنایت نکسین، توبه ندارد به زودی حتی بر باطل پیروز گشته و به اطفی قادر مطلق، صلحی پایدار مبنی بر عدالت و انصاف بر ظلم و جناح غلبه خواهد نمود.

با تقدیم احترام  
رئیس انجمن کلیسای تهران  
دکتر همایون سامه بیج



تلفن: همایون سامه بیج - خیابان شیخ بهایی - شماره ۳۳ - تهران - ایران  
موقعه سوم - کوچه ۱۳۷۳۳۱۷  
شماره: ۶۶۷۹۲۲ - تلفن: ۶۶۷۹۲۲ - WWW.IRANJEWISH.COM  
Email: iranjewish@iranjewish.com

Add: #22, 3<sup>rd</sup> Floor, Sheikh-Hadi St., Jambori Ave., 113973317, Tehran - Iran  
Tel: (+98 21) 6702356-6707612-66716430. Fax: (+98 21) 6716439  
Email: iranjewish@iranjewish.com WWW.IRANJEWISH.COM

# نمودار علمی اینفوگرافیک بعضی از ویژگی های تقویم عبری

بررسی پارامترهای ریاضیاتی موثر در محاسبات تقویم یهودی

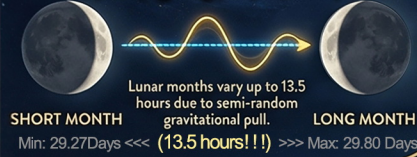
## 1 مداخلات گرانشی بر تغییر سرعت حرکت کره ماه در سالهای مختلف

گرانش خورشید، زحل و مشتری، موثر هستند

مثلا گاهی حدود ۱۳/۵ ساعت، بین طول ماه های قمری تفاوت وجود دارد  
بنابر این محاسبه میانگین را بسیار دشوار می کند



## 2 زمان ماه های قمری با طولهای متفاوت (محاسبه میانگین آسان نیست)



## 3 میانگین دقیق طول ماه قمری تقویم عبری



YEARS TO ACCUMULATE 1 DAY OF ERROR HEBREW (ULTRA-HIGH PRECISION):

14,000 YEARS Hebrew

The Hebrew calendar is 4.6x more astronomically stable.

مثلا در بررسی های نجومی

تقویم قمری عبری از تقویم میلادی 4.6 برابر دقیقتر هست

تقویم قمری عبری

از تقویم میلادی

4.6 برابر دقیقتر

هست

تقویم عبری 14,000 هزار سال طول می کشد تا یک روز یا نجوم خطا داشته باشد (یعنی تا 14000 سال احتیاج و اصلاح و تنظیم مجدد تقویم عبری نیست)

تعداد روزهای همه ماه های عبری از قبل مشخص هست اما برای حیوان و کیسلو هر سال با سال بعد فرق می کند

## 6 محاسبه پیچیده طول ماههای حیوان و کیسلو تا سال 6 هزار عبری توسط هیلل 2



در هر سال برای تنظیم دقیق تعداد روزهای ماه حیوان و کیسلو، ابتدا **ثابتهای دقیق** مولود ماه (حلول ماه) روش هسانا و وضعیت **ساعات کیسلو** سال بعد باید در نظر گرفته شود

## در تقویم عبری، سالهای کیبسه، ۱۳ ماهه هستند



بنابراین سالهای قمری رفته رفته از سالهای شمسی عقب نمی مانند  
مثلا جشن **پسح** همواره در بهار برگزار می شود.

## دقت شگفت انگیز

محاسبات هیلل دوم در ۱۷۵۰ سال قبل در مقایسه با ناسا



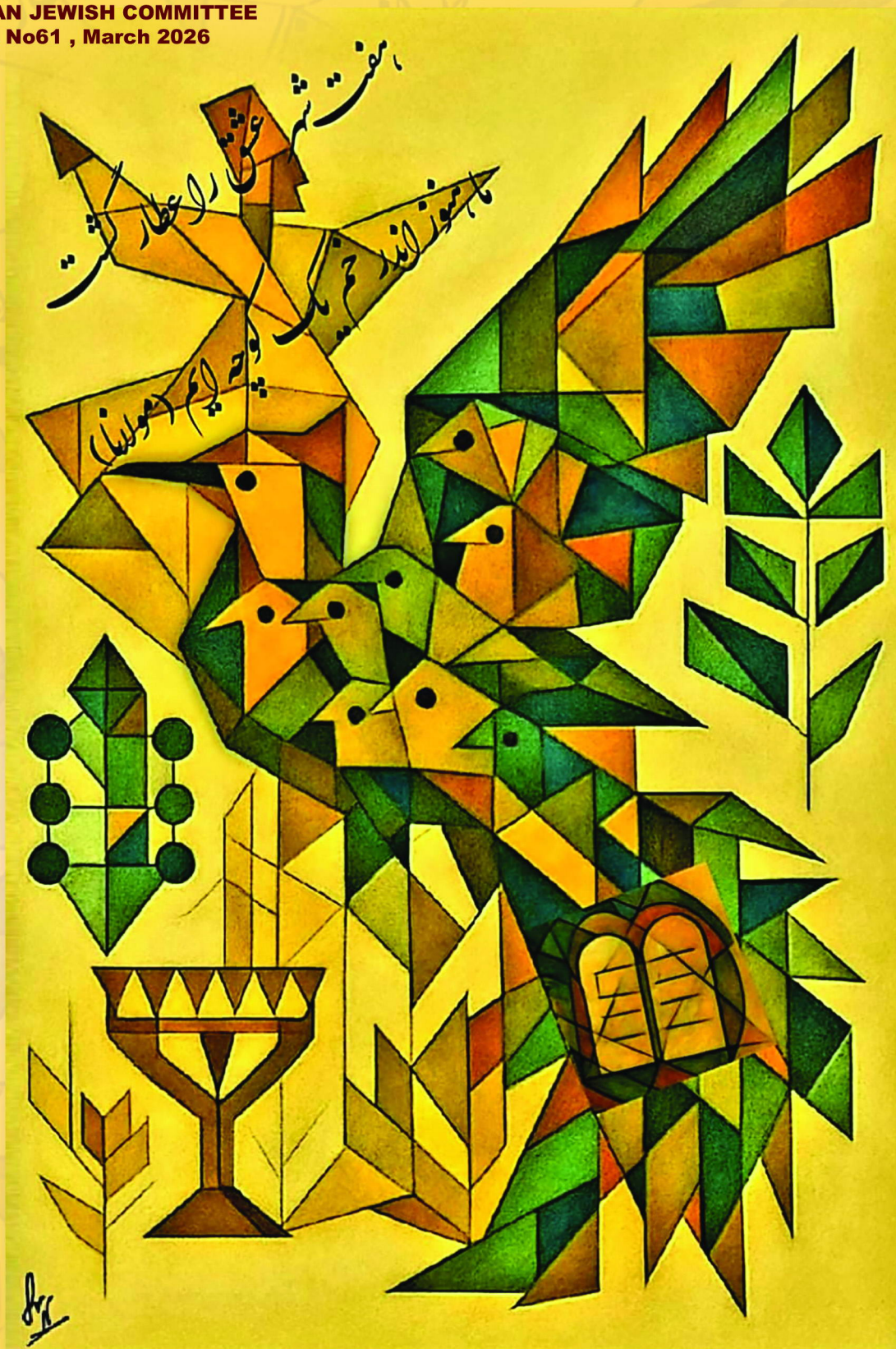
99.9999% Sync (Difference < 2 Seconds)  
Differ < 2 Seconds per month

1750 AGO  
Hillel II: 29.5305941 days  
NASA: 29.5305888 days

**سوال:** آیا الگوهای تقویم عبری بطور دوره ای تکرار می شوند؟ **پاسخ:** هم بله هست و هم خیر. خیر به این خاطر که: بخش اصلی تقویم، بطور کلی ما ۱۴ حالت و جداول سالیانه ۱۴ گانه در تقویم عبری داریم که بر اساس شرایطی مثل کیبسه بودن سال، بر اساس محاسبات **ثابتهای** مولود ماه تیشری و شروع سال جدید، یکی از این ۱۴ جدول که مناسب آن سال هست انتخاب و استفاده می شود. بنابر این انتخاب جداول ۱۴ گانه حالت دوره ای ندارد و بسته محاسبات **ثابتهای**، ممکن است شما یکی از جدول ها را انتخاب کنید و اینگونه نیست که نوبتی باشد و همچنین الگوهای **حشوان** و **کیسلو** هم به هیچ وجه، دوره ای یا تکرار شونده نیست که مثلا بگوییم هر ۵۰ سال یا ۱۰۰ سال این الگوها تکرار می شود. الگوی تکرار ندارند. و شبه تصادفی هستند. **تنها مواردی که در تقویم عبری دوره ای و تکرار شونده هستند:** یکی دوره های ۱۹ ساله، سالهای **کیبسه** و دیگری دوره ۲۸ ساله براخای خورشید هست. **همچنین** یهودیان در کنار این تقویم قمری، یک **تقویم خورشیدی** هم دارند که در قدیم برای مدیریت و تنظیم منابع **سالیانه** بیت همیقداش مثل **ادویهجات**، **بخورها** و **عطریات مقدس**، و نیز **امروزه برای تنظیم دقیق تاریخ شروع بارخ عالیانو در نماز لحنش و تاریخ تقوفاهای چهارگانه (Teghoofah תגוּפוּחַ)** استفاده می شود.

# OFEGH BINA

Cultural, Social and News Magazine of  
TEHARAN JEWISH COMMITTEE  
VOL.26, No61 , March 2026



عرفان یهود و اشعار فارسی اثر: فرزاد فروزانفر